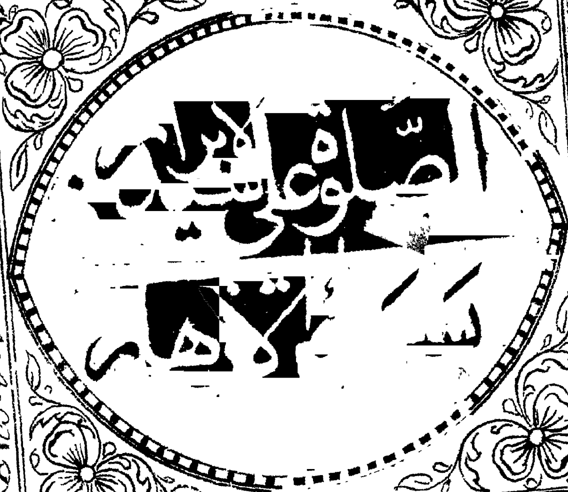
فهرست کتاب نسایم الازهار فی الصلوة علی سید الابرار

بفضله از تصنیفات جناب مغفرت مآب علامهٔ زمان مقرب بارگاه یزدان حضرت مولانا مولوی

محمد غوث صاحب مرحوم و مغفور دیوان سابق دربار نواب کرناتک کتاب مستطاب مسمی



در سنه ۱۲۷۰ هجری در شهر مدراس باهتمام بندهٔ ضعیف سید عبد اللطیف اضعف عبد اللطف

بتصحیح تمام و درستی تمام بمطبع مظهر العجائب حلیهٔ انطباع پوشید

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله
علی سیدنا محمد وعلی آله واصحابه وسلم

سپاس تقدس اساس وستایش تنزه اقتباس [illegible] خلعت کرامت محمدی را بخطاب مستطاب یا ایها الذین
آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما اختیار بخشید وبعطار زرین قبای اولئک علیهم صلوات من ربهم
ورحمة واولئک هم المهتدون معزز وسباهی گردانید وتاج مکلل هو الذی یصلی علیکم وملائکته
بسر ایشان نهاد وبرائحه عطریه صل علیهم ان صلوتک سکن لهم مشام ایشان را طراوت بی اندازه داد جل جلاله وعم
نواله وافضل صلوات واکمل تسلیمات بر سید کائنات خلاصه موجودات صدرنشین صفه عسی ان یبعثک ربک مقاما
محمودا نازنین مهمان مائده ولسوف یعطیک ربک فترضی وبر آل کرام واصحاب عظام او علیه وعلیهم صلوات الله
الملک المنعام اما بعد میگوید بنده خاکسار عاصی خاطی محمد غوث بن ناصرالدین محمد نائطی شافعی ارکاتی اعتقهما الله تعالی
عن وثاق الجحیم واسکنهما بحبوحة جنات النعیم که اشتغال به صلوات وتسلیم بر نبی کریم اقرب وسائل رفع درجات
ومحو سیئات ونزول صلوات رحمان ودرود انبیا وفرشتگان وتضاعف حسنات واستجابت دعوات وکفایت مهام
وامن از عطش یوم القیام وغفران ذنوب وکشف کروب وادراک شفاعت نبوی ورویت جمال مصطفوی وبشارت جنت
وکفارت معصیت ونجات از اهوال وبرکت در نفس واموال وزینت محفل وحل مشکل وتزکیه اعمال وکیل بوافی ترین
مکیال ونور بر صراط مستقیم وشهادت رسول کریم ورجحان میزان وعتق از درکات نیران ودیگر جلائل فوائد
وشرائف عوائد است واکثر علما درین باب رسائل جلیله وصحائف جزیله تالیف کرده اند لیکن بسبب عربیت
عبارات ودقت اشارات از فهم عوام بعید تر افتاده این عاصی سراپا معاصی با وصف قلت بضاعت وعدم
استطاعت وکمال بعد از منصب علما وعدم مناسبت بمقام فضلا وتزاحم عوائل گوناگون وتراکم شواغل بوقلمون
نظر بافاده اخوان صادق وخلان موافق این رساله بعبارت فارسیه با توضیح مبانی وتسهیل معانی وتحقیق

بر مقام ابتدا است کلام در حدود سنه ۱۲۰۴ یکهزار و دو صد و چهار از هجرت نبی مختار علیه افضل الصلوة و اکمل السلام
من الله العزیز الغفار جمع نموده و بر دو باب مرتب کرده نامش نسایم الازهار فی الصلوة علی سید الابرار نهاد
والله الموفق والمعین و علیه نتوکل و به نستعین الهی تحفه این بی بضاعت را که از خلوص عقیدت و صفای
نیت اهدا نموده در جناب رسالت مآب حضرت شفاعت انتساب محمد مصطفی صلی الله علیه و علی آله کما
یحب و یرضی مقبول گردان شعر علی بابک العالی مددت ید الرجاء ومن جاء هذا الباب لا یخشی الردا

باب اول در تحقیق معنی صلوة

بیضاوی رحمه الله در تفسیر آیه ویقیمون الصلوة
گفته که صلوة بر وزن فعلة از صلی بمعنی دعا است تسمیه فعل نماز بدان بنا بر اشتمال اوست بر دعا صاحب قاموس رحمه الله
گفته که صلوة بمعنی دعا و رحمت و استغفار و حسن ثنا از خدای تعالی بر رسول اوست صلی الله علیه وسلم و عبادتیکه
دران رکوع و سجود است و در صراح گفته که صلوة نماز و دعا است از بنده و رحمت از خدای تعالی و درود بر رسول
و فرشتگان و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب الدر المنضود فی الصلوة والسلام علی صاحب المقام المحمود گفته که اصل
صلوة در لغت راجع بدعاست از آن قول وی تعالی وصل علیهم و قول وی صلی الله علیه وسلم اذا دعی احدکم
الی طعام فان کان صائما فلیصل ای فلیدع و دعا بر دو قسم است دعای عبادت و دعای مسالت تفسیر آیه
ادعونی استجب لکم بابن هر دو کرده اند یعنی اطیعونی اثبکم وسلونی اعطکم و سید عبد القادر بن
شیخ بن سید عبد الله عیدروس رحمه الله نیز در تحفة الغریب بالصلوة علی الشفیع الحبیب از فقیه عبد الملک بن عبد
السلام رحمه الله نقل کرده که صلوة در اصل لغت دعا است انتهی پس بر این اقوال استعمال صلوة در نماز
و در دعا هر دو حقیقت لغوی است و نقل شرعی را دران دخل نیست و زمخشری در کشاف گفته که صلوة مشتق
از صلی بمعنی تقویم چوب باتش پس ناقص یائی است و در فایق گفته که مشتق از صلوات بمعنی تحریک صلوین
پس ناقص واوی است پس منقول است در شرع بسوی ارکان مخصوصه بنا بر تقویم انسان بدان از کجی ذنوب
یا بنا بر اشتمال آن بر تحریک صلوین و آن بسکون لام دو رگ است در دو جانب پشت یا دو استخوان است
پس منقول است بسوی دعا لیکن لازم آید نقل بعد نقل و هجر منقول عنه و آن ممنوع است یا منقول است اولا
بسوی نماز و دعا هر دو بر سبیل اشتراک لفظی و در مراد از صلوة نیز اختلاف است از ابی العالیه ربیع بن انس رحمهما الله
مرویست که معنی صلوة از خدای تعالی ثنای اوست بر نبی صلی الله علیه وسلم نزد ملائکه و از ملائکه دعا است
و در فتح الباری شرح بخاری گفته که از خدای تعالی ثنا و تعظیم و از ملائکه و غیر ایشان طلب زیادة آن است و منقول
است از سفیان ثوری و ضحاک رحمهما الله که صلوة از خدای تعالی بمعنی رحمت است و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است
که صلوة از ملائکه دعا به برکت است و از مقاتل بن حیان رحمه الله منقول است که صلوة از خدای تعالی مغفرت و از

فرشتگان استغفارست وازضحاک رحمه الله روایتی دیگرست که صلوة از خدایتعالی مغفرت واز ملائکه دعاست واز مبرد
رحمه الله منقول است که صلوة از خدایتعالی رحمت واز ملائکه رقت است واز حلیمی رحمه الله منقول است جواز بودن
صلوة بمعنی سلام پس عطف وسلموا بر صلوا در آیه کریمه از قبیل عطف مترادفین است ورد کرده اند این قول را
بانکه احادیث صحیحه صریحه فرق میکنند میان صلوة وسلام ونزد بعضی صلوة خدایتعالی بر انبیا علیهم الصلوة والسلام
بمعنی ثنا وتعظیم است وبر غیر ایشان رحمت است وقاضی عیاض رحمه الله از بکر قشیری نقل کرده که صلوة بر نبی تشریف
وزیادت تکریم است وبر غیر نبی رحمت وحلیمی رحمه الله در شعب الایمان آورده که معنی صلوة بر نبی تعظیم اوست
ونزد بعضی صلوة از خدایتعالی رحمت واز ملائکه استغفار واز آدمیان دعاست وسید سند رحمه الله در حواشی
شرح حکمة العین تصریح کرده که از وحوش وطیور بمعنی تسبیح است ونیز حلیمی رحمه الله گفته که مراد از صلوة بر وی
صلی الله علیه وسلم تقرب بسوی خدایتعالی است باداء صلوة وقضاء حق وی صلی الله علیه وسلم پس معنی اللهم صل علی محمد
این است اَللّٰهُمَّ عَظِّمْهُ فِی الدُّنْیَا بِاِعْلَاءِ ذِکْرِهٖ وَاِظْهَارِ دِیْنِهٖ وَاِبْقَاءِ شَرِیْعَتِهٖ وَفِی الْاٰخِرَةِ بِاِجْزَالِ
مَثُوْبَتِهٖ وَتَشْفِیْعِهٖ فِیْ اُمَّتِهٖ وَاِبْدَاءِ فَضِیْلَتِهٖ بِالْمَقَامِ الْمَحْمُوْدِ یعنی ای خدایتعالی بزرگ کن محمد را در دنیا
به بلند کردن ذکر او وظاهر گردانیدن دین او وباقی داشتن شریعت او وبزرگ کن او را در آخرت به زیاده کردن
ثواب او وقبول نمودن شفاعت او در امت او وظاهر ساختن فضیلت او بعطای مقام محمود وشیخ عزالدین بن
عبد السلام رحمه الله گفته که صلوة ما بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم شفاعت در حق وی نیست زیرا که امثال
ما در حق وی صلی الله علیه وسلم چه شفاعت خواهند کرد لیکن وی تعالی امر کرده است بمکافات احسان چون ما را
در مکافات احسان آنحضرت صلی الله علیه وسلم عاجز یافت بمحض فضل خود امر کرد بدعا که تا مکافات احسان
وی صلی الله علیه وسلم شود وجمعی گفته اند که فائده صلوة عائد بسوی مصلی است زیرا که صلوة دلالت میکند
بر نصوح عقیدت وخلوص نیت واظهار محبت ومداومت بر طاعت واحترام وی صلی الله علیه وسلم که
از اعظم شعب ایمان است **باب دوم در تفسیر آیه صلوة** بدانکه اصل در مشروعیت صلوة آیه کریمه
اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِکَتَهٗ یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یٰاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا است بدرستی
خدایتعالی وفرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر خدای ای آن کسانی که ایمان آورده اید درود گوئید بر وی وسلام
گوئید سلام گفتنی حسین کاشفی در تحفة الصلوة از ذخیرة المذکرین نقل کرده که چون ملائکه بعد از نفخ روح در قالب
آدم علیه السلام مامور بسجود وی شدند تصور ایشان آن بود که چون حضرت خاتم صلی الله علیه وسلم ظهور فرماید
همان امر بسجود وجود خواهد گرفت بعد از ان که عرصه عالم بلمعات وجود وی منور شد آن فرمان شرف صدور
نیافت حق سبحانه بجهت دفع توهم تفضیل آدم بر سید عالم صلی الله علیهما وسلم خود بر وی درود فرستاد وملائکه

و مومنان را بدان امر فرمود تا اقتدا بوی تعالی کنند و از فضل آنحضرت صلی الله علیه وسلم اشارت یابند و در تفسیر کشاف
آورده که چون این آیه شریفه نازل شد امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه عرض کرد که یا رسول الله هیچ چیز نیست
که خدای تعالی ترا بآن مخصوص و مشرف گردانیده مگر که ما را شریک آن کرده پس نازل شد آیه کریمه هُوَ الَّذِي يُصَلِّي
عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ پوشیده نماند که آیه إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ الخ مشتمل است بر چند دقایق اول آنکه مصدر
شد به لفظ إنّ که برای تحقیق مضمون جمله و تاکید آن است دوم تعبیر یافت به جمله اسمیه که مفید دوام و استمرار است تا دلالت
کند بر دوام و استمرار صلوة وی تعالی و ملائکه بر وی صلی الله علیه وسلم و باین مرتبه علیه و درجه سنیه هیچ کس از انبیا
علیهم السلام فائز نگردید سوم اضافت لفظ ملائکه که صیغه جمع است و اضافت جمع مفید استغراق میگردد و نیز
اضافت ملائکه بسوی ضمیر راجع به الله تعالی دلالت دارد بر اهتمام شان چهارم خبر را جمله فعلیه آورد تا دلالت کند
بر تجدد صلوة خدا و ملائکه وقتاً فوقتاً و این تشریف اتم است از تشریف آدم علیه السلام بسجود ملائکه بنا بر مشارکت
او تعالی با ملائکه در صلوة و استمرار صلوة بخلاف سجود که یکبار شد و منقطع گردید و نیز در امر بسجود تادیب ملائکه
و تبکیت آنها بود بخلاف صلوة که برای محض تعظیم و توقیر است و نیز امر ملائکه بسجود برای نور محمدی بود که در جبین
آدم علیه السلام سید رخشید قال الامام الرازی پنجم تعبیر کرد وی صلی الله علیه وسلم را بلفظ نبی و تصریح نمود
بنام وی زیرا که کنایت ابلغ از تصریح است و در آن اشارت است بعلو مرتبت و فخامت منزلت وی صلی الله
علیه وسلم بخلاف دیگر انبیا علیهم السلام که آنها را غالبا باسمای آنها تعبیر کرده است و لام تعریف مفید عهد خارجی
است و در آن اشارت است باینکه وی صلی الله علیه وسلم معروف و حقیق باین وصف است ششم خطاب کرد
به يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا نه يَا أَيُّهَا النَّاسُ که شامل است مومنین و کفار را زیرا که صلوة بر وی صلی الله علیه
از اجل وسائل و انفع ذرائع است و کفار را وسیله نیست پس نیاورد لفظیکه شامل باشد آنها را و در امر مومنین بصلوة
بعد اخبار بصلوة ملائکه تنبیه است بر اینکه فرشتگان با وصف عصمت آنها از معاصی هرگاه تقرب جویند بسوی وی تعالی بصلوة
بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس آدمیان احق و اولی اند بدان هفتم لفظ صلوا و سلموا دلالت دارد بر وجوب صلوة
و سلام چنانچه حافظ ابو عمر بن عبد البر رحمه الله نقل کرده است بر آن اجماع علما و صیغه امر موضوع است برای
وجوب حقیقةً نزد محققان اهل اصول مگر دلیلی صرف کند از آن پس در آنوقت مفید وجوب نیست هشتم موکد گردانید
جمله سلموا را بمصدر و صلوا را تاکید بمصدر نکرد زیرا که صلوة موکد است بحرف تحقیق و با علام صلوة خدای تعالی
و ملائکه و باضافت ملائکه و سلام ازین تاکیدات خالی بود پس موکد گردانید به مصدر و تخصیص اسناد سلام
به مومنان از آن است که سلام چنانچه بمعنی تحیت است بمعنی انقیاد هم آمده و این معنی اخیر صحیح است در حق ما نه در حق
خدای تعالی و ملائکه پس ترک آن برای دفع این ایهام است یا صلوة متضمن است سلام بمعنی تحیت را پس اسناد

صلوٰة خدا و ملائکه مستلزم سلام است و صلوٰة ما نیز اگرچه مستلزم سلام بمعنی تحیت است لیکن مستلزم آن بمعنی انقیاد
نیست و از ما انقیاد مقصود است و ازینجا است تفسیر بعض علما سلموا را به انقادوا و تحقیق معنی صلوٰة در باب سابق
گذشت اما سلام پس در معنی آن چهار وجه است یکی سلامت از نقائص و آفات و در منصوب سلام مصدر است دوم
سلام نام خدا تعالیٰ است سیوم بمعنی انقیاد چهارم بمعنی تحیت پس معنی السلام علی محمد بر وجه اول اللّٰهمّ سلّمه
من النقائص است و بر وجه دوم حفظ السلام ای الله علیه یعنی اللّٰهمّ احفظه و بر وجه سیوم اللّٰهمّ صیّر
العباد منقادین له و بر وجه چهارم التحیة علیه و این وجه اخیر منقول است از ابن دقیق العید رحمه الله
و شیخ محمد مهدی فاسی رحمه الله در مطالع المسرات شرح دلائل الخیرات گفته که بر تقدیر جواز استعمال لفظ مشترک در
جمیع مفهومات دفعةً واحدةً چنانچه مختار مالکیه و شافعیه است صحیح باشد که سلام کننده بر وی صلی الله علیه و آله
وسلم این همه وجوه معانی را اراده کند دفعةً و در اعراب لفظ ملائکه خلاف است عامه قرا نصب میدهند بنا بر
عطف او بر لفظ الله و یصلون خبر است از هر دو یا خبر است از لفظ ملائکه و خبر لفظ الله محذوف است
بدلالت آن بعضی ترجیح داده اند ثانی را بتغایر صلوتین و بعضی اول را و توجیه کنند باینکه صلوٰة موضوع است
برای قدر مشترک یعنی عطف که نسبت آن بخدا تعالیٰ رحمت و نسبت بملائکه استغفار و نسبت به آدمیان
دعا است و نزد بعضی قرا مرفوع است و برین وجه دو احتمال دارد یکی آنکه معطوف است بر محل اسم انّ و
یصلون خبر است از هر دو دوم آنکه ملائکه مبتدا است و یصلون خبر آن است و این جمله معطوف است
بر جملهٔ سابق و خبر لفظ الله محذوف است تا لازم نیاید توارد دو عامل بر معمول واحد و در کلام عرب یافته
نشده که فعل واحد مختلف شود معنی او باختلاف مسند الیه در وقتیکه اسناد حقیقی باشد و از توجیه مذکور جواب
این ظاهر شد فتفطّن اگر کسی گوید که بر تقدیر گردانیدن لفظ یصلون خبر از هر دو لازم آید تشریک
خدا تعالیٰ و ملائکه در یک ضمیر و آن موهم نقص و ممنوع است بدلیل حدیث شریف نبوی صلی الله علیه و آله وسلم که
شخصی در حضور وی صلی الله علیه وسلم خواند مَن یُطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَقَدْ رَشَدَ وَمَنْ یَعْصِهِمَا
فَقَدْ غَوٰی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بِئْسَ الْخَطِیْبُ اَنْتَ قُلْ وَمَنْ یَعْصِ
اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ یعنی بد خطیب هستی تو که شریک گردانیدی خدا و رسول را در یک ضمیر بگو
مَن یَعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ جواب داده اند که تشریک در آیهٔ کریمه صادر است از خدا تعالیٰ
برای تشریف ملائکه و از آن متوهم نمیشود نقص زیرا که شارع مختار است و ازینجا است قول آنحضرت صلی الله
علیه وسلم که فرموده لَا یُؤْمِنُ اَحَدُکُمْ حَتّٰی یَکُوْنَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ اَحَبَّ اِلَیْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا
تشریک فرموده در ضمیر سِوَاهُمَا خدا تعالیٰ و نفس خود را و اما منع خطیب از آنجهت است که منصب او قابل زلل

است وموهم نقص بانیکه جمع کرد خدا و رسول را در یک ضمیر بزعم تساوی هردو ونزول این آیه کریمه وامر بصلوة در
سال دویم است از هجرت پس آیت مدنیست کذا قال ابو ذر الهروی رحمه الله وبقول بعض علما امر بصلوة
در شب معراج است ومناسبت این آیت با ماقبل او این است که در آیات سابقه امر است مر صحابه را خصوصا
وهمه امت را عموما بتعظیم حرمت او صلی الله علیه وسلم والتزام ادب باو در ظاهر و باطن وانقیاد مر او را وکفی
از فعلیکه مخل تعظیم واحترام اوست پس اگر مثلا قائلی گوید که سبب این تشریف عظیم لا نظیر چیست پس گفته شود
که سبب آن این است که خدایتعالی او را مخصوص گردانیده است بصلوة خود وامر کرده است مومنان را بدان
پس این آیت گویا سبب است برای آیات سابقه زیرا که از این امر معلوم شد رفعت مرتبه آنحضرت صلی الله
علیه وسلم وآن متمم انقیاد واطاعت است در اوامر سابقه ومناسبت آن با مابعد نیز همین است زیرا که در آن منع است
از ایذای وی صلی الله علیه وسلم

باب سیوم دربیان صلوة

اولا اختلاف است درینکه امر در آیه
کریمه محمول است بر وجوب یا استحباب ابن جریر طبری رحمه الله قایل استحباب شده وادعای اجماع بر آن نموده واین
قول مردود است زیرا که ابن عبد البر رحمه الله گفته که اجماع دارند علما براینکه صلوة فرض است بر هر مومن باین
آیت وقرطبی مفسر رحمه الله گفته که نیست خلاف در وجوب آن در عمر یکبار پس قول ابن جریر محمول است بر زاید از یکبار
وبعد تحقق وجوب علما را ده قول است اول اینکه واجب است فی الجمله بدون حصر واقل درجه که بدان حاصل میشود کفایت
در عمر یکبار است وقائل آن قاضی ابوالحسن بن قصار مالکی است رحمه الله وادعای اجماع بر آن نموده وبیضاوی رحمه الله
نیز در تفسیر خود مائل بدان است وقول قرطبی نیز موید اوست ولیکن قول ابن عبد البر دلالت بر آن ندارد دویم واجب
است در عمر یکبار بی تعیین محل چون کلمه توحید زیرا که امر مطلق مقتضی تکرار نیست و ماهیت حاصل میشود به مرتبه
واحده بر آن است امام ابوحنیفه وامام مالک وجمهور علما رحمهم الله سیوم واجب است در مطلق صلوة بدون تعیین
محل منقول است این قول از امام محمد باقر رضی الله عنه چهارم واجب است در صلوة در تشهد مطلقا وآن قول
شعبی وابن راهویه است پنجم واجب است در قعود اخیر میان تشهد وسلام تحلیل وآن است قول امام شافعی و
اتباع او رحمهم الله ششم واجب است در دعای افتتاح صلوة وبر آن است بعض حنابله هفتم واجب است اکثار از آن
بدون تعیین عدد ومحل واین قول ابوبکر بن بکیر مالکی است رحمه الله هشتم واجب است نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم
در هر مجلس یکبار اگرچه ذکر وی مکرر شود حکایت کرده است این قول را زمخشری وبعضی از شراح هدایه از حنفیه نیز
گفته که بر قول صحیح یکبار کافی است کما قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله نهم واجب است در هر دعا
این قول را نیز زمخشری نقل کرده است دهم واجب است هرگاه ذکر وی صلی الله علیه وسلم شود وبر این است طحاوی

وجمعی از حنفیه طحاوی گفته که هرگاه کسی بشنود ذکر وی صلی الله علیه وسلم از غیر یا خود ذکر وی کند واجبست صلوة
وجمعی از شافعیه مثل حلیمی واستاذ ابو اسحق اسفراینی وشیخ ابو حامد اسفراینی وجمعی از مالکیه مثل طرسوسی وابن
عربی وفاکهانی ولخمی واز حنابله ابن بطه بران اند وبیضاوی نیز در تفسیر خود حکایت کرده وکرخی وزمخشری گفته اند
این قول احوط است ودر تحفة الغریب نیز آنرا ترجیح داده وشیخ ابن حجر مکی رحمه الله نیز مایل بترجیح آنست وبرین قول
بچند وجه اعتراض کرده اند اول اینکه بنای این بر قول ضعیفست که امر مطلق مفید تکرار است وجواب داده اند
که بنای آن بران قول ضعیف نیست بلکه بر ادله دیگر است از احادیثیکه مشتمل اند بر دعا برغم انف وابعاد وشقا
ووصف به بخل وجفا وغیر آن که مقتضی وعید است بر ترک صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم ووعید بر ترک
از علامات وجوب فعل است این عاصی تجاوز الله عن ذنوبه میگوید که قول باینکه امر مطلق مفید تکرار است قول ضعیف نیست
بلکه استاذ ابو اسحاق اسفراینی از عمده کان اهل اجتهاد است وابو حاتم قزوینی وجماعه از فقها ومتکلمین بران رفته اند
بر تسلیم کسانیکه قایل اند باینکه صیغه امر برای طلب فعل است مطلقا نیز گفته اند که اگر قرینه بر دوام وتکرار باشد محتمل
تکرار است کما حقق فی الاصول ودر آیه کریمه قرینه بر تکرار قایم است زیرا که لفظ یصلون دلالت دارد بر تجدد
صلوة خدای تعالی وملائکه ودر تقدیم اخبار بصلوة خدای تعالی وملائکه بر امر مومنین بدان اشارتست باقتدا
باو تعالی وملائکه وتجدد وتکرار فعل مقتدا قرینه قویه است برای تجدد وتکرار فعل مقتدی والله اعلم دوم این قول مخالف
اجماعی است که پیش از وجود قائل آن منعقد شده است زیرا که معروف نشد این قول نه از هیچ صحابی ونه از هیچ تابعی
جواب قایلان این قول نیز از ائمه نقل اند پس جایز نخواهند داشت خرق اجماع بر تسلیم تمام نمیشود رد برایشان
بهمین قدر که از صحابی وتابعی معروف نشد بلکه ضرور است حفظ اجماع صریح بعدم وجوب سوم در صورت صحت
این قول لازم آید عدم تفرغ سامع برای عملی دیگر جواب ممکن است تفرغ برای عبادات دیگر زیرا که تمام روز نشست کسی
مشغول بذکر وی صلی الله علیه وسلم نمیباشد که او را فراغت برای عبادات دیگر میسر نشود چهارم لازم آید بر آن قول
بوجوب آن در حق موذن وسامع وقاری که بگذرد بذکر وی صلی الله علیه وسلم ومتلفظ بکلمتین شهادتین ودران
حرج است ودرین شریعت سمحه حرج نیست جواب قایلان آن التزام وجوب در مواطن مذکوره میکنند ودران
زیادت حرج نیست بلکه اهل سعادات را دران لذت است پنجم لازم آید ثنای وی تعالی نزد ذکر وی تعالی نیز واجب باشد
هر بار وکسی بدان قائل نیست جواب این سخن مسلم است چنانچه جمعی تصریح بوجوب تکریر ثنا نزد ذکر وی تعالی کرده اند
وجمعی گفته که تکریر ثنا نزد تکریر ذکر الهی واجب نیست بخلاف صلوة که واجب است تکریر آن نزد تکریر ذکر وی
صلی الله علیه وسلم زیرا که حقوق الهی مبنی بر مسامحت وتوسیع است وحقوق عباد مبنی بر مشاحت وتضییق است
حتی الامکان ششم از هیچ صحابی منقول نیست که گفته باشد یا رسول الله صلی الله علیک جواب در طرق متعدده

وارد ست که صحابه رضی الله عنهم چون میگفتند یا رسول الله هم میگویند ان صلی الله علیک نعم احادیثیکه در ان وعید
بر ترک صلوٰة است صادر ست بطریق مبالغه و مزید تاکید جواب حمل احادیث بر مبالغه محتاج سند است
و سندش مفقود و نیز قائلان وجوب خلاف دارند درین که فرض عین است یا فرض کفایه اکثری بر اول اند و بعضی بر ثانی
و سلام اگر بمعنی انقیاد گیرند نیز در حکم آن خلاف است حلیمی رحمه الله تصریح کرده است بوجوب آن نزد ذکر وی
صلی الله علیه وسلم و ابن فارس لغوی نیز تصریح کرده است بیان سلام و صلوٰة در فرضیت بنا بر ورود امر بهر دو در آیت
و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود گفته که سلام مثل صلوٰة است در وجوب در تشهد صلوٰة و امام نووی رحمه الله
در اذکار خود بکراهت افراد صلوٰة از سلام و عکس آن تصریح کرده اگر کسی گوید که تعلیم آنحضرت صلی الله علیه وسلم سلام
مر صحابه را قبل از تعلیم صلوٰة بود چنانچه احادیث صریحه صحیحه بران دلالت دارند و این مقتضی جواز افراد سلام از صلوٰة است جواب
گفته اند که جائز است که تعلیم سلام قبل از نزول آیه صلوٰة باشد زیرا که نزول آیه صلوٰة در سال دویم از هجرت است و وجوب سلام در
شب معراج نزد فرضیت نماز است و بر قول بعضی که امر بصلوٰة نیز در شب معراج است و تعلیم صلوٰة بعد نزول آیت است انه بعد از امر
پس احتیاج باین جواب نیست لکن این قول ضعیف است و در فتح الباری قول کراهت افراد را توجیه کرده است باینکه مکروه است
صلوٰة و ترک سلام مطلقا پس اگر صلوٰة گوید در وقتی و سلام گوید در وقتی دیگر مکروه نیست ابن عاصی عفی الله
عنه میگوید که بنای این محاکمه بر آنست که واو عطف را در وسلموا برای مطلق جمع دارند خواه بمعیت باشد یا بتقدم و تاخر
و اگر برای معیت گیرند چنانچه در قاموس تصریح داده و ابو یوسف و محمد رحمهما الله صاحبان ابی حنیفه رضی
الله عنه نیز آنرا اختیار کرده اند تفصی از اشکال مشکل است و اگر سلام بمعنی انقیاد گیرند فلا کراهة اولا اشکال

باب چهارم در ذکر فضیلت صلوٰة و این باب مشتمل است بر دو منظر منظر اول

در احادیث نبویه که دلالت بر فضیلت صلوٰة دارند چون تلبس بالفاظ نبی صلی الله علیه وسلم الذ و اطیب و ابرک و انفع است
عبارات احادیث را بعینها ایراد کرده بعد از آن ترجمهٔ آن تحریر نموده آید در تحفة الغریب آورده که احادیث در باب
صلوٰة بر سید کائنات بحد تواتر رسیده اند و روایت کرده شده اند از ابی بکر صدیق و عمر بن الخطاب و علی
بن ابی طالب و فاطمه زهرا و سبطین شهیدین و طلحه بن عبد الله و عبد الرحمن بن عوف و ابی مسعود
انصاری بدری و کعب بن عجره و ابی سعید خدری و ابی حمید ساعدی و زید بن حارثه که او را ابن خارجه هم میگویند
و ابی هریره و سهل بن سعد و بریده بن الحصیب و عبد الله بن مسعود و فضاله بن عبید و انس بن مالک
و ابی طلحه انصاری و عامر بن ربیعه و ابی بن کعب و اوس و براء بن عازب و ربیع بن ثابت انصاری و
جابر بن عبد الله و ابی رافع مولای آنحضرت صلی الله علیه وسلم و ابی امامه باهلی و عمار بن یاسر
و ابی برده بن نیار و عبد الله بن ابی اوفی و عبد الرحمن بن بشیر بن مسعود و جابر بن سمره و ابی امامه

بن اوس

بن سهل بن حنیف و مالک بن حویرث و عبد الله بن جزء زبیدی و ابی ذر غفاری و عبد الله بن عباس و واثله بن اسقع
و عبید الله بن عمرو بن عاص و سعد بن عمیر انصاری از پدر خود عمیر که بدری اند و حبان بن منقذ رضی الله عنهم ابن عاصی
کان الله له میگوید که مراد از تواتر مذکور تواتر معنوی است زیرا که حدیث متواتر تواتر لفظی بقولی غیر موجود است و بقول
ابن صلاح یک حدیث و بقول ابن جوزی شش حدیث است و حدیث صلوة دران مذکور نیست والله اعلم **روایت**
کرده است مسلم از طریق عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه که او از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنید مَنْ صَلّٰی
عَلَیَّ صَلٰوةً وَاحِدَةً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ عَشْرًا هر که درود فرستد بر من یک درود صلوة فرستد خدای تعالی بر آنکس
ده بار **روایت** کرده است نسائی از طریق انس رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و آله و سلم مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ
صَلٰوةً وَاحِدَةً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَحُطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ خَطِیْئَاتٍ وَرُفِعَتْ لَهٗ
عَشْرُ دَرَجَاتٍ هر که درود فرستد بر من یک درود درود فرستد خدای تعالی بر آنکس ده درود و برداشته شود از وی ده گناه
و بلند کرده شود برای او ده درجه **روایت** کرده اند دارمی و احمد و ابن حبان و حاکم و نسائی از طریق ابی طلحه رضی الله که روزی بیرون
آمد آنحضرت صلی الله علیه و سلم در حالیکه سرور در چهره مبارکش محسوس میشد صحابه گفتند یا رسول الله می بینیم سرور در
چهره تو فرمود اَتَانِی الْمَلَکُ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ اَمَا یُرْضِیْکَ اَنَّ رَبَّکَ عَزَّ وَجَلَّ یَقُوْلُ اِنَّهٗ لَا یُصَلِّیْ عَلَیْکَ اَحَدٌ
مِنْ اُمَّتِکَ اِلَّا صَلَّیْتُ عَلَیْهِ عَشْرًا وَلَا یُسَلِّمُ عَلَیْکَ اَحَدٌ مِنْ اُمَّتِکَ اِلَّا سَلَّمْتُ عَلَیْهِ عَشْرًا آمد مرا فرشته
پس گفت ای محمد آیا راضی نمیکند ترا اینکه بدرستی پروردگار تو عز و جل میگوید که بدرستی شان اینست که درود نفرستد
بر تو هیچ کس از امت تو مگر که درود فرستم بر آنکس ده بار و سلام نگوید بر تو هیچ کس از امت تو مگر که سلام گویم بر آنکس ده بار **روایت** کرده است ترمذی بسند جید
و بزار از حدیث عبد الله بن مسعود رضی الله عنهما که گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم اَوْلَی النَّاسِ بِیْ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اَکْثَرُهُمْ
عَلَیَّ صَلٰوةً نزدیکترین مردم بمن در روز قیامت زیاده ترین آنهاست از روی صلوة بر من **روایت**
کرده اند ابو داود و نسائی و ابن ماجه از طریق اوس بن اوس رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و سلم
اِنَّ مِنْ اَفْضَلِ اَیَّامِکُمْ یَوْمَ الْجُمُعَةِ فَاَکْثِرُوْا عَلَیَّ مِنَ الصَّلٰوةِ فِیْهِ فَاِنَّ صَلٰوتَکُمْ مَعْرُوْضَةٌ عَلَیَّ قَالُوْا یَا
رَسُوْلَ اللهِ وَکَیْفَ تُعْرَضُ صَلٰوتُنَا عَلَیْکَ وَقَدْ اَرِمْتَ یَعْنِیْ بَلِیْتَ قَالَ اِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ
حَرَّمَ عَلَی الْاَرْضِ اَنْ تَاْکُلَ اَجْسَادَ الْاَنْبِیَاءِ بدرستی از فاضلترین روزهای شما است روز جمعه پس زیاده
گوئید بر من از صلوة در آن پس بدرستیکه صلوة شما عرض کرده شدنی است بر من گفتند اصحاب یا رسول الله
چگونه عرض کرده شود صلوة ما بر تو در حالیکه تحقیق پوسیده شوی فرمود که بدرستی خدای عز و جل حرام
کرده است بر زمین خوردن جسدهای پیغمبران **روایت** کرده است ابو داود در سنن خود از طریق
ابی هریره رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و سلم لَا تَجْعَلُوْا قَبْرِیْ عِیْدًا وَصَلُّوْا عَلَیَّ فَاِنَّ

صلوتكم تبلغني حيث كنتم مگردانيد قبر مرا عيد يعني مثل عيد كه بعد گذشتن تمام سال مي آيد بلكه زيارت آن اكثر
كنيد و درود فرستيد بر من پس بدرستيكه درود شما ميرسد مرا هر جا كه باشد شما روايت كرده است ابو داود از طريق
ابي هريره رضي الله عنه كه گفت آن حضرت صلي الله عليه واله وسلم ما من احد يسلم علي الا رد الله علي
روحي حتي ارد عليه السلام نيست هيچ يكي كه سلام گويد بر من مگر كه باز آرد خدايتعالي بر من روح
مرا يعني نطق را تا كه رد كنم بر آنكس جواب سلام روايت كرده است ترمذي از طريق ابي هريره رضي الله عنه كه
گفت وي صلي الله عليه وسلم رغم انف رجل ذكرت عنده فلم يصل علي خوار گرديد و بخاك رسيد بيني
كسيكه ذكر كرده شدم نزد او پس درود نفرستاد بر من روايت كرده است ترمذي از طريق امير المومنين علي بن
ابي طالب رضي الله عنه كه گفت وي صلي الله عليه وسلم البخيل من ذكرت عنده فلم يصل علي بخيل كسيست
كه ذكر كرده شوم نزد او پس درود نفرستد بر من روايت كرده است ابن صخر از طريق عامر بن ربيعه رضي الله عنه كه
فرمود آنحضرت صلي الله عليه وسلم من صلي علي صلوة صلت عليه الملائكة ما صلي علي فليقلل
عبد من ذلك او ليكثر كسي كه درود فرستد بر من صلوة فرستادني درود فرستند بر آنكس فرشتگان چندانكه
درود گويد آنكس بر من پس بايد كه كم كند بنده از صلوة يا زياده كند روايت كرده اند مسلم وترمذي ونسائي از طريق عبد الله بن عمرو
بن عاص رضي الله عنهما كه گفت وي صلي الله عليه واله وسلم اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم
صلوا علي فانه من صلي علي مرة صلي الله عليه بها عشرا ثم سلوا الي الوسيلة فانها منزلة في
الجنة لا ينبغي الا لعبد من عباد الله وارجوا ان اكون انا هو فمن سأل لي الوسيلة حلت
له الشفاعة چون بشنويد اذان موذن را پس بگوئيد مانند آنچه موذن ميگويد پستر درود گوئيد بر من پس
بدرستي هر كه درود گويد بر من يكبار درود گويد خدايتعالي بر وي در مقابله درود او ده بار پستر بخواهيد براي
من وسيله پس بدرستيكه آن منزلتي است در بهشت كه نمي سزد مگر براي بنده از بندگان خدايتعالي واميدوارم كه باشم
من آن بنده پس كسيكه بخواهد براي من وسيله لازم شود براي آنكس شفاعت من روايت كرده است ترمذي
از طريق فضاله بن عبيد رضي الله عنه كه روزي آنحضرت صلي الله عليه واله وسلم نشسته بود پس بيامد مردي پس نماز
گذارد و گفت اللهم اغفرلي وارحمني پس فرمود وي صلي الله عليه واله وسلم عجلت ايها المصلي اذا صليت
فقعدت فاحمد الله بما هو اهله وصل علي ثم ادعه شتافتي اي مصلي چون نماز گذاري پس
بنشين پس ستايش كن خدا را بچيزيكه او لايق آن است و درود بگو بر من پستر دعا كن پس نماز گذارد مردي ديگر پس حمد
كرد خدايتعالي را و درود فرستاد بر وي صلي الله عليه وسلم پس گفت آنحضرت صلي الله عليه واله وسلم مر او را ايها
المصلي ادع تجب اي مصلي دعا كن مجاب شوي روايت كرده است اين حديث را طبراني وابن بشكوال نيز

ورجال آن ثقات اند مگر رشد بن سعد لیکن حدیث او در رقایق مقبول است **روایت** کرده است ترمذی
از طریق ابی بن کعب رضی الله عنه که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بعد گذشتن دو ثلث شب بر میخاست پس میگفت
یَا اَیُّهَا النَّاسُ اذْکُرُوا اللّٰهَ اذْکُرُوا اللّٰهَ جَاءَتِ الرَّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ جَاءَ الْمَوْتُ بِمَا فِیْهِ جَاءَ
الْمَوْتُ بِمَا فِیْهِ قَالَ اُبَیٌّ فَقُلْتُ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنِّیْ اُکْثِرُ الصَّلٰوةَ عَلَیْكَ فَکَمْ اَجْعَلُ لَكَ مِنْ صَلٰوتِیْ
قَالَ مَا شِئْتَ قُلْتُ الرُّبُعَ قَالَ مَا شِئْتَ وَاِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَیْرٌ لَّكَ قُلْتُ فَالثُّلُثَیْنِ قَالَ مَا شِئْتَ
وَاِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَیْرٌ لَّكَ قُلْتُ اَجْعَلُ لَكَ صَلٰوتِیْ کُلَّهَا قَالَ اِذًا تُکْفٰی هَمَّكَ وَیُغْفَرُ ذَنْبُكَ
ای آدمیان یاد کنید خدایتعالی یاد کنید خدایتعالی را بیامد یعنی قریب شد راجفه یعنی نفخهٔ نخستین در پی آن آید رادفه یعنی نفخهٔ دویمین
یعنی قیامت قریب شد بیامد موت با آنچه در آن است از سکرات و معامله با خدایتعالی بیامد موت با آنچه در آن است
تکرار برای تاکید است گفت ابی بن کعب پس گفتم یا رسول الله بدرستیکه من زیاده میکویم درود بر تو پس چه قدر کردانم
و هدیه کنم مر ترا از درود من آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هرچه بخواهی گفتم چهارم حصه هدیه بکنم فرمود هرچه بخواهی
و اگر زیاده کنی پس آن بهتر است مر ترا گفتم پس دو ثلث هدیه کنم فرمود هرچه بخواهی و اگر زیاده کنی پس آن بهتر
است مر ترا گفتم میگردانم و هدیه میکنم برای تو همه درود من فرمود آنگاه بس کرده شود اندوه تو و آمرزیده شود
گناه تو و در تحفة الغریب بعد قول او قُلْتُ الرُّبُعَ قَالَ مَا شِئْتَ وَاِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَیْرٌ لَّكَ این عبارت
زیاده کرده است قَالَ الثُّلُثَ قَالَ مَا شِئْتَ وَاِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَیْرٌ لَّكَ قَالَ النِّصْفَ قَالَ مَا شِئْتَ
وَاِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَیْرٌ لَّكَ قَالَ الثُّلُثَیْنِ الخ و در کتاب در منضود این عبارت نیست و در روایتی بجای
دو ثلث شب ربع شب است چون ربع شب میگذشت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بر میخاست حاکم در مستدرک
گفته که اسناد این حدیث صحیح است **دقیقه** گفته اند که مراد از صلوة درین حدیث حقیقت آن است و مضاف
مقدر است یعنی جَعَلْتُ ثَوَابَ صَلٰوتِیْ کُلَّهَا و مقصود از آن یا نفس ثواب است یا مثل آن و در آن دلیل واضح است
بر نیکه درود گوینده بعد فراغ از آن بگوید هدیه کردم ثواب آن بسوی روح پر فتوح سید عالم صلی الله علیه وآله وسلم کذا قال
الشیخ بن حجر المکی رحمه الله و بعضی گفته اند که مراد از صلوة ایجا دعا است چنانچه در روایتی مرسل یا معضل آمده اَتَانِیْ
اٰتٍ مِّنْ رَّبِّیْ فَقَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ یُّصَلِّیْ عَلَیْكَ صَلٰوةً اِلَّا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ عَشْرًا فَقَالَ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ
اَجْعَلُ لَكَ نِصْفَ دُعَائِیْ فَقَالَ مَا شِئْتَ قَالَ الثُّلُثَیْنِ قَالَ مَا شِئْتَ قَالَ اَجْعَلُ دُعَائِیْ کُلَّهُ لَكَ قَالَ
اِذًا یَکْفِیْكَ اللّٰهُ هَمَّ الدُّنْیَا وَهَمَّ الْاٰخِرَةِ آمد مرا آینده از پروردگار من پس گفت که نیست هیچ بنده که درود فرستد بر تو
یکبار مگر درود فرستد خدایتعالی بر آن بنده ده بار پس گفت ابی بن کعب یا رسول الله بگردانم برای تو نصف دعای
من پس فرمود هرچه بخواهی گفت بگردانم دو ثلث فرمود هرچه بخواهی گفت بگردانم دعای من همه برای تو فرمود آنگاه

بس کند خدایتعالی مرترا اندوه دنیا و اندوه آخرت را و معنی روایت اولی چنین شد که زیاده میکنم دعا پس چه قدر کردانم
از دعای من صلوة بر تو و حاصل معنی هر دو روایت اینکه مراز مانی است که دعا میکنم برای نفس خود در ان پس چه قدر از آن
زمان صرف کنم در صلوة بر تو این عاصی عفی الله عنه میگوید که این معنی را سیاق روایت اولی آبی است زیرا که قول ابی بن کعب
الی اکثر الصلوة علیک احتمال ندارد که از ان دعا برای نفس خود اراده کرده شود و الله اعلم مخفی نماند که آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم در جواب سوال ابی بن کعب رضی الله عنه در اول و هله حد معین نفرمود هر بار تفویض بنفس اختیار با مراعات
تخصیص بر مزید این نمود تا باب از دیاد ثواب بر و مغلق نگردد تا آنکه گفت اجعل لك صلوتی کلها پس فرمود اذاً تکفی همک
الخ **روایت** کرده است بزار از طریق رویفع بن ثابت رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و آله و سلم من صلی
علی محمد و قال اللهم انزله المقعد المقرب عندك یوم القیمة وجبت له شفاعتی هر که درود فرستد بر محمد
صلی الله علیه و آله و سلم و گوید ای خدایتعالی فرود آر او را در منزلیکه نزدیک کرده شده است بتو در روز قیامت واجب و لازم
شود برای آنکس شفاعت من و جایز است که مقرب اسم فاعل باشد از تقریب یعنی منزلیکه نزدیک کننده است بتو **روایت**
کرده است بزار از طریق عمار بن یاسر رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم ان الله وکل بقبری ملكا اعطاه
اسماع الخلائق فلا یصلی علی احد الی یوم القیمة الا بلغنی باسمه و اسم ابیه هذا فلان بن فلان
قد صلی علیک بدرستی خدایتعالی مقرر کرده است نزد قبر من فرشته که عطا کرده است او را اسماع همه خلایق پس درود نفرستد
بر من هیچ یکی تا روز قیامت مگر که میرساند مرا نام او و نام پدر او که این فلان پسر فلان تحقیق درود فرستاد بر تو **روایت**
کرده است ابن وهب رضی الله عنه که گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما من مسلم صلی علی عشرا فکانما اعتق رقبة
هیچ مسلمان که درود فرستاد بر من ده بار پس گویا که آزاد کرد ایک رقبه است **روایت** کرده است قشیری بسند خود از ابن عباس رضی الله
عنهما که گفت وحی کرد الله تعالی بسوی موسی صلی الله علی نبینا و علیه و سلم انی جعلت فیك عشرة آلاف سمع حتی
سمعت کلامی و عشرة آلاف لسان حتی اجبتنی و احب ما یکون و اقربه اذا اکثرت من الصلوة
علی محمد بدرستی گردانیدم در تو ده هزار سمع تا که شنیدی سخن مرا و گردانیدم در تو ده هزار زبان تا که جواب دادی مرا و دوست
ترین چیزیکه باشد و نزدیکترین آن است نزد من چون زیاده کنی از صلوة بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مراد از و اون ده هزار سمع
و ده هزار لسان است که ایمعه قوت سمع و لسان افزوده شد که طاقت مخاطبت و مکالمت خدایتعالی پیدا کرد **روایت**
کرده است ابو هریره رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم من صلی علی فی کتاب لم تزل الملائکة
تستغفر له ما دام اسمی فی ذلك الکتاب هر که درود فرستد بر من در کتابی همیشه فرشتگان طلب مغفرت کنند برای
آنکس تا که باشد نام من در آن کتاب **روایت** کرده است امیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه که گفت وی صلی الله
علیه و آله و سلم صلوتکم علی محرزة لدعائکم و مرضاة لربکم و زکوة لابدانکم درود شما بر من کذا رانده است

مر دعای شما را و رضامندیست مر پروردگار شما را و پاکی است مر بدنهای شما را یعنی از گناهان روایت کرده است ابن شهاب
زهری رحمه الله که رسیده است ما را از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم که فرمود اَکْثِرُوا مِنَ الصَّلوٰةِ عَلَیَّ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ الزَّهْرَاءِ
وَالْیَوْمِ الْاَزْهَرِ فَاِنَّهُمَا یُؤَدِّیَانِ عَنْکُمْ زیاده کنید از صلوة بر من درین شب روشن و در روز روشن یعنی روز جمعه و شب آن پس
بدرستی که آن هر دو ادا کنند از شما یعنی حق روایت کرده است ابن عدی در کامل و غیر او که گفت وی صلی الله علیه وآله وسلم
صَلُّوْا عَلَیَّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکُمْ درود گوئید بر من درود خواهد گفت خدایتعالی بر شما و نیز فرمود صَلُّوْا عَلَیَّ فَاِنَّ الصَّلوٰةَ عَلَیَّ
کَفَّارَةٌ لَکُمْ وَزَکٰوةٌ فَمَنْ صَلّٰی عَلَیَّ صَلوٰةً صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ عَشْرًا درود گوئید بر من پس بدرستیکه صلوة بر من
برای کفارت ذنوب است مر شما را و زکوات است پس هر که درود فرستد بر من یک درود درود فرستد خدایتعالی بر آن کس ده درود
روایت کرده است دیلمی بلا اسناد که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم صَلُّوْا عَلَیَّ فَاِنَّهَا لَکُمْ اَضْعَافًا
مُضَاعَفَةً درود گوئید بر من پس بدرستیکه آن مر شما را دوچند است دوچند کرده شده روایت کرده است
ابن مسعود رضی الله عنهما که گفت وی صلی الله علیه وسلم اِذَا صَلَّیْتُمْ عَلَیَّ فَاَحْسِنُوا الصَّلوٰةَ فَاِنَّکُمْ لَا تَدْرُوْنَ لَعَلَّ
ذٰلِکَ تُعْرَضُ عَلَیَّ قُوْلُوْا اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَرَحْمَتَکَ وَبَرَکَاتِکَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا جَعَلْتَهَا
عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ وَعَلٰی آلِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ هرگاه صلوة گوئید بر من پس نیک کنید صلوة را پس بدرستیکه شما
نمی دانید شاید آن صلوة عرض کرده شود بر من بگوئید اللّٰهُمَّ اجْعَلْ تا آخر در کتاب در منضود گفته که سند این روایت ضعیف
است روایت کرده شده است بسند مرسل اِنَّکُمْ تُعْرَضُوْنَ عَلَیَّ بِاَسْمَائِکُمْ وَسِمَاکُمْ فَاَحْسِنُوا الصَّلوٰةَ
عَلَیَّ بدرستیکه شما عرض کرده میشوید بر من بنامهای شما و ذات شما پس نیک گوئید درود بر من روایت کرده شده
است بسندی ضعیف که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بُکَاءُ الصَّغِیْرِ اِلٰی شَهْرَیْنِ شَهَادَةُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَاِلٰی اَرْبَعَةِ اَشْهُرٍ التَّقَرُّبُ بِاللّٰهِ وَاِلٰی ثَمَانِیَةِ اَشْهُرٍ الصَّلوٰةُ عَلَی النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ
وَاِلٰی سَنَتَیْنِ اِسْتِغْفَارٌ لِوَالِدَیْهِ فَاِذَا اسْتَسْقٰی اَنْبَعَ اللّٰهُ لَهُ مِنْ ضَرْعِ اُمِّهِ عَیْنًا مِنَ الْجَنَّةِ
فَشَرِبَ فَیُجْزِیْهِ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ گریه طفل تا دو ماه گواهی دادن است بانیکه نیست معبود بحق جز خدایتعالی
و گریه او تا چهار ماه این است که اعتماد بر خدایتعالی است و گریه او تا هشت ماه درود بر نبی صلی الله علیه وسلم و گریه او تا دو سال
طلب مغفرت است برای پدر و مادر او پس هرگاه آب بخواهد طفل می برارد خدایتعالی برای او از پستان مادر او چشمه از جنت پس
مینوشد از آن پس کفایت میکند او را از طعام و شراب روایت کرده شده است لَا تَضْرِبُوْا اَوْلَادَکُمْ عَلٰی
بُکَائِهِمْ سَنَةً فَاِنَّ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ مِنْهَا یَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَرْبَعَةً یُصَلِّیْ عَلَیَّ وَاَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ
یَدْعُوْ لِوَالِدَیْهِ مزنید اولاد شما را بر گریه آنها در یک سال پس بدرستیکه چهار ماه از آن گواهی میدهد بانیکه نیست
معبود بحق جز خدایتعالی و چهار ماه درود میگوید بر من و چهار ماه دعا میکند برای پدر و مادر خود و این هر دو روایت مذکور اند

در کتاب منضود روایت کرده است ابن مبارک و سعید بن منصور بسند مرسل از حسن بصری رضی الله عنه که گفت وی صلی
الله علیه وسلم بحسب المرء من البخل ان اذکر عنده ولا یصلی علی بس است مرد را از بخل اینقدر که ذکر کرده شوم نزد او و درود
نگوید بر من روایت کرده است دیلمی از طریق انس رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم من صلی علی یوم الجمعة
مائة مرة غفرت له خطیئة ثمانین سنة هر که درود فرستد بر من روز جمعه صد بار آمرزیده شود مر او را گناه هشتاد سال
ابو طالب مکی رحمه الله در کتاب قوت القلوب و امام محمد غزالی رحمه الله در احیاء علوم آورده اند من صلی علی یوم الجمعة ثمانین
مرة غفر الله عز وجل له ذنوب ثمانین سنة قیل یا رسول الله کیف الصلوة علیک قال تقول اللهم صل
علی محمد عبدک ونبیک ورسولک النبی الامی وتعقد واحدة هر که درود گوید بر من روز جمعه هشتاد بار بیامرزد
خدای عز وجل مر او را گناهان هشتاد سال گفته شد که یا رسول الله چگونه است صلوة بر تو فرمود که بگوئی اللهم صل تا آخر و عقد کنی یک
انگشت را و شیخ ابو عبد الله بن ثابت و غیر او مقید کرده اند این روایت را به لفظ بعد عصر الجمعة و توفیق میان روایتین که در یکی صد بار
درود و در دیگری هشتاد بار است ظاهر است زیرا که روایت اولی از تعیین درود و تعیین وقت هر دو خالی است و روایت ثانیه مقید است
والله اعلم روایت کرده است ابو هریرة رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم للمصلی علی نور علی
الصراط ومن کان من اهل النور لم یکن من اهل النار مر کسی را که درود گوید بر من نوری خواهد بود بر صراط و هر که از اهل نور است
نباشد از اهل آتش آورده است این حدیث را ابن فرحون در کتاب زاهر روایت کرده است ابن ماجه بسند حسن از حدیث ابن
عباس رضی الله عنهما من نسی الصلوة علی اخطاء طریق الجنة هر که ترک کند صلوة را بر من خطا کند راه بهشت را
مراد از نسیان ترک است زیرا که بر نسیان بمعنی غفلت مواخذه نیست روایت کرده است عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه
که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم جاءنی جبرئیل علیه السلام وقال یا محمد لا یصلی علیک احد الا صلی علیه
سبعون الف ملک ومن صلت علیه الملائکة کان من اهل الجنة آمد مرا جبرئیل علیه السلام و گفت ای محمد درود
نفرستد بر تو هیچ یکی مگر که درود فرستد بر وی هفتاد هزار فرشته و هر که درود فرستند بر وی فرشتگان باشد آنکس از اهل بهشت آورده است این
حدیث را ابن فرحون در کتاب زاهر روایت کرده اند حاکم و بیهقی در شعب الایمان و احمد در مسند خود از حدیث عبد الرحمن بن
عوف رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم ان جبرئیل بشرنی وقال ان ربک یقول من صلی علیک صلیت
علیه ومن سلم علیک سلمت علیه فسجدت لله شکرا بدرستیکه جبرئیل علیه السلام بشارت داد مرا و گفت
که بدرستی پروردگار تو میگوید هر که درود فرستد بر تو درود فرستم بر وی و هر که سلام گوید بر تو سلام گویم بر وی پس سجده کردم مر خدای تعالی
را برای شکر روایت کرده شده است که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم اکثرکم علی صلوة اکثرکم ازواجا
فی الجنة زیاده ترین شما از روی صلوة بر من زیاده ترین شماست از روی زنان در بهشت ذکر کرده است این حدیث را ابن ودعا
بلا نسبت بکسی روایت کرده شده است که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم من صلی علی صلوة تعظیما

الحی خلق الله عز وجل من ذلک القول ملکا له جناح بالمشرق والآخر بالمغرب ورجلاه مغروزتان فی الارض
السابعة السفلی وعنقه ملتویة تحت العرش یقول الله عز وجل له صل علی عبدی کما صلی علی النبی
فهو یصلی علیه الی یوم القیامة هر که درود فرستد بر من یک درود برای تعظیم حق من پیدا کند خدای تعالی از آن قول فرشته که مر او راست
بازوی به مشرق و بازوی دیگر بمغرب و هر دو پای او ثابت در زمین هفتم زیرین و گردن او متصل به زیر عرش بگوید خدای تعالی مر او را درود فرست
بر بنده من چنانچه درود فرستاد او بر پیغمبر من پس آن فرشته درود فرستد بر آن بنده تا روز قیامت ذکر کرده است این حدیث را ابن سبع
بدون ذکر صحابی و مخرج و بعضی نسبت به انس رضی الله عنه کرده اند و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود آنرا بتفاوت بعض الفاظ
آورده و گفته که حدیث منکر است روایت کرده است ابو موسی مدینی از طریق ابی هریرة رضی الله عنه من صلی علی
عشرا صلی الله علیه مائة ومن صلی علی مائة صلی الله علیه الفا ومن زاد صبابة وشوقا کنت له
شفیعا وشهیدا یوم القیامة هر که درود فرستد بر من ده بار درود فرستد خدای تعالی بر وی صد بار و هر که درود فرستد بر من صد بار
درود فرستد خدای تعالی بر وی هزار بار و هر که زیاده کند عشق و آرزومندی من بار بار زیاده کند درود را از روی عشق و آرزومندی باشد خواهم
مر او را شفاعت کننده و گواهی بنده در روز قیامت و لفظ زاد صبابة احتمال دارد که صبابة مفعول باشد یا مفعول محذوف
است یعنی زاد الصلوة و صبابة تمیز است و لهذا در ترجمه آن تردید نموده شد روایت کرده است ابو الربیع بن سبع در کتاب شفاء
الصدور از طریق ابن عباس از اکابر اصحاب رضی الله عنهم من صلی علی واحدة صلی الله علیه عشرا ومن صلی
علی عشرا صلی الله علیه مائة ومن صلی علی مائة صلی الله علیه الفا ومن صلی علی الفا زاحمت کتفه
کتفی علی باب الجنة هر که درود گوید بر من یکبار درود گوید خدای تعالی بر وی ده بار و هر که درود گوید بر من ده بار درود گوید خدای تعالی
بر وی صد بار و هر که درود گوید بر من صد بار درود گوید خدای تعالی بر وی هزار بار و هر که درود گوید بر من هزار بار مزاحم و متصل شود
شانه او شانه مرا بر در جنت شیخ ابن حجر مکی رحمه الله از سخاوی نقل کرده که بر اصل این حدیث تا هنوز واقف نشدم روایت
کرده شده است از وی صلی الله علیه وسلم من صلی علی مرة واحدة صلی الله علیه عشر مرات ومن صلی علی
عشر مرات صلی الله علیه مائة مرة ومن صلی علی مائة مرة صلی الله علیه الف مرة ومن صلی علی الف مرة
حرم الله جسده علی النار وثبته بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة عند المسألة وادخله
الجنة وجاءت صلوته علی نورا له یوم القیامة علی الصراط مسیرة خمسمائة عام واعطاه الله بکل صلوة
صلاها قصرا فی الجنة قل ذلک او کثر معنیش تا الف مرة در ترجمه روایت سابقه معلوم شد لزما بعد آن نوشته میشود
هر که درود گوید بر من هزار بار حرام گرداند خدای تعالی جسد آنکس بر آتش دوزخ و ثابت گرداند او را بالقول الثابت در زندگی دنیا و در آخرت
نزد سوال و در آرد او را در بهشت و بیاید درود او که بر من فرستاده است در حالیکه نور است مر او را در روز قیامت بر صراط تا راه پانصد سال
و عطا کند او را خدای تعالی در مقابل هر صلوتیکه فرستاده است آنرا بر وی صلی الله علیه وسلم کوشکی در بهشت اندک باشد آن صلوة یا زیاده

آورده است این روایت را ابن زرعه بلا نسبت **روایت** کرده شده است که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم ما من
عبد صلى علي الا خرجت الصلوة مسرعة من فيه فلا يبقى بر ولا بحر ولا شرق ولا غرب الا وتمر
به وتقول انا صلوة فلان بن فلان صلى على محمد المختار خير خلق الله فلا يبقى شيء الا وصلى عليه
ويخلق من تلك الصلوة طائر له سبعون الف جناح في كل جناح سبعون الف ريشة في كل ريشة سبعون
الف وجه في كل وجه سبعون الف فم في كل فم سبعون الف لسان كل لسان يسبح الله تعالى بسبعين الف
لغة ويكتب الله له ثواب ذلك كله نیست هیچ بنده که درود فرستاد بر من مگر که بیرون آید آن درود درحالیکه شتابنده
کننده است از دهن آنکس پس باقی نمی ماند بر ونه بحر ونه شرق ونه مغرب مگر که میگذرد آن صلوة بر آن ومیگوید من درود فلان پسر فلان
ام که فرستاده است بر محمد مختار صلی الله علیه وسلم که بهترین مخلوقات الهی است پس هیچ چیز باقی نماند مگر درود گوید بروی وپیدا کرده شود
از آن صلوة پرنده که باشد او را هفتاد هزار باز ودر هر باز هفتاد هزار بال ودر هر بال هفتاد هزار روی ودر هر روی هفتاد هزار دهن ودر هر
دهن هفتاد هزار زبان هر زبان تسبیح کند خدای تعالی را به هفتاد هزار لغت وبنویسد خدای تعالی برای آنکس ثواب تمام آن تسبیح این حدیث
را شیخ محمد جزولی رحمه الله در کتاب دلائل الخیرات بلا نسبت آورده است وشارحش در مطالع المسرات گفته که بر اصل این
مطلع نشدم **روایت** کرده است ابو نعیم در حلیه از طریق علی بن الحسین از امام حسین از امیر المومنین علی رضی الله عنهم که
گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم من صلى علي يوم الجمعة مائة مرة جاء يوم القيمة ومعه نور
لو قسم ذلك النور بين الخلق كلهم لوسعهم هر که درود گوید بر من روز جمعه صد بار بیاید در روز قیامت
درحالیکه باشد با او نوری که اگر قسمت کرده شود آن نور را درمیان همه مخلوقات هر آینه گنجایش کند همه را **روایت** کرده است
مستغفری از طریق جابر بن عبد الله رضی الله عنهما که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم من صلى علي في كل يوم مائة
مرة قضيت له مائة حاجة منها ثلاثون للدنيا وسائرها للآخرة هر که درود فرستد بر من در هر روز
صد بار روا کرده شود برای او صد حاجت از آن سی حاجت در دنیا وباقی در آخرت **روایت** کرده شده است
که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم كل الاعمال فيها المقبول والمردود الا الصلوة علي فانها نور لكم يوم
القيمة همه اعمال در آن بعض مقبول وبعض مردود است مگر درود بر من پس بدرستیکه آن نور است شما را در روز قیامت **روایت**
کرده شده است که گفت وی صلی الله علیه وآله وسلم طهارة قلوب المومنين وغسلها من الصدا الصلوة
پاکی دلهای مومنان وشستگی آن از زنگ گناهان صلوة بر من است **روایت** کرده شده است که گفت وی صلی الله علیه وسلم
قال الله تعالى يا محمد جعلتك ذكرا من ذكري من ذكرك فقد ذكرني ومن احبك فقد
احبني گفت خدای تعالی مر وی صلی الله علیه وسلم را ای محمد گردانیدم ترا ذکری از ذکر من هر که یاد کند ترا پس بتحقیق
یاد کرده مرا وهر که دوست دارد ترا پس بتحقیق دوست داشت مرا گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم من ذكرني فقد

ذکر الله ومن احبنی فقد احب الله هر که یاد کند مرا پس بتحقیق یاد کرده خدای تعالی را و هر که دوست دارد مرا پس بتحقیق
دوست داشت خدای تعالی را آورده است این حدیث را روایت را در تحفة الغریب بدون اسناد روایت کرده است طبرانی
وابن مردویه وثعلبی وغیر اوشان بسندیکه دران یکی از رواة متروک الحدیث است که صحابه گفتند یا رسول الله ارأیت قول
الله عز وجل ان الله وملائکته یصلون علی النبی فقال علیه الصلوة والسلام ان هذا من
العلم المکنون ولولا انکم سألتمونی عنه ما اخبرتکم به ان الله عز وجل وکل بی ملکین
فلا اذکر عند عبد مسلم فیصلی علی الا قال ذانک الملکان غفر الله لک وقال الله عز
وجل جوابا لذینک الملکین آمین ای رسول الله آیا دیدی قول خدای عز وجل را که میگوید ان الله وملائکته
یصلون علی النبی یعنی از راه تعجب ازین شان عظیم وانفخیم استفهام از حقیقت حال آن نمودند پس فرمود آنحضرت صلی الله
علیه وسلم که این از علم مکنون و سر مخزون است که بدان سوال کردید واگر نمی پرسیدید شما از آن خبر نمی کردم شما را بدان بدرستیکه
خدای عز وجل مقرر کرده است برای من دو فرشته پس یاد کرده نمیشوم نزد هیچ بنده مسلمان واو بر من صلوة فرستد الا که آن دو
فرشته او را دعا کنند وگویند غفر الله لک ومیگوید خدای تعالی در جواب آن دو فرشته آمین و در روایت تفسیر کبیر زیاده کرده است
لفظ وملائکته بعد قال الله عز وجل وبعد آمین این عبارت است ولا اذکر عند عبد مسلم فلا یصلی
علی الا قال ذانک الملکان لا غفر الله لک وقال الله وملائکته لذینک الملکین آمین
ویاد کرده نشوم نزد هیچ بنده مسلمان واو بر من درود نفرستد مگر که آن دو فرشته بد دعا میکنند او را ومیگویند لا غفر
الله لک ومیگوید خدای تعالی وملائکه او در جواب آن دو فرشته آمین واین روایت را حسین کاشفی در تحفة الصلوة از تفسیر کبیر
لباب آورده بحواله تفسیر کشاف وثعلبی نموده روایت کرده اند جمعی از محدثین بسند بسیار ضعیف که گفت وی
صلی الله علیه واله وسلم یا ایها الناس ان انجاکم یوم القیمة من اهوالها ومواطنها اکثرکم علی
صلوة فی دار الدنیا ای مردم بدرستی نجات یابنده تر از شما در روز قیامت از هولها آن ومواطن آن زیاده
تر بر من شما است از روی صلوة بر من در دار دنیا روایت کرده شده است اکثروا من الصلوة علی لان
اول ما تسألون فی القبر عنی زیاده کنید از صلوة بر من زیرا که بدرستی اول سوال کرده شوید در قبر از من سخاوی
گفته که بر سند این روایت واقف نشدم روایت کرده شده است الصلوة علی نور یوم القیمة عند ظلمة
الصراط ومن اراد ان یکتال بالمکیال الاوفی یوم القیمة فلیکثر من الصلوة علی
درود بر من نور است در روز قیامت نزد تاریکی صراط وهر که اراده کند که پیموده شود ثواب او به پیمانه وافی تر پس در روز قیامت
پس باید که زیاده کند از صلوة بر من شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که اصل این روایت معلوم نشد روایت کرده شده
است بسند ضعیف از ابوذر غفاری رضی الله عنه که گفت وصیت کرد مرا آنحضرت صلی الله علیه واله وسلم باینکه نماز ضحی بگذارم

در سلوک حضور در خواب نبرد مگر بعد از ادای نماز وتر و گفتن صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم ذکر کرده است ابن حجر رحمه الله در کتاب صلوة الا حزن
که آدم علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام چون خواست قربت حوا پس حوا از وی مهر خود طلبید پس آدم علیه السلام از خدا تعالی سوال کرد که چه دهد
حق تعالی فرمود ای آدم درود بگو بر دوست یگانه و برگزیده من محمد بن عبد الله بیست بار پس آدم علیه السلام همچنین کرد جز این روایات مذکوره
بسیار احادیث در باب صلوة وارد است انشاء الله المستعان در باب ثمرات صلوة و در باب مواطن آن مذکور خواهد شد

منظر دوم

در آثار و مناماتی که در باب فضیلت صلوة وارد است

آثار

مروی است از ابی بکر صدیق رضی الله عنه که صلوة بر آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم محو کننده تر است مر گناهان را از آب سرد مر آتش را و سلام بر وی صلی الله علیه وسلم افضل است از اعتاق رقاب مروی است
از عمر فاروق رضی الله عنه که دعا موقوف است میان آسمان و زمین و نمی رود بر آسمان تا که درود فرستی بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و همچنین مروی است
از علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل کرده است تیمی از علی بن الحسین رضی الله عنهما که علامت اهل سنت کثرت صلوة است بر پیغمبر خدا
صلی الله علیه وسلم صاحب تحفة الغریب از جد خود عبید الله عیدروس رحمه الله نقل کرده که او در بعض تصانیف خود گفته که بسیاری از
مسلمانان سعادتمند شده اند بسبب اشتغال در صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم در شب جمعه و روز جمعه و بیشتر گناهکاران آمرزیده شده اند
گناهان ایشان بکثرت صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و هم وی از حاتم بن احمد ابدال رحمه الله نقل کرده که همه عبادات محتاج اند بسوی
اخلاص و اما صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس مقبول است بهر نحوی که باشد چون ادا شود بشروط آن مثل طهارت و امثال آن و اخلاص
و حضور قلب در آن پس مفید امور عجیب است و از آن است رویت آنحضرت صلی الله علیه وسلم در منام بلکه چنان ترقی میشود که رویت وی
صلی الله علیه وسلم در بیداری حاصل گردد و هم وی از عقبه با جابر احمد رحمه الله نقل کرده که وی از شیخ ابی بکر صائم الدهر وصیت خواست
او رحمه الله فرمود که لازم گیر آنچه از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آمده است زیاده از آن وصیت نمیکنم مگر اینکه لازم گیری استغفار
از معاصی و صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و از ابن عطا رحمه الله منقول است که دعا را ارکان و اجنحه و اسباب و اوقات است پس اگر دعا
موافق افتد ارکان را قوت گیرد و اگر موافق افتد اجنحه را پرواز کند در آسمان و اگر موافق افتد اوقات را فائز شود و اگر موافق افتد
با اسباب انجاح یابد ارکانش حضور قلب و رقت و استکانت و خشوع و تعلق دل بخدا و قطع از اسباب دنیا است و اجنحه آن صدق
است و اوقات آن اسحار است و اسباب آن درود بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم است شیخ احمد بن عقبه رحمه الله در بعض وصایای خود گفته
که صلوة بر وی صلی الله علیه وسلم وسیله سلوک و سلم عروج بخدا تعالی است اگر شیخ کامل یافته نشود و از سعود و شیخ زروق و شیخ ابو العباس
احمد بن موسی المشرع یمنی رحمهم الله نیز همچنین منقول است کذا فی مطالع المسرات از شیخ شهاب فازانی مکی رحمه الله منقول است
که شیخ شهاب الدین احمد بن محمد محمودی از بعض مشایخ خود رحمهم الله حکایت کرده که در آخر زمان سلوک طریق بی تربیت کم
گردد و وصول بخدا تعالی نشود مگر بصلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و ابن عطاء الله رحمه الله گفته که حاصل کلام شیخ اینکه
سالک ابتدا کند بصلوة بر سید کائنات صلی الله علیه وآله وسلم و بدیگر اذکار مشغول نگردد زیرا که وی صلی الله علیه وآله وسلم
واسطه است میان ما و خدا تعالی و تعلق بواسطه متقدم است و در دلائل الخیرات از بعض صحابه رضی الله عنهم نقل کرده که هر مجلسیکه

دران درود فرستاده شود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم خوشبوی مسک از آن مجلس بر می آید و تا به آسمان میرود و فرشتگان میگویند که این
مجلسیست که دران درود فرستاده شده است بر محمد صلی الله علیه وسلم شیخ ابو جعفر بن واعه رحمه الله از حدیث بعض صحابه رضوان الله علیهم
آورده که نیست هیچ موضعی که دران ذکر آنحضرت صلی الله علیه وسلم شود یا بروی درود گفته شود مگر می بر آید ازان خوشبوی و آسمان ها را شگافته
تا بعرش میرسد و می یابد آن بوی را همه مخلوقات مگر آدمیان و جنیان پس اگر ایشان شمیدندی ترک میکردند معاش را و در لذت آن مشغول گردند
و هر که از ملائکه و غیرهم آن رائحه یابد دعا بمغفرت کند برای مردم آن مجلس و نوشته شود درجات برای اهل آن مجلس یککس باشد یا صد هزار یکی ازیشان
از اجر آن باین عدد شراح دلائل الخیرات نوشته اند که ثابت شده است که از قبر شیخ ابی عبد الله جزولی مولف دلائل الخیرات رحمه الله
بوی مشک می آید بسبب کثرت صلوة بر وی صلی الله علیه و آله وسلم و در بعضی از اخبار است که چون بنده مومن شروع کند در صلوة
بر وی صلی الله علیه وسلم مفتوح کرده شود برای او ابواب آسمان و سرادقات تا بعرش پس همه ملائکه درود میفرستند بر وی صلی الله علیه و آله وسلم
و دعا بمغفرت میکنند برای آن بنده تا وقتیکه خدایتعالی خواسته باشد شیخ ابن حجر مکی رحمه الله آورده که مردی از بنی اسرائیل مرد او را
دفن نکرده انداختند پس وحی آمد بسوی موسی صلی الله علی نبینا و علیه السلام که غسل دهید او را و نماز گذارید برو که من او را مغفرت
کرده ام موسی صلی الله علی نبینا و علیه وسلم استفسار سبب آن نمود حقتعالی فرمود که آن مرد روزی تورات بکشاد و یافت دران نام محمد صلی الله علیه وسلم
را پس درود فرستاد بر وی صلی الله علیه وسلم ازان جهت او را امرزیدم در زباج العروس گفته که هر که خواهد استدراک صیام و
صلوة که بکثرت فوت شده اند باید که لازم گیرد درود بر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم زیرا که یک صلوة خدایتعالی راجح
تر است از طاعات همه عمر چرا که صلوة بنده بقدر وسع طاقت اوست و صلوة خدایتعالی بحسب ربوبیت او و خواهد بود هر گاه یک صلوة
خدا این حکم دارد پس چه سان خواهد بود ده صلوة او تعالی که در مقابل یک صلوة بنده نازل شود کما جاء فی الحدیث الصحیح
پرسیده شد امام غزالی رحمه الله از معنی صلوة خدا بر کسی که صلوة فرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و از معنی صلوة ما بر وی صلی الله
علیه وسلم جواب داد که معنی صلوة خدا بر وی صلی الله علیه وسلم و بر درود گوینده کان افاضه انواع کرامات و لطائف نعم است بر ایشان
و اما صلوة ما بر وی صلی الله علیه وسلم و صلوة ملائکه که در آیه کریمه وارد است پس آن سوال و ابتهال است در طلب آن کرامت
و رغبت است در افاضه آن بر وی صلی الله علیه وسلم و نیز نووی رحمه الله پرسیده شد از سبب استدعاء صلوة از امت ایا
راحت می یابد وی صلی الله علیه وسلم ازان یا شفقت است بر امت خلاصه جوابش اینکه استدعای صلوة از امت برای
سه چیز است یکی آنکه ادعیه موثر اند در استمداد از فضل الهی و استجلاب از دیاد کرامات و حوض و شفاعت و دیگر مقامات محموده
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدان وعده فرموده غیر محدود است بر وجهیکه متصور نیست زیادت دران پس استمداد بادعیه موجب
زیادت آن است دویم آنکه راحت می یابد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدان چنانچه خود فرموده است که بدرستی مباهات میکنم
بشما بر سایر امم پس چنانچه راحت می یابد عالم در مدت حیات خود بکثرت شاگردان و کثرت ثنای ایشان و دعای
ایشان که لازم است برین استاد و نشان برکمال تاثیر ارشاد او در انها و برکمال محبت او مر انها را بسبب ارشاد او با ایشان پس

پس همچنان انبیا صلوات الله علیهم اجمعین راحت می‌یابند بکثرت امم و تبعیت که باشد ایشان را راحت در دعا و صلوة باسقوط حق
خمسه نیز سوم شفقت برامت است بتحریص ایشان بر چیزیکه حسنه و موجب قربت است در حق ایشان بلکه صلوة تنها یک حسنه نیست متضمن چند
حسنات است اول ایمان بخدا تعالی دوم ایمان برسول او صلی الله علیه و سلم سوم تعظیم وی صلی الله علیه و سلم چهارم عنایت بطلب کرامات
مر وی صلی الله علیه و سلم را پنجم تجدید ایمان بروز قیامت و انواع کرامات آن ششم ذکر وی صلی الله علیه و سلم و عند ذکر الصالحین
تنزل الرحمة هفتم تعظیم الهی بنسبت وی صلی الله علیه و سلم بسوی وی تعالی هشتم اظهار مودت وی صلی الله علیه و سلم و آنحضرت
صلی الله علیه و سلم اجر بر ابلاغ رسالت از امت درخواست نکرده مگر مودت در ذوی القربی نهم ابتهال و تضرع در دعا مغز عبادت است
دهم اعتراف باینکه رجوع هر امر بوی تعالی است و نبی صلی الله علیه و آله و سلم با وصف جلالت قدر و فخامت مرتبه محتاج است بسوی فضل و رحمت
وی تعالی و مدد او **منامات** منقول است که عبدالله بن حکم امام شافعی رضی الله عنه را در خواب دید و پرسید که خدای
تعالی با تو چه کرد گفت رحم کرد و مغفرت نمود و مثل عروس مرا بجنت برد و نثار کرد بر من چنانچه بر عروس نثار میکنند پس گفتم باین مرتبه
از چه چیز رسیدی قایلی گفت که بسبب صلوتیکه بر محمد صلی الله علیه و سلم فرستاده در رساله تو عبدالله بن حکم گفته که پرسیدم از وی چگونگی آن
درود گفت **وصلی الله علی محمد عدد ما ذکره الذاکرون وعدد ما غفل عن ذکره الغافلون**
چون صبح شد در رساله او دیدم همچنان یافتم **منقول است** از احمد بن عطای رودباری و از ابی القاسم بن عبدالله مروزی رحمه الله
حکایت کرده که من و پدر من در شب مقابله حدیث میکردیم پس دیدم در مکانیکه مقابله میکردیم عمودی از نور که تا به آسمان رسیده است
پس گفتم که این چه نور است قایلی گفت که صلوة شما است که در وقت مقابله حدیث بروی صلی الله علیه و آله و سلم میفرستید و از ابو صالح
عبدالله بن صالح صوفی منقول است که بعض اصحاب حدیث را در خواب دیده گفته شد که خدا تعالی با تو چه کرد گفت آمرزید پرسیده شد
از چه چیز گفت بصلوتیکه در کتاب خود نوشتم **منقول است** از حفص بن عبدالله رحمه الله که دیدم ابا زرعه را در خواب بعد موت
او در حالیکه نماز میگذارد با ملائکه در آسمان دنیا از سبب نیل این مقام از وی پرسیدم گفت که بدست خود هزار هزار حدیث نوشتم
و در آن عن النبی صلی الله علیه و سلم مینوشتم و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که در مقابله یک صلوة بنده خدا تعالی ده صلوة بر این
بنده میفرستد **منقول است** از عبیدالله بن عمر قواریری رحمه الله که بود کاتبی همسایه من بعد مرگش در خواب دیدم و گفتم که خدا با تو
چه کرد گفت مغفرت نمود و عطا کرد آنچه از دیدن و شنیدن و مخطور شدن در قلب بشر بیرون است از وی سبب پرسیدم گفت که
چون نام محمد صلی الله علیه و سلم مینوشتم درود میفرستادم بروی صلی الله علیه و سلم **منقول است** از محمد بن سلیمان رحمه الله
که دیدم پدر خود را در خواب و گفتم ای پدر خدا تعالی با تو چه کرد گفت مغفرت فرمود گفتم بچه چیز گفت بسبب نوشتن صلوة بروی
صلی الله علیه و سلم در هر حدیث این نقل را ابن سبع و ابن بشکوال و جبر و ابن و دعه و ابن منده بل رحمهم الله نقل کرده اند
و در تحفة الغریب از بعض بزرگان آورده که او پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را در خواب دیده در آن اثنا شیخ احمد کشهو
رحمه الله آمد آنحضرت صلی الله علیه و سلم برای او برخاست و در میان دو چشم شیخ احمد لب نهاد و بجانب راست خود نشاند

رای آنحضرت صلی الله علیه وسلم از سبب آن سوال کرد فرمود که بکثرت صلوة بر من این مرتبه یافت از ابن هبیره منقول است که بر وی
صلی الله علیه وسلم درود میفرستادم و حالیکه هر دو چشم من بند بود دیدم شخصی مداد سیاه صلوة من در کاغذ مینویسد من آن
حروف در آن کاغذ می بینم پس چشم کشادم تا بروی نگاه کنم دیدم که از من پوشیده شد حتی که سفیدی جامه او را دیدم شیخ
ابن حجر مکی رحمه الله آورده که شخصی را در خواب دیدند که در بر وی حله و بر سر تاج مکلل بجواهر است پس پرسیده شد که چه کرد خدای
تعالی با تو گفت آمرزید و گرامی داشت و تاج بسرم نهاد و در آورد به بهشت از سبب آن پرسیده شد گفت املا میکردم نزد بعض
محدثین حدیثی مسند را پس درود فرستاد شیخ ما بر وی صلی الله علیه وسلم و اهل مجلس نیز درود فرستادند پس مغفرت همه شد را از سبب آن
صلوات از حافظ ابو الحسن دارمی رحمه الله منقول است که شخصی را از اهل معرفت خود در خواب دیدم و استفسار حالش نمودم گفت بعضی
شد از بهشت پس پرسیدم گفت هزار رکعت نماز در هر رکعت هزار بار قل هو الله احد گفتم این را طاقت ندارم پس گفت هزار بار صلوة بر وی
صلی الله علیه وسلم در هر شب دارمی گفته که میکنم این را هر شب شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نقل کرده که یکی از صلحا را در خواب دید و سوال
کرده شد از حال او گفت که خدای تعالی رحم کرد مرا و آمرزید و داخل جنت گردانید پس از وجهش پرسیده شد گفت که فرشتگان
گناهان من و صلوة من بر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم شمار کردند صلوة را زیاده تر یافتند پس فرمود حق تعالی بس است ای فرشتگان من حساب مکنید او را
و او را بجنت برید و نیز از بعض صلحا نقل کرده که او صورتی قبیح در خواب دید و پرسید که تو کدامی او گفت من عمل قبیح تو
ام گفت نجات از تو بچه چیز است گفت بکثرت صلوة بر مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و نیز از بعض صلحا آورده که او همسایهٔ میت
نیک دید و پرسید از چگونگی حال و جواب داد که از هلاک شدگان میبودم اگر کثرت صلوة من بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
نمی بود از شبلی رحمه الله منقول است که او یکی از همسایگان خود را در خواب دید و استفسار حالش نمود او گفت که گذشت بر من هول
عظیم وقت سوال ملکین پس در دل خود گفتم که این حالت بر من از کجا آمد آیا بر اسلام نمرده ام ندا رسید که این عقوبت مهمل
گذاشتن زبان تو است در دنیا پس چون فرشتگان قصد تعذیب من کردند حایل شد مردی جمیل خوشبو و یاد داد مرا حجت من
از او گفتم که تو کدامی یرحمک الله او گفت که من آن شخص ام که پیدا کرده شده ام برای کثرت صلوة تو بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
و مامورم بنصرت تو در هر محنت و از ابو بکر رحمه الله منقول است که در خواب دیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم و عرض کردم که
فردی درود زیاده میفرستد بر تو فرمود کدام است آنکس عرض کردم فلان کس است فرمود که لاجرم بتحقیق خدای تعالی مقرر کرده است برای او
مقام کریم و منقول است که زنی نزد حسن بصری رضی الله عنه آمده گفت که دختر من مرده است میخواهم که او را در خواب بینم گفت او را
که بعد از نماز عشا چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره فاتحه و سوره الهکم التکاثر بخواند و بخسپد و درود فرستد
بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آمدن خواب پس آن زن همچنان کرد و دید دختر خود را در بدترین عذاب و سخت ترین
عقوبت آن زن بعد بیداری نزد حسن بصری رضی الله عنه آمد و کیفیت باز گفت فرمود که صدقه ده شاید به برکت آن
گناهان دختر تو عفو شود و آن شب حسن بصری رضی الله عنه در خواب دید زنی را در بهترین نعیم جنت و آن زن گفت

مرا می‌شناسی من دختر همان زنم که تو امر کردی مرا در الصلوة بر محمد صلی الله علیه وسلم حسن بصری رضی الله عنه گفت که
که مادر تو حال تو خلاف این ذکر کرده بود آن زن گفت آری حال من همان بود حسن بصری گفت که سبب وصول باین مرتبه چه
شد گفت که ما هفتاد هزار کس در عقوبت گرفتار بودیم مرد صالحی از قبور ما گذشت و یکبار بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
درود فرستاد و ثواب آن بما بخشید حق تعالی آن صلوة را از وی قبول فرمود و به برکت آن ما را از آن عقوبت آزاد کرد
الحکمة از ثواب آن صلوة بحصه من رسید این است که تو دیدی شیخ ابن حجر مکی رحمه الله آورده که بعض صلحا بر خود نذر کرده بود
که هر شب عددی معلوم از صلوة بروی صلی الله علیه وسلم بوقت خواب فرستد شبی در خواب دید آن حضرت را صلی الله علیه وسلم که نزد
او آمد و همه خانه او پر نور شد و فرمود که بیار این دهن را که درود بسیار میفرستد بر من تا بوسه دهم آن کس حیا کرد و رخسار پیش نهاد آن
حضرت صلی الله علیه وسلم بر آن بوسه داد پس بیدار شد آن کس در حالیکه خانه او بوی مشک پر شده است بسبب بوی بهشت آنحضرت
صلی الله علیه وسلم و در رخسار آنکس بوی مشک تا یک هفته باقی بود و این عاصی عفی الله عنه از بزرگان خود شنیده که صالحی محمد بیران نام
از قوم ما بر خود لازم کرده بود که هر روز و شب دوازده هزار بار درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرستد آخر در قوم مشهور به دوازده
هزاری گردید و آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب دید آنحضرت صلی الله علیه وسلم او را به سینه مبارک خود چسپانید و فرمود که تو
جگر گوشه من هستی جز این آثار و ثنا ما در ابواب آینده مذکور خواهد شد **ضابطه** از شیخ ابو طالب مکی صاحب قوت القلوب و ابی
حاتم ابن احمد ابدل رحمهما الله منقول است که اقل عدد کثرت صلوة سیصد است و اکثر را حدی نیست شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که شاید
که اخذ کرده است این را از صالحی یا خود تجربه کرده است یا مایل گشته باینکه عدد اقل تواتر سیصد و چند است موافق عدد اصحاب بدر پس
سیصد را اختیار کرده کسر را ساقط کرد و صاحب تحفة الغریب گفته که وسط آن هزار بار است و برای تایید آن نقل کرده که جد او سید عبد الله
عیدروس رحمه الله در بعض وصایای خود نوشته که به شب پیش از خواب هزار بار یا کریم یا رحیم هزار بار درود بر نبی صلی الله
علیه وآله وسلم باید خواند و نیز آورده که قاضی ابن کبن طبری قرشی عدنی رحمه الله را در هر شب هزار بار درود وظیفه بود و این عاصی
عفی الله عنه میگوید که نقلی که از حافظ ابو الحسن بکاری رحمه الله پیش ازین گذشت نیز موید آن است چرا که در آن هم درود هزار
بار است و قصه درود **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُنْجِیْنَا بِهَا** الی آخره که در باب آینده مسطور خواهد گردید نیز تایید
آن میکند زیرا که در آن امر شده بود به هزار بار و چون قرات آن به صد رسید نجات یافت کشتی **وَاللّٰهُ اَعْلَم**

باب در تعدید ثمرات صلوة

ثمرات و نتایج صلوة بر سید عالم صلی الله
علیه وآله وسلم از حیطه احصا و دایره استقصا متجاوز است از آن جمله ابن فرحون قرطبی در کتاب خود ده ثمرات و صاحب حدائق
الانوار فی الصلوة والسلام علی النبی المختار صلی الله علیه وسلم چهل و یک ثمره و ابن قیم سی و پنج ثمره و سخاوی در قول بدیع
فی الصلوة علی الحبیب الشفیع و صاحب تفسیر علامی چهل و هفت ثمره و صاحب تحفه فاکهیه مکیه فی ثمار الصلوة النبویه پنجاه
و یک ثمره و شیخ ابن حجر مکی در کتاب در منضود پنجاه و پنج ثمره و صاحب تحفة الغریب شصت ثمره ذکر کرده این عاصی جانی عفا الله عنه آن

عز و جل علیه مثل قوله وعرضت علیه یوم القیمة و در روایتی از طبرانی از طریق ابی طلحه رضی الله عنه آمده که روزی
نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم رسیدم حالیکه خطوط پیشانی وی درخشان بود پس گفتم یا رسول الله ندیدم ترا خوشتر نفس و ظاهر
تر از روی بشارت از امروز دیدم فرمود کیف لا تطیب نفسی ویظهر بشری وانما فارقنی جبرئیل علیه السلام
الساعة فقال یا محمد من صلی علیک من امتک صلاة کتب الله له بها عشر حسنات ورفع بها
عشر درجات وقال له الملک مثل ما قال لک قلت یا جبرئیل وما ذاک الملک قال ان الله عز وجل
وکل ملکا منذ خلقک الی ان یبعثک لا یصلی علیک احد من امتک الا قال وانت
صلی الله علیک چرا خوش نباشد نفس من و ظاهر نشود خوشی من مفارقت نکرده از من جبرئیل علیه السلام درین ساعت مگر
گفت هر که درود فرستد بر تو از امت تو یکبار نویسد خدای تعالی برای او بسبب مقابله آن صلوة ده حسنه و بلند گرداند او را بدان ده
درجه و صلوة فرستد بروی فرشته مثل صلوة وی گفتم ای جبرئیل کدام است آن فرشته گفت بدرستی خدایتعالی مقرر کرده است
فرشته را از روزیکه پیدا کرده است ترا تا روزیکه بر انگیزد ترا از قبر درود نمی فرستد بر تو هیچ یکی از امت تو مگر که میگوید آن فرشته مر او را
صلی الله علیک ذکر کرده است این ثمره را ابن قیم و شیخ ابن حجر مکی و صاحب حدائق الانوار و صاحب تحفة الغریب **ثمره ۷**
محو کردن ده گناه در مقابله یک صلوة چنانچه از روایات سابقه بوضوح پیوسته این ثمره را همه علما ذکر کرده اند **ثمره ۸**
رجاء استجابت دعاست هرگاه واقع شود بعد صلوة یا میان دو صلوة چنانچه در باب سابق در روایت ترمذی از طریق فضاله
بن عبید و از روایت علی بن ابی طالب و در آثار عمر بن الخطاب و علی بن ابیطالب رضی الله عنهم و در قول ابن عطا مذکور شد و از
ابو سلیمان دارانی رحمه الله منقول است که هر که اراده سؤال حاجت از خدایتعالی کند پس شروع نماید آنرا بالصلوة بر پیغمبر خدا
صلی الله علیه وسلم و ختم کند بالصلوة پس بدرستی خدای تعالی قبول میکند هر دو صلوة را و او اکرم و انزه است از گذاشتن آنچه
مابین هر دو صلوة است ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحب تحفة الغریب و صاحب حدائق الانوار و صاحب تحفة فاکهه
ثمره ۹ سبب شفاعت آنحضرت صلی الله علیه وسلم است چنانچه از روایت مسلم و نسائی از طریق عبد الله
بن عمرو بن عاص و از روایت بزار از طریق رویفع بن ثابت و از روایت ابو موسی مدینی از طریق ابی هریره رضی الله عنهم مذکور شد
و نیز آورده طبرانی بسند جید من صلی علی حین یصبح عشرا وحین یمسی عشرا ادرکته شفاعتی
یوم القیمة هر که درود گوید بر من در وقت صبح ده بار و در وقت شام ده بار دریابد او را شفاعت من روز قیامت
ذکر کرده اند این ثمره را همه علمای مذکورین **ثمره ۱۰** سبب غفران ذنوب است چنانچه در روایت ترمذی از طریق
ابی بن کعب مذکور شد این ثمره را نیز همه علما ذکر کرده اند **ثمره ۱۱** سبب کفایت مهمات دینی و دنیوی است
چنانچه در روایت ترمذی از طریق ابی بن کعب رضی الله عنه مذکور شد و نیز آورده اند احمد و ابن ابی عاصم
و ابن ابی شیبه که گفت مردی یا رسول الله ایا می بینی که بگردانم همه صلوة من برای تو فرمود اذا یکفیک الله تبارک

وتعالی بما اهمک من دنیاک وآخرتک وابن بیهقی نیز بسند جید بطریق ارسال روایت کرده است وسر دران است که صلوة
مشتمل است بر ذکر خدای تعالی وتعظیم رسول او صلی الله علیه وسلم وآن موجب انجاح حوائج وکفایت مهمات است چنانچه در حدیث
قدسی آمده من شغله ذکری عن مسئلتی اعطیته افضل ما اعطی السائلین هر که را باز دارد ذکر من از سوال حاجت
او عطا کنم او را زیاده تر از آنچه عطا کنم سوال کنندگان را این ثمره را نیز همه علما ذکر کرده اند **ثمره ۱۲** سبب قرب مصطفی است
با آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم در روز قیامت چنانچه از روایت ترمذی وبزار از طریق عبد الله بن مسعود مذکور شد واین
ثمره را نیز همه علما ذکر کرده اند مگر قرطبی **ثمره ۱۳** قائم میشود صلوة مقام صدقه در حق صاحب عسرت براورده اند جماعتی از محدثین
بسند حسن که فرمود او صلی الله علیه وسلم ایما رجل مسلم لم تکن عنده صدقة فلیقل فی دعائه اللهم صل علی
محمد عبدک ورسولک وصل علی المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات فانها زکوة
هر مردی مسلمان که نباشد نزد او صدقه پس باید که بگوید در دعای خود اللهم صل علی محمد تا آخر آن پس بتحقیق آن زکوة است وروایت کرده اند
ایما رجل کسب مالا من حلال فاطعم نفسه او کساها فمن دونه من خلق الله فانه زکوة وایما رجل لم یکن
عنده صدقة فلیقل فی دعائه اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک وعلی المؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات فانها له زکوة هر مردیکه حاصل کند مال از حلال پس بخوراند نفس خود را وبپوشاند او را پس بخوراند غیر او را
از خلق خدای تعالی پس بتحقیق آن زکوة است وهر مردیکه نباشد نزد او صدقه پس باید که بگوید در دعای او اللهم صل علی محمد
تا آخر آن پس بتحقیق آن مر او را زکوة است گفته اند که ثواب صدقه مترتب است بر صلوة بخصوصه در تحفه فاکهیه گفته احتمال دارد
که آن صلوة تشهد باشد این عاصی عفی الله عنه میگوید که اگر مراد از آن همین صلوة که درین دو روایت مذکور شد دارند بعید نباشد
والله اعلم وبعضی گفته اند که صلوة افضل است از صدقه حتی که از صدقه مفروضه نیز زیرا که آنچه فرض کرده است خدای تعالی
بر بندگان خود وملائکه در آن شریک باشند افضل است از آنچه خود وملائکه در آن شریک نباشند شیخ ابن حجر مکی رحمه الله از سخاوی
نقل کرده که مخفی نیست بعد آن ذکر کرده اند این ثمره را نیز همه علما مگر ابن قیم وقرطبی **ثمره ۱۴** سبب قضای حوائج دنیا
وآخرت است چنانچه از روایت مستغفری از طریق جابر بن عبد الله رضی الله عنه مذکور شد وروایت کرده است بیهقی از ابن
مدیک از بعض کسانیکه صحبت ایشان یافته که هر که نزد قبر شریف آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم ایستاده آیه ان الله
وملائکته تا آخر آیه بخواند هفتاد بار بگوید صلی الله علیک یا محمد ندا کند او را فرشته به صلی الله علیک
وباقی نماند حاجت او ودر روایتی بسندی ضعیف آمده است ان اقربکم منی یوم القیمة فی کل موطن اکثرکم
علی صلوة فی الدنیا من صلی علی فی یوم الجمعة ولیلة الجمعة قضی الله له مائة حاجة
سبعین من حوائج الآخرة وثلاثین من حوائج الدنیا ثم یوکل الله بذلک ملکا یدخله
فی قبری کما یدخل علیکم الهدایا یخبرنی من صلی علی باسمه ونسبه الی عشیرته فاثبته

عِنْدَ تَجِيءُ فِي صَحِيْفَةٍ بَيْضَاءَ بدرستی که نزدیکترین شما از من در روز قیامت در هر موطن زیاده ترین شما است
بر من از روی صلوة در دنیا هر که درود بگوید بر من در روز جمعه و شب جمعه بر آرد الله تعالی برای او صد حاجت هفتاد
از حاجتهای آخرت و سی از حاجتهای دنیا پس مقرر کند خدای تعالی بدان فرشته که می آرد آن صلوة را در قبر من
چنانچه آورده میشود نزد شما هدیه ها را خبر میدهد آن فرشته مرا از کسی که درود فرستاده است بنام و نسب و قبیله او پس ثبت
میکند نام او نزد من در صحیفه سفید در تحفة الکهیه از کتاب مفاخر الصلوة النبویه که از تلمسانی است رحمه الله نقل کرده
که شخصی را سه هزار دینار دین بود صاحب دین او را نزد قاضی کشید و قاضی او را تهدید بحبس طویل نمود مدیون مهلت
یکماه از وی گرفت و در خانه خود نشست و التزام نمود درود را بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم در همه اوقات مگر وقت
ادای صلوة و ضروریات انسانی چون بیست و هفت روز از ماه گذشت بخواب دید آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که بشارت داد او را
بقضای دین فرمود که نزد ابن عیسی وزیر رفته درخواست قضای دین بکن اگر بخوشی بدهد بستان و از اندیشه عدم تصدیق او توقف نمود
و باز بخواب رفت باز دید آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را هم چنان فرمود آنکس بیدار شد و همان اندیشه نرفت و ندامت
کشید که از آنحضرت صلی الله علیه وسلم علامتی نپرسید که دلالت بر صدق رویا کند باز بخواب رفت و بدولت رویت
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فایز گردید پس فرمود بگو بعلامت اینکه درود میفرستی بر من از طلوع فجر تا ارتفاع شمس
هزار بار یا پنج هزار بار باختلاف روایت پس شخص بیدار شد و نزد ابن وزیر رفت و اخبار کرد بر رویا و علامت آن وزیر از خوشی
بگریست و بقدر نقش نمود و گفت مَرْحَبًا بِرَسُوْلِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همان وقت
سه هزار دینار برای ادای دین و سه هزار دینار دیگر باو داد و گفت که در هر مشقت نزد من بیا پس آنکس نزد قاضی رفت
و ادای دین را طلبید و زر برای ادای دین او بر آورد و باین ماجرا اخبار نمود قاضی گفت که من احق ام بادای دین تو از
ابن وزیر و سه هزار دینار طلبید و باو داد و چنین گفت که من احق از هر دوام بترک دین و از دین ابرا نمود و قاضی زر خود داد پس رفت
پس مدیون به برکت درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم مالک نه هزار دینار شده رفت این ثمره را همه علما ذکر کرده اند

ثمره ۱۵ سبب صلوة فرستادن فرشتگان است بر مصلی چنانچه از روایت ابن صخر از طریق عامر بن
ربیعه و از روایت عبد الرحمن بن عوف وغیر او رضی الله عنهم مذکور شده و در روایتی آمده مَنْ صَلَّى عَلَيَّ
صَلٰوةً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ عَشْرًا وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَشْرًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ
مِائَةً وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِائَةً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ أَلْفَ صَلٰوةٍ وَلَمْ تَمَسَّ جَسَدَهُ
النَّارُ هر که درود گوید بر من یکبار درود گوید خدای تعالی بر آنکس و فرشتگان او ده بار و هر که درود گوید بر من
ده بار درود گوید خدای تعالی بر آنکس و فرشتگان او صد بار و هر که درود گوید بر من صد بار درود گوید خدای تعالی بر آنکس
و فرشتگان او هزار بار و مس نکند جسد او را آتش دوزخ ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و سخاوی و شیخ ابن حجر

ملی و صاحب تحفهٔ فاکهیه صاحب تحفة الغریب **ثمره ۱۶** طهارت و زکوة است در حق مصلی چنانچه از روایت امیر المومنین
علی رضی الله عنه و از روایت ابن عدی وغیره مذکور گردید و از محمد بن القاسم مروی است بسند معضل که چیزی که طهارت و غسل
است و طهارت دلهای مومنان از زنگ گناه درود بر پیغمبر خدا است صلی الله علیه وسلم ذکر کرده اند این ثمره را همه علما مگر قرطبی
ثمره ۱۷ بشارت بجنت است مر مصلی را و سبب دیدن او مکان خود در جنت قبل از موت روایت کرده اند
جماعتی از محدثین که فرمود وی صلی الله علیه وسلم من صلی علی فی یوم الف مرة لم یمت حتی یبشر بالجنة هر که
درود گوید بر من هر روز هزار بار نمیرد آن کس تا که بشارت داده شود به بهشت و در روایتی بجای حتی یبشر بالجنة حتی
یری مقعده من الجنة آمده است یعنی نمیرد تا که ببیند مکان خود از جنت شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که این حدیث
منکر است ذکر کرده اند این ثمره را همه علما مگر قرطبی **ثمره ۱۸** سبب نجات مصلی است از هول های روز قیامت چنانچه
از روایت جمعی از محدثین مذکور شد یا ایها الناس انجاکم تا آخر این ثمره را همه علما ذکر کرده اند مگر قرطبی **ثمره ۱۹**
سبب صلوة فرستادن آنحضرت صلی الله علیه وسلم است بر مصلی قریب باشد یا بعید و کذلک سلام سبب سلام وی است
صلی الله علیه وسلم چنانچه از روایت ابی داود از طریق ابی هریره رضی الله عنه مذکور شد و بر آورده است ابو موسی
مدینی من صلی علی صلوة جائنی بها ملک فاقول ابلغه عنی عشرا وقل له لو کانت من هذه
العشرة واحدة لدخلت معی الجنة کالسبابة والوسطی وحلت لک شفاعتی
ثم یصعد الملک حتی ینتهی الی الرب فیقول ان فلان بن فلان صلی علی نبیک مرة واحدة
فیقول تبارک و تعالی ابلغه عنی عشرا وقل له لو کانت من هذه العشرة واحدة لما
النار ثم یقول عظموا صلوة عبدی ثم اجعلوها فی علیین ثم یخلق من صلوته
بکل حرف ملکا له ثلاثمائة وستون راسا الحدیث هر که درود گوید بر من
یکبار بیارد نزد من آن صلوة را فرشته پس بگویم او را برسان آن بنده را از من ده صلوة و بگو مر او را اگر بودی از این
ده صلوة یکی هر آینه داخل شدی تو با من در بهشت مثل انگشت سبابه و وسطی یعنی با این قرب لازم شدی مر ترا شفاعت
من پس بالا رود آن فرشته تا که برسد نزد پروردگار یعنی بمحل مناجات او تعالی پس بگوید بدرستی فلان پسر فلان درود
فرستاده بر پیغمبر تو یکبار پس بگوید خدا تعالی برسان آن بنده را از من ده صلوة و بگو مر او را اگر بودی از این ده صلوة یکی
هر آینه مساس نکردی ترا آتش دوزخ پس بگوید او تعالی که بزرگ دارید درود بنده مرا پس بگردانید آنرا در علیین پس
پیدا کند از آن صلوة مقابل هر حرف یک فرشته که باشد او را سیصد و شصت سر الحدیث حافظ سخاوی رحمه الله گفته
که این روایت بلا شک موضوع است شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود آورده که مردی نزد ابو الفضل بن
زیرک خراسانی آمد و گفت در خواب پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را دیدم در حالیکه من در مسجد مدینه منوره بودم آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم در خواب دیدم و فرمود اقرأ علی ابی الفضل منی السلام بخوان بر ابی الفضل از من سلام پس گفتم یا رسول اللہ
چرا بروی سلام میگوئی فرمود از برای آنکه او در روز بر من صد بار درود میفرستد و آنچه ابو الفضل استعلام آن درود نمود
و گفت اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ جَزَی اللّٰهُ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَسَلَّمَ عَنَّا مَا هُوَ اَهْلُهٗ این حکایت را صاحب تحفة الغریب نیز از شیرویه از عبد اللہ بن مکی از ابو الفضل
نقل کرده شیخ ابن حجر مکی رحمہ اللہ از بیہقی و غیر او آورده که سلیم بن سحیم روزی آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را دید و سوال
کرد که آیا در سلام مردم بر وی صلی اللہ علیہ وسلم مر او را نفعی هست فرمود آری و من بر آنها رد سلام میکنم ابراہیم بن شیبان
گفته که پس من شدم قبر شریف وی صلی اللہ علیہ وسلم آمدم و سلام کردم پس از قبر شریف شنیدم وَعَلَیْکَ السَّلَامُ و نیز آورده
که سید نور الدین بن عفیف الحی رحمہ اللہ جواب سلام از قبر شریف وی صلی اللہ علیہ وسلم وَعَلَیْکَ السَّلَامُ
یَا وَلَدِیْ شنید و صاحب تحفة الغریب نقل کرده که عبد شیخ علی بن علوی رحمہ اللہ چون اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُوْلَ
اللّٰهِ میگفت خواه داخل نماز باشد یا خارج آن جواب می شنید وَعَلَیْکَ السَّلَامُ یَا شَیْخُ این عاصی عفی اللہ عنه میگوید
که ثابت شده است که شاه صبغة اللہ گجراتی مدنی قدس سره نزد قبر وی صلی اللہ علیہ وسلم بحضرت جم غفیر گفت السلام
عَلَیْکَ یَا جَدِّیْ جواب آمد وَعَلَیْکَ السَّلَامُ یَا وَلَدِیْ این ثمره را ذکر کرده اند همه علما مگر قرطبی و سخاوی

ثمره ۲۰ سبب طیب مجلس است چنانچه در بعض از صحابه رضی اللہ عنهم مذکور شد ذکر کرده است این ثمره را
ابن قیم و صاحب تحفة الغریب و صاحب حدائق الانوار رحمهم اللہ **ثمره ۲۱** سبب یاد آمدن چیزی است که فراموش شده
باشد و فراموش شدن چیزیکه یاد کرده چنانچه در حدیثی بسند ضعیف آمده اِذَا نَسِیْتُمْ شَیْئًا فَصَلُّوْا عَلَیَّ
تَذْکُرُوْهُ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ هر گاه فراموش کنید شما چیزی را پس درود گوئید بر من یاد خواهید کرد آن را اگر خدا
خواسته باشد و از ابی هریره رضی اللہ عنه مروی است اگر که بترسد از خود فراموشی را پس باید که گوید درود بر نبی صلی اللہ علیہ وسلم
ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الغریب و شیخ ابن حجر مکی این را اگر چه در فصل فوائد صلوة ذکر کرده لیکن در فصل مواطن
صلوة آورده است **ثمره ۲۲** سبب دور شدن فقر است بر آورده است ابو نعیم بسند ضعیف از سمره رضی اللہ
عنه که بدرستی آمد مردی نزد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و پرسید که چه چیز اقرب اعمال است بسوی خدای تعالی فرمود
صِدْقُ الْحَدِیْثِ وَاَدَاءُ الْاَمَانَةِ راستی سخن و ادا کردن امانت اقرب اعمال بخدای تعالی است
گفتم یا رسول اللہ زیاده بفرمای فرمود صَلٰوةُ اللَّیْلِ وَصَوْمُ الْهَوَاجِرِ نماز شب یعنی تهجد و روزه در ایام
شدت گرما گفتم ازین زیاده بفرمای فرمود کَثْرَةُ الذِّکْرِ وَالصَّلٰوةُ عَلَیَّ تَنْفِی الْفَقْرَ الحدیث
زیادت ذکر الهی و زیادت صلوة بر من دور میکند فقر را و نیز بسند ضعیف آمده است که بدرستی مردی شکایت فقر و تنگی
معاش پیش آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نمود پس فرمود او را آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم هر گاه در آئی بخانه خود

پس سلام کن در خانه کسی باشد یا نه باشد پس سلام کن بر من و بخوان قل هو الله احد یکبار پس چنان کرد آن مرد
زیاده کرد خدا تعالی رزق او تا که فیض نمود به همسایگان و اقربای خود و نیز بسند ضعیف از ابی هریره رضی الله عنه آمده
که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مَن قرأ القرآن وحمد الرب وصلی علی النبی صلی الله علیه وسلم واستغفر
ربه فقد طلب الخیر من مظانه یعنی هر که بخواند قرآن را و ستایش کند پروردگار را و درود فرستد بر نبی صلی
الله علیه وسلم و طلب مغفرت کند از پروردگار او پس تحقیق طلب کند نیکی را از جاهای گمان آن و در تحفه المهیه گفته که مراد از نفع
نفع عام است خواه حاصل شود بغنای قلبی یا بحصول ثروت ظاهری ذکر کرده اند این ثمره را بعض علما

ثمره ۲۳ سبب دور شدن وصف بخل است از مصلی زیرا که مذکور شد البخیل من ذکرت عنده ولم یصل علی
پس اقتضا کرد این حدیث که هر که صلوة گوید نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم بخیل نیست ذکر کرده اند این ثمره را صاحب
حدایق الانوار و صاحب تحفة الغریب

ثمره ۲۴ سبب نجات است از دعای رغم انف است زیرا که در حدیث آمده
است که ترک صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وآله وسلم سبب رغم انف است چنانچه در باب آینده خواهد آمد ان شاء الله تعالی
پس صلوة در وقت ذکر وی صلی الله علیه وسلم موجب نجات از آن است ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان
حدایق الانوار و تحفة الغریب

ثمره ۲۵ سبب خطا نکردن مصلی است طریق جنت را چنانچه از روایت ابن حجر
از طریق ابن عباس رضی الله عنهما مذکور شد که ترک صلوة موجب خطا راه جنت است و در باب آینده نیز خواهد آمد پس
اشتغال بصلوة سبب عدم خطا است ذکر کرده اند این ثمره را نیز ابن قیم و صاحبان حدایق الانوار و تحفة الغریب

ثمره ۲۶ سبب نجات از نتن مجلس و حسرت اهل آن است چنانچه در باب آینده خواهد آمد که هر مجلس که
از صلوة نبوی خالی باشد در روز قیامت بر اهل آن مجلس حسرت خواهد بود و گویا که آن مردم از بدبوترین جیفه برخاسته
باشند پس اشتغال بصلوة موجب نجات از آن است ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان حدایق الانوار و تحفة الغریب

ثمره ۲۷ سبب محافظت کلام است از نقصان و عدم برکت چنانچه بر آورده اند جماعه محدثین بسند
ضعیف که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کل کلام لا یذکر الله تعالی فیه ویبدأ فیه
بالصلوة علی فهو اقطع ممحوق من کل برکة یعنی هر کلامی که ذکر کرده نشود خدا تعالی را در آن و شروع
کرده نشود در آن بصلوة بر من پس آن کلام بریده و کاهیده شده از هر برکت است ذکر کرده اند این ثمره را نیز صاحبان
حدایق الانوار و تحفة الغریب

ثمره ۲۸ سبب ثبات بر صراط و جواز از آن است چنانچه روایت کرده اند جمعی
بچند طرق که بعض آن حسن است از عبد الرحمن بن سمره رضی الله عنه که بر آمد بر ما رسول خدا صلی الله علیه وسلم و گفت
انی رأیت البارحة عجبا رأیت رجلا من امتی یزحف علی الصراط مرة ویحبو مرة ویتعلق
مرة فجاءته صلوته علی فاخذت بیده فاقامته علی الصراط حتی جاوزه

بود سستی و دیدم در شب گذشته عجبی دیدم مردی را از امت من که مانده میشود بر صراط یکبار و میلرزد و یکبار و چنگ بر آن میزند یکبار
پس آمد وی درود او که بر من فرستاده بود پس گرفت دست او و قایم کرد او را بر صراط تا که گذشت از آن و در روایتی دیگر آمده
رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ اُمَّتِيْ يَرْعَدُ عَلَى الصِّرَاطِ كَمَا تَرْعَدُ السَّعَفَةُ فَجَاءَتْهُ صَلٰوتُهُ عَلَيَّ
فَسَكَنَتْ رَعْدَتُهُ یعنی دیدم مردی را از امت من که میلرزد بر صراط چنانچه میلرزد شاخ درخت خرما پس آمد
او را درود یکه بر من فرستاده بود پس آرامیده ساخت لرزه او را ذکر کرده اند این ثمره را ائمه علما مثل ابن فرحون قرطبی
ثمره ۲۹ سبب خروج مصلی است از جفا چنانچه در باب آینده خواهد آمد که نفرستادن صلوة بر آنحضرت بعد
شنیدن ذکر وی صلی الله علیه وسلم از جفا است پس صلوة موجب صیانت از آن خواهد بود ذکر کرده اند این ثمره را
ابن قیم و صاحبان حدائق الانوار و تحفة الغریب ثمره ۳۰ سبب بشر و ابقاء ثنای احسن بر مصلی در میان
اهل سموات و ارضین زیرا که مصلی طالب ثنای احسن و تشریف و تکریم نبی صلی الله علیه و آله وسلم است از جناب رب تعالی
و جزا از جنس عمل میباشد پس لابد است از اینکه حاصل شود مصلی را نوعی از آن ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان
تحفة الغریب و حدائق الانوار ثمره ۳۱ سبب برکت در ذات مصلی و عمل او و عمر او و اسباب مصالح اوست زیرا که
مصلی داعی به برکت است بر وی صلی الله علیه وسلم و دعا مستجاب و جزا از جنس آنست و نیز سابق مذکور شد که
صلوة بر وی صلی الله علیه و آله وسلم زکات و طهارت مصلی است و ظاهر است که زکات متضمن نمو و برکت است شیخ
ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود نقل کرده که تاجری مرد و سه موی مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم و مال ترکه
گذاشت و دو پسر وارث او بودند هر واحد یک موی شریف و نصف مال گرفت و یک موی شریف که باقی ماند پسر کلان خواست
که دو پاره کند پسر کوچک بنا بر اجلال و اعظام جناب نبوی صلی الله علیه وسلم از شکستن آن امتناع نمود پس کلان بکوچک گفت
که هر سه موی بحصه خود از مال بگیر او قبول کرده گرفت و هر سه موی مبارک را در جیب خود داشت و هر وقت آنرا برآورده بمشاهده
آن درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرستاد و در اندک زمان مال او زیاده شد و مال پسر کلان هلاک گردید و چون پسر
کوچک مرد بعض صلحا آنحضرت را صلی الله علیه وسلم در خواب دید که میفرماید مردم را که هر کرا حاجت بسوی خدای تعالی
باشد پس بیاید نزد قبر آن پسر و دعا کند حاجتش برآید پس مردم نزد قبر او می آمدند و حاجات خود میخواستند
آخر مزار او چنان معزز گردید که هر که از آن میگذشت از مرکب فرود می آمد و پیاده میرفت ذکر کرده اند این ثمره را ائمه علما
مثل قرطبی ثمره ۳۲ سبب غشیان رحمت الهی است مصلی را آورده بزار بسندی حسن که فرمود آنحضرت صلی الله
علیه وسلم اِنَّ لِلّٰهِ سَيَّارَةً مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَطْلُبُوْنَ حِلَقَ الذِّكْرِ فَاِذَا اَتَوْا عَلَيْهِمْ حَفُّوْا بِهِمْ
ثُمَّ بَعَثُوْا رَائِدَهُمْ اِلَى السَّمَاءِ اِلٰى رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى فَيَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اَتَيْنَا عَلٰى
عِبَادٍ مِنْ عِبَادِكَ يُعَظِّمُوْنَ آلَاءَكَ وَيَتْلُوْنَ كِتَابَكَ وَيُصَلُّوْنَ عَلٰى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

صلی اللّٰه علیه وسلم ویسألونك لآخرتهم ودنیاهم فیقول تبارك وتعالی غشوهم رحمتی
فیقولون یا رب ان فیهم فلانا الخطاء انما اعتنقهم اعتناقا فیقول تبارك وتعالی غشوهم
رحمتی فهم الجلساء لا یشقی بهم جلیسهم بدرستیکه مر خدا تعالی را است سیر کننده گان از فرشتگان سیطلبند
حلقه های ذکر را پس گاه بیایند بر آنها یعنی بر کسانیکه مجتمع شده اند برای ذکر الهی احاطه میکنند آن فرشتگان ایشان را
پس میفرستند رایدخود را بسوی آسمان بسوی رب العزت یعنی بسوی محل مناجات او پس میگویند ای پروردگار
ما آمدیم بر بنده گانی از بندگان تو که بزرگ میدارند نعمتهای ترا و میخوانند کتاب ترا و درود میگویند بر پیغمبر تو محمد صلی الله
علیه وسلم و سوال میکنند از تو برای آخرت و شان و دنیای ایشان پس میگوید خدا تعالی بپوشید آنها را رحمت من
پس میگویند فرشتگان ای پروردگار بدرستی در آنهاست فلان کس بسیار کننده کار زلت مگر در آمیخته است با آنها در انجمن
میگوید خدا تعالی بپوشید آنها را رحمت من پس آن همه همنشین اند بدبخت گردانیده نشود با ایشان همنشین ایشان
ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب حدائق الانوار و تحفة العزیز تحفة فاکهیه سبب ٣٣
دوام محبت مصطفی است مر آن حضرت را صلی اللّٰه علیه وسلم در زیادت و تضاعف آن زیرا که کثرت ذکر محبوب
و استحضار او و محاسن معانی جالبه حب او موجب تضاعف حب و تزاید شوق و استیلا صبابه است
شیخ جزولی رحمه اللّٰه در دلائل الخیرات آورده که پرسیده از آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم که کدام اند آل محمد آنحضرت
آل محمد که امر کرده شدیم بدوستی آنها و اکرام آنها و نیکی بآنها فرمود اهل الصفاء والوفاء من آمن بی
واخلص اهل صفا و اهل وفا اند یعنی کسیکه ایمان آورد بمن و اخلاص نمود در آن پس پرسیده شد چیست علامت
آنها فرمود ایثار محبتی علی کل محبوب واشتغال الباطن بذکری بعد ذکر اللّٰه
علامت آنها اختیار کردن دوستی من است بر هر محبوب و اشتغال باطن است بذکر من بعد ذکر خدا تعالی و در
روایتی است علامتهم ادمان ذکری والاکثار من الصلوة علی علامت آنها
همیشه کردن ذکر من و زیاده گفتن از صلوة است بر من محبت نبی صلی اللّٰه علیه وسلم عقدی است از عقود ایمان
که تمام نمیشود ایمان مگر بدان الا لا ایمان لمن لا محبة له و ثابت شده است که امیر المؤمنین عمر بن الخطاب
رضی اللّٰه عنه عرض کرد که یا رسول اللّٰه تو دوست تری نزد من از هر چیز مگر از نفس من پس فرمود نبی صلی
اللّٰه علیه وسلم لا تکون مؤمنا حتی اکون احب الیك من نفسك نباشی مومن
تا آنکه باشم دوست تر نزد تو از نفس تو پس گفت عمر رضی اللّٰه عنه قسم بکسیکه نازل کرده است بر تو کتاب
را اینه تو دوست تر هستی نزد من از نفس من پس فرمود آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم الآن یا عمر تم ایمانك
الحال ای عمر تمام شد ایمان تو بر آورده است این را بخاری از حدیث عبد اللّٰه بن هشام رضی اللّٰه عنه ذکر کرده اند

ثمره ۳۴ سبب محبت وی صلی الله علیه وآله وسلم است این ثمره را ابن قیم وصاحبان تحفة الغریب وحدایق الانوار
مر مصلی را زیرا که صلوٰة دلالت دارد بر اطاعت وانقیاد وآن موجب محبت مطاع است مر مطیع را ذکر کرده اند این ثمره را نیز ابن
قیم وصاحبان تحفة الغریب وحدایق الانوار ثمره ۳۵ سبب هدایت مصلی وحیات قلب اوست زیرا که
صلوٰة دور کننده زنگ دل است وزنگ عبارت است از اوصاف رذیله که سبب ضلالت وموت دل است پس
زوال آن سبب هدایت وحیات دل باشد ذکر کرده اند این ثمره را قرطبی وصاحبان تحفة الغریب وحدایق الانوار
ثمره ۳۶ سبب معروض شدن نام مصلی ومذکور شدن وی نزد آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
چنانچه از روایت ابی داود ونسائی وابن ماجه از طریق اوس بن اوس واز روایت ابی داود از طریق ابی هریره
واز روایت بزار از طریق عمار بن یاسر واز روایت ابن مسعود وغیر او رضی الله عنهم سابق مذکور شد ونیز جماعتی
از محدثان برآورده اند که فرمود وی صلی الله علیه وسلم اِنَّ لِلّٰهِ مَلَکًا اَعْطَاهُ اَسْمَاعَ الْخَلَائِقِ
فَهُوَ قَائِمٌ عَلٰی قَبْرِیْ اِذَا مِتُّ فَلَیْسَ اَحَدٌ یُصَلِّیْ عَلَیَّ صَلٰوةً اِلَّا قَالَ یَا مُحَمَّدُ صَلّٰی
عَلَیْکَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ فَیُصَلِّی الرَّبُّ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی عَلٰی ذٰلِکَ الرَّجُلِ بِکُلِّ وَاحِدَةٍ
عَشْرًا بدرستی که مر خدای تعالی را فرشته ایست که عطا کرده است او را اسماع همه خلائق پس آن فرشته قائم
باشد بر قبر من چون بمیرم پس نیست هیچ یکی که درود گوید بر من درود گفتنی مگر که گوید آن فرشته ای محمد درود
گفته است بر تو فلان ابن فلان پس درود گوید پروردگار تعالی بر آن کس در مقابله هر یک صلوٰة ده بار ودر روایتی است
فَهُوَ قَائِمٌ عَلٰی قَبْرِیْ حَتّٰی تَقُوْمَ السَّاعَةُ فَلَیْسَ اَحَدٌ مِنْ اُمَّتِیْ یُصَلِّیْ عَلَیَّ صَلٰوةً اِلَّا
قَالَ یَا اَحْمَدُ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِاسْمِهٖ وَاسْمِ اَبِیْهِ یُصَلِّیْ عَلَیْکَ کَذَا وَکَذَا وَضَمِنَ
لِیَ الرَّبُّ اَنَّهٗ مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ صَلٰوةً صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ عَشْرًا وَاِنْ زَادَ زَادَهُ اللّٰهُ
پس آن فرشته قائم باشد بر قبر من تا که قائم شود قیامت نیست هیچ یکی از امت من که درود گوید بر من
درود گفتنی مگر که گوید آن فرشته یا احمد فلان بن فلان بنام آن کس ونام پدر او درود میگوید بر تو چنین و
چنین وضامن شده است برای من پروردگار من که بدرستی هر که درود فرستد بر من یکبار درود فرستد خدای
تعالی بر آن کس ده بار واگر زیاده کند آن کس زیاده کند او را خدا تعالی درود خود ودر روایتی صحیح آمده
اِنَّ لِلّٰهِ مَلٰئِکَةً سَیَّاحِیْنَ فِی الْاَرْضِ یُبَلِّغُوْنِیْ صَلَاةَ مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ مِنْ اُمَّتِیْ
بدرستی مر خدای تعالی راست فرشتگان که سیر کنند در زمین میرسانند مرا درود کسی که درود فرستد بر من
از امت من ودر روایتی بسند جید آمده مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ عِنْدَ قَبْرِیْ سَمِعْتُهٗ وَمَنْ صَلّٰی
عَلَیَّ مِنْ بَعِیْدٍ اُعْلِمْتُهٗ هر که درود گوید بر من نزد قبر من می شنوم صلوٰة او وهر که درود گوید بر من از

دور دانا بنده شنوم صلوة او یعنی بوساطت ملک معروض میشود چنانچه در روایتی دیگر بسندی مروی آمده است من
صلی علی عند قبری سمعته ومن صلی علی نائیا بعیدا وکل الله به ملکا
یبلغنی وکفی امر دنیاه وآخرته وکنت له یوم القیمة شهیدا او شفیعا
هر که درود گوید بر من نزد قبر من بشنوم درود او و هر که درود گوید بر من در حالیکه دور است مقرر کند خدای تعالی بدان فرشته
را که میرساند مرا آن درود و کفایت کند امر دنیا و آخرت او را و باشم او را در روز قیامت گواه و شفاعت کننده
لفظ او بمعنی و او ست یا بر حقیقت خود است برای تردید از آنحضرت صلی الله علیه وسلم یا تشکیک از راوی **تبصره**
ازین احادیث که در باب عرض صلوة مذکور شد معلوم گردید که صلوة و سلام از دور باشد معروض میشود بواسطه ملک
و اگر نزد قبر شریف بود میشنود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بلا واسطه خواه در شب جمعه باشد یا غیر آن و ورد صلوة و سلام
مخصوص به زائر نیست بلکه بعید و قریب برابر است چنانچه از عموم احادیث ظاهر شد و آثار روایتیکه طبرانی برآورده
انی لیس من عبد یصلی علی الا بلغنی صوته حیث کان الحدیث بدرستیکه
من نیست هیچ بنده که درود فرستد بر من مگر میرسد مرا آواز او هر جا که باشد پس عراقی گفته که اسناد آن
صحیح نیست و نیز از آن احادیث معلوم شد که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم زنده است علی الدوام برای که
از محال عادی است که زمانه از ازمنه خالی باشد از سلام کننده بروی صلی الله علیه و آله وسلم و جسد شریف را زمین
نمیخورد و بران اجماع علماست چه جای تعجب گفته اند که اجساد علما و شهدا و مؤذنین را نیز نمیخورد و تعجب در حیات
عدم تغیر اجساد آنهاست که در مشاهده آمده و حیات شهدا بنص قرآن کریم ثابت شده است ذکر کرده اند این ثمره
را شیخ ابن حجر مکی و صاحبان تحفة الغریب تحفه فالکهیه **ثمره ۳۷** سبب نور است در روز قیامت بر
صراط چنانچه از روایت ابی هریره و غیر او رضی الله عنهم مذکور شد و نیز برآورده است دیلمی بسند ضعیف که فرمود آن
حضرت صلی الله علیه وسلم زینوا مجالسکم بالصلوة علی فان صلوتکم علی نور لکم یوم
القیمة آراسته کنید مجلسهای شما را به فرستادن صلوة بر من بدرستیکه درود شما بر من نور است برای روز
قیامت برآورده است ابو سعد در شرف المصطفی که فرمود صلی الله علیه وسلم الصلوة علی نور یوم القیمة
علی الصراط الحدیث درود بر من نور است در روز قیامت بر صراط ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی
و صاحب تحفه فالکهیه **ثمره ۳۸** سبب ادای اقل قلیل از حق وی است صلی الله علیه وسلم و شکر نعمت
الهی که انعام فرموده است او سبحانه آن را برما اگرچه حقوق وی صلی الله علیه وسلم از حصر و احصا بیرون است معهذا
وی تعالی بمحض فضل و کرم خویش باین اقل قلیل راضی شده ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان
حدایق الانوار و تحفة الغریب **ثمره ۳۹** صلوة متضمن ذکر الهی است چنانچه سابق مذکور شد من

ذَکَرَنِی فَقَدْ ذَکَرَ اللّٰهَ وَمَنْ اَحَبَّنِی فَقَدْ اَحَبَّ اللّٰهَ ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان حدائق الانوار
وتحفة الغریب **ثمره ۴۰** سبب حب حق سبحانه است مر مصلی را چنانچه از روایت قشیری از طریق ابن
عباس رضی الله عنهما از خطاب حق سبحانه بموسی علی نبینا علیه الصلوة والسلام مذکور شد ذکر کرده اند این ثمره را شیخ
ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۴۱** سبب حب عبدست مر وی تعالی را زیرا که حب وی تعالی مر عبد را
مستلزم حب عبدست مر او تعالی را کما قال الله تعالی یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّوْنَهٗ و نیز
صلوة سبب حب نبی است و حب نبی سبب حب الهی است چنانچه قبل ازین گذشت مَنْ اَحَبَّنِیْ فَقَدْ اَحَبَّ اللّٰهَ
ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۴۲** سبب رویت آنحضرت صلی الله علیه وسلم در منام چنانچه
صاحب تحفة الغریب از حاتم بن احمد اهدل وغیر او از صلحا رحمهم الله تعالی نقل کرده که هر که بر آنحضرت صلی الله
علیه وسلم هزار بار درود فرستد بیند او را در خواب و از بعض دیگر آورده که هر که نقش کند اسم مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ و اَحْمَدُ
رَسُوْلُ اللّٰهِ سی و پنج بار و در آن نظر کند در وقت طلوع آفتاب و درود فرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم اکثر رویت
وی مشرف شود در بیداری و خواب و از بعض مصنفات جد خود سید عبد الله عیدروس رحمه الله نقل کرده که هر که بر دو اسم مذکور
در کاغذ پاره بروز جمعه بعد ادای نماز جمعه بنویسد و با خود نگهدارد و در وقت طلوع آفتاب هر روز در آن نظر کند و بر آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم درود فرستد بحسب قبول و عقد نیت و صفای باطن رویت وی صلی الله علیه وسلم میسر آید و شیخ ابن حجر
مکی رحمه الله وغیره آورده اند که هر که اراده رویت آنحضرت صلی الله علیه وسلم در خواب دارد این درود بعد طاق بخواند
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا اَمَرْتَنَا اَنْ نُصَلِّیَ عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا هُوَ
اَهْلُهٗ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی لَهٗ و بعضی گفته اند که این درود را نیز با آن
ضم نماید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی رُوْحِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَرْوَاحِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی جَسَدِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَجْسَادِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُوْرِ شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در کتاب جذب القلوب گفته که از اسباب
ادراک شرف رویت سید انام صلی الله علیه وسلم ملازمت صلوة است بصفت طهارت بصیغه اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَسَلِّمْ کَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی لَهٗ مخفی نماند که این صلوة در صلوتیکه
شیخ ابن حجر مکی وغیر او نقل کرده است داخل است لیکن لفظ آله وسلم زیاده است و نیز در کتاب مذکور گفته که هر که
شب جمعه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از فاتحه یازده بار آیة الکرسی و یازده بار سوره اخلاص بخواند و بعد
از سلام صد بار درود فرستد بصیغه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَاٰلِهٖ وَسَلِّمْ
هم ببیند در خواب حضرت رسالت پناه را صلی الله علیه وسلم اگر نه بیند باید تا سه جمعه نگذرد ان شاء الله تعالی
مجرب بعض الفقراء والحمد لله انتهی کلامه این فصل [illegible] نظام الدین احمد رحمه الله

ابن عاصی عفی الله عنه نیز از حافظ اسعد بن محمد سعید مکی انصاری خزرجی بخاری که در فن حدیث از اعلام وقت
با بعضی از ائمه آنجا بود به بلده ارکات آمده بود رسیده الیکن و زان آیة الکرسی یکبار و سوره اخلاص یازده بار
بعد از سلام درود هزار بار است و تعیین صیغهٔ درود مذکور نیست و نیز مرویست که هر که بگذارد در شب جمعه دو رکعت نماز
و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه سوره اخلاص بیست و پنج بار و بعد از سلام بخواند درود بصیغه صلی الله علی
محمد النبي الامي هزار بار پیش از رسیدن جمعه دیگر ببیند آنحضرت صلی الله علیه وسلم را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
گفته که برآورده است این روایت را ابوموسی مدنی و حالانکه صحیح نیست و شیخ عبدالحق دهلوی گفته که از مجربات
است والله اعلم و اعمالی دیگر نیز برای تحصیل این سعادت بیان کرده اند و خلاصه همه استغراق ذکر آن
حضرت صلی الله علیه وسلم در ظاهر و باطن و اکثار صلوة و دوام توجه است وفقنا الله المستعان اللهم
آمین ذکر کرده اند ابن حمزه و سخاوی و صاحبان تحفة الغریب و تحفة فالکیه **تتمه ۴۳** رؤیت
آنحضرت صلی الله علیه وسلم در بیداری صاحب تحفة الغریب از شیخ عبدالوهاب بن فتح الله بروجی از استادش
حاتم بن اهدل رحمهما الله نقل کرده که مداومت بر صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم با آداب آن از حضور دل
و غیره سبب رویت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم است در یقظه **تذنیبه** در جواز رویت
صلی الله علیه و آله وسلم در بیداری خلاف است جماعه از علمای محققین تجویز آن کرده اند و وقوع آن مر اولیا را
بحد تواتر معنوی رسیده **حکایت کرده اند** ابن ابی حمزه و بارزی و یافعی و غیرهم رحمهم الله از
تابعین و من بعدهم که آنها دیده بودند وی صلی الله علیه وسلم را در خواب پس دیدند در بیداری و رسیدند از امور غیب
پس خبر داده است وی صلی الله علیه و آله وسلم بدان و چنان بود که خبر داده و ابن ابی حمزه گفته که این از جمله کرامات
اولیا است پس انکار آن مستلزم انکار کرامات اولیا است و امام محمد غزالی رحمه الله در کتاب منقذ گفته که ارباب قلوب
در بیداری مشاهده میکنند ملائکه و ارواح انبیا را علیهم الصلوة والسلام و استماع اصوات آنها و اقتباس
فوائد ازیشان میکنند انتهی بالجمله وقوع رویت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم در بیداری مر اولیا را است
بتواتر رسیده و کتب مناقب اولیا بدان مملو و مشحون است نظر باختصار التعرض بدان نکرده شد مخفی نماند
که از وقوع رویت بر جهت کرامات لازم نیاید صحبت اطلاق لفظ صحابه بر آنها زیرا که صحبت منقطع شد از موت
آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم حتی که رویت بعد موت قبل از دفن موجب صحابیت نیست پس مندفع شد قول
بعض علما که این مشکل است پس اگر حمل بر ظاهر آن کنند لازم آید که آنها صحابه باشند و صحبت تا روز قیامت
ممکن باشد و نیز مندفع شد قول بعضی که این رویت مستلزم خروج وی صلی الله علیه وسلم است از قبر و مشی
او در اسواق و خلو قبر از جسد شریف و زیارت قبر خالی و سلام بر غایب زیرا که از کرامات اولیا است رفع حجب کشف

استار حاضرست که ولی در اقصی مشرق یا مغرب باشد و حجب که میان او و ذات شریف است مرتفع شود و باشفاف
مثل زجاج گردد و ببیند او را کذا حقق الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله فی شرح الشمائل للترمذی ذکر کرده اند این
ثمره را صاحبان تحفة الغریب و تحفه فاکهیه **ثمره ۷۴** صلوة مشتمل است بر مناجات و گفته اند که ذکر محمد
مشتمل بر مناجات است با معنی دیگر از کارات در تحفة الغریب از استاد حاتم بن احمد بن اهدل نقل کرده که لفظ اللهم
مشتمل است بر جمیع اسماء الهی پس هر که دعا کند بدان گویا که ذکر کرد خدا تعالی را بجمیع اسماء او و از نضر بن شمیل آورده
که هر که اللهم بگوید پس تحقیق دعا کرد به همه اسماء الهی و از حسن بصری رضی الله عنه نقل کرده شده اللهم مجمع عادات
زیرا که میم آن مانند واو جمع است پس معنیش چنین شد که ای مجمع اسماء حسنی بلکه بعضی گفته اند که اسم اعظم است
حکاه الزرکشی فی شرح جمع الجوامع زیرا که دال است بر ذات وی تعالی و میم بر لغو و نه اسم وی تعالی
قال ابو الرجا العطاردی **ثمره ۷۵** سبب وصول بخدا تعالی است اگر شیخ کامل حاصل
نشود چنانچه در منظر دوم از باب چهارم از شیخ احمد بن عقبه و سنوسی و شیخ زروق و شیخ ابو العباس احمد بن
موسی المشرع یمنی و شیخ شهاب قارانی رحمهم الله نقل کرده شد ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان حدائق
الانوار و تحفة الغریب **ثمره ۷۶** سبب بشارت نبی کریم وی صلی الله علیه وسلم مر مصلی را و در تحفه
از ابی محمد بن عمیر رحمه الله آورده که بودم نزد ابی بکر بن مجاهد پس آمد شبلی رحمه الله و ابو بکر برخاست
و میان هر دو چشم شبلی بوسه داد و معانقه کرد پس گفتم یا شبلی همچو سلوک میکنی و حال آنکه تو و همه اهل بغداد
او را مجنون میشمارند پس ابو بکر رحمه الله گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم را در خواب دیده ام که با شبلی
همچنین کرد چون از سبب آن پرسیدم فرمود که او بعد نماز فرض آیه لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ
عَزِيزٌ عَلَيْهِ تا آخر آیه میخواند و بعد از آن درود میگوید بر من چون از شبلی استفسار کردم تصدیق این
نمود پس محبت و رغبت من بروی زیاده شد و در روایتی آمده که بعد آیه مذکوره اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْكَ
يَا مُحَمَّدُ میگفت و روایتی دیگر غیر این آمده است در باب کیفیات صلوة مذکور خواهد شد ان شاء الله
تعالی و از تاریخ حافظ سخاوی رحمه الله نقل کرده که شنیدم علامه خجندی چون اراده تحول از مدینه
شریفه نمود مردی از اکابر آنجا آن حضرت صلی الله علیه وسلم دید که میفرماید فلانی را بگو که سفر نکند زیرا که
او صلوة بکثرت میگوید بر من و چون از علامه استفسار کیفیت آن صلوة کردند گفت اللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ صَلَاةً أَنْتَ لَهَا أَهْلٌ وَهُوَ لَهَا أَهْلٌ و از محمد بن یحیی
نقل کرده که در مجلس ابی علی بن شاذان بودیم پس آمد جوانی که کسی از ما او را نمی شناخت و سلام کرد
بر ما و گفت که ابو علی بن شاذان کدام است اشارت بوی کردیم پس آن جوان گفت که رسول خدا را صلی

الله علیه وسلم در خواب دیدم فرمود مرا که مسجد ابی علی بن شاذان دریافته برو وچون با او ملاقی شوی سلام
من باو برسان پس باز رفت آن جوان در ابو علی بگریست وگفت که ندانم هیچ عملی که بدان مستحق این کرامت شدم
مگر صبر من بر قرات حدیث وتکرار صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر بار که ذکر وی صلی الله علیه وسلم بیاید
وابو علی بعد ازان دو ماه یا سه ماه زیست **رواه ابن بشکوال** واز شهاب احمد قازانی مکی رحمه الله
نقل کرده که دیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم در خواب با او مصافحه کردم پس فرمود که از من سلام بگو سید عبد
القادر را وبگو الله الله فی الخلق یعنی بترس خدا تعالی را درباره خلق راوی گفته که وظیفه کرده بودم
بر نفس خود هر روز درود را بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم به برکت آن باین نعمت فائز شدم واز شیخ عبد
الوهاب بن فتح الله بندی رحمه الله نقل کرده که مواظبت میکردم از صغر سن خود بر درود پس شبی دیدم
آنحضرت را صلی الله علیه وسلم ونزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم امیر المومنین علی کرم الله وجهه بود ویک
جامه هر دو پوشیده بودند مرا هم دران جامه داخل فرمودند واز رشید عطار نقل کرده که در مصر ابو سعید خیاط
مردی صالح بود وبا مردم مخالطت نمیکرد ودر مجالس حاضر نمیشد پس ملازمت نمود بر حضور مجلس ابن رشیق
مردم تعجب نمودند واز وی سوال کردند گفت که دیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم در خواب پس فرمود مرا حاضر
شوی در مجلس او که وی دران درود بر من بسیار فرستاده میشود واز این قبیل حکایات دیگر که مبنی بر تعظیم وتکریم مصلی
است سابق مذکور شده اند ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الغریب **ثمره ۱۷** سبب دفع
بلیات وآفات دینی ودنیوی است چنانچه سابق در منامات از حکایات صلحا مذکور شد ودر تحفة الغریب
از شیخ صالح عبد الوهاب رحمه الله آورده که بودم کثیر الصلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم اتفاقا اسیر شدم در
دست اهل فرنگ لعنهم الله ودر شدت محنت عظیم گرفتار گشتم پس برکت درود بر وی صلی الله علیه وسلم هم یکی از
دوستان سعی کرده از قید رهانید **منقول است** از شیخ ابو الحسن شاذلی رحمه الله که در زمان سیاحت در
اوایل حال خود یکبار شب باشی کردم در موضعی کثیر السباع وآنها قصد گرفتن من کردند بر پشته بلند بر آمده نشستم
وبا خود گفتم که درود بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم باید فرستاد که وی صلی الله علیه وسلم فرموده است که هر که درود
گوید بر من یکبار درود گوید خدا تعالی بر آن کس ده بار چون خدا تعالی بر من ده درود فرستد من امشب مامون
خواهم بود پس همچنان کردم واصلا خوف ننمودم ابن فاکهانی در فجر منیر از شیخ صالح موسی ضریر رحمه الله نقل
کرده که وی بکشتی سوار شده بود در دریای شور ناگاه باد اقلابیه که دران نجات کشتی از غرق بسیار کم است
سفینه را در گرفت ومردم آن هولناک شدند پس موسی ضریر را خواب غلبه کرد وخفت در خواب دید آنحضرت
را صلی الله علیه وسلم که میفرماید بگو اهل مرکب را که هزار بار اللهم صل علی سیدنا محمد صلوة تنجینا

را بخوانند بخواب بیدار شدند و اهل سفینه را تعلیم صلوة مذکوره نمود پس در خواندن آن مشغول گشتند چون به حد
بار رسیده بود که از آن بلا نجات یافتند ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الغریب **ثمره ۴۸** سبب
توفیق توبه و ثبات بر آن است و در تحفة الغریب گفته که شیخ زروق رحمه الله در شرح حزب البحر نوشته است که ذکر
الهی و صلوة بر جناب سرور عالم صلی الله علیه و آله وسلم معین بر توبه و ثبات بر آن است ذکر کرده است این ثمره
را صاحب تحفة الغریب **ثمره ۴۹** سبب دخول مصلی است بزیر سایه عرش در روز قیامت روایت
کرده شده است که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ثلاثة تحت ظل عرش الله تعالی یوم القیامة
یوم لا ظل الا ظله قیل من هم یا رسول الله قال من فرج علی مکروب من امتی واحیی سنتی
واکثر الصلوة علی سه کس بزیر سایه عرش خدای تعالی خواهند بود در روز قیامت آن روز که سایه
نباشد بجز سایه خدای تعالی گفته شد کدام اند آن کسان یا رسول الله گفت کسیکه دور کند اندوه کسی که
محنت رسیده باشد از امت من و زنده گرداند طریقه مرا و زیاده کند درود بر من حافظ سخاوی گفته که ذکر کرده است
این حدیث را صاحب در منظم لیکن واقف نشدم من آنرا بر اصلی معتمد مگر اینکه صاحب فردوس نسبت کرده است آنرا به انس بن
مالک رضی الله عنه و اسنادش ذکر نکرده است آن را صاحب فردوس و نسبت کرده اند غیر او بسوی فواید خلعی از حدیث
ابی هریرة رضی الله عنه هکذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و در تحفة الغریب از شیخ
عبد الوهاب بن ابراهیم بن عنتبه یمنی رحمه الله نقل کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب دیدم و عرض کردم
که در تفسیر نقاش از روایت حمید از انس رضی الله عنه این حدیث را دیده ام حدیث مذکور ذکر کرد انتهی ذکر کرده
اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحبان تحفة الغریب و تحفه فاکهیه **ثمره ۵۰** سبب منکشف
شدن رموز نهانی است بیان قبر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و قبر مصلی صاحب تحفة الغریب گفته که در بعض تعلیقات
دیده ام که هر کسی وقت سه بار درود بصیغه اللهم صل علی محمد صلوة تکون لک رضاء و لحقه
اداء بخواند کشاده شود از قبر او سوی قبر آنحضرت صلی الله علیه وسلم روزنی که از آن برویت جمال
مبارک نبوی صلی الله علیه وسلم محظوظ و متمتع گردد و در تحفه فاکهیه از فواید شرجی همچنین نقل کرده
ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان تحفة الغریب و تحفه فاکهیه **ثمره ۵۱** سبب نجات از محاسبه الهی
است صاحب تحفة الغریب از ابو بنان اصفهانی آورده که دیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را و عرض کردم
که یا رسول الله محمد بن ادریس شافعی ابن عم تو است آیا نفع رسانیدی مر او را فرمود سوال کردم خدای تعالی
را که با او محاسبه نکند گفتم یا رسول الله این بسبب چه چیز است فرمود که وی بر من درودی میفرستاد که
کسی مثل آن نفرستاده گفتم یا رسول الله آن چه درود است فرمود اللهم صل علی محمد کلما ذکره

الذاکر [illegible] عن ذکره الغافلون [illegible] صاحب

[illegible] صلی الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible] ثمره ۵۳ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ثمره ۵۴ [illegible]

[illegible]

ابن بشکوال [illegible] آنحضرت صلی الله علیه وسلم من صلی علی

فی کل یوم [illegible]

[illegible] ثمره ۵۵ صلوة [illegible]

ست در تحفة الغرائب [illegible] صلی الله علیه وسلم عبادت ست برادر [illegible]

[illegible] صلی الله علیه وسلم [illegible]

ثمره ۵۶ صاحب تحفة الغرائب این ثمره ذکر کرده است مشغول العبادت روز و شب تمام بود گویا چنان

سبب محبت و تجاوز خدای تعالی ست از گناه بعضی در آخرت منقول است ابی الحسن [illegible] رحمه الله که منصور

بن عمار را بعد موت او در خواب دیدم و گفتم که خدای تعالی با تو چه کرد گفت او تعالی فرمود مرا که تو منصور بن عمار گفتم

یا رب منسوب تو لیکن گرد [illegible] دنیا و حالانکه رغبت میدادی گفتم آری فعل من این بود ولیکن هرگز ختم

هیچ مجلسی نکردی مگر [illegible] بر ثنای تو و درود بر پیغمبر تو و نصیحت مر بندگان ترا پس فرمود او تعالی راست

گفت نهید برای او کرسی که بر آن [illegible] در آسمان در میان ملائکه ثنای من کرده باشد چنانچه در زمین ثنای من در میان بندگان

میکرد در احیا از خواجه عبد الواحد بن زید رحمه الله نقل کرده که وی را در حج برآمد و مردی با او همراه شد آن مرد با قیام

و قعود و حرکت و سکون درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرستاد عبد الواحد رحمه الله از سبب آن پرسید گفت

که اول بار با پدر خود در سفر مکه معظمه زاده الله تشریفا برآمدم در وقت مراجعت در بعض منازل بخواب دیدم که مردی

مرا میگوید بیدار شو و ببین که خدای تعالی پدر ترا میرانیده و روی سیاه کرده است پس هیبت بیدار شدم و جامه از روی او

بر داشتم دیدم که مرده و روی او سیاه شده است پس هیبت ناک شدم و دران حالت خواب بر من غالب شد و خفتم

آن کس همراه رسول خدا صلی الله علیه وسلم به بهشت در آید حافظ سخاوی گفته است که تا هنوز بر اصل این حدیث واقف
نشده‌ام ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر مکی **ثمره ۶۵** سبب مغفرت خواستن صلوة است برای مصلی
و قرار یافتن چشم مصلی است این برآورده است دیلمی و غیر او بسندیکه یکی از رواة آن ضعیف است ما من عبد صلی
علی صلوة الا عرج بها ملک حتی یحیی بها وجه الرحمن عز وجل فیقول ربنا تبارک و تعالی
اذهبوا بها الی عبدی تستغفر لقائلها و تقر بها عینه نتیجه بنده که درود گوید بر من
مگر که بالا برد آن را فرشته تا که تحیت می کند بدان وجه باری تعالی را پس میگوید پروردگار ما ببرید آن صلوة را بسوی بنده من که
تا استغفار کند برای قائل آن و قرار یابد بدان چشم او ذکر کرده است این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
ثمره ۶۶ ثواب یک صلوة یک قیراط است و آن قیراط مانند کوه احد باشد برآورده است عبد الرزاق بسند ضعیف
که فرمود وی صلی الله علیه وآله وسلم من صلی علی صلوة کتب الله له قیراطا والقیراط مثل احد
هر که درود فرستد بر من یکبار بنویسد خدای تعالی برای او یک قیراط ثواب و آن قیراط مانند کوه احد باشد بضمتین کوهی است نزد مدینه
منوره زادها الله تشریفا قیراط بالکسر نیم دانگ است که بحسب اختلاف بلاد مختلف است پس در مکه ربع ششم حصه دینار است
و در عراق نصف دهم حصه دینار است و جماعتی گفته اند یک حبه و چهار خمس آن و بعضی گفته اند نیم جو ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی صاحب
تحفه فاکهیه **ثمره ۶۷** سبب پیموده شدن ثواب است به کیل اوفی چنانچه در باب چهارم مذکور شد ومن اراد
ان یکتال بالمکیال الاوفی یوم القیمة فلیکثر من الصلوة علی و نیز روایت کرده است ابوداود در سنن
خود و عبد بن حمید در مسند خود و غیر ایشان که فرمود آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم من سره ان یکتال بالمکیال الاوفی
اذا صلی علینا اهل البیت فلیقل اللهم صل علی محمد النبی وازواجه الخ هر که را خوش کند پیموده
شدن ثواب به پیمانه وافی تر هرگاه درود فرستد بر ما که اهل بیتیم پس بگوید اللهم صل علی محمد تا آخر آن
تتمه آن در کیفیات صلوة مذکور خواهد شد ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی **ثمره ۶۸**
یک صلوة سبب محو شدن گناهان هشتاد سال است برآورده است ابو الشیخ و ابو سعید در شرف المصطفی من صلی علی
مرة واحدة فتقبلت محی الله عنه ذنوب ثمانین سنة هر که درود فرستد بر من یکبار
پس قبول کرده شود آن صلوة محو گرداند خدای تعالی از آن کس گناهان هشتاد سال و سابق از روایت دیلمی مذکور شد
که صدور صلوة بار روز جمعه سبب غفران ذنوب هشتاد سال است و در روایتی هشتاد بار صلوة سبب غفران ذنوب هشتاد سال است پس توفیق
میان این روایت و آن روایت مشکل است و ممکن است جواب بتکلف این روایت مخصوص است به صلوتی معین
بوده باشد والله اعلم ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۶۹** سبب
منع حافظ سیئات از نوشتن گناه تا سه روز است روایت است من صلی علی صلوة واحدة امر الله حافظیه ان

أن لا يثبتا عليه ذنبا ثلاث أيام هر كه درود فرستد بر من صلوة حكم فرمايد خدا تعالى بر دو فرشته را كه بر ايشان مى باشند
بر نفس مقرر اند از طرف حق تعالى با اينكه ننويسند بر آن كس گناه را سه روز حافظ سخاوى رحمه الله گفته كه در ثبوت اين حديث تردد است
صاحب تحفه فاكهيه گفته كه كسى گويد كه منع حافظين از كتابت گناه مخصوص باشد به مكثر صلوة باشد خواهم گفت كه محتمل آن است
لیکن فضل الهی واسع است انتهی این عاصی عفا الله عنه میگوید که احتمال تخصیص بمکثر دخلی ندارد زیرا که در حدیث مذکور
تصریح است بسبب صلوة علیها ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه ثمره سبب منع است
از دخول نار روایت کرده شده است من صلى علي صلوة واحدة لم يلج النار حتى يعود اللبن في الضرع
هر كه درود فرستد بر من صلوة نه در آيد آتش دوزخ تا كه باز نيايد شير در پستان يعنى چنانچه شير از پستان بر آيد عود آن
در پستان محال است همچنان دخول مصلی در آتش محال است حافظ سخاوی گفته که در ثبوت این حدیث تردد است ذکر کرده اند
این ثمره را شیخ ابن حجر مکی ثمره سبب رضای الهی است جل جلاله بر آورده اند جماعه بسند ضعیف که فرمود
آنحضرت صلى الله عليه وسلم من سره أن يلقى الله راضيا و در روايتى است وهو عنه راض فليكثر
من الصلوة علي هر كه خوش كند او را اينكه ملاقى شود خدا تعالى را در حاليكه او تعالى از او راضى است پس بايد كه
زياده فرستد از صلوة بر من شيخ ابن حجر مكى گفته كه در سند اين روايت شخصى متهم به كذب است ذكر كرده اند اين ثمره
را ابن قيم و سخاوى و شيخ ابن حجر مكى و صاحب تحفه فاكهيه ثمره سبب امان از سخط خدا تعالى است مروى است
از امير المومنين على رضى الله عنه كه اگر بدرستى پيغمبر خدا تعالى صلى الله عليه وسلم ذكر خدا تعالى نكردى تقرب نكردمى
بسوى خدا تعالى مگر بصلوة بر پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم زيرا كه بدرستى شنيده ام پيغمبر خدا را صلى الله عليه وسلم
ميفرمود قال جبرئيل يا محمد ان الله عز وجل يقول من صلى عليك عشر مرات استوجب
الامان من سخطي گفت جبرئيل اى محمد بدرستى خداى عز وجل ميفرمايد كه هر كه درود فرستد بر تو ده بار مستحق
امان شود از ناراضمندى من سخط بالضم و بفتحتين بر وزن عنق و بفتحتين بر وزن جبل ناراضمندى شيخ ابن حجر مكى
گفته كه در سند اين حديث شخصى متهم است ذكر كرده اند اين ثمره را سخاوى و شيخ ابن حجر مكى رحمهما الله ثمره
سبب گران شدن ميزان است در روز قيامت بر آورده است ابن ابى الدنيا بسندى هالك از عبد الله بن عمر رضى
الله عنهما ان لآدم من الله موقفا في فسيح العرش عليه ثوبان اخضران كأنه
نخلة سحوق فينظر الى من ينطلق به من ولده الى الجنة وينظر الى من ينطلق به من
ولده الى النار قال فبينما آدم على ذلك اذ نظر الى رجل من امة محمد صلى الله عليه
وسلم منطلق به الى النار فينادى آدم يا احمد يا احمد فيقول لبيك يا ابا البشر
فيقول هذا رجل من امتك منطلق به الى النار فاشد المئزر واهرع في اثر الملائكة

دیدم که پسر پدر من حیا حبشی با گرزهای آهنی استاده اند لعنة مردی خوشرو با لباس نو آمد وانها را دور کرد و دست
خود بروی پدر من فرود آورد و پس نزد من آمد و گفت که بیدار شو که روی پدر تو روشن شده و سیاهی از وی دور گردید
گفتم که تو کدامی گفت من محمدم صلی الله علیه وسلم پس بیدار شدم و جامه از روی پدر برداشتم دیدم که روشن شده است
و سیاهی دور گردیده پس از آن روز گفتن صلوة بر او لازم کرده ام و هرگز ترک نمیکنم ذکر کرده است این ثمره را نیز صاحب
تحفة الغریب **ثمره ۵۷** سبب مکرم شدن مصلی است در دار آخرت بعنایت تاج و دیگر منازل سنیه و مراتب علیه
نمیری و ابن بشکوال آورده که مردی از اهل شیراز ابو العباس احمد بن منصور را بعد موت در خواب دید که در محراب مسجد
جامع شیراز ایستاده و در بر حله و بر سر تاج مکلل بجواهر است این مرد از وی پرسید که خدای تعالی با تو چه کرد گفت آمرزید
گرامی داشت و بعنایت تاج و جنت معزز گردانید آن مرد پرسید که از چه چیز گفت بسبب کثرت صلوة بر سید کائنات
صلی الله علیه وسلم و از فقیه احمد بن محمد بن جابر رحمه الله منقول است که در خواب دیدم شیخ حسین بن اسمعیل سندی را
در صورتی جمیل و هیئتی شریف بر خلاف صورتیکه در دنیا داشت پس گفتم او را که بچه چیز این منزلت یافتی گفت بصلوة
بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و ازین قبیل حکایات دیگر سابق مذکور شده اند ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الغریب
بقدری تغایر عبارات **ثمره ۵۸** سبب کتابت برائت از نفاق و از نار است بر پیشانی مصلی چنانچه آمده است
در روایتی که یکی از رواتش مجهول الحال است مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَشْرًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ مِائَةً وَمَنْ صَلّٰى
عَلَيَّ مِائَةً كَتَبَ اللّٰهُ تَعَالٰى بَيْنَ عَيْنَيْهِ بَرَاءَةً مِنَ النِّفَاقِ وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَاَسْكَنَهُ
اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ الشُّهَدَاءِ هر که درود گوید بر من ده بار درود گوید خدای تعالی بر آن کس صد بار
و هر که درود گوید بر من صد بار مینویسد خدای تعالی میان هر دو چشم او برائت از نفاق و برائت از آتش دوزخ و ساکن گرداند
او را خدای تعالی در روز قیامت در شهدا ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة فاکهیه **ثمره ۵۹** از اسباب بودن مصلی است
در شهدا چنانچه از روایت مذکوره معلوم گردید ذکر کرده است این ثمره را نیز صاحب تحفة فاکهیه **ثمره ۶۰**
صلوة معادل عتق رقاب میشود روایت کرده است ابن ابی عاصم مَنْ صَلَّى عَلَيَّ كَتَبَ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ
وَمُحِيَ عَنْهُ بِهَا عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ بِهَا عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَكُنَّ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ
رِقَابٍ هر که درود گوید بر من نوشته شود مر او را در مقابله آن ده نیکی ها و محو کرده شود از وی بدان ده گناهان و بلند
کرده شود مر او را بدان ده درجه ها و باشند صلوات مر او را برابر ده رقاب که آزاد کند در راه خدای تعالی و سابق
از روایت ابن وهب گذشته مَا مِنْ مُسْلِمٍ صَلَّى عَلَيَّ عَشْرًا فَكَاَنَّمَا اَعْتَقَ رَقَبَةً و در اثر امیر المومنین
ابی بکر صدیق مذکور شده که سلام بروی صلی الله علیه وسلم افضل از عتق رقاب است و در حدیثی آمده است
که صلوة افضل است از عتق رقاب ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر و صاحب تحفة فاکهیه و سخاوی ذکر کرده

افضلیت صلوة بر عتق رقاب **ثمره ۶۱** محبت فرشتگان است مر مصلی را آمده است در روایت بسند ضعیف ان للمساجد
اوتاداً جلساؤهم الملائكة ان غابوا افتقدوهم وان مرضوا عادوهم وان رأوهم رحبوا بهم
وان طلبوا حاجة اعانوهم واذا جلسوا حفت بهم الملائكة من لدن اقدامهم الى
عنان السماء بايديهم قراطيس الفضة واقلام الذهب يكتبون الصلوة على النبي صلى الله
عليه وسلم ويقولون اذكروا رحمكم الله زيدوا زادكم الله فاذا استفتحوا الذكر فتحت
لهم ابواب السماء واستجيب لهم الدعاء وتطلع عليهم الحور العين واقبل الله عز وجل
بوجهه ما لم يخوضوا في حديث ويتفرقوا فاذا تفرقوا قام الزوار يلتمسون حلق الذكر
بدرستیکه مر مساجد را است اوتاد یعنی مقیمان که همنشینان آنها فرشتگان اند اگر غائب شوند آنها جستجو میکنند ملائکه
آنها را و اگر مریض شوند بیمار پرسی میکنند آنها را فرشتگان و اگر ببینند فرشتگان آنها را مرحبا میگویند و اگر آنها طلب حاجت میکنند
آسان کنند برایشان و چون بنشینند آنها در گیرند آنها را فرشتگان از زیر قدمهای ایشان تا وسط آسمان و باشد
در دستهای فرشتگان کاغذهای نقره و قلمهای زر می نویسند درود بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و نویسند
و گویند که ذکر کنید رحمت کناد بر شما خدای تعالی و گویند که زیاده کنید صلوة و ذکر را زیاده کناد شما را خدای تعالی رحمت خود پس
چون آغاز کنند ذکر الهی را گشاده شود برای ایشان درهای آسمان و مستجاب گردد مر ایشان را دعا و بر آیند بر ایشان
حوران فراخ چشمان و متوجه شود خدای تعالی بذات پاک خود بر آنها که خوض نکنند در سخن غیر و متفرق شوند پس چون
متفرق شوند برخیزند فرشتگانی که برای زیارت ایشان آمده بودند طلب میکنند حلقه های ذکر را مخفی نماند که تعهد
و عیادت و ترحیب و اعانت بر حاجت و دعا منبعث از محبت است ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و از آن جمله حدیث
و دعا او در تحفه فاکهیه نیز آورده **ثمره ۶۲** صلوة را ملائکه به اقلام ذهب بر کاغذ نقره می نویسند چنانچه
از حدیث مذکور ظاهر شد ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۶۳** سبب شهادت
آنحضرت است صلی الله علیه وسلم مر مصلی را در روز قیامت چنانچه سابق در حدیث مذکور شد ومن زاد صبابة
وشوقا كنت له شفيعا او شهيدا يوم القيامة برآورده است بخاری در ادب مفرد و ابن جریر
و عقیلی که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر که گوید اللهم صل علی محمد الی الآخره گواهی دهم برای آن کس در
روز قیامت به شهادت در باب کیفیت صلوة تمام مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی ذکر کرده اند این ثمره را
سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۶۴** سبب مزاحمت کتف مصلی است با کتف شریف
آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر باب جنت در حدیث آمده من صلی علی الف مرة زاحمت كتفه كتفي على باب الجنة هر که
درود فرستد بر من هزار بار مزاحمت کند شانه آن کس شانه مرا بر دروازه بهشت مقصود از مزاحمت

کنند جمع اسلام و لشکر کافران جنگ کنند در راه خدا تعالی یکبار نوشته شود ثواب غزاه مقابل چهار صد حج فرموده صلی الله علیه وسلم
که بعد شنیدن این سخن شکسته شد دلهای کسانیکه توانائی نمی دارند بر جهاد و نه بر حج پس وحی فرستاد خدای عز وجل بسوی من
اینکه درود گوید بر تو هیچ یکی مگر که نوشته شود درود او مقابل چهار صد غزاه هر غزاه مقابل چهار صد حج حافظ سخاوی
گفته که این از مولفات است و آثار وضع ظاهر است بر وی ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۷۸**
صد صلوة در روز سبب هزار هزار حسنه و ماحی هزار هزار گناه و مقابل صد صدقه مقبوله است آورده ابو سعد در شرف
المصطفی که فرموده صلی الله علیه وسلم مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ كَتَبَ اللهُ لَهُ بِهَا أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ
وَمَحَى عَنْهُ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَكَتَبَ لَهُ مِائَةَ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ ثُمَّ بَلَّغَتْنِي
صَلَوٰتُهُ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ كَمَا صَلَّى عَلَيَّ وَمَنْ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ نَالَتْهُ شَفَاعَتِي هر که درود فرستد
بر من در روزی صد بار نویسد خدا تعالی مر آن کس را در عوض آن هزار هزار نیکی و محو کند از وی هزار هزار گناه و بنویسد
مر او را صد صدقه مقبوله و هر که درود گوید بر من پس برسد آن درود مرا درود گویم بر آن کس چنانچه درود فرستاده است
او بر من و هر که درود گویم بر او در یابد او را شفاعت من حافظ سخاوی گفته که مرا گمان است بعدم صحت این روایت
ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۷۹** یک صلوة سبب قضاء صد حاجت است آورده
است دیلمی بسند منقطع مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَوٰةً وَاحِدَةً قُضِيَتْ لَهُ مِائَةُ حَاجَةٍ هر که درود گوید
بر من یکبار روا گردد مر او را صد حاجت و روایت کرده فردوسی بلا اسناد از علی رضی الله عنه است بطریق رفع مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ قَضَى اللهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
ثمره ۸۰ صلوة احب اعمال است نزد خدا تعالی آورده است دیلمی بسند ضعیف که گفت آنحضرت صلی الله علیه
وسلم قُلْتُ لِجِبْرِيلَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ الصَّلَوٰةُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ
وَحُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ گفتم مر جبرئیل را که کدام عمل دوست تر است نزد خدا تعالی گفت جبرئیل که دوست
ترین عملها درود است بر تو ای محمد و دوستی علی ابن ابیطالب است ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی رحمهما الله
ثمره ۸۱ صلوة زینت مجالس است آورده است دیلمی بسند ضعیف که گفت وی صلی الله علیه وسلم زَيِّنُوا
مَجَالِسَكُمْ بِالصَّلَوٰةِ عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَوٰتَكُمْ عَلَيَّ نُورٌ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ زینت و آراستگی دهید مجلسهای شمار را بدرود بر من
پس بدرستیکه درود شما بر من نور است شما را روز قیامت روایت کرده شده است از ام المومنین عایشه صدیقه و از امیر
المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنهما زینت دهید مجلسهای شما را بفرستادن صلوة بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ذکر کرده اند
این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۸۲** برکت و فائده صلوة تا پسر و نبیره میرسد
مروی است از حذیفه رضی الله عنه بسند ضعیف که درود بر وی صلی الله علیه وسلم در یابد مرد را و پسر او و پسر پسر او را ذکر کرده است

این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه لیکن صاحب تحفهٔ فاکهیه گفته که برکت تا چهل پشت میرسد و آن را حدیث
مذکور معلوم نیست والله اعلم **ثمره ۸۳** سبب عدم سوال است از مفروضات ذکر کرده است مجد الدین لغوی
فیروزآبادی از ابی الفتح ازدی از طریق ابن مسعود رضی الله عنهما که گفت وی صلی الله علیه وسلم مَنْ حَجَّ حِجَّةَ الْاِسْلَامِ
وَزَارَ قَبْرِيْ وَغَزَا غَزْوَةً وَصَلّٰى عَلَيَّ فِيْ بَيْتِ الْمَقْدِسِ لَمْ يَسْأَلْهُ اللّٰهُ فِيْمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ هر که
بگذارد حج اسلام و زیارت کند قبر مرا و جنگ کند در راه خدا یک غزوه و درود گوید بر من در بیت المقدس سوال نخواهد کرد او را
خدای تعالی در آنچه فرض کرده شده است برو ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر مکی **ثمره ۸۴** سبب حصول راحت نزد
موت زیرا که صلوة دافع بلیات و کافی مهمات است چنانچه سابق مذکور شد و شدت سکرات موت نیز از مهمات است ذکر کرده
است این ثمره را صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۸۵** سبب محبت مردم است مر مصلی را ذکر کرده است این ثمره را سخاوی و صاحب تحفه فاکهیه
ثمره ۸۶ سبب نصرت بر اعدا است ذکر کرده است این ثمره را نیز سخاوی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۸۷** سبب
منع اغتیاب مصلی است ذکر کرده است این ثمره را نیز سخاوی و صاحب تحفهٔ فاکهیه نقلا عن السخاوی **ثمره ۸۸** سبب
ورود بر حوض کوثر است ذکر کرده است این ثمره را نیز سخاوی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۸۹** سبب در آمدن مصلی است در حمایت آن
حضرت صلی الله علیه وسلم ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۹۰** سبب انطباع و انتقاش صورت
کریمهٔ آن حضرت است صلی الله علیه وسلم در نفس مصلی و این از اجل فواید و اعظم ثمرات است ذکر کرده است این را صاحب حدائق الانوار
بدانکه نود ثمره که از اول باب تا اینجا مذکور گردید آن را علمائیکه اسامی آنها در اول باب مذکور شد در سلک ثمرات منتظم گردانیده اند
و از اینجا تا آخر باب مستخرجات این عاصی کان الله له بقید قلم می آید **ثمره ۹۱** سبب معرفت آنحضرت
صلی الله علیه وسلم مر مصلی را بر حوض آورده است شیخ ابو عبدالله جزولی رحمه الله در دلایل الخیرات و قاضی عیاض در شفا و
جلال الدین سیوطی در مناهل الصفا لکن ذکر کرده اند مخرج آنکه فرموده وی صلی الله علیه وسلم لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ
الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَقْوَامٌ مَا اَعْرِفُهُمْ اِلَّا بِكَثْرَةِ الصَّلٰوةِ عَلَيَّ هر اینه وارد شوند بر من حوض کوثر
را در روز قیامت مردمانیکه نشناسم آنان را مگر بکثرت صلوة بر من **ثمره ۹۲** سبب ضحک حق تعالی است
بر مصلی روایت کرده است نسائی در سنن کبیر از ابن مسعود رضی الله عنهما که فرموده وی صلی الله علیه وسلم يَضْحَكُ
اللّٰهُ اِلٰى رَجُلَيْنِ رَجُلٌ لَقِيَ الْعَدُوَّ وَهُوَ عَلٰى فَرَسٍ مِنْ اَمْثَلِ خَيْلِ اَصْحَابِهِ فَانْهَزَمُوْا
وَثَبَتَ فَاِنْ قُتِلَ اسْتُشْهِدَ وَاِنْ بَقِيَ فَذَاكَ الَّذِيْ يَضْحَكُ اللّٰهُ اِلَيْهِ وَرَجُلٌ قَامَ
فِيْ جَوْفِ اللَّيْلِ لَا يَعْلَمُ بِهٖ اَحَدٌ فَتَوَضَّاَ فَاَسْبَغَ الْوُضُوْءَ ثُمَّ حَمِدَ اللّٰهَ وَمَجَّدَهٗ وَصَلّٰى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ وَاسْتَفْتَحَ الْقُرْاٰنَ فَذَاكَ الَّذِيْ يَضْحَكُ اللّٰهُ اِلَيْهِ يَقُوْلُ انْظُرُوْا اِلٰى عَبْدِيْ
قَائِمًا لَا يَرَاهُ اَحَدٌ غَيْرِيْ ضحک میکند خدای تعالی بدو کس یکی از آن مردیکه ملاقی شد دشمن را در حالیکه

سوار است برای آنکه از مشابه ترین ایشان یاران خود پس بگیرید آنها و آن کس ثابت کرد پس اگر کشته شد آن مرد شهید شد و اگر
زنده ماند پس همان است کسیکه ضحک میکند خدا تعالی بر وی دوم از آن مردیست که برخاست در میانهٔ شب در حالیکه آگاه
نباشد بدان هیچ کس پس وضو کرد و وضو کامل پس حمد کرد خدا تعالی را و تمجید او نمود و درود فرستاد بر نبی صلی الله علیه وسلم
و بکشاد قرآن یعنی بخواند قرآن مشغول شد پس آنست کسیکه ضحک میکند خدا تعالی بر وی در حالیکه میگوید ملائکه را
ببینید بسوی بندهٔ من در حالیکه قائم است نمی بیند او را هیچ کس سوای من **ثمره ۹۳** سبب مغفرت گناهان
صبح است پیش از آمدن شب و مغفرت گناهان شب است پیش از آمدن صبح روایت کرده شده است مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ
مَسَاءً غَفَرَ اللّٰهُ لَهٗ قَبْلَ الصُّبْحِ وَمَنْ صَلّٰی عَلَیَّ صَبَاحًا غَفَرَ اللّٰهُ لَهٗ قَبْلَ اَنْ يُّمْسِيَ یعنی هر که
درود گوید بر من در شب بیامرزد خدا تعالی مر او را پیش از آمدن صبح و هر که درود گوید بر من در صبح بیامرزد مر او را پیش از آمدن شب ذکر کرده
است این حدیث را شیخ ابن حجر مکی و حافظ سخاوی گفته که بر اصل آن واقف نشدم **ثمره ۹۴** سبب فتح
درهای آسمان و سرادقات است چنانچه قبل ازین حدیث مذکور شد فَاِذَا اسْتَفْتَحُوا الذِّكْرَ فُتِحَتْ لَهُمْ اَبْوَابُ
السَّمَاءِ الحدیث و شیخ ابو عبد الله جزولی در دلائل الخیرات گفته که مذکور است در بعض اخبار اَنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ
اَوِ الْاَمَةَ الْمُؤْمِنَةَ اِذَا بَدَأَ بِالصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فُتِحَتْ لَهٗ اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَالسُّرَادِقَاتِ
حَتّٰى اِلَى الْعَرْشِ فَلَا يَبْقٰى مَلَكٌ فِي السَّمٰوٰتِ اِلَّا صَلّٰى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِذٰلِكَ الْعَبْدِ اَوِ الْاَمَةِ
مَا شَاءَ اللّٰهُ بدرستیکه عبد مومن یا امهٔ مومنه چون شروع کنند در صلوة بر محمد صلی الله علیه وسلم کشاده شوند مر او را درهای
آسمان و سرادقات یعنی حجابها و پردها تا بعرش پس نمی ماند فرشته در آسمانها مگر که درود میگوید بر محمد صلی الله علیه وسلم و طلب
مغفرت میکنند برای آن بنده یا داه تا که خدا تعالی خواسته باشد **ثمره ۹۵** سبب روشنی چشم آن حضرت است صلی
الله علیه وسلم حکایت کرده است ابوبکر بن فورک رحمه الله که مراد از صلوة در حدیث وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِيْ فِي الصَّلٰوةِ
صلوة خدا تعالی و ملائکه و امور شدن امت بدانست زیرا که چون او تعالی خبر قطعی داد بصلوة خود و ملائکه و امر نمود امت را تا
بقیامت بصلوة پس حاصل شد وی صلی الله علیه وسلم را بدان قرة العین یعنی روشنی چشم پس فرمود که گردانیده شده است
تازگی و خنکی چشم من در صلوة یعنی درود **ثمره ۹۶** سبب دعای دابه در حق مصلی است بر او آورده است طبرانی که فرمود
آن حضرت صلی الله علیه وسلم مَنْ قَالَ اِذَا رَكِبَ دَابَّةً بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ شَيْءٌ سُبْحَانَهٗ
لَيْسَ لَهٗ سَمِيٌّ سُبْحَانَ الَّذِيْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِيْنَ وَاِنَّا اِلٰى رَبِّنَا
لَمُنْقَلِبُوْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتِ
الدَّابَّةُ بَارَكَ اللّٰهُ عَلَيْكَ مِنْ مُؤْمِنٍ خَفَّفْتَ عَلٰى ظَهْرِيْ وَاَطَعْتَ رَبَّكَ وَاَحْسَنْتَ اِلٰى
نَفْسِكَ بَارَكَ اللّٰهُ فِيْ سَفَرِكَ وَاَنْجَحَ حَاجَتَكَ هر که بگوید چون سوار شود بر دابه بسم الله الذی

لا یضره مع اسمه شیٔ تا آخر بلو بدبه برکت کناد خدا تعالی بر تو از دی اینکه مومن هستی تخفیف کرده می بر پشت

من از طاعت کیدی پروردگار تراونیکی نمودی بسوی نفس خود برکت دهاد خدا تعالی در رزق تو و رواکناد حاجت تو

ثمره ۹۷ سبب دفع وسوسه شیطان و شر اوست در حدیث آمده لما یخشی من شر ذلک الشیطان

وشر وسوسته فلیلجأ الی الله فی دفعه متوسلا الیه بالصلوٰة علی نبیه صلی

الله علیه وسلم هرگاه خوف کرده شود از بدی آن شیطان و بدی وسوسه او پس باید که التجا کند بسوی خدا تعالی

برای دفع آن در حالیکه وسیله جوینده است بسوی وی تعالی به صلوٰة بر پیغمبر او صلی الله علیه و آله وسلم ثمره ۹۸ سبب

اقبال خدا تعالی است بسوی مصلی چنانچه سابق در حدیث مذکور شد واقبل الله عز وجل بوجهه مالم

یخوضوا فی حدیث ویتفرقوا الحدیث ثمره ۹۹ سبب تکلم آن حضرت است صلی الله علیه وسلم

با مصلی در روز قیامت چنانچه سابق در حدیث نقل میزان مذکور شد فیقول انا نبیک محمد وهذه صلوٰتک

التی کنت تصلی علی وقد وافیتک احوج ما کنت الیها معنیش سابق مذکور شد ثمره ۱۰۰

سبب دلالت نمودن آن حضرت است صلی الله علیه و آله وسلم مر محتاج را بسوی مصلی که تا حاجت آن محتاج از دست

مصلی انجاح یابد و آن مبنی باختصاص مصلی است بآنجناب مستطاب صلی الله علیه وسلم چنانچه در بیان قضای

حوائج حکایتی از کتاب تلمسانی مذکور شد و در تحفه العرب از کتاب بغیة المستفید فی اخبار مدینة زبید نقل کرده که مردی

نزد حسین بن سلامه آمد و گفت که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم مرا نزد تو فرستاده است که تا عطا کنی مرا هزار دینار

حسین بن سلامه گفت مر آنمرد را که شاید شیطان باین صورت در نظر تو متمثل و متشکل شده است آن مرد گفت که آنحضرت

صلی الله علیه وسلم آگاه کرده است مرا بر علامتی که جز تو کسی نمیداند و آن اینکه تو هر شب بخواب نمی روی تا که صد بار درود

بروی صلی الله علیه وسلم نگوئی حسین بن سلامه بگریست و گفت که راست گفتی از بیست سال جز خدا کسی بر این امر

مطلع نیست و او را هزار دینار داد و نیز از محمد بن مالک حکایت کرده که برای تحصیل علم نزد ابی بکر بن مجاهد مقری

بغداد در رفتم روزی ما چند کس در قرات کتاب بودیم پیر مردی نزد ابن مجاهد آمد و دستار و قمیص و چادر کهنه داشت شیخ

برای تعظیم او قیام نمود و در مکان خود نشاند و از حال او و حال عیال او استخبار نمود آن مرد گفت که امشب مولودی

مرا پیدا شده اهل بیت از من روغن و عسل درخواست کردند و من مالک درمی نیستم که بدان کار روا کنم ابو بکر بن مجاهد گفته

که من اندوهگین شدم چون بخواب رفتم دیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرماید چرا اندوهگین میشوی برو نزد

علی بن عیسی وزیر خلیفه و از من سلام برسان و بگو که بعلامت اینکه هر شب جمعه تو بخواب نمی روی تا که هزار بار درود

بر من نگوئی و این جمعه هفتصد بار درود خوانده بودی که رسول خلیفه آمد و ترا طلب کرد پس رفتی و بعد مراجعت

اتمام هزار کرده گفتی باین پیر مرد یکصد دینار بده که تا بمصالح خود برد پس ابو بکر آن پیر مرد را همراه خود گرفته

نزد وزیر رفت و گفت که این مرد از پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نزد تو فرستاده است وزیر برخاست و او را در مکان خود نشاند
و استفسار قصه نمود و بعد بیانش خوش گردید و بدره دنانیر طلبید و از آن صد دینار بر آورده به پیر مرد داد و صد دینار دیگر آورد تا شیخ بگیرد
و از گرفتن آن امتناع نمود وزیر گفت بگیر که تو بشارت دادی مرا باین خبر صادق حالانکه این امر مخفی بود میان من و خدای تعالی و
رسول خدا صلی الله علیه و سلم باز صد دینار بر آورد و گفت که بگیر در مقابله بشارت دادن تو بعلم آن حضرت صلی الله علیه
بدرود من بر وی صلی الله علیه و سلم هر شب جمعه پس آورد صد دینار دیگر و گفت بگیر در مقابله تعب کشیدن تو در آمدن
تا بمن و همین قسم صد صد دینار آورد تا که هزار دینار شد و شیخ گفت که نگیرم مگر آنچه امر کرده است بگرفتن آن رسول خدا
صلی الله علیه و سلم و در باب کیفیات صلوة حکایتی از همین قبیل از سلطان محمود سبکتگین مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی

باب ششم در ذکر عقوبات ترک صلوة

عقوبات و قبایح که بر ترک صلوة مترتب میشوند بسیار اند از آنجمله یکی که از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بشنود و درود بر وی نفرستد
بعید از خدا و رسول و راغم الانف و شقی و مستحق دخول نار و مدعو علیه بعید و سحق از جبرئیل و وی صلی الله علیه و آله و سلم است
بر آورده اند جمعی از محدثین که فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم اصحاب را حاضر شوید نزد منبر که تو طیار شده بود
پس حاضر شدند چون وی صلی الله علیه و سلم بر آمد بر درجه اول فرمود آمین پس تر بر آمد بر درجه دویم و گفت آمین پس تر بر آمد بر درجه
سیوم گفت آمین چون از منبر نزول فرمود صحابه رضی الله عنهم سوال کردند که یا رسول الله امروز شنیدیم از تو آنچه سابق
نشنیده بودیم پس فرمود اِنَّ جِبْرَئِیْلَ عَرَضَ لِیْ فَقَالَ بَعُدَ مَنْ اَدْرَکَ رَمَضَانَ فَلَمْ یُغْفَرْ
لَهٗ قُلْتُ اٰمِیْن فَلَمَّا رَقِیْتُ الثَّانِیَةَ قَالَ بَعُدَ مَنْ اَدْرَکَ اَبَوَیْهِ الْکِبَرُ عِنْدَهٗ اَوْ اَحَدَهُمَا
الْکِبَرُ فَلَمْ یُدْخِلَاهُ الْجَنَّةَ قُلْتُ اٰمِیْن وَ مَنْ ذُکِرْتَ عِنْدَهٗ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیْکَ فَاَبْعَدَهُ
اللّٰهُ قُلْ اٰمِیْن فَقُلْتُ اٰمِیْن بدرستی جبرئیل عرض کرد مرا پس گفت دور از خیر شد یا هلاک شد کسیکه دریافت
رمضان را پس بخشیده نشد مراو را یعنی دران عبادت الهی نکرد و مستحق دخول جنت نگردید پس گفتم آمین پس هر گاه بر آمدم بر درجه دویم
گفت جبرئیل هلاک شد هر که دریافت مادر و پدر را و دریافت پیری نزد یکی از مادر و پدر را پیری در یافت پس داخل نکنند بسبب دریافت بهشت
یعنی خدمت آنها نکند و مستحق بهشت نشود گفتم آمین تا اینجا روایت صحیح الاسناد است و بعد ازین تا آخر یکی از
رواتش ضعیف است اگرچه ابن حبان توثیق او کرده است و هر که ذکر کرده شوی نزد او پس درود نفرستد بر تو پس دور از
خیر و هلاک کرده است او را خدای تعالی بگو آمین پس گفتم آمین مخفی نماند که عدم مبادرت بگفتن آمین قبل امر در دین
مرتبه از آنست که وی صلی الله علیه و سلم برای ذات شریفه خود از هیچ کس انتقام نفرمود مگر به ترک امر الهی و اما مبادرت بآمین بلفظ
از امر در روایت دیگر آینده مذکور خواهد شد پس بلحاظ ترک امر الهی است بتعظیم آن حضرت صلی الله علیه و سلم کما قال الشیخ ابن
حجر المکی رحمه الله و در روایت ضعیف که بسبب آن شواهد بدرجه حسن رسیده است آمده که چون آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر منبر نشست

سوال کردند پس فرمود اتانی جبرئیل فقال رغم انف رجل ادرک ابویه او احدهما الکبر فلم یدخلاه
الجنة فقلت آمین قال ورغم انف امرء ادرک رمضان فانسلخ منه ولم یغفر له فقلت
آمین قال ورغم انف من ذکرت عنده فلم یصل علیک فقلت آمین رغم بمعنی لصق بالتراب
است یعنی متصل شد بخاک از ذلت وخواری یا بمعنی ذل یعنی ذلیل وخوار شد ترجمه حدیث از ترجمه روایت سابقه ظاهر است
ودر روایتی دیگر آمده لما رقیت الدرجة الاولی جاءنی جبرئیل فقال شقی عبد ادرک رمضان
فانسلخ منه ولم یغفر له فقلت آمین ثم قال شقی عبد ادرک والدیه او احدهما فلم یدخلاه
الجنة فقلت آمین ثم قال شقی من ذکرت عنده فلم یصل علیک فقلت آمین قوله شقی
بدبخت شد قوله فانسلخ یعنی گذشت ودر روایت بیهقی آمده که هرگاه بنا کرد آن حضرت صلی الله علیه وسلم منبر را گردانید آن را
درجه پس هرگاه بران سوار شد نزد برآمدن هر درجه گفت آمین پس سوال کرده شد بدان فرمود آن جبرئیل علیه السلام صعد
قبلی العتبة الاولی فقال یا محمد فقلت لبیک وسعدیک فقال من ادرک ابویه او احدهما فلم
یغفر له فابعده الله قل آمین فقلت آمین فلما صعد العتبة الثانیة قال یا محمد قلت لبیک
وسعدیک قال من ذکرت عنده فلم یصل علیک فمات ولم یغفر له فدخل النار فابعده الله
قل آمین فقلت آمین قوله صعد بکسر عین بالا رفت قوله عتبة درجه ودر روایتی ضعیف آمده که گفت فرمود
آیا دیدید که چرا آمین گفتم صحابه گفتند خدا ورسول او داناتر است گفت جاءنی جبرئیل فقال انه من ذکرت عنده
فلم یصل علیک دخل النار فابعده الله واسحقه فقلت آمین ومن ادرک الدیه او احدهما فلم یبرهما
دخل النار فابعده الله واسحقه فقلت آمین قوله اسحقه دور کرد او را قوله فلم یبرهما یعنی نیکی
نکرد با مادر و پدر ودر روایتی است که هرگاه آن حضرت صلی الله علیه وسلم از مسجد بازگشت پرسیده شد بدان پس گفت ان جبرئیل
تبدا لی فی اول درجة فقال یا محمد من ادرک الدیه فلم یدخلاه الجنة فابعده الله ثم ابعده فقلت
آمین ثم قال لی فی الدرجة الثانیة ومن ادرک شهر رمضان فلم یغفر له فابعده الله ثم ابعده فقلت
آمین ثم تبدا لی فی الدرجة الثالثة فقال ومن ذکرت عنده فلم یصل علیک فابعده الله ثم
ابعده فقلت آمین قوله تبدا از باب تفعل یعنی ظاهر شد وبرآورده است ابن سنی بسند ضعیف من ذکرت
عنده فلم یصل علی فقد شقی هرکه ذکر کرده شوم نزد او پس درود نفرستد بر من پس تحقیق بدبخت شد آن کس ودر لفظی است
شقی عبد ذکرت عنده فلم یصل علی روایت کرده است دیلمی من ذکرت عنده فلم یصل علی دخل النار
هرکه ذکر کرده شوم نزد او پس درود نفرستد بر من داخل شد در آتش دوزخ از الجمله کسیکه بشنود ذکر آن حضرت صلی الله علیه واله
وسلم ودرود نفرستد خطا کند طریق جنت را مروی است از سید الشهداء ابی عبد الله الحسین رضی الله عنه گفت ... صلی الله

و سجودها آگاه باشید دلالت میکنم شما را بر بهترین آدمیان و بدترین آدمیان و بخیل ترین آدمیان و کسلمندترین آدمیان و لئیم ترین آدمیان
و دزدترین آدمیان گفته شد یا رسول الله آری خبر ده ما را گفت بهترین آدمیان کسی است که سودمند شوند به وی آدمیان و بدترین
آدمیان کسی است که غازی کند برادر مسلم را و کاهلترین آدمیان کسی است که بیدار شود در شب و یاد نکند خدای تعالی را به زبان و اندام خود و
ناکسترین آدمیان کسی است که ذکر کرده شوم پیش او و درود نفرستد بر من و بخیل ترین آدمیان کسی است که بخل کند از گفتن سلام و
دزدترین آدمیان کسی است که بدزدد نماز خود را گفته شد که یا رسول الله چگونه دزدد نماز خود را فرمود تمام نکند رکوع آن و سجود آن را
از آنجمله هر مجلسیکه خالی باشد از صلوة بر وی صلی الله علیه وسلم در روز قیامت بر مردم آن مجلس حسرت خواهد بود ترمذی و بسیاری از محدثین
بر آورده اند که فرمود وی صلی الله علیه وسلم ما جلس قوم مجلسا لم یذکروا الله تعالی فیه ولم یصلوا علی
نبیه صلی الله علیه وسلم الا کان علیهم ترة من الله فان شاء عذبهم وان شاء غفر لهم
نه نشست قومی در مجلسیکه یاد نکردند خدای تعالی را در آن و درود نفرستادند بر نبی او صلی الله علیه وسلم مگر که باشد بر ایشان حسرت
نزد خدای تعالی پس اگر خدای تعالی خواهد عذاب کند ایشان را و اگر خواهد بیامرزد و در روایت حاکم است ما جلس قوم مجلسا ثم تفرقوا
قبل ان یذکروا الله ویصلوا علی نبیه الا کان علیهم حسرة الی یوم القیمة **قوله** ثم تفرقوا
پس جدا شدند **قوله** الی یوم القیمة یعنی بعد موت تا روز قیامت یا الی بمعنی فی است یعنی در روز قیامت و در روایتی
است که تصحیح کرده است آن را حاکم ایما قوم جلسوا فاطالوا الجلوس ثم تفرقوا قبل ان یذکروا الله
ویصلوا علی نبیه الا کان علیهم ترة من الله ان شاء عذبهم وان شاء غفر لهم **قوله**
ایما قوم یعنی هر قوم **قوله** اطالوا یعنی دراز کردند ذهبی گفته که سندش ضعیف است و در روایتیست ما جلس قوم
لم یذکروا الله ولم یصلوا علی نبیهم الا کان ذلک المجلس علیهم ترة ولا قعد قوم لم یذکروا
الله الا کان علیهم ترة حاکم گفته که این روایت صحیح است بر شرط بخاری و در روایتیست بسند صحیح لا یجلس
قوم مجلسا لا یصلون فیه علی رسول الله صلی الله علیه وسلم الا کان علیهم حسرة وان
دخلوا الجنة لما یرون من الثواب **قوله** وان دخلوا الجنة الخ یعنی ایشان حسرت کنند بر ترک صلوة
بر وی صلی الله علیه وسلم در موقف از جهت فوت شدن ثواب آن اگرچه باشد مصیر ایشان بسوی جنت و بعد دخول جنت حسرت لازم
ایشان نخواهد بود زیرا که جنت دار راحت است و حسرت رنج و محنت **قوله** ترة بتاء فوقانیه مکسوره و راء مخففه مفتوحه بمعنی حسرت
و گفته اند که بمعنی آتش است و بمعنی گناه و ابن اثیر گفته که بمعنی نقصان است و در اعراب آن نصب و رفع هر دو جائز است نصب بر این که خبر کان
است و رفع اینکه اسم آن است **از آنجمله** هر مجلسیکه مردم آن قبل از صلوة بر وی صلی الله علیه وآله وسلم متفرق شوند گویا
که از بدبوترین جیفه جدا شده اند است بسند صحیح بر شرط مسلم ما اجتمع قوم ثم تفرقوا عن ذکر الله عز
وجل وصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم الا قاموا عن انتن جیفة جمع نشد قومی مجلس متفرق شدند

بدون ذکر خدای عز و جل و بدون درود بر نبی صلی الله علیه و سلم مگر که برخاستند از آنها از بدبوترین مردار **از الجمله** کسیکه
درود نفرستد بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم نیست مر آنکس را دین بر آورده است مروزی سندیکه در آن شخصی غیر مسمی است
که گفت وی صلی الله علیه و سلم مَن لم یُصَلِّ علیَّ فلا دینَ له یعنی هر که درود نفرستد بر من نیست دین او را **از الجمله**
کسیکه درود بر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نفرستد نه بیند روی وی صلی الله علیه و سلم را چنانچه قبل ازین از ابی سعد از ام
المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها مذکور شده نیز مروی است رضی الله عنهما مروی است که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم لا یری
وَجهِي ثلاثةٌ العاقُّ لِوالدیه والتارکُ لِسُنَّتي ومَن لم یُصلِّ عليَّ اذا ذُکِرتُ بین یدیه
نبیند روی مرا سه کس یکی نافرمان برداری کننده مر والدین را دوم ترک کننده سنت و طریقه من سوم کسیکه درود نفرستد بر من چون
یاد کرده شوم پیش او **باب هفتم در تفصیل مواقع صلوة** و این باب مشتمل است بر سه مقام **مقام**
اول در مواقع وجوب صلوة **اول** نزد ذکر وی صلی الله علیه و آله و سلم ابو جعفر طحاوی و صاحبان محیط و تحفه و غنیه
و مفید از حنفیه و ابو عبدالله حلیمی و استاد ابو اسحق اسفراینی و شیخ ابو حامد اسفراینی از شافعیه و طرسوسی و ابن عربی و
فاکهانی و لخمی از مالکیه و ابن بطه از حنابله قایل اند بوجوب صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم هر بار اگرچه در مجلس واحد مکرر شود
به حدیث رغم انف و نسبت بخل بتارک آن و بعضی قایل اند بوجوب آن در مجلس یکبار اگرچه مکرر شود ذکر او صلی الله علیه و سلم
حکایت کرده است آن را زمخشری و توجیه کرده اند بانکه لازم آید تسلسل در صورت تکرار زیرا که هر درود مشتمل بر نام وی
صلی الله علیه و سلم است که نام او موجب صلوة است خواهیم گفت که مفضی بتسلسل نمیشود زیرا که چون کسی نام آنحضرت صلی
الله علیه و سلم تلفظ کرد و بعده درود فرستاد به صلی الله علی محمد لازم نیست صلوة دیگر بتلفظ این صیغه زیرا که نام
او مقرون بصلوة است فلا اشکال والله اعلم **حکایت** کرده است قاضی عیاض از نخعی که واجب است بر مؤمن
که نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم خضوع و خشوع و توقر و سکون از حرکت نماید و غالب گرداند بر خود هیبت و اجلال وی صلی الله علیه
و سلم گویا که حاضر است مقابل وی همچنانکه خدا تعالی بدان ما را تادیب کرده است و همین بود عادت سلف صالح و ائمه ماضیه متبعین
است که مالک رضی الله عنه در وقت ذکر وی صلی الله علیه و سلم متغیر اللون و منحنی میشد چون این حالت بر جلسای او شاق
گذشت از وی سوال کردند او گفت اگر ببینید شما آنچه من دیدم انکار بر من نخواهید کرد **حکایت** کرد از ائمه سلف که خود با ایشان
ملاقی شده در وقت ذکر وی صلی الله علیه و سلم میگریستند یا رنگ ایشان زرد میشد یا زبان بر دهن خشک میگردید بهیبت ذکر وی
صلی الله علیه و سلم انتهی ابن عاصی عفی الله عنه جد خود را همواره دیده است که در وقت ذکر احوال آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم میگریست و آواز او متغیر میشد تمام و غیر علماء مذکورین قایل اند باستحباب صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم
دوم بعد تشهد آخر پیش از سلام یعنی تشهد که بدان نماز تمام میشود اگرچه تشهد اول در آن نباشد اجماع مسلمین است
بر مشروعیت صلوة در آن مذهب امام شافعی و اسحق بن راهویه وجوب آنست و عدم صحت صلوة بدون آن چنانکه بر آنحضرت

صلی الله علیه وسلم نیز واجب بود و امام احمد بن حنبل نیز در آخر رجوع بآن کرده و نزد حنفیه جماهیر علما سنت است و آن قول
صحیح از مذهب مالکیه است و طحاوی و ابن منذر و خطابی مبالغه دارند در انکار قول شافعی و قاضی عیاض در شفا تابع ایشان شده و نسبت
شافعی به شذوذ کرده و گفته که مردم بروی تشنیع کرده انتهی حافظ زین الدین عراقی از اکثر مشایخ انکار بر قاضی عیاض بسبب
انکار او بر شافعی و نسبت او به شذوذ نقل کرده زیرا که قاضی در شفا خلاف در طهارت بول و خون وی صلی الله علیه وسلم حکایت
کرده و قول بطهارت را نظر بزیادت شرف وی صلی الله علیه وسلم استحسان نموده پس انکار وی بر وجوب صلوة که آنهم زیادت
شرف است تشنیع و غیر صواب است و جزری ره در تائید مذهب شافعیه گفته که آنست قول عبدالله بن مسعود انصاری رضی الله عنه
روایت کرده است ابوبکر بن ابی شیبه و قول عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است از وی حسن بصری و قول عامر شعبی و امام ابی جعفر
محمد بن علی الباقر و مقاتل بن حیان رضی الله عنهم و آنست مختار ابی عمر بن عبدالبر و ابن مواز از مالکیه انتهی و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
گفته که موافق مذهب شافعی را جماعتی از صحابه و تابعین و فقهای امصار رضی الله عنهم از صحابه امیر المومنین عمر و ابن مسعود و ابو
مسعود بدری و ابن عمر رضی الله عنهم از ابن مسعود بصحت رسیده که تشهد بخواند مرد در نماز پس بعد درود فرستد بر نبی صلی الله
علیه وسلم و از ابن عمر بصحت رسیده که حاصل نمیشود نماز مگر بخواندن قرآن و تشهد و صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم پس اگر
فراموش کند از آن چیزی پس سجده کند بعد سلام و از تابعین شعبی و امام ابو جعفر محمد بن علی الباقر رضی الله عنهم
برآورده است بیهقی از شعبی که هر که درود نفرستد بر نبی صلی الله علیه وسلم در تشهد پس اعاده کند نماز خود را و در لفظی است
کفایت نمیکند نماز او یعنی اعاده آن و بسند صحیح رسیده که میدانیم تشهد را پس چون بگوید اشهد ان محمدا عبده و رسوله حمد کند پروردگار
خود را و ثنا گوید بر وی پس درود فرستد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس بخواهد حاجت خود را و از امام ابی جعفر محمد رضی الله عنه
نقل کرده است بیهقی مثل آنچه نقل کرده شد از شعبی و دار قطنی و محمد بن کعب قرظی و مقاتل بن حیان تصویب قول وی کرده اند و شیخ
الاسلام شهاب بن حجر عسقلانی رحمه الله گفته که هیچ کس از صحابه و تابعین رضی الله عنهم تصریح بعدم وجوب کرده اند
مگر ابراهیم نخعی و بهم اشعار کرده است بقول غیر او بوجوب و از فقهای امصار امام احمد حنبل رحمه الله گفته که اول تردد بوده بعده بیان
ظاهر شد که صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم واجب است در تشهد صاحب مغنی گفته که انجامد رجوع او بآن ظاهر شد و در آخر
از اسحق بن راهویه آمده که ترک صلوة عمدا مبطل نماز است و در سهو آن امید جواز و مختار ابن عربی از مالکیه نیز همین است و از حنفیه
صاحبان محیط و تحفه و غنیه و مفید تصریح کرده اند باینکه صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم واجب است و در تشهد نام وی صلی
الله علیه وسلم مذکور است پس صلوة در آن واجب اگر کسی گوید که اینجا لازم نباید که صلوة شرط صحت صلوة باشد جواب گوئیم
که در روایت بیهقی از امام ابوجعفر محمد و شعبی رضی الله عنهما و قول احمد بن حنبل تنصیص است بشرطیت نماز قطع نظر از ان غرض
ما رفع شد و مذهب شافعی رحمه الله بود و آن نیز حاصل شد باقی ماند وجوب و عدم صحت نماز بدون آن پس برای اثبات
آن دلایل بسیار است از آنجمله حدیث یا رسول الله اما السلام علیک فقد عرفناه فکیف

نصلي عليك اذ نحن صلينا في صلوتنا صلى الله عليك فصمت صلى الله عليه وسلم ثم قال
اذا انتم صليتم فقولوا اللهم الخ يا رسول الله اما سلام بر تو پس تحقيق دريافتيم آنرا پس چگونه درود گوئيم بر تو چون ما
درود گوئيم در نماز پس خاموش ماندند آنحضرت صلى الله عليه وسلم پس گفت چون شما درود گوئيد پس گوئيد اللهم تا آخر روايت
كرده اند اين را جماعات محدثان وتصحيح كرده اند آنرا ترمذي وابن خزيمه وحاكم وگفته است دارقطني كه اسنادش حسن متصل
است وگفته است بيهقي كه اسناد آن صحيح است واگرچه در اسناد او ابن اسحق است لكن تصريح كرده است بقول حدثني پس لفظ صلينا
في صلوتنا دلالت دارد بر وجوب آن در تشهد بعد از فراغ از آن زيرا كه تعليم سلام در تشهد در حالت صلوة بود پس سوال
از كيفيت صلوة وتعليم آن دلالت دارد بر ايقاع آن در تشهد بعد از فراغ از آن ودلايل آينده معاضد آنست واز آنجمله حديث
ابن مسعود رضي الله عنه كه گفت نبي صلى الله عليه وسلم اذا تشهد احدكم في الصلوة فليقل اللهم صل الخ يعني چون
تشهد خواند يكي از شما در صلوة پس بايد كه بگويد اللهم صل الخ اين حديث دلالت صريح دارد بر وجوب وتصحيح كرده اند
آنرا جماعتي از محدثان ووهم كرده اند كه در اسناد آن راوي مجهول است زيرا كه روايت كرده است از راوي مبهم ودر آن طريقي ديگر است كه در آن راوي
ضعيف وطريقي ديگر كه در آن راوي مختلط است لكن تقويت يافت از تعدد طرق ثابت شد كه حسن است واز آنجمله حديث كعب
بن عجره رضي الله عنه كه بدرستي بود آنحضرت صلى الله عليه وسلم كه ميگفت در نماز اللهم صل على محمد تا آخر روايت آورده است آنرا بيهقي
وايراد كرده بانيكه احتمال دارد كه مراد [illegible] لفظ في الصلوة كيفيت صلوة باشد نه محل آن لكن اين احتمال بعيد است بنابر انيكه در حديث
سابق ولاحق تصريح است بانيكه مراد از نماز است واز آنجمله حديث فضاله رضي الله عنه انه صلى الله عليه وسلم
سمع رجلا يدعو في صلوته لم يحمد الله ولم يصل على النبي صلى الله عليه وسلم فقال صلى
الله عليه وسلم عجل هذا ثم دعاه فقال له او لغيره اذا صلى احدكم فليبدأ بتحميد ربه
والثناء عليه ويصلي على النبي صلى الله عليه وسلم ثم يدعو بعد بما شاء يعني بدرستيكه نبي صلى الله عليه
وسلم شنيد مردي را كه دعا ميكند در نماز خود حالانكه ثناي خداي تعالى نكرده ودرود بر نبي صلى الله عليه وسلم نفرستاد پس
گفت آنحضرت صلى الله عليه وسلم جلدي كرد اين پس خواند گفت او را يا غير او را كه چون نماز گذارد يكي از شما پس بايد كه
ابتدا كند بحمد پروردگار وثنا بروي ودرود فرستد بر پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم پس دعا كند بعد آن بهر چه بخواهد روايت كرده
است آنرا ابوداود وتصحيح آن كرده اند ترمذي وابن خزيمه وابن حبان وحاكم واشكال بانيكه اگر اين حديث مفيد وجوب باشد
تارك را امر باعاده ميكرد مندفع است باحتمال اينكه نماز آن كس نفل بوده باشد يا آن كس مبادرت باعاده كرده باشد يا پيش از
بايد وفراغ او از نماز صلوة واجب شده باشد پس لازم نيايد تاخير بيان از وقت حاجت چون موافق شد مذهب شافعي
رضي الله عنه باقوال جمعي از صحابه وتابعين وفقهاي امصار ومعاضدت نمودند آنرا احاديث صحيحه هر كه منسوب كرد مذهب
تشنيع وانكار ونسبت وي ننمودند تا اينجا است خلاصه تحقيقات شيخ ابن حجر مكي رحمه الله ودر تحفة التحرير آورد ابن قيم نقل

کرده که اجماع علما وارد است بر مشروعیت صلوة در تشهد و اختلاف کرده اند در وجوب و استحباب آن پس تمسک بعمل سلف در عدم وجوب محل
تردد و نظر است زیرا که عمل ایشان موافق او است اما وجوب پس امر اعتقادی است محتاج بنقل صریح است از سلف بعدم آن و وجود
نقل صریح متعسر است این عاصی عفی الله عنه میگوید که چون وجود نقل صریح بر عدم وجوب متعسر شد و نقول صریحه بر وجوب ثابت شدند
مثبت گردید مذهب شافعی رضی الله عنه فلله الحمد علی ذلک **سیوم** صلوة جنازه اتفاق علما است بر مشروعیت
صلوة در ان بعد تکبیر دویم پس نزد شافعی و احمد رضی الله عنهما واجب است بر قول مشهور و نماز بدون آن صحیح نیست و نزد ابی حنیفه
و مالک رضی الله عنهما مستحب است شافعی و احمد استدلال کرده اند بعمل سلف رضی الله عنهم مروی است از ابی امامه از بعض اصحاب
او رضی الله عنهم که صلوة مثل تکبیر سنت است در نماز جنازه روایت کرده اند آنرا شافعی رضی و جماعتی از محدثان و شبیه صلوة بتکبیر مستلزم
وجوب است زیرا که تکبیر واجب است بالاتفاق **قوله** سنت است یعنی طریقه نبوی است صلی الله علیه وسلم یا ثابت است بسنت و
حاکم در صحیح خود آورده که جماعه صحابه رضی الله عنهم باو خبر داده اند که در صلوة جنازه تکبیر گوید پس صلوة فرستد بر آن حضرت
صلی الله علیه وسلم زهری گفته که ابو امامه مرا این سخن گفت درحالیکه ابن مسیب میشنید و انکار نکرد بر وی پس نقل کردم این را پیش
محمد بن سوید پس گفت که من از ضحاک بن قیس شنیده ام که از حبیب بن مسلمه همین روایت میکرد و نیز زهری از ابی امامه نقل
کرده است که او به ابن مسیب میگفت سنت در صلوة جنازه خواندن فاتحة الکتاب و صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم است و بیهقی
در سنن خود از ابی هریره رضی الله عنه آورده که او از عباده بن الصامت بعد سوال او از کیفیت صلوة جنازه میت گفت قسم بخدا خبر
میدهم ترا ابتدا کنی پس بگوئی تکبیر پس درود فرستی بر نبی صلی الله علیه وسلم پس بگوئی اللهم ان ... تا آخر یعنی دعا برای
میت و مالک و غیر او از ابی هریره رضی الله عنه آورده اند که چون از وی سوال از کیفیت صلوة جنازه کردند گفت که در پی
جنازه میروم با کسان آن پس چون نهاده شود آن تکبیر میگویم و حمد میکنم خدا را و درود میگویم بر پیغمبر او صلی الله علیه وسلم پس
میگویم اللهم انه عبدک تا آخر و از ابن عباس و ابن مسعود و مجاهد رضی الله عنهم نیز آمده **چهارم** خطبه های
جمعه و هر دو عید و کسوف و خسوف و استسقا نزد شافعی و احمد رضی الله عنهما صلوة در خطبه ها رکن است و نزد ابی حنیفه و
مالک رضی الله عنهما مستحب سنت است و دلیل وجوب فعل خلفاء راشدین و تابعین است رضی الله عنهم و منقول نیست از ایشان که هیچ خطبه
قطع نظر از خطبه جمعه بی حمد و بی صلوة بوده باشد سلف صالح خطبه بی صلوة را بترا یعنی ناقص میگفتند در صحاح وارد
که خطبه خواندند یا خطبه بترا زیرا که در آن حمد نکرد و صلوة بر وی صلی الله علیه وسلم نفرستاد و مروی است صلوة در خطبه امیر المؤمنین
علی کرم الله وجهه بروایت احمد و در خطبه عمرو بن العاص رضی الله عنه بروایت دارقطنی از طریق ابن لهیعه و در خطبه ابن مسعود رضی
الله عنه بروایت نمیری و غیر او و در خطبه ابی موسی اشعری رضی الله عنه و در نهایه ابن اثیر است که با این اجماع نطقی از سلف
ثابت شد وجوب والا ترک میکردند در بعض احیان ابن بشکوال از محمد بن عبد الحکیم رحمه الله آورده که امیری در مدینه مطهره
خطبه جمعه خواند و مشتمل گردانید آن را بر سب بعد از اتمام خطبه و نزول او از منبر برای نماز همه اهل مسجد بر وی غوغا کردند و ان

بر جانب صحیح روند و این دلیل است بر آنکه لازم نیست که در خطبه چند چیز که نزد سلف مشهور و معروف است آورد که ترک جایز نیست در رحمة الامة
فی اختلاف الائمة گفته که نزد ابی یوسف و محمد صاحبان امام اعظم رحمهم الله لا بد است از کلامی که مسمی است الخطبة به عادت و در روایتی
از مالک رحمه الله آمده که کافی نیست مگر آنچه مسمی است الخطبة در عرف یعنی کلام مؤلف فی بال **فائده** واجب است نزد شافعیه
در خطبه ها آوردن صیغه صلوة چون اللهم صل یا اصلی یا نصلی یا الصلوة والسلام علی محمد یا احمد یا نامی دیگر از نامهای
وی صلی الله علیه وسلم و اگر تنها سلم الله علی محمد یا رحم الله محمدا یا صیغه دیگر که مشتق از ماده صلوة نباشد یا صلی الله
علیه بضمیر و اگر چه نام وی صلی الله علیه وسلم سابق مذکور شده باشد بر مذهب معتمد جایز نیست کذا فی المنهج القویم للشیخ
ابن حجر المکی رحمه الله **مقام دویم** در مواقع ندب و استحسان صلوة **اول** بعد از وضو و غسل و تیمم چنانچه نقل کرده است
امام نووی رحمه الله از شیخ نصر در وضو بصراحت و اشارت کرده است بدان در غسل و تیمم روایت کرده است ابن حبان بسند ضعیف از ابن مسعود
رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم چون فارغ شود یکی از شما از طهر خود پس باید که بگوید اشهد ان لا اله الا الله واشهد
ان محمدا عبده ورسوله پس باید که درود فرستد بر من آمده است در روایتی ضعیف که مرتقی شود بسوی حسن بصری رضی الله عنه اذا
تطهر احدکم فلیذکر اسم الله فانه یطهر جسده کله وان لم یذکر احدکم اسم الله علی طهوره لم
یطهر منه الا ما مر علیه الماء فاذا فرغ احدکم من طهوره فلیشهد ان لا اله الا الله وان محمدا
عبده ورسوله ثم لیصل علی فاذا قال ذلک فتحت له ابواب الرحمة چون طهارت کند یکی از شما پس باید
که یاد کند نام خدای تعالی را پس بدرستیکه آن پاک میکند همه جسد او را و اگر یاد نکند یکی از شما نام خدای تعالی را بر طهارت خود پاک نشود
از وی مگر آنچه گذشته است بر آن آب پس چون فارغ شود یکی از شما از طهارت خود پس بخواند کلمه شهادت پس باید درود فرستد بر من پس چون
بگوید آن را گشاده شود برای وی درهای رحمت و در روایتی درهای جنت است و در روایتی ضعیف آمده لا وضوء لمن لم یصل علی النبی
صلی الله علیه وسلم نیست وضو کامل مر کسی را که درود نفرستاد بر نبی صلی الله علیه وسلم **دویم** بعد اذان و اقامت
مؤذن و مقیم سامع را پیش از دعای اللهم رب هذه الدعوة التامة الخ بحدیث ابن عمر رضی الله عنه که مرویست
مسلم سابق مذکور شد اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما یقول ثم صلوا الحدیث و آثار روایت احمد بر که گوید وقتیکه
ندا کند منادی اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة صل علی محمد وارض عنه رضی
لا سخط بعده مستجاب کند خدای تعالی دعای او را پس محمول است بنکه بعد فراغ از صلوة بگوید تا مطابقت شود میان هر دو روایت
و کذلک روایت بخاری که گوید هر که بشنید ندا اللهم رب هذه الدعوة التامة تا آخر و ابن ابی الدرداء رضی الله عنه
روایت کرده است که وی صلی الله علیه وسلم چون اقامت میشنید میفرمود اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القا[ئمة]
صل علی محمد واته سؤله یوم القیامة و میشنوانید کسانی را که گرد وی صلی الله علیه وسلم میبودند و دوست میداشت که مثل این بگویند
چون بشنوند مؤذن را و هر که گوید مثل این چون بشنود مؤذن را واجب لازم شود مر او را شفاعت محمد صلی الله علیه وسلم در روز قیامت

فرع استحباب اجابت مقرر کرده است از انچه غیر آن است و در آن وقت ... حتی جوش ... قاعده شامل ... جاست ... لیوم
سامع مؤذن در حالت نماز نیست بر مؤذن یعنی بعد فراغ از نماز درود گوید و وسیله برای نبی صلی الله علیه وسلم بخواهد کما قال
العلامة المحلی فی شرح المنهاج **فائده** شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب منقول گفته که آنچه معتاد است
که صلوة و سلام عقب هر اذان بر مناره ها میگویند مگر اذان صبح و جمعه که در آن پیش از آن میگویند و اذان مغرب که بسبب ضیق وقت
نمیگویند احداث کرده سلطان صلاح الدین یوسف بن ایوب است شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله در کتاب وسائل الی معرفة الاوائل گفته
که اول در زمان سلطان صلاح الدین بن ایوب مقرر و جاری شد که قبل از اذان صبح در هر شب السلام علی رسول الله
بگویند و این تا سنه هفتصد و شصت و هفت جاری بود و بعده بامر صلاح الدین برلسی محتسب زیاده شد الصلوة والسلام علیک
یا رسول الله پس در ماه شعبان سنه هفتصد و نود و یک در زمان سلطان حاجی بن اشرف شعبان بن حسین بن ناصر محمد بن منصور
قلاوون بامر نجم الدین الطنبدی محتسب تقرر یافت که بعد هر اذان بگویند و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله از بعض مؤرخین نقل کرده که در سنه
هفتصد و نود و یک بنابر رؤیای بعض معتقدین تقرر یافت انچه مذکور شد بعض متاخرین تصویب آن کرده و گفته که بدعت حسنه
است و فاعلش بحسن نیت خود ماجور خواهد شد و شیخ الاسلام زکریا رحمه الله در فتاوی خود گفته که اصل آن مستحب و کیفیت بدعت است
سیوم در تشهد اول بر قول جدید امام شافعی رضی الله عنه چنانچه نقل کرده است ابن ... ام و ترک آن موجب سجده سهو است
و اما قول قدیم پس زیاده نکند بر تشهد و روایت کرده است این را مزنی از وی رضی الله عنه لیکن قول جدید اظهر است بدلیل احادیثی که
در ذم تارک صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم وارد است و چون مصلی در آخر تشهد ذکر وی صلی الله علیه وسلم نمود پس مسنون
شد او را صلوة علیه تا خارج گردد از ان ذم که شامل است مصلی و غیر مصلی را این عاصی عفی الله عنه میگوید که بر قول
کسانیکه قائل اند بوجوب صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم لازم آید وجوب صلوة در تشهد اول نیز و این مشکل است زیرا که
هیچ کس تصریح نکرده است بوجوب آن در تشهد اول والله اعلم و مذهب امام اعظم و مالک و احمد رضی الله عنهم موافق قول قدیم
است بلکه نزد حنفیه لازم آید سجده سهو بزیادت صلوة زیرا که بسبب آن متاخر شد رکن یعنی قیام بسوی رکعت ثالثه و
اختلاف کرده اند آنها در قدر زیاده بعضی گفته اند اللهم صل علی محمد و بعضی گفته اند اللهم صل علی
محمد و علی آل محمد و اول اصح است کما فی العینی شرح الکنز **چهارم** در آخر قنوت نیز ثابت صحیح
صلوة در قنوت وتر ثابت شده است در روایت نسائی بسند حسن که تعلیم فرموده آن حضرت صلی الله علیه وسلم امیر المؤمنین
حسن رضی الله عنه کلماتیکه بخواند در وتر یعنی اللهم اهدنی فیمن هدیت تا آخر و در انتهای آن و صلی الله علی
النبی است بی زیادت اما کسیکه زیاده کرده است لفظ محمد و سلم و نسبت آن بسنن نسائی نموده وهم است زیرا که این لفظ در آن
نیست کما قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و بصحت رسیده که بعض صحابه رضی الله عنهم در قنوت میفرستادند در قنوت
وار ... رضی الله عنه بصحت رسیده که صحابه رضی الله عنهم میفرستادند بر وی صلی الله علیه وسلم در قنوت وتر رمضان

ونیز از بعض صحابه مرویست که چون عشره اخیره رمضان آمد زیاده میکرد در قنوت اللهم صل علی محمد کما صلیت علی ابراهیم
اللهم بارک علی محمد عبدک ورسولک والسلام علیه ورحمة الله وبرکاته وصلوة در آخر قنوت صبح نیز
صحیح مسنون است بر قیاس قنوت وتر وقول بعضی که در اول وتر نیز مسنون است مخالف روایات است گرچه صلوة در اول وآخر دعا است لیکن
قنوت بنا بر رعایت روایات مذکوره ازان مستثنی است ومسنون نیست در آخر قنوت سلام وذکر آل نیز وذکر اصحاب نیز اولی است زیرا
چون ذکر آل مسنون باشد ودر ایشان غیر اصحاب هم هستند پس ذکر اصحاب بطریق اولی مسنون باشد واعتراض باینکه این قول منافی اجماع
ایشان است بعدم ذکر اصحاب در صلوة تشهد مدفوع است باینکه در تشهد اقتصار نمودند بر حدیث ودرینجا زیاده کردند ذکر آل
پس قیاس کرده شد بران ذکر اصحاب واشکال باینکه ذکر آل در تشهد اول چرا مسنون نشد وچه فرق است میان آن وقنوت مدفوع است باینکه قنوت
محل دعا است پس مناسب شد ختم بدعا آل واصحاب متعلقین بر او شان هکذا ذکر الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **پنجم**
عقب نماز بحدیث ضعیف من دعا بهولاء الدعوات فی دبر کل صلوة مکتوبة حلت له الشفاعة منی یوم
القیمة اللهم اعط محمدا الوسیلة واجعل فی المصطفین محبته وفی العالمین درجته وفی المقربین داره
هر که دعا کند باین دعوات در پس صلوة فرض واجب گردد یا شایسته شود برای او شفاعت از من در روز قیامت وآن دعوات این است
اللهم اعط محمدا تا آخر چون در ابتداء دعا صلوة مسنون است پس درین دعا نیز مسنون از ینجاست که در فتح المعین شرح قرة
العین گفته که مسنون است افتتاح وختم دعا بعد نماز بحمد خدا وصلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم **ششم** نزد هر دعا ودر آن
سه وجه است یکی ابتدا بحمد وصلوة شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب منضود گفته که علما اجماع دارند بر ندب ابتداء دعا بحمد
پس صلوة وآمده است بسندیکه رجالش رجال صحیح اند اذا اراد احدکم ان یسال الله شیئا فلیبدأ بمدحه والثناء
علیه بما هو اهله ثم یصلی علی النبی صلی الله علیه وسلم ثم یسال بعد فانه اجدر ان
ینجح چون خواهد یکی از شما که سوال کند از خدا تعالی چیزی را پس باید که آغاز کند بمدح او تعالی وثنا بر وی بچیزیکه او لایق است
پس درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم بعد سوال کند پس بدرستیکه آن کس لایق آنست که بدرستی وی رستگاری یابد ودر روایتی
است اذا اراد احدکم ان یدعو فاحب ان یستجاب له فلیحمد الله ولیثن علیه ولیصل علی النبی
صلی الله علیه وسلم ثم لیدع بحاجته فانه اجدر ان یستجاب له چون خواهد یکی از شما که دعا کند
پس دوست دارد که استجابت کرده شود او را پس باید که حمد خدا کند وثنا بر وی گوید ودرود فرستد بر نبی صلی الله علیه وسلم
سپس باید که بخواهد حاجت خود را پس بدرستیکه او لایق تر است باینکه استجابت کرده شود ودر روایت ابو داود ونسائی وغیره او
الدعا کله محجوب حتی یکون اوله ثناء علی الله عز وجل وصلوة علی النبی صلی الله علیه
وسلم حتی یدعو فیستجاب له دعائه دعا همه آن محجوب است تا که باشد در اول آن ثنا بر خدا تعالی وصلوة بر نبی
صلی الله علیه وسلم ودعا کند پس مستجاب کرده شود دعاء او **قوله** حتی یدعو حتی برای عطف است ومفید ترتیب

وغیر با صب لذالی الله المنضود وجه دویم ابتدا واختتام دعا بصلوة کند امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته که اجماع
علما بر استحباب ابتداء دعا بحمد خدا و ثنای او و صلوة بر رسول او صلی الله علیه وسلم وکذلک ختم دعا بحمد و صلوة و آثار درین باب بسیار وارد
اند انتهی در حدیثی آمده الدعاء بین الصلوتین علی لا یرد دعا میان دو صلوة بر من رد کرده نمیشود و قول ابی سلیمان دارانی درین
امر سابق مذکور شده است وجه سیوم مسنون است صلوة در اول و اوسط و آخر دعا مرویست بسند ضعیف غریب لا تجعلونی
کقدح الراکب سئل و ما قدح الراکب قال ان المسافر اذا فرغ من حاجته صب ما فی قدحه فان کان له حاجة
توضأ منه او شربه والا اهرقه اجعلونی فی اول الدعاء و وسطه و آخره نگردانید مرا مانند کاسه سوار
سوال کرده شد که کاسه سوار چیست گفت بدرستیکه مسافر چون فراغت یابد از حاجت خود می اندازد آنچه در کاسه خود هست از آب پس اگر
باشد او را حاجت وضو میکند بدان آب یا مینوشد آنرا و گرنه میاندازد آنرا بگردانید مرا در اول دعا و درمیان آن و در آخر آن و غرض از نهی از تشبیه بقدح
راکب آنست که در ذکر مؤخر نکنند آنحضرت را صلی الله علیه وسلم چنانچه راکب می آویزد قدح خود را در آخر رحل و در پس خود و در روایتی دیگر
که بخصوص یکی از ین وجوه ثلثه دلالت ندارد بسیار است دیلمی روایت کرده کل دعاء محجوب حتی یصلی علی النبی صلی
علیه وسلم و در تغلیبات است الدعاء یحجب عن السماء ولا یصعد الی السماء من الدعاء شیء حتی یصلی علی النبی صلی
الله علیه وسلم فاذا صلی علی النبی صلی الله علیه وسلم صعد الی السماء دعا محجوب باز داشته میشود از آسمان و بالا نمی رود بسوی آسمان از دعا
چیزی تا که درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم پس چون درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم بالا رود دعا بسوی آسمان در شفا است که دعا
و نماز معلق باشد میان آسمان و زمین بالا نرود بسوی خدایتعالی یعنی محل مناجات تا که درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم و از عمر
بن الخطاب رضی الله عنه مرویست که بدرستی دعا میباشد میان آسمان و زمین بالا نمی رود از آن چیزی تا که درود گوید بنبی صلی
الله علیه وسلم چون این سخن ممکن نیست که از برای خود گوید پس در حکم حدیث مرفوع است و مرویست بسند ضعیف از نبی صلی
الله علیه وسلم که نیست هیچ دعا مگر که میان او و میان آسمان حجاب است تا که درود گوید بر محمد و بر آل محمد پس چون درود گوید
منکشف شود آن حجاب و داخل گردد دعا و چون درود نگوید باز گردد دعا و از ابن عطا سابق مذکور شد که صلوة از اسباب
دعا است هفتم در حال قرائت قرآن چون بگذرد بآیتیکه در آن ذکر وی صلی الله علیه وسلم است قاری و سامع خارج
نماز بالاتفاق و اما داخل نماز پس شافعیه یوسف بن حسین اردبیلی رحمه الله در انوار از عجلی نقل کرده که چون بخوانند در نماز
آیتی که در آن نام آنحضرت صلی الله علیه وسلم است مستحب است صلوة بر وی صلی الله علیه وسلم و در فتاوی صاحب درر مذکور
است که صلوة نفرستد و اول اقرب است انتهی و شیخ ابن حجر مکی در کتاب در منضود گفته که چون بگذرد در نماز با آیتی که
در آن ذکر وی صلی الله علیه وسلم است مسنون است قاری و سامع را صلوة بر وی صلی الله علیه وسلم و قول صاحب انوار
هم آورده و گفته که بر قول اول درود گوید بضمیر مثل صلی الله علیه یعنی تصریح بنام وی صلی الله علیه وسلم نکند تا لازم
نیاید نقل رکن قولی که مبطل صلوة است بر قولی و صاحب تحفة الغریب از قاضی اسمعیل آورده که مرویست از حسن بصری

ندب صلوة مطلق نماز فرض باشد یا نفل والله اعلم و امام احمد بن حنبل رضی الله عنه نص کرده بر ندب صلوة در نماز نفل و نزد حنفیه
مسنون نیست و مبطل نماز هم نیست زیرا که از قبیل اذکار است لیکن سجده سهو لازم خواهد آمد چنانچه بزیادت صلوة در تشهد
اول لازم می آید بصراحت این مسئله از کتب ایشان بنظر این عاصی نیامده از روی اصول تحریر کرده آورد والله اعلم **هشتم** نزد
مرور مسجد و دخول آن و خروج ازان آورده اند ابوداود و نسائی و ابن ماجه و طبرانی و بیهقی و ابوعوانه و ابن خزیمه و ابن
سنی و ابن حبان باسانید صحیحه از ابی حمید یا از ابی اسید رضی الله عنه که فرمود نبی صلی الله علیه وسلم اذا دخل احدكم المسجد
فليصل على النبي صلى الله عليه وسلم ثم ليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج فليقل اللهم اني
اسئلك من فضلك چون در آید یکی از شما در مسجد پس باید که درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم بعد ازان بگوید اللهم تا آخر و چون
برآید از مسجد پس باید که بگوید اللهم تا آخر و زیاده کرده است ابن سنی و ابن خزیمه و ابن حبان چون برآید پس باید که درود گوید بر نبی
صلی الله علیه وسلم و بگوید اللهم اعذني من الشيطان الرجيم امام نووی رحمه الله در اذکار خود از کتاب ابن سنی
از روایت انس رضی الله عنه آورده که چون نبی صلی الله علیه وسلم داخل مسجد میشد میگفت بسم الله اللهم صل على محمد
و چون بیرون می آمد میگفت بسم الله اللهم صل على محمد و نیز در اذکار از ابن عمر رضی الله عنهما آورده که وی صلی
الله علیه وسلم درود بر خود میفرستاد نزد دخول مسجد و خروج ازان و در روایتی است اذا دخل احدكم المسجد فليسلم
على النبي صلى الله عليه وسلم وليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج فليسلم على النبي
صلى الله عليه وسلم وليقل اللهم اعصمني من الشيطان حاکم گفته که این روایت صحیح است بر شرط شیخین
قاضی اسمعیل از طریق امیر المومنین علی ابن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده که چون بگذرید بر مساجد پس درود گوئید
بر نبی صلی الله علیه وسلم **نهم** در اثنای تکبیرات صلوة عیدین نزد شافعیه روایت کرده است قاضی اسمعیل باسناد
صحیح از طریق عبد الله بن مسعود و ابی موسی و حذیفه رضی الله عنهم که برآمد بر ایشان ولید بن عقبه و گفت که عید نزدیک
رسید پس تکبیر چه طور است عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفت آغاز کنی نماز را پس بگوئی تکبیر افتتاح و حمد خدا کنی و
درود گوئی بر نبی صلی الله علیه وسلم بعده دعا کنی و تکبیر گوئی و بکنی آنچه بعد تکبیر اول کردی حاصلش اینکه میان تکبیرتین حمد
و صلوة گوید و دعا کند ابوموسی و حذیفه رضی الله عنهما تصدیق وی کردند و نزد حنفیه تکبیرات متوالی باید گفت و ذکری
دران مستحب نیست مالک موافق حنفی و احمد موافق شافعی است رضی الله عنهم اجمعین **دهم** در مناسک حج چند مواطن
اول عقب تلبیه چنانچه امام نووی رحمه الله در اذکار خود نوشته که مستحب است درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم بعد تلبیه
روایت کرده است دارقطنی از قاسم بن محمد رضی الله عنه بسند ضعیف که مستحب است که چون فارغ شود از تلبیه درود گوید
بر وی صلی الله علیه وسلم **دوم** بر صفا و مروه و لیث بسند صحیح که امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه در مکه معظمه
زادها الله شرفا خطبه خواند پس گفت چون بیاید مردی از شما و حالیکه حج کننده است پس باید که طواف

خانه کند هفت بار و نماز گذارد نزد مقام ابراهیم دو رکعت پس آغاز کند سعی بصفا پس چون بر صفا برآید روی سوی خانه کند پس
بگوید هفت تکبیر میان هر دو تکبیر حمد خدای تعالی کند و ثنا گوید بر وی و درود فرستد بر نبی صلی الله علیه وسلم و دعا برای نفس خود
کند و بر مروه مثل آن بجا آرد و مرویست که ابن عمر رضی الله عنهما تکبیر میگفت بر صفا سه بار پس میگفت لا اله الا الله وحده
لا شریک له الخ پس درود میفرستاد بر نبی صلی الله علیه وسلم پس دعا میکرد و قیام در دعا دراز مینمود پس بر مروه
همچنین میکرد ۳ نزد استلام حجر اسود آمده است بروایت صحیح از ابن عمر رضی الله عنهما که چون اراده استلام حجر میکرد
میگفت اللهم ایمانا بک وتصدیقا بکتابک وسنة نبیک پس درود میفرستاد بر وی صلی الله
علیه وسلم روایت کرده است آن را ابوذر هروی از نافع و واقدی در مغازی خود بطریق رفع ۴ در طواف حکایت کرده است
شیخ ابن حجر مکی از منهاج حلیمی از سفیان بن عیینه رضی الله عنه که شنیدم زیاده از هفتاد کس را که میگفتند در طواف اللهم صل
علی محمد وعلی ابینا ابراهیم و این در حق ولد ابراهیم است غیر او گوید اللهم صل علی محمد نبیک وابراهیم
خلیلک و این بهتر است زیرا که همه مناسک ارث ابراهیم است علی نبینا وعلیه افضل الصلوة والسلام و بنا بیت الله
از بنا او ست و تلبیه اجابت دعای او انتهی ملخصا ۵ در عرفات امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته که سنت است
افتتاح و اختتام دعا یعنی در عرفات بحمد خدا و ثنا بر وی سبحانه و صلوة و تسلیم بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم و مستحب است اکثار
تلبیه و صلوة و تسلیم بر وی صلی الله علیه وسلم روایت کرده است بیهقی بسند غریب ما من مسلم یقف عشیة عرفة بالموقف
فیستقبل القبلة بوجهه ثم یقول لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی
کل شیء قدیر مائة مرة ثم یقرأ قل هو الله احد مائة مرة ثم یقول اللهم صل علی محمد وعلی آل
محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید وعلینا معهم مائة مرة الا قال
الله تبارک وتعالی یا ملائکتی ما جزاء عبدی هذا سبحنی وهللنی وکبرنی وعظمنی وعرفنی
واثنی علی وصلی علی نبیی اشهدوا انی قد غفرت له وشفعته فی نفسه ولو سألنی عبدی هذا لشفعته
فی اهل الموقف کلهم نیست هیچ مسلمان که بایستد آخر روز عرفه در موقف پس رو بجانب قبله کند پس بگوید
لا اله الا الله تا آخر صد بار پس بخواند قل هو الله احد صد بار پس گوید اللهم صل تا آخر صد بار مگر که میگوید
خدای تعالی ای فرشتگان من چیست جزای این بنده من که تسبیح و تهلیل و تکبیر و تعظیم و تعریف من کرد و ثنا کرد و بر پیغمبر من صلوات فرستاد گواه باشید
که بدرستی تحقیق آمرزیدم او را و قبول کردم شفاعت او در حق او و اگر سوال میکرد این بنده من هر آینه قبول میکردم شفاعت او در حق همه اهل موقف و زیاده کرده است
دیلمی در روایت خود قرائت سورة فاتحه صد بار و بعد وله الحمد یحیی ویمیت بیده الخیر و محب طبری در احکام خود دعای طویل آورده
در و آخر آنست که درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم پس دعا کند برای نفس خود و والدین و اقارب و برادران دینی و
ذکر کرده است مر آن را ثواب عظیم و گفته که ابو مسعود در جامع دعای ... آورده است و غیر او گفته اند که این سخن عجیب است

زیرا که ابن جوزی آنرا در موضوعات شمار کرده (٦) در ملتزم و آن مابین باب کعبه و حجر اسود را گویند امام نووی رحمه الله در اذکار
خود در آخر دعائی که ماثور است در ملتزم آورده اللهم صل وسلم علی محمد وعلی آل محمد و شیخ ابن حجر از امام شافعی و
اصحاب او رضی الله عنهم آورده که سنت است هر کسی را که فارغ شود از طواف وداع بایستد نزد ملتزم و بگوید اللهم البیت
بیتک الخ پس درود فرستد بر نبی صلی الله علیه وسلم که در انجا جای اجابت دعاست و شیخ عبد الحق دهلوی در جذب القلوب گفته
که نزد روی کعبه شریفه نیز درود مسنون است **یازدهم** نزد زیارت قبر شریف آنحضرت صلی الله علیه وسلم امام نووی رحمه الله در اذکار
خود گفته که در راه مدینه منوره اکثار صلوة و سلام بر وی صلی الله علیه وسلم نماید و چون واقع شود نظر او بر اشجار مدینه منوره و حرم آن
زیاده کند از صلوة و تسلیم بر وی صلی الله علیه وسلم و دعا برای نفع خود از زیارت آنحضرت صلی الله علیه وسلم و چون نزد قبر مبارک وی صلی الله علیه
وسلم رسد پشت بقبله روی بجانب قبر شریف کرده بفاصله چهار ذراع از جدار قبر بایستد و بآواز نرم سلام کند السلام
علیک یا رسول الله السلام علیک یا خیرة الله من خلقه السلام علیک یا حبیب الله السلام
علیک یا سید المرسلین وخاتم النبیین السلام علیک وعلی آلک واصحابک واهل بیتک
وعلی النبیین وسائر الصالحین اشهد انک بلغت الرسالة وادیت الامانة ونصحت الامة
فجزاک الله عنا افضل ما جزی رسولا عن امته پس ترک یک ذراع متاخر شده بر امیر المومنین ابی بکر صدیق
رضی الله عنه سلام کند پس ترک یک ذراع متاخر گشته بر امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه سلام کند باز بمقام اول رود و مقابل
روی شریف وی صلی الله علیه وسلم بایستد و توسل و تشفع از وی صلی الله علیه وسلم برای خود کند و دعا برای والدین و اصحاب
و احباب خود کند و جهد کند در اکثار دعا و غنیمت داند آن موقف شریف را و در تحمید خدا و تسبیح و تکبیر و تهلیل او و صلوة
بر رسول او صلی الله علیه وسلم اکثار نماید انتهی ملخصا شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که از ابن عمر رضی الله عنهما از طرق متعدده
مروی است که وی چون در این مقام شریف می ایستاد صلوة و تسلیم میگفت بر نبی صلی الله علیه وسلم پس بر ابی بکر پس بر عمر رضی
الله عنهم در حالیکه میبود مستقبل قبر شریف و مستدبر قبله و در روایتی است که قبر شریف را بدست راست مساس میکرد و در روا
یتی است که مس نمیکرد شاید گاهی چنین و گاهی چنان مینمود و سلام از دیگر صحابه نیز مروی است رضی الله عنهم و مجد الدین
لغوی فیروزآبادی رحمه الله گفته که سلام بر وی صلی الله علیه وسلم نزد قبر شریف افضل است از صلوة بدلیل حدیث
ما من مسلم یسلم علی فی شرق ولا غرب الا انا وملائکة ربی نرد علیه السلام فقال
قائل یا رسول الله فما بال اهل المدینة قال وما یقال لکریم فی جیرانه انه مما امر به من حفظ
الجوار وحفظ الجیران یعنی نیست هیچ مسلمانی که سلام گوید بر من در مشرق و نه در مغرب مگر که من و فرشتگان پروردگار من
باز میکنند بر وی سلام پس گفت قائلی یا رسول الله پس چیست حال مردم مدینه طیبه گفت چه گفته شود مر کریم را در حق همسایگان
او بدرستیکه او مامور است بحفظ حق همسایگی و حفظ همسایگان شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که سند این حدیث غریب

ملکی را ان کسی است که قبر نبی او را فهم بوضع کرده و سابق مذکور شده که هر که نزد قبر شریف وی صلی الله علیه وسلم ایستاده این آیه ان الله
وملائکته تا آخر بخواند و هفتاد بار صلی الله علیک یا محمد گوید فرشته برو درود فرستد و همه حاجات او برآید و شیخ ابن
حجر مکی رحمه الله از بعض متاخرین نقل کرده که مسنون نیست صلوة و سلام بعد دیدن اثری از آثار وی صلی الله علیه وسلم خصوصا
منازل وی بخاری روایت کرده است که چون اسما رضی الله عنها میگذشت از حجون که نام موضعیست میگفت صلی الله علی
رسوله لقد نزلنا معه ههنا و درود فرستد خدای تعالی بر پیغامبر او بر آنچه فرود آمده بودیم با وی صلی الله علیه وسلم
درینجا یعنی در هنگام هجرت که در آنجا فرود آمده بود و برآورده است احمد رحمه الله که انس رضی الله عنه قدح آنحضرت صلی الله علیه وسلم
بعد وفات برآورد و در آن آب بود جماعه از صحابه رضی الله عنهم از او نوشیدند و بر سر و روی خود ها ریختند و درود بروی صلی الله
علیه وسلم فرستادند **دوازدهم** روز جمعه و شب جمعه امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته که مستحب است
در روز و شب جمعه اکثار قرأت قرآن و اذکار و دعوات و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم احادیث در باره صلوة در روز
جمعه بسیار است و در باب فضائل صلوة و ثمرات آن بقید قلم آمده اجمالا درینجا نیز اشارتی بدان کرده میشود در روایتی
است در روز جمعه هشتاد بار صلوة موجب غفران ذنوب هشتاد سال است آن از طرق متعدده مرویست و در روایتی است
که هشتاد بار صلوة بعد عصر بصیغه اللهم صل علی محمد النبی الامی وعلی آله وسلم تسلیما سبب غفران
ذنوب هشتاد سال و کتابت عبادت هشتاد سال است در روایت اولی در بعض طرق معین کرده است صیغه اللهم صل علی محمد
عبدک ونبیک ورسولک النبی الامی و در بعضی دیگر تعیین وقت به بعد عصر کرده است و در روایتی است
درود در روز جمعه سبب شفاعت وی صلی الله علیه وسلم است و در روایتی است که در روز جمعه صد بار درود سبب نور است در
روز قیامت و در روایتی است که صد بار درود سبب غفران گناهان هشتاد سال است و در روایتی که هزار بار درود در روز جمعه
سبب رویت مکان خود است در جنت قبل از موت و در روایتی در روز جمعه چهل بار درود سبب محو ذنوب چهل سال و یک درود
سبب محو گناهان هشتاد سال است و در روایتی است که یک صلوة در روز جمعه و شب آن هزار صلوة خدای تعالی و ملائکه
و کتابت هزار هزار نیکی و محو شدن هزار هزار خطا و رفع هزار هزار درجه در جنت است و دیلمی از ابی ذر غفاری
رضی الله عنه برآورده است که فرموده وی صلی الله علیه وسلم من صلی علی یوم الجمعة مائتی مرة غفر له
ذنب مائتی عام هر که درود گوید بر من روز جمعه دو صد بار آمرزیده شود مر او را گناه دو صد سال شیخ ابن حجر مکی
رحمه الله گفته که این روایت صحیح نیست و در روایتی است من صلی علی لیلة الجمعة مائة مرة غفر له خطیئة
عشرین سنة هر که درود گوید بر من در شب جمعه صد بار آمرزیده شود مر او را خطایای بیست سال شیخ ابن حجر مکی
گفته که این حدیث صحیح است و برآورده است ابن بشکوال اذا کان یوم الخمیس بعث الله ملائکة معهم
صحف من فضة واقلام من ذهب یکتبون یوم الخمیس ولیلة الجمعة اکثر الناس

صلوة على النبي صلى الله عليه وسلم چون باشد روز پنجشنبه میفرستد خدای تعالی فرشتگان که باشد با ایشان صحیفه‌های نقره
و قلمهای ایشان از زر مینویسند در روز پنجشنبه و شب جمعه زیاده ترین مردم را از روی صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
گفته که در سندش شخصی مجهول است و در روایتی ضعیف آمده ان لله ملائكة خلقوا من النور لا يهبطون الا ليلة الجمعة
ويوم الجمعة بايديهم اقلام ذهب ودوي من فضة وقراطيس من نور لا يكتبون الا الصلوة على النبي
صلى الله عليه وسلم بدرستیکه مر خدای تعالی راست فرشتگان که پیدا کرده شده اند از نور فرود نمی آیند مگر در شب جمعه و روز جمعه
میباشد در دستهای ایشان قلمهای زر یا نقره و کاغذهای نور نمی نویسند مگر درود که بر نبی صلی الله علیه وسلم فرستاده میشود
و در روایتی است اكثروا الصلوة علي في الليلة الغراء فان صلوتكم تعرض علي زیاده کنید فرستادن صلوة
بر من در شب روشن یعنی شب جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده میشود بر من و در روایتی است اكثروا علي من الصلوة يوم
الجمعة وليلة الجمعة فمن فعل ذلك كنت له شهيدا او شفيعا يوم القيمة زیاده کنید بر من صلوة در
روز جمعه و شب جمعه پس هر که اینچنین کند باشم مر او را شهید یا شفیع در روز قیامت حرف او یا برای تقسیم است یعنی شفاعت کننده برای
عاصی و شهادت دهنده برای مطیع یا بمعنی واو است یعنی شفیع و شهید برای همه یا برای شک راوی است پس بر تقدیر صحت لفظ
شهید ظاهر است که شهادت خصوصیتی است زاید بر شفاعت مدخره مجرده برای غیر ایشان و بر تقدیر صحت لفظ شفیع محمول است
بر اینکه هر که این فعل کند مختص گردد بنوعی از انواع شفاعت غیر شفاعت عظمی کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و در
اتخذ الله ابراهيم خليلا وموسى نجيا واتخذني حبيبا ثم قال وعزتي وجلالي لاوثرن
حبيبي على خليلي ونجيي فمن صلى علي ليلة جمعة ثمانين مرة غفرت له ذنوب مائتي عام
متقدم ومائتي عام متاخر گرفته است خدای تعالی ابراهیم را خلیل و موسی را نجی یعنی مناجات کننده با او و گرفته
مرا حبیب پس گفته که قسم عزت من و جلال من هر آینه اختیار خواهم کرد حبیب مرا بر خلیل من و نجی من پس هر که درود گوید بر من
در شب جمعه هشتاد بار آمرزیده شود مر او را گناهان دو صد سال گذشته و دو صد سال آینده سخاوی گفته که بر اصل آن واقف
نشدم و گمان عدم صحت آن دارم از امام شافعی بطریق ارسال مروی است اذا كان يوم الجمعة وليلة الجمعة فاكثروا الصلوة
علي چون باشد روز جمعه و شب جمعه پس زیاده فرستید صلوة بر من مروی است از عبدالرحمن مقری که خلاد بن کثیر در حالت
نزع بود زیر او کاغذ پاره یافتند که در آن نوشته شده است هذه براءة من النار لخلاد بن كثير پس پرسیدند از اهل او که عمل او
چه بود گفته شد که درود میفرستاد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در هر جمعه هزار بار بصیغه اللهم صل على محمد النبي الامي امام شافعی
رضی الله عنه گفته دوست میدارم کثرت صلوة را بر نبی صلی الله علیه وسلم در هر حال و در روز جمعه و شب آن سخت ترم لذا در [illegible]
تحفة الغريب از شیخ اکبر محیی الدین عربی رضی الله عنه نقل کرده که وی در بعض کتب خود نوشته است که روز جمعه [illegible]
درود فرستد بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وعلیهم وسلم [illegible] عقب ختم قرآن مجید شیخ ابن حجر [illegible]

در منضود گفته که این موقع از روی آثار از موکدترین مواطن دعاست و اقرب باجابت و محل نزول رحمت پس صلوة نیز از موکدترین امور
است در انوقت روایت کرده است بیهقی در شعب الایمان از طریق ابی هریره رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم من قرأ
القرآن وحمد الرب وصلی علی النبی صلی الله علیه وسلم واستغفر ربه فقد طلب الخیر من مکانه
هر که خواند قرآن و ثنا گفت پروردگار را و درود گوید بر نبی صلی الله علیه وآله وسلم و طلب مغفرت کند از پروردگار خود پس بتحقیق طلب
کرد نیکی را از مکان آن آورده است این را جلال الدین سیوطی رحمه الله در اتقان امام نووی رحمه الله در تبیان فی آداب حملة القرآن
در آخر باب سادس گفته که ابتدا و اختتام کند دعای ختم قرآن را به الحمد لله رب العالمین حمدا یوافی نعمه ویکافی
مزیده اللهم صل وسلم علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم
وبارک علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم فی العالمین انک حمید
مجید **چهاردهم** نزد بیداری از خواب برای نماز شب و بعد از فراغ از تهجد استدلال کرده اند برای اول بآنچه روایت کرده
نسائی در سنن کبیر از ابن مسعود رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم یضحک الله الی رجلین الحدیث تمام حدیث
مع ترجمه آن در باب ثمرات صلوة مذکور شده است و استدلال کرده شده است برای استحباب آن بعد تهجد بحدیث نسائی و ابن ماجه
که از ام المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها آورده اند که بودیم ما که تیار میکنیم مر رسول خدا را صلی الله علیه وسلم مسواک
کردن او و طهارت نمودن او پس برانگیزد او را خدای تعالی هرگاه که خواهد او تعالی برانگیختن او از شب پس مسواک میکند و وضو میکند و نماز
میکند نه رکعت که نمی نشیند در آن رکعات مگر نزد رکعت هشتم و حمد خدای تعالی میکند و درود میگوید بر نبی او صلی الله علیه وسلم و دعا میکند
در میان آن رکعات سلام نمیکند پس میکند ادا رکعت نهم و می نشیند و حمد میکند خدای تعالی را و درود میگوید بر نبی صلی الله علیه وسلم و دعا
میکند پس سلام میکند سلام کردنی که میشنویم ما الحدیث میکند از دو نماز و دو رکعت نشسته انتهی این روایت دلالت ندارد بر ندب
صلوة بعد فراغ از تهجد زیرا که این صلوة در تشهد بود نه خارج نماز هکذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله
و عجب منه **پانزدهم** نزد تفرق قوم بعد اجتماع و قیام از مجلس درین باب احادیث متعدده
در باب عقوبات صلوة مذکور شد و آمده است از سفیان ثوری رضی الله عنه که چون اراده قیام از مجلس میکرد میگفت
صلی الله وملائکته علی محمد وعلی انبیائه وملائکته **شانزدهم** نزد خروج
ببوی بازار و حضور دعوت مثل آن مرا آورده جمعی از ابن مسعود رضی الله عنه که وی چون در مجلسی یا ختان یا نزد
جنازه حاضر میشد توقف میکرد تا که حمد خدا و ثنا بر وی تعالی و درود بر نبی صلی الله علیه وآله وسلم نگوید
و دعا نکند و همچنین در بازار که شغل مردم و غفلت ایشان بغیر مسجد مسجد آمد پس نشست حمد و صلوة میگفت
هفدهم نزد هموم و کرب احادیث درین باب در ثمرات صلوة مذکور شد و در روایتی آمده است من عسر
علیه شیء فلیکثر من الصلوة علی فانها تحل العقد وتکشف الکرب هر که دشوار شود بر

چیزی که سبب شفای کسی باشد و فرشته رحمت برین بیمار برسد اینکه صلوة وامیکند کره ثا راوی برده ندوه را حافظ سخاوی گفته که
را اصل این روایت واقف نگشتم را آورده است طبرانی از امام محمد باقر رضی الله عنه که گفت چون پدر من بکربتی مبتلا شد وضو
میکرد و دو رکعت نماز میگذارد و بعد از آن دعا میکرد و حاجت خود میخواست باین صیغه اللهم انت ثقتی فی کل کرب وانت
رجائی فی کل شدة وانت فی کل امر نزل بی ثقة وعدة فکم من کرب قد تضعف عنه الفواد
وتقل فیه الحیل ویرغب عنه الصدیق ویشمت به العدو انزلته بک وشکوته الیک ففرجته
وکشفته فانت صاحب کل حاجة وولی کل نعمة وانت الذی حفظت الغلام بصلاح ابویه
فاحفظنی بما حفظته به ولا تجعلنی فتنة للقوم الظالمین اللهم واسالک بکل اسم هو لک
سمیته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت به فی علم الغیب عندک و اسالک
بالاسم الاعظم الذی اذا سئلت به کان حقا علیک ان تجیب ان تصلی علی محمد و علی
آل محمد واسالک ان تقضی حاجتی **هشتم** نزد خوف غرق در باب ثمرات صلوة از کتاب فجر منیر حکایت مع
ضریر مذکور شده است در مطالع المسرات شرح دلائل الخیرات از فقیه حسن بن علی الاسوانی رحمه الله نقل کرده که هر که درود بصیغه اللهم
صل علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد صلوة تنجینا تا آخر در مهم و نازله هزار بار بخواند گشاده شود
بفضل خدا و مامول حاصل گردد **نوزدهم** نزد عروض حاجت مروی است بسندی ضعیف که فرمود وی صلی
الله علیه وسلم من صلی علی مائة صلوة حین یصلی الصبح قبل ان یتکلم قضی الله تعالی مائة حاجة
یعجل له منها ثلاثین ویدخر له سبعین وفی المغرب مثل ذلک هر که درود گوید بر من صد بار و قبلیکه
بگذارد نماز صبح قبل از سخن گفتن روا کند حق تعالی صد حاجت در دنیا و در آخرت هفتاد و بعد نماز مغرب نیز همچنین است
برآورده اند ترمذی و ابن ماجه و طبرانی و غیر او هر که باشد مر او را بسوی خدا تعالی حاجتی یا بسوی یکی از بنی آدم پس باید که
وضو کند و نیک کند وضو را و بگذارد نماز دو رکعت پس ثنا کند بر خدا تعالی و درود فرستد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم پس بخواند این دعا لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش الکریم والحمد لله
رب العالمین اسالک موجبات رحمتک وعزائم مغفرتک والغنیمة من کل بر والسلامة
من کل ذنب لا تدع لنا ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا حاجة هی لک رضا
الا قضیتها یا ارحم الراحمین شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که در اسناد این سخن است و در روات آن فائد
ضعیف الحدیث است و ابن جوزی در موضوعات گفته که مردود الحدیث است لیکن حاکم گفته که حدیث فائد مستقیم است
مگر اینکه شیخین از وی روایت نکرده اند ابن عدی گفته که با وصف ضعف حدیث او نوشته میشود و حافظ سخاوی گفته که بسیار ضعیف
است در فضائل اعمال نوشته میشود لیکن موضوع نیست و امام سبکی بران اعتراض کرده که در صورت شدت ضعف

در فضایل هم عمل بدان می کنند و آمده است بسندی ضعیف کسی که باشد او را حاجتی بسوی خدا تعالی پس وضو کامل بکند و بگذارد
دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول سوره فاتحه و آیة الکرسی و در رکعت دویم سوره فاتحه و امن الرسول پس تشهد خواند
و سلام کند و پس از سلام دعا کند باین صیغه اللهم یا مونس کل وحید و یا صاحب کل منفرد و یا قریب
غیر بعید و یا شاهد غیر غایب و یا غالب غیر مغلوب یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
یا بدیع السموات والارض اسالک باسمک الرحمن الرحیم الحی القیوم الذی له عنت الوجوه
وخشعت له الاصوات ووجلت له القلوب من خشیته ان تصلی علی محمد وعلی آل محمد
وان تفعل لی کذا و کذا آمده است در روایتی که موقوف است بر ابن عمر رضی الله عنهما هر کرا باشد حاجتی بسوی خدا تعالی
پس باید که روزه دارد به روز دوشنبه و پنجشنبه و جمعه و در تحفة الغریب بجای دوشنبه چارشنبه است و مناسب همان است
زیرا که صیام متوالی میشوند والله اعلم پس چون روز جمعه آید طهارت نماید و بسوی مسجد رود و تصدق کند چیزی قلیل یا کثیر
و بعد ادای نماز جمعه دعا کند باین صیغه مستجاب گردد ان شاء الله تعالی اللهم انی اسالک باسمک بسم الله الرحمن
الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اسالک باسمک بسم الله
الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم الذی ملأت عظمته
السموات والارض واسالک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الذی عنت له
الوجوه وخشعت له الابصار ووجلت له القلوب من خشیته ان تصلی علی محمد صلی
الله علیه وسلم وان تقضی حاجتی وهی کذا و کذا ابن عمر رضی الله عنهما گفته که تعلیم مکنید سفیهان را
تا دعا نکنند در کار گناه یا قطع رحم امام غزالی رحمه الله در احیا بسند مرفوع آورده اذا سالتم الله حاجة فابدؤا
بالصلوة علی فان الله اکرم ان یسال حاجتین فیقضی احدیهما ویرد الاخری چون سوال
کنید از خدا تعالی حاجتی را آغاز کنید سوال را به صلوة بر من پس بدرستیکه خدا تعالی بزرگ است از اینکه سوال
کرده شود از وی دو حاجت پس روا کند یکی را و رد کند دیگری را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که معروف است این از قول ابی
الدرداء رضی الله عنه شاید قول ابی سلیمان دارانی که سابق مذکور شد ماخوذ از همین روایت است شیخ ابن حجر
مکی رحمه الله از کتاب ربیع الابرار نقل کرده که مردی از عبد الملک خوف میکرد و نزد او می رفت پس درشتی از هاتف
شنید این است من التسبیح کجایی هوا از ان هفت آنرا دگفت کدام هفت گفت سبحان الله الواحد الذی
لا غیره سبحان الدائم لا نفاد له سبحان القدیم لا مبتدا له سبحان الذی یحیی ویمیت و
سبحان الذی هو کل یوم فی شان سبحان الذی یخلق ما یری وما لا یری سبحان
الذی علم کل شیء بغیر تعلیم اللهم انی اسالک بحق هولاء الکلمات وحرمتهن ان تصلی علی

محمد وان تفعل لی کذا و نیز شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نقل کرده که ابن طولون حاکم گردید بعض صوفی را نمود مهلت کذا روز و در دو رکعت نماز خواست
کرد مهلت داد پس شنیدند که او به انگشت خود اشارت میکند و این می‌خواند یا لطیف فیما تشاء و یا فعال ما ترید
صل علی محمد وال محمد والطف بی فی هذه الساعة و خلصنی من یدیه پس بعد از ان تفتیش کرد
و نیافتند پس ابن طولون را باین حال آگاه کردند پس با لعفو کرد راست گفتی که این دعوت مستجاب است و برای قضای حوائج منقول است
از قطب ربانی محبوب سبحانی شیخ محی الدین سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه و ارضاه هر که بگذارد دو رکعت نماز و در هر رکعت بعد سوره فاتحه
سوره اخلاص یازده بار بخواند و بعد اتمام صلوة درود و سلام فرستد بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم و ذکر وی کند پس بجانب عراق یازده
خطوه رود در حالیکه یاد میکند نام محبوب سبحانی را رضی الله عنه و یاد میکند حاجت خود را روا گردد حاجت او ذکر کرده است این را یافعی رحمه
الله در خلاصة المفاخر و در تحفة الغریب این را از ثمرات صلوة ذکر کرده است **بیستم** نزد دخول در خانه روایت کرده
ابو موسی مدینی از سهل بن سعد رضی الله عنه که مردی نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم آمد و شکایت فقر و ضیق معاش نمود پس فرمود
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم مر او را که چون بمنزل درآئی پس سلام کن کسی در خانه باشد یا نه باشد پس سلام کن بر من و بخوان
سوره قل هو الله احد یکبار پس آنمرد همچنان کرد حق تعالی بر وی چندان از رزق فراخ کرد که بر اقربا و جیران خود افاضه
نمود **بیست و یکم** نزد روی دادن فقر و خوف آن سابق از روایت ابی نعیم از جابر بن سمره رضی الله عنهما مذکور شد کثرة
الذکر والصلوة علی تنفی الفقر الحدیث **بیست و دوم** در وقت صبح و شام روایت کرده است
طبرانی از طریق ابی الدردا رضی الله عنه که گفت نبی صلی الله علیه و سلم من صلی علی حین یصبح عشرا و حین یمسی
عشرا ادرکته شفاعتی یوم القیمة هر که درود فرستد بر من در وقت صبح ده بار و در وقت شام ده بار در یابد
او را شفاعت من بروز قیامت و حدیث من صلی علی مائة صلوة حین یصلی الصبح الحدیث قبل ازین مذکور شد
و حدیث من صلی علی مساء غفر له قبل ان یصبح و من صلی علی صباحا غفر له قبل ان یمسی در باب
ثمرات صلوة مذکور شده است **بیست و سوم** نزد اراده نوم و قلت آن و بیداری از آن در روایتی است
من اوی الی فراشه ثم قرا تبارک الملک ثم قال اللهم رب الحل والحرام و رب البلد الحرام
و رب الرکن والمقام و رب المشعر الحرام بحق کل آیة انزلتها فی شهر رمضان بلغ روح
محمد تحیة و سلاما اربع مرات وکل الله به ملکین حتی یاتیا محمدا فیقولان له ان فلان
بن فلان یقرا علیک السلام و رحمة الله فاقول علی فلان بن فلان منی السلام و
رحمة الله و برکاته هر که آید بسوی بستر خود یعنی برای خواب بستر بخواند سوره تبارک الملک پس بخواند
اللهم رب الحلال والحرام تا آخر چهار بار مقرر کرداند خدا تعالی بدان دو فرشته تا که بیایند محمد را صلی الله علیه
و سلم پس بگویند مر او را که فلان بن فلان بخواند بر تو سلام و رحمت الله پس بگویم باد بر فلان بن فلان از من سلام

ورحمت خدا و برکات او شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که در سندش سخن است و چون احادیث در باب استحباب ذکر خدا تعالی
نزد بیداری از خواب وارد است پس استحباب صلوة نزد بیداری سقیم نیست بران کذا قال صاحب تحفة العرب
و شیخ شهاب احمد بن عبد اللطیف شرجی رحمه الله در فواید خود گفته که قاضی مجد الدین شیرازی رحمه الله در کتاب الصلات
و البشر ذکر کرده که مردی نزد بعض علما شکایت قلت نوم کرد پس آن عالم مر او را گفت که چون اراده آمدن خواب داری
پس بخوان آیه کریمه اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِکَتَهٗ یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ تا آخر شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نیز این را در کتاب در منضود
نقل کرده است **بیست و چهارم** نزد افتتاح هر کلام ذی بال یعنی ذی خیر امام شافعی رضی الله عنه گفته که
دوست میدارم اینکه مقدم کند آدمی در خطبه و هر امر مطلوب حمد خدا تعالی و ثنا بر وی سبحانه را و صلوة و سلام بر رسول خدا
صلی الله علیه و سلم نقله الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله مروی است از ابی هریره رضی الله عنه که فرمود آنحضرت صلی الله
علیه و سلم **کل کلام لا یذکر الله فیه فیبدأ به بالصلوة علی فهو اقطع ممحوق من کل برکة**
هر کلامیکه یاد کرده نشود خدا تعالی را در ان و ابتدا کرده نشود بصلوة بر من پس آن ناقص و کاهیده شده است از برکت
روایت کرده اند از ابو موسی مدنی و جماعه محدثین از حدیث ابی هریره رضی الله عنه و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که
سندش ضعیف است و در روایتی از ابن منده آمده **کل امر ذی بال لا یبدأ فیه بذکر الله ثم بالصلوة علی**
فهو اقطع اکتع ممحوق من کل برکة **قوله** کل امر ذی بال یعنی هر کار ذی خیر **قوله** اقطع اکتع یعنی
بریده و ناقص **بیست و پنجم** در اوایل رسائل و کتب بعد بسمله بحدیث مذکوره یعنی کل کلام لا یذکر الله فیه
الخ قاضی عیاض رحمه الله در شفا گفته که از مواطن صلوة که جاری شده است بران عمل امت و کسی بران انکار نکرده در اوایل
رسائل است بعد بسمله و این در صدر اول نبود و حادث شده است در ولایت بنی هاشم پس جاری شده است بران عمل مردم
در اقطار ارض و بعض ایشان ختم کتاب نیز بدان میکنند شیخ یوسف بن عمر گفته که بتحقیق واقع شده است بران اجماع پس
نوشته نشود کتابی مگر که نوشته شود دران صلوة بر نبی صلی الله علیه و سلم بعد بسمله انتهی و آنچه شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته
حاصلش اینکه حدوث این در خلافت امیر المومنین ابی بکر صدیق رضی الله عنه بود و جریان عمل بران در اقطار ارض از اول ولایت
بنی هاشم است چنانچه از طریق واقدی آمده از ابی بکر صدیق رضی الله عنه آمده است که وی رضی الله عنه بعض عمال خود نوشته بسم الله الرحمن
الرحیم من ابی بکر خلیفة رسول الله صلی الله علیه و سلم الی طریفة بن حاجر سلام علیک فانی
احمد الیک الله الذی لا اله الا هو واساله ان یصلی علی محمد صلی الله علیه و سلم اما بعد
الخ و این کلام رد میکند بر قول سبکی که گفته اول شخصیکه ابتدا کرد رسائل را بالصلوة بر نبی صلی الله علیه و سلم هارون الرشید
بود و این عاصی عفی الله عنه میگوید که ازینجا رد قول قاضی عیاض که در صدر اول نبود نیز ظاهر شد والله اعلم و موید قول شیخ
ابن حجر مکی است آنچه آورده است امام نووی رحمه الله در اذکار خود از حماد بن سلمه که بود مکاتبت مسلمین از فلان بن فلان

الی فلان اما بعد سلام علیک فانی احمد الیک الله الذی لا اله الا هو واسأله ان یصلی
علی محمد و علی آل محمد و زاد فیه احداث نموده‌اند تا بتکده را و انت اطال الله بقاءک انتهی **بیست**
و ششم در وقت خطبه بکسر خاء معجمه و سکون طاء مهمله و فتح باء موحده زن خواستن و در وقت عقد نکاح امام نووی
رحمه الله در اذکار خود گفته که مستحب است خاطب را که ابتدا کند بحمد خدا تعالی و ثنا بر وی و صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم
و بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله بعده
خواستگاری کند و همچنین پیش از عقد نکاح بعمل آرد و آمده است از ابن عباس رضی الله عنهما بسند ضعیف در تفسیر آیه صلوة
ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یعنی بدرستیکه خدا تعالی ثنا میکند بر پیغمبر شما و امر کرده باستغفار
فرشتگان را یا ایها الذین امنوا صلوا الخ یعنی ثنا کنید بروی صلی الله علیه وسلم در نمازهای شما و مساجد شما و در هر موطن و در
خواستگاری زنان پس فراموش مکنید او را و از عمر بن عبد العزیز رضی الله عنه مثل آن ثابت شده است **بیست و هفتم** عقب گناه
برای تکفیر آن بحدیث ابن ابی عاصم صلوا علی فان الصلوة علی کفارة لکم فمن صلی علی واحدا صلی الله علیه
عشرا درود گوئید بر من که بدرستی درود کفارت است مر شما را پس هر که گوید بر من یکبار درود گوید خدا تعالی بر آنکس ده بار
مروی است از ابی کاهل رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم مر او را یا ابا کاهل من صلی علی کل یوم ثلث
مرات حبا و شوقا الی کان حقا علی الله ان یغفر ذنوبه تلک اللیلة و ذلک الیوم ای ابا کاهل
هر که درود گوید بر من هر روز سه بار از روی دوستی یا از روی شوق بسوی من باشد حق بر خدا تعالی که مغفرت کند گناهان او را
در آن شب و در آن روز **قوله** او شوقا یا تردید از راوی است یا بمعنی او است و احادیث متضمن آنکه صلوة زکوات است
در حق مصلی مذکور شده اند در باب ثمرات صلوة و ظاهر است که زکوات متضمن نما و برکت و طهارت نفس از رذائل است
بیست و هشتم نزد اراده سفر امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته که مستحب است که نزد اراده سفر دعا کند و افتتاح
نماید آنرا بحمد خدا تعالی و صلوة و سلام بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم انتهی و حدیث کل امر ذی بال الحدیث نیز دلالت
دارد بر آن **بیست و نهم** نزد رکوب دابه حدیث درین باب در ثمرات صلوة مذکور شد من قال اذا رکب دابته بسم الله
الذی الحدیث **سی ام** نزد اراده تذکر منسی خوف نسیان چیزی بحدیثیکه در باب ثمرات صلوة مذکور شد اذا
نسیتم شیئا الحدیث و آمده است بسند ضعیف مرسل من اراد ان یحدث بحدیث فنسیه فلیصل علی فان
فی صلوته علی خلفا من حدیثه و عسی ان یذکره هر که بخواهد که سخن کند بحدیثی پس فراموش کند
آنرا پس باید که درود گوید بر من پس بدرستیکه در صلوة او بر من خلف و پس مانده است از سخن او و قریب است که یاد کند آنرا
سی و یکم نزد کتابت نام شریف آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم علما مستحب داشته اند تکرار صلوة و سلام هر گاه
که نوشته شود نام شریف وی صلی الله علیه وسلم و از اینجاست قول ابن صلاح که سزاوار است محافظت بر نوشتن صلوة

وسلام بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم تنها ذکر وی تنگ دل نشود از تکرار صلوة نزد تکرار نام وی صلی الله علیه وسلم که آن اکبر
فواید است و تغافل از آن موجب حرمان عظیم و باید که تقصیر نکنند در آن هیچ چه نه از روی صورت چنانچه بعضی محرومان در عوض صلی
الله علیه وسلم صلعم یا قطعه یا مثل آن می نویسند نه از روی معنی بافراد صلوة از سلام و عکس آن جماعه از محدثین که لفظ وسلم نمی نوشتند
درود یا آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را منقبض و معاتب بر ترک آن دیده و بعضی از آنها را در منام فرموده که چرا محروم میکنی خود را
از چهل حسنه زیرا که لفظ وسلم چهار حرف است هر حرف را ده حسنه کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله منقول است که ابو طاهر
مخلص آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب دید سلام کرد و صلی الله علیه و آله وسلم روی مبارک از وی گردانید ابو طاهر پیش آمده عرض کرد
یا نبی الله چرا روی مبارک از من گردانیدی فرمود از آنکه هرگاه ذکر من در کتاب خود می کنی درود بر من نمی فرستی ابو طاهر گفته که بعد از آن هرگاه
که نام آنحضرت صلی الله علیه وسلم می نوشتم صلی الله علیه وسلم تسلیما کثیرا کثیرا کثیرا الخ تحریر میکنم منقول است که ابو زرعه را
کسی در خواب دید که در آسمان با ملائکه نماز میگذارد از سبب آن پرسید گفت که بدست خود هزار هزار حدیث نوشتم چون ذکر آنحضرت صلی الله
علیه و آله وسلم می آمد درود می فرستادم از آن این درجه یافتم زیرا که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم گفته است که هرکه بر خود یک صلوة
فرستد خدای تعالی بر آن کس ده صلوة فرستد منقول است که مردی حدیث می نوشت و از بخل ورق صلوة نوشتی دست راست او
اکله پدید آمد و از بعض سلف نقل کرده اند که در بعض مواضع از ایشان کتابت صلوة ترک یافته و جستجو کرده اند که در اصل شیخ او این لفظ
نوشته بجهت احتیاط که محدثان در مطابقت روایت دارند وی نیز نمی نوشته الا بزبان تلفظ میکرد و بعضی دیگر در وقت استعجال برای
صلوة بیاض میگذاشتند و این همه از باب مسابله و مساهلت و لنتی دزدی که در کتابت این لفظ و تلفظ آن هست از اعظم مثوبات
والذات است کذا قال الشیخ عبد الحق الدهلوی فی کتاب جذب القلوب روایت کرده است طبرانی در اوسط
وابو الشیخ در ثواب و مستغفری در دعوات و خطیب در شرف اصحاب حدیث و اصبهانی از طریق ابی هریره رضی الله عنه بسند ضعیف من صلی
علی فی کتاب لم تزل الملائکة یستغفرون له مادام اسمی فی ذلک الکتاب هرکه درود فرستد بر من در کتابی
همیشه فرشتگان طلب آمرزش کنند برای آنکس تا که باشد نام من در آن کتاب و در لفظ دیگر آمده من کتب فی کتاب صلی الله علیه
وسلم لم تزل الملائکة تستغفر له مادام فی کتابه هرکه بنویسد در کتاب او لفظ صلی الله علیه وسلم همیشه فرشتگان
طلب آمرزش کنند برای آن کس تا که باشد آن صلوة در کتاب او ابن جوزی این حدیث را در موضوعات شمار کرده و ابن کثیر گفته که صحیح
نیست و جماعتی از امیر المومنین ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده اند من کتب عنی علما و کتب معه صلوة علی
لم یزل فی اجر ما قرئ ذلک الکتاب هرکه نویسد از من علمی در حالیکه می نویسد با آن درود بر من همیشه باشد آن
درود یعنی ثواب آن تا آخر زمانیکه خوانده شود آن کتاب و در روایتی است از ابن عباس رضی الله عنهما من صلی علی
فی کتاب لم تزل الصلوة جاریة له مادام اسمی فی ذلک الکتاب هرکه درود گوید بر من در کتابی همیشه
صلوة جاری باشد یعنی صلوة خدا بر آن کس در مقابله آن صلوة تا که باشد نام من در آن کتاب شیخ ابن حجر مکی گفته که

که در سندش شخصی متهم بکذب است و ابن کثیر گفته که سندش صحیح نیست لیکن بوجوه کثیره مروی است از امام جعفر صادق رضی الله عنه
بسند موقوف من صلی علی رسول الله صلی الله علیه وسلم فی کتاب صلت علیه الملائکة غدوة ورواحا
مادام اسم رسول الله صلی الله علیه وسلم فی الکتاب هر که درود گوید بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در کتابی
درود گویند بران کس فرشتگان صبح و شام تا که باشد نام پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دران کتاب و روایت کرده است طبرانی که گفت نبی صلی
الله علیه وسلم اذا کان یوم القیمة یجیء اصحاب الحدیث ومعهم محابر فیقول الله لهم انتم اصحاب الحدیث
طال ما کنتم تکتبون الصلوة علی نبیی صلی الله علیه وسلم انطلقوا الی الجنة چون باشد روز قیامت بیایند
اصحاب حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم در حالیکه باشد با ایشان محبره ها پس گوید خدا تعالی مر ایشان را که شمائید اصحاب حدیث دراز
شده است نوشتن شما صلوة بر پیغمبر من صلی الله علیه وسلم بروید بسوی بهشت خطیب گفته که این حدیث موضوع است و روایت کرده
آنرا دیلمی از طریق دیگر و نمیری نیز بلفظیکه قریب بلفظ اول است و ان ضعیف است و ابن جوزی نیز در کتاب خود ذکر کرده کذا قال
الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله تعالی و آمده است از سفیان ثوری رضی الله عنه که اگر نباشد صاحب حدیث را فائده غیر از صلوة بر وی صلی
الله علیه وسلم کافیست زیرا که درود فرستاده میشود بر وی تا آنکه صلوة در کتاب است **موضع دوم** نزد ابتداء درس علم و وعظ
و قرات حدیث و در اختتام آن و در اثنای آن هر گاه که ذکر وی صلی الله علیه وآله وسلم در آید سابق از قول امام شافعی رضی الله عنه مذکور شده که
دوست میدارم تقدیم ذکر خدا تعالی و ثنا بر وی و صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم در خطبه هر امریکه طلب آن کند انتهی و اختتام
مجلس بر ابتداء است حدیث کل کلام لا یذکر الله فیه الحدیث و نیز وارد است استحباب ابتداء بالصلوة امام نووی رحمه الله در اذکار
خود گفته که مستحب است مر قاری حدیث را و آنچه در معنی آنست چون ذکر وی صلی الله علیه وآله وسلم آید بلند کند آواز را بالصلوة و تسلیم
بر وی صلی الله علیه وسلم و در رفع صوت بکمال مبالغه نکند انتهی و منع از کمال مبالغه از آنست که گاهی سبب فوات سماع حدیث میشود کما
قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله ابو احمد زاهد رحمه الله گفته که مبارکترین علوم و افضل و اکثر آن از روی نفع در دین و دنیا
بعد کتاب خدا تعالی حدیث رسول خدا صلی الله علیه وسلم است بسبب کثرت صلوة دران بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم انتهی و لهذا
وکیع رحمه الله گفته که اگر حدیث نزد من از تسبیح و غیر آن افضل نبودی تحدیث نمیکردم اگر رسیده است ترا که نماز افضل است از حدیث نمیکرد
تسبیح کسی را و مراد از نماز نفل است **موضع سیوم** نزد افتاء اردبیلی رحمه الله در انوار گفته که مستحب است نزد افتاء اعوذ و تسمیه
و حمد و صلوة و حوقله و قرات آیه رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا
قولی و قرات آیه سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم و اگر سائل از امور نقلیه سوال
کرده باشد عام مجیب را با صلوة بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آخر سوال پس باید که مفتی الحاق آن کند انتهی و مجیب
شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب مقصود از همه گفته که اتیان این امور در افتاء بنابر جریان عادت علما است و بعضی گفته
که ظاهر است قیاس نزد صلوة مفتی قبل از افتاء در مذهب آن مرحالم را عیش از حاکم ابن عاصی میگوید که حدیث کل امر ذی بال

الحدیث نیز دلالت دارد بر آن والله اعلم **سبب چهارم** در هر موضع که مجتمع شوند در آن برای ذکر خدای تعالی درود
از ابی هریره رضی الله عنه است ان لله سیارة من الملائکة اذا مروا بحلق الذکر قال بعضهم لبعض اقعدوا
فاذا دعوا امنوا فاذا صلوا علی النبی صلی الله علیه وسلم صلوا معهم حتی یفرغوا ثم یقول
بعضهم لبعض طوبی لهؤلاء یرجعون مغفورا لهم بدرستیکه مر خدای تعالی را سیر کنندگان اند از ملائکه
چون ببینند حلقهای ذکر را گوید بعض ایشان بعض را بنشینید پس چون دعا کنند آنها آمین گویند فرشتگان پس چون درود گویند آنها
بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم درود گویند فرشتگان با آنها تا که فارغ شوند پس گوید بعض آنها مر بعض را که خوشی است مر آنها را که باز
میگردند از این مجلس بحالیکه مغفور اند و در ثمرات صلوة حدیثی متضمن عظیم رحمت نعمت انبیا مذکور شده است **سبب**
پنجم وقتیکه مخطوط شود آن حضرت صلی الله علیه وسلم در دل و در تحفة العرب گفته که صلوة در این مواطن ما خود است از استحباب
یا وجوب آن نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم زیرا که در آن جریان ذکر بر سمع است و در این قلب و این استنباط مستحسن است انتهی
سبب ششم نزد عقد بیع چنانچه اقتضا کلام از دیلمی رحمه الله در انوار همین است جائیکه گفته که متخلل نشود میان
ایجاب و قبول کلام اجنبی که نه از مقتضای عقد و نه از مصالح آن و نه از مستحبات آن باشد پس اگر گوید مشتری بسم الله
والحمد لله والصلوة علی رسول الله قبلت صحیح است بیع و چند کل امر ذی بال الحدیث نیز دال
است بر آن کما قال الشیخ ابن حجر المکی **سبب هفتم** نزد ذبیحه مستحب داشته اند آنرا شافعیه و ابن
از اصحاب امام احمد بن حنبل رضی الله عنه و امام شافعی رضی الله عنه در ام گفته که تسمیه نزد ذبیحه بسم الله است اگر زیاده کند بعد
آن چیزی از ذکر خدای تعالی پس بهتر است و مکروه ندارم با التسمیه گفتن صلی الله علی محمد بلکه دوست دارم آن را و دوست دارم
کثرت صلوة را بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم در همه حالات زیرا که صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم ایمان بخداست و عبادت
او و قائل آن ماجور خواهد شد ان شاء الله تعالی و حنفیه و جمعی از اصحاب مالک و احمد رحمهما الله صلوة نزد ذبیحه مکروه دارند
گفته اند که در آن ایهام اهلال لغیر الله است و در حدیث نهی از آن وارد شده لا تذکرونی فی ثلاث مواطن عند الطعام
وعند الذبح وعند التعجب و ذکر کنید مرا در سه جا نزد عطاس و نزد ذبح و نزد تعجب و در لفظی بدل التعجب تسمیه طعام است
و شافعیه جواب میدهند که ایهام اهلال لغیر الله در صورتیست که بگوید بسم الله و اسم محمد صلی الله علیه وسلم نه در صورت
بسم الله وصلی الله علی رسوله و استدلال بخبر مذکور بر تقدیر صحت آنست و حال آنکه صحیح نیست زیرا که در سند آن
سلیمان بن عیسی سنجری متهم بوضع عبد الرحیم العمی ضعیف است و بر تسلیم ممکن است حمل آن بر ذکریکه مخالف وجه شرعی
باشد چنانچه شائستر گفته شد کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله تعالی **سبب هشتم** نزد آواز کردن
گوش چه بدرستیکه او روایت است امام نووی رحمه الله در اذکار خود از کتاب ابن السنی از ابی رافع مولای آنحضرت صلی الله علیه وسلم
که گفت نبی صلی الله علیه وسلم اذا طنت اذن احدکم فلیذکرنی ولیصل علی ولیقل ذکر الله بخیر من ذکرنی

ذکر نے چون آواز کند گوش یکی از شما پس باید که یاد کند مرا و باید که درود فرستد بر من پس باید که بگوید یاد کند خدا تعالی آنچه
کسی را که یاد کرده است مرا و ابن خزیمه نیز آن را در صحیح خود برآورده است لیکن از آن تعجب کرده گفته که اسناد آن غریب است و عقیلی
گفته که بی اصل است **سی و نهم** نزد خواب کردن پا آورده است امام نووی رحمه الله در اذکار خود از کتاب ابن السنی از هیثم بن حنش
که بودیم نزد عبدالله بن عمر رضی الله عنهما پس خواب کرد پای او پس مردی او را گفت که یاد کن دوست ترین مردم را نزد تو پس گفت
یا محمد صلی الله علیه وسلم فی الفور رفع شد گویا که از عقال خلاص یافت و نیز از کتاب مذکور از طریق مجاهد آورده که
خواب کرد پای مردی نزد ابن عباس رضی الله عنهما پس گفت ابن عباس رضی الله عنهما که یاد کن دوست ترین مردم را نزد تو پس
گفت محمد صلی الله علیه وسلم پس رفع شد و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب منضود گفته که آمده است از هر واحد از امیر المومنین عمر و
او و ابن عباس رضی الله عنهم که پای وی خواب کرد پس یکی مر او را گفت که یاد کن دوست ترین مردم را نزد تو پس گفت اول
یا محمد صلی الله علیک و ثانی گفت یا محمد و گفت ثالث محمد صلی الله علیک وسلم پس رفع شد خدر و
عامری در بهجه و فقیه عبدالله باسهل در قلائد نیز ذکر کرده اند **چهلم** نزد عطاس مستحب داشته اند از اجمعی بجهت آنکه مرویست
بسندی ضعیف من عطس فقال الحمد لله علی کل حال ما کان من حال وصلی الله علی محمد وعلی اهل
بیته اخرج الله من منخره الایسر طائرا یقول اللهم اغفر لقائلها و در روایتی است اکبر من الذباب
واصغر من الجراد یرف تحت العرش یقول اللهم اغفر لقائلی یعنی هر که عطسه زند پس بگوید الحمد لله تا آخر
برآرد خدا تعالی از سوراخ چپ بینی او پرنده که بزرگ باشد از مگس ضعیف تر باشد از جراد بپرد زیر عرش در حالیکه بگوید الهی مغفرت
کن قائل مرا گفته اند که در سندش مذکور نیست که در اینجا روات آن ضعیف است نزد اکثر جمعی دیگر گفته اند که صلوة نزد عطاس
مستحب نیست بحدیث مذکور لا تذکرونی الحدیث جواب سابق مذکور شد و بجهة مرویست از ابن عباس رضی الله عنهما موطنان
لا یذکر فیهما رسول الله صلی الله علیه وسلم عند العطاس والذبح نیز صحیح نرسیده است و از ابن
عمر آمده که وی مستحب داشت صلوة نزد عطاس گفت مر عاطس را که نیز بگوید الحمد لله والسلام علی رسول
الله صلی الله علیه وسلم گفت پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ما را این قسم تعلیم کرده شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نقل کرده
که این هم ضعیف است اگرچه حاکم آن را در صحیح خود برآورده انتهی ابن علان میگوید که حافظ ابو موسی مدنی و ابو الشیخ باسناد
او از نافع رضی الله عنه بخلاف آن از ابن عمر رضی الله عنه برآورده اند یعنی مردی نزد ابن عمر عطسه زد و اقتصار کرد بر الحمد لله
ابن عمر رضی الله عنهما او را گفت که تحقیق بخل کردی چرا با حمد خدا صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم نگفتی روایت کرده این را
بیهقی و از اینجاست قول شیخ ابن حجر مکی که بیهقی ترجیح داده آن اول را والله اعلم **چهل و یکم** نزد نهیق حمار
برآورده است طبرانی و ابن سنی رحمهما الله لا ینهق الحمار حتی یری شیطانا او یتمثل له شیطان فاذا کان
ذلک فاذکروا الله وصلوا علی آواز نمیکند خر تا که نبیند شیطان را یا متشکل شود مر او را شیطان پس چون

شود بین بین باو لیکن خدای تعالی را و درود گوید بر پیغمبر در باب برکات شنوده حصن ما یخشی من شر ان الشیطان
الخبیث ذکر شده است **چهل و دوم** نزد خوردن ترب وارد است دیلمی رحمه الله اذا اکلتم الفجل فاردتم ان
لا یوجد لها ریح فاذکروني عند اول قضمة چون بخورید ترب بخوانید که تشویش بوی آن پس کنید مر از ابتدای
خاییدن ان شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که این حدیث صحیح نیست بطریق رفع و اشبه آنست که از کلام بعض سلف است رحمهم الله **چهل
و سیوم** نزد استحسان چیزی نقل کرده است این را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله از ابن ابی حجله بدون ذکر مستندی و شیخ عبد الحق محدث
رحمه الله نیز در جذب القلوب آورده است **چهل و چهارم** نزد ملاقات احباب که آمده است بسند بسیار ضعیف ما من
متحابین یستقبل احدهما صاحبه فیصافحه و یصلی علی النبی صلی الله علیه و سلم الا لم یتفرقا حتی
یغفر لهما ذنوبهما ما تقدم منها و ما تأخر نیست هیچ یکی از دو دوست که پیش آید یکی ازان دو دوست صاحب خود را پس
مصافحه کند با او و درود فرستد بر نبی صلی الله علیه و سلم مگر آنکه نروند تا آمرزیده شود مر ایشان را گناهان ایشان آنچه مقدم شده است ازان
و آنچه پس آینده است و در روایتی بجای متحابین مسلمین است و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله از بعض سیار کابین نقل کرده که بخواب دید آنحضرت را صلی
الله علیه و سلم در حالیکه این حدیث میفرمود **چهل و پنجم** در دعای حفظ قرآن مروی است از امیر المومنین علی رضی الله عنه شکایت
کرد نزد حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از عدم حفظ قرآن پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم او را چون باشد ثلث اخیر شب جمعه که ساعت
مشهوده و وقت استجابت دعاست و یعقوب با فرزندان خود در قول وی **سوف استغفر لکم ربی** وعده بآن شب جمعه کرده بود
و اگر نتواند پس در نیم شب و اگر نتواند پس در اول شب چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد فاتحه سوره یس و در دوم سوره
دخان و در سیوم سوره الم تنزیل السجده و در چهارم سوره تبارک الملک بخواند و بعد فراغ از تشهد حمد کند خدای تعالی
را و ثنا کند بر او و درود گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم و بهتر درود گوید بر همه انبیاء و استغفار کند برای مومنین و مومنات
و کسانیکه بایمان گذشته است پس این دعا بخواند اللهم ارحمني بترك المعاصي ابدا ما ابقيتني وارحمني
ان اتكلف ما لا يعنيني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني اللهم بديع السموات والارض
ذا الجلال والاكرام والعزة التي لا ترام اسالك يا الله يا رحمن بجلالك ونور وجهك
ان تلزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني وارزقني ان اتلوه على النحو الذي يرضيك عني
اللهم بديع السموات والارض ذا الجلال والاكرام والعزة التي لا ترام اسالك يا الله يا رحمن
بجلالك ونور وجهك ان تنور بكتابك بصري وان تطلق به لساني وان تفرج به عن قلبي
وان تشرح به صدري وان تغسل به بدني فانه لا يعينني على الحق غيرك ولا يؤتيه الا انت
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم پس فرمود ای ابا الحسن بکن این را سه جمعه یا پنج یا هفت
مستجاب شود بحکم خدای تعالی پس آمد علی رضی الله عنه آن حضرت صلی الله علیه و سلم که تقصیر می شد بر او حفظ چهار آیت

و حال آنکه قریب چهل آیت یاد میکند پس فرمود آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم قسم برب کعبه که ابو الحسن صحیح است جمعی از محدثان این حدیث را بروایت آورده‌اند
و از انها ترمذی گفته که غریب است و حاکم گفته که صحیح است بر شرط شیخین و ذهبی مضطرب است گاهی جزم کرده بوضع آن و گاهی گفته که باطل است
و گاه میگوید که خوف میکنم ازینکه موضوع باشد و گاه گفته که والله در حیرت انداخته است مرا جودت اسناد آن و سخاوی از الکبری نقل
دیگر که قریب باول است براورده و بعد گفته که از سندی طرق اسانید این حدیث جید و غریب و حسن است و عماد بن کثیر گفته که در متن آن غرابت
بلکه نکارت است بیشتر گفته که من میگویم که حق آنست که دران هیچ علت نیست و اکثری از شنیده‌ام که تجربه این کردند حق یافتند قال
الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **چهل و ششم** نزد اتهام بخبریکه فی الحقیقه از ان مبرا باشد ذکر کرده است این
موقع را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله لیکن در باره احادیثیکه درین باب وارد اند حکم بعدم صحت آن کرده از انجمله بر آورده است دیلمی که تجهیز
گواهی دادند به دزدی ناقه پیش نبی صلی الله علیه و آله و سلم حکم کرد بقطع ید پس آنکس باز گشت در حالیکه درود میخواند پس شتر بسخن آمد و گفت
محمد صلی الله علیه و سلم پاک است آنکس ازین دزدی من پس نبی صلی الله علیه و سلم باحضار آنکس حکم کرد حاضرش کردند فرمود که تو درین حال
سعادت چه میگفتی بحقیقت حال خبر داد آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت برای همین است که دیدم بسوی فرشتگان که میشگافتند راهای
مدینه تا که قریب شدند که حائل شوند میان من و تو پس اینه وارد شوی تو بر صراط در حالیکه روی تو روشن تر باشد از ماه شب چهاردهم آورده
هم این را برآورده است لیکن در سندش شخصی متهم بوضع حدیث است و از انجمله بر آورده است طبرانی که اعرابی مهار شتر خود بدست
گرفته بحضور نبی صلی الله علیه و سلم آمده ایستاد و گفت السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته آنحضرت
صلی الله علیه و سلم بروی رد سلام نمود و از حالش پرسید ازپس مردی آمد و گفت یا رسول الله این اعرابی شتر دزدیده است آورد
برآورد و ناله کرد پس آنحضرت صلی الله علیه و سلم برای او خاموش گردید و آواز و ناله او شنید چون شتر ساکت شد آنحضرت
صلی الله علیه و سلم پیش آمد نزد آنمرد که از پس آمده دعوی شتر نموده و فرمود باز آ ازین شتر که وی گواهی میدهد بر تو که کاذبی پس آنمرد
بازگشت و آنحضرت از اعرابی پرسید که در وقت آمدن نزد من چه گفتی اعرابی گفت در بدر من فدا تو باد گفتم اللهم صل علی
محمد حتی لا یبقی صلوة اللهم و بارک علی محمد حتی لا یبقی برکة اللهم و سلم علی محمد
حتی لا یبقی سلام اللهم و ارحم محمدا حتی لا یبقی رحمة
نبی صلی الله علیه و آله فرمود اینکه از برای من شتر گواهی داد بعدل او و بدر فرشتگان بند کردند افق آسمان را یعنی ملائکه چندان بکثرت
ظاهر شدند که افق بسدود و کرد شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که ظاهر میبینیم نکارت این روایت را و در روایتی است که جماعتی گواهی دادند نزد
نبی صلی الله علیه و سلم بر وی بدزدی شتر پس امر کرد آنحضرت صلی الله علیه و سلم بقطع ید سارق شتر با گمان که قطع کنند از انکس
پرسیدند که بسبب چه نجات یافتی گفت نجات یافتم بسبب صلوة بروی صلی الله علیه و سلم در هر روز صد بار پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه
و سلم که نجات یافتی از عذاب دنیا و آخرت **چهل و هفتم** نزد کتابت وصیت شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که بعض متاخرین قایل
این شده اند و استدلال میکنند بامر ابی بکر به مولای وی صلی الله علیه و سلم تا بنویسد وصیت خود را بدین طور هذا ما اوصی به

نفع وهو شهد ان لا اله الا الله وان محمدا صلی الله علیه وسلم تبلیغ بن حریث که بهشت کرد
بدان نفع در حالیکه گواهی میدهد که نیست خدا غیر وی تعالی وبدرستیکه محمد صلی الله علیه وسلم پیغمبر اوست حالانکه دلالت
این روایت برید عا تمام نمیشود زیرا که صلوة و پنجاه و پنج در ضمن ذکر نام وی صلی الله علیه وسلم است باستقلال نیست این عاجز
میگوید که ازین خبر استحباب ذکر وی صلی الله علیه وسلم در وصیت ثابت شد و استحباب ذکر وی صلی الله علیه وسلم مستلزم استحباب صلوة است
بلکه مستلزم وجوب صلوة بر قول کسیکه قائل وجوب صلوة است نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم پس استحباب اگرچه بعبارت خبر مذکور ثابت نشد
لیکن باقتضای آن ثابت گردید و حدیث کلام ذی بال الحدیث نیز دلیل آنست والله اعلم **چهل و هشتم** نزد او خال بیت در قبر نزد قبر
یعنی بجهت شبکه بسند حسن مرویست که وی صلی الله علیه وسلم چون میت را در قبری نهادی بسم الله وعلی سنة رسول الله صلی
الله علیه وسلم میگفت پس هم اشکالیکه قبل ازین گذشت در ملبنوی وجوانیکه همان است **چهل و نهم** نزد حریق نقل کرده است
این را صاحب تحفة الغریب از بعض کتب و شیخ احمد بن شیخ رضی الدین قزانی مکی نیز در رساله منظومه که در بیان مواطن صلوة انشا کرده است ذکر نموده
پنجاهم نزد زلزله شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله در کتاب کشف الصلصله عن وصف الزلزله که از جمله چیزیکه مینا کرده نزد زلزله
تسبیح و تکبیر و صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم است زیرا که صلوة دافع بلیة عزیل آن بدست از آنکه اصل است در رفع جمیع اهوال و نجو
وافزودی **پنجاه و یکم** نزد وقوع طاعون و وبا شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله در کتاب ما رواه الواعون فی اخبار
الطاعون از ابن ابی حجله نقل کرده که بعض صالحان ذکر کرده اند که از اعظم اشیا رافعه طاعون وغیره بلایا اعظام کثرت صلوة بر
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم است و شیخ شمس الدین بن خطیب تصویب این نموده و استدلال بر آن بحدیث ابی بن کعب رضی الله عنه اذا یکفی
همک ویغفر ذنبک کرده انتهی و استدلال بر آن بوجه نیز کرده اند که صلوة رحمت خدا است و طاعون در اصل عذاب است و رحمت
وعذاب مجتمع نمی شوند و نیز صلوة سبب نجات از اهوال قیامت است پس نجات از طاعون و وبا که از اهوال دنیا است اولی باشد و نیز مدینه منوره
زادها الله شرفا محفوظ است از درآمدن طاعون بسبب وی صلی الله علیه وسلم پس برکت صلوة نیز همچنین است و بودن طاعون رحمت
در حق مومنان و دعای آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای امت خود بوقوع آن چنانچه در احادیث وارد است منافی نیست طلب رفع
آنرا و لهذا بر قول معتمد مسنون است خواندن دعا قنوت در نمازهای مکتوبه برای رفع طاعون و وبا چنانچه قتل در محاربه کفار
شهادت و رحمت است در حق مومنان چنانچه بنصوص ثابت شده معهذا استعاذه از آن و طلب رفع آن مسنون است در حدیث آمده
یا ایها الناس لا تتمنوا لقاء العدو واسالوا الله العافیة الحدیث ای مردم آرزو مکنید ملاقات دشمن
را و بخواهید از خدا تعالی عافیت را و نیز طاعون و وبا اگرچه رحمت خاص است لیکن رفع آن نعمت عام زیرا که وقوع آن غالبا
نفوس و موجب ضعف اسلام بموت علما و شجعان است هکذا افاد الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **پنجاه و دوم**
در روز شنبه و یکشنبه شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود گفته که حدیثی در طلب صلوة درین دو روز وارد نشده است و در آن
مذکور است که یهود و نصاری در آن دو روز بر وی صلی الله علیه وسلم میکنند و نیز حدیثی مرویست که مذکور است در آن گذاردن

بیست رکعت نماز در شب یکشنبه که در هر رکعت صد بار درود فرستاده شود بر وی صلی الله علیه وسلم حافظ سخاوی گفته آنرا در شرح
بران سو به است و مخفی نماند که مدنی ذکر کرده است احادیثی متضمن که از دو من چهار رکعت نماز بعد عشا و قبل از وتر در شب یکشنبه که خوانده
شود در هر رکعت آیتی مخصوص و بعد فراغ درود گفته شود بر وی صلی الله علیه وسلم پنجاه بار و بران ثواب عظیم بیان کرده
در سند آن متهم بکذب است کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله تعالی **پنجاه و سیوم** نزد گریختن
و غلام آورده است این را شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در کتاب جذب القلوب در فوائد شرجی مذکور است که برای باز آمدن
غلام گریخته بنویسند بر کاغذ سوره فاتحه و آیة الکرسی و این دعا اللهم انی اسالک بان لک السموات والارض و من فیهن
فاجعل اللهم السماء والارض و ما فیهما علی عبد فلان بن فلانة اضیق من حلقة حتی یرجع
الی مولاه برحمتک یا ارحم الراحمین و بنویسند او کظلمات فی بحر لجی یغشه موج من فوقه موج
من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یرها و من لم یجعل الله له نورا
فما له من نور والله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ بنویسند اللهم انی اسالک
بحق هذه الآیات الشریفة ان تصلی علی محمد و علی آل محمد و ان ترد العبد الی مولاه برحمتک
یا ارحم الراحمین فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و صلی الله علی سیدنا محمد و
علی آله و صحبه و سلم بعده آن کاغذ را در خرقه در آن به پارچه پوشیده و بدار در جای تاریک بنهد بر آن سنگ
گریخته باز آید باذن الله تعالی **پنجاه و چهارم** نزد خوردن آب از ظرف نوشته است این را شیخ عبد الحق دهلوی در جذب القلوب
و مستند آن چیزی ذکر نکرده **پنجاه و پنجم** در رساله احوال شیخ ابن حجر مکی رحمه الله حکایت کرده که مردی حج گذارد
و در مواقف آن همه اعمال آن صلوة بر وی صلی الله علیه وسلم بسیار میگفت از وی پرسیدند که چرا اشتغال با دعیه ماثوره نمیکنی گفت
که با پدر خود برای حج برآمده بودم والدم در بصره مرد چون روی او کشادم دیدم که بصورت خر است پس بغایت محزون شدم تا خوابیدم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم را دیدم و متعلق بدو شدم و سوگند دادم که بحال والدم آگاهی ده آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وی ربا
میخورد پس حال آکل ربا در دنیا و آخرت همین است لیکن او صد بار درود بر من نزد خواب میفرستاد چون حال او این شد فرشته که
موکل بر عرض احوال امت است مرا باین حال خبر داد پس از وی تعالی دعا برای او کردم و او تعالی قبول کرد پس بیدار شدم و دیدم که روی
پدر او چون بدر تابان است و بعد دفن او از هاتف شنیدند که سبب شمول این عنایت پدر ترا صلوة و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم
است از آن روز بر نفس خود مقرر کرده ام که ترک صلوة در هیچ حال و هیچ مکان نکنم و نیز از سفیان ثوری رضی الله عنه نقل کرده که وی حج کننده را
دید که درود بسیار میگوید پس او را گفت که این موضع ثنا بر خداست نه صلوة آن کس گفت که برادرم چون محتضر گردید پیش سیاه شد روی او در آن
حال اندوهگین بودم دیدم که مردی روی او مثل چراغ تابان نزد برادرم آمده دست خود بر روی او کرد آن سیاهی رفع شد چهره او مثل
قمر درخشان گردید از این حال خوش شده از آن مرد نام پرسیدم گفت که من فرشته موکل ام بر کسیکه درود بر وی صلی الله علیه وسلم

میفرستد و همچنین با صلی میکنم پدر تو درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم بسیار میفرستاد او را محنتی عارض گردید و در عقب آن سیاه
رو شد پس حق تعالی ببرکت صلوة او را آمرزید و سیاهی او دور گردانید و روشنایی بخشید و نیز از روایت ابو نعیم وغیره از سفیان ثوری رضی
الله عنه آورده که وی حج گذارد و جوانی را دید که قدم برنمیدارد و فرو نمی نهد مگر که درود میفرستد بر وی صلی الله علیه وسلم پس سفیان ثوری رضی
الله عنه مر او را گفت که آیا بعلمی اینچنین میکنی گفت آری حج گذاردم با والده خود و خواست که داخل بیت الله شود و او را اندرون خانه کعبه بردم
بستر مادرم مریض شد و شکم او آماسید و روی او سیاه گردید پس محزون شدم و دعا کردم که الهی اینچنین میکنی با کسی که بخانه تو در آید پس دیدم
که ابری از طرف تهامه برخاست و از آن مردی سفید لباس آمد و داخل خانه شد و دست بر شکم و روی او گردانید پس روی او روشن گردید و آماس
فرو شد پس آمد و خواست که بیرون رود تشبث بجامه اش کردم و گفتم تو کیستی که ازین غم مرا نجات بخشیدی گفت من پیغمبر تو ام محمد صلی الله
علیه وسلم گفتم یا رسول الله وصیتی بمن بفرما فرمود برنداری و فرو ننهی قدمی مگر صلوة فرستی بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم
پنجاه و ششم در ماه شهر ربیع الاول آورده است این را صاحب تحفة الغریب رحمه الله و گفته سزاوار است که مختص گردانیده شود روز
تولد آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون هشتم و دوازدهم باختلاف اقوال بنوعی از زیادت عبادت زیرا که علما گفته اند که شهر مولد
شریف سزاوار است بتکریم آن بانواع عبادات کرده شود و صلوة که از افضل عبادات است انسب است بآن این عاجز عفی عنه میگوید که سابق مذکور شد
است فرستادن درود بر وی صلی الله علیه وسلم نزد رویت اثری از آثار وی صلی الله علیه وسلم و شهر مذکور نیز از آثار زمانی است چنانکه
مدینه منوره زادها الله شرفا از آثار مکانی است والله اعلم پنجاه و هفتم در روز دوشنبه زیرا که روز
تولد آنحضرت صلی الله علیه وسلم است پس او را شرف است بر دیگر ایام چه کدام نعمت اعظم و اشرف است از ظهور جسم شریف آنحضرت صلی الله
علیه وسلم در تحفة الغریب گفته که سزاوار است هر مسلم را که شکر انعام الهی بجا نماید و ادای آن بانواع عبادات است از آنجمله صلوة بر پیغمبر
خدا صلی الله علیه وسلم بلکه از افضل عبادات است و امام غزالی وغیره رحمهم الله حدیثی بلا اسناد آورده اند که مذکور است در آن چهار
رکعت نماز در شب دوشنبه در هر رکعت [illegible] و پنج بار درود فرستاده شود بر وی صلی الله علیه وسلم پس بطلبد حاجت خود را از خدای
تعالی حق است بر وی تعالی که مسئول او را عطا کند و مسمی است آن نماز بصلوة حاجت شیخ ابن حجر گفته که این حدیث بصحت نرسیده
است پنجاه و هشتم در شهر شعبان در تحفة الغریب از ابن ابی الصیف نقل کرده که شعبان شهر صلوة بر محمد مختار
صلی الله علیه وسلم زیرا که نزول آیه صلوة در آنست لکن مبنای این قول بکسی نکرده و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود
گفته که هیچ چیز در ماه شعبان بخصوصه ثابت نشده اگرچه از ائمه متأخرین ابن ابی الصیف یمانی برای این در رساله فضل
شعبان ترتیب داده و در آن از جعفر و ابی الیمان روایت کرده است لیکن هیچ چیز را اصل معتمد نیست انتهی مخفی نماند که عدم
صحت روایت مذکوره استحسان صلوة را منافی نیست والله اعلم و نیز شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که هیچ چیز در باب صلوة بر وی
صلی الله علیه وسلم در ماه رجب بخصوصه بصحت نرسیده و موضوعات ابن جوزی احادیث واهیه درین باب آمده است لکن
معتمد نیست پنجاه و نهم در وقت سحر ذکر کرده است این را شیخ عبدالحق دهلوی رحمه الله در کتاب جذب

بالقلوب مستندی برآن نیاورده **تکمیل** شیخ مجد الدین فیروزآبادی لغوی رحمه الله در سفر السعادة گفته که حدیث من شم
الورد الاحمر ولم یصل علی فقد جفانی وحدیث خلق الورد الاحمر من عرقی وامثال آن موضوع وباطل
است انتهی شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در شرح آن آورده است که در مواهب لدنیه گفته آنچه روایت کرده شده است که ورد پیدا کرده شده است از عرق
آنحضرت صلی الله علیه وسلم یا از عرق جبرئیل یا از عرق براق شیخ ما در احادیث مشتهره گفته که نووی رضی الله عنه گفته که صحیح نیست و شیخ الاسلام
ابن حجر مکی گفته که موضوع است و پیش از وی ابن عساکر نیز حکم بوضع آن کرده و اما حدیث من شم الورد الاحمر ولم یصل علی فقد جفانی
در میزان الاعتدال این حدیث را از معمر یا شمر و معمر شخصی بود از عرب که در حدود سنه ستمائة یا بعد از ان برآمد و دعوی کرد که وی از صحابی است و صحابیت
کرده است پیغمبر را صلی الله علیه وسلم و وی علیه الصلوة والسلام او را دعا کرده و فرموده یا معمر عمرک الله و ببرکت دعای آن حضرت صلی الله
علیه وسلم تا حدود ششصد از هجرت باقی مانده و تحدیث کرده و روایت کرده که شنیدم از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که گفت من شم الورد ولم یصل علی
فقد جفانی و درین لفظ قید احمر نیست و با وجود آن و قطع نظر از صحت حدیث اگر نزد شم رایحه طیبه ... تذکار طیب رایحه مصطفوی
و محبت وی صلی الله علیه وسلم مر طیب را بیاد آید درود صلوة منسوب و محظوظ گردد مستحسن است چنانکه بمشاهده و معاینه آثار و صفات وی صلی الله
علیه وسلم کذا افتی بعض العلماء المتاخرین بمکة انتهی کلام الشیخ عبد الحق رحمه الله و مخدوم زین الدین معبری نزیل
ملیبار رحمه الله در کتاب فتح المعین شرح قرة العین در فصل صلوة جمعه آورده که روز جمعه تطیب بمشک افضل است و مسنون نیست صلوة و
صلی الله علیه وسلم نزد شم آن بلکه حسن است استغفار نزد آن کما قال شیخنا انتهی مخفی نماند که این قول مخالف قول شیخ عبد الحق
دهلوی رحمه الله و مستلزم کراهت صلوة نزد شم رایحه طیبه نمیشود زیرا که شیخ رحمه الله حکم باولویت آن کرده و نفی مسنونیت مستلزم
کراهت و نفی اولویت نمیشود زیرا که درجه اولی متنزل است از درجه سنت و بعد اولویت درجه اباحت است و درجه کراهت بعد اباحت است و حسن
استغفار نزد آن نیز مستلزم کراهت صلوة نیست چنانچه نزد عطسه حمد و تعوذ و صلوة هر دو مسنون بلکه حسن استغفار مستلزم حسن صلوة است
زیرا که استغفار دعا است و مسنون است ابتدا و اختتام هر دعا بصلوة و در بعض فتاوی حنفیه دیده ام که درود گفتن نزد شم گل کاذی
که در هندی کیوره نامند و گل رای چنبه مکروه است زیرا که این هر دو گل را کفار در بت پرستی استعمال میکنند والله اعلم

مقام سیوم در مواقع کراهت صلوة **اول** در اماکن مستقذره و مواقع نجاسات ذکر کرده است از شیخ محمد
مهدی فاسی رحمه الله در مطالع المسرات **دوم** در کلام منهی عنه چنانچه شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در کتاب جذب القلوب بعبارت
بدان کرده **سیوم** در وقت غضب بنا بر خوف اینکه غضب سبب بی‌ادبی گردد نعوذ بالله منه نقل کرده است این را شیخ
ابن حجر مکی رحمه الله از اذکار امام نووی رحمه الله **چهارم** نزد جماع **پنجم** در وقت قضای حاجت انسانی **ششم** برای
شهرت کالای مبیع **هفتم** وقت عثرت زیرا که این چهار مقام مواطن تعظیم نیستند و مقصود از صلوة تعظیم جناب نبوی است صلی الله علیه وآله وسلم
و بمقتضای کلام صاحب مطالع المسرات اینکه اتفاق علما است بر کراهت صلوة درین چهار موقع و در محل تعجب و ذبح و عطاس
اختلاف است و اما کلام شیخ ابن حجر مکی پس دلالت بر عدم اتفاق دارد زیرا که وی تصریح کرده است که جماعه از علما قائل

اند با فزود ذکر الہی نزد اکل و شرب و جماع و عطاس مانند آنکه سنت نیست باب صلوة و سلام در ان محل وارد نیست و در ان در محل عطاس و علما
سابق مذکور شده و در بقیه مواضع حدیث کل امر ذی بال اه رد میکند انتهی شاید مراد از اتفاق علما در کلام صاحب مطالع المسرات اتفاق
مالکیه باشد والله اعلم و سحنون مالکی مکروه دارد صلوة بر وی صلی الله علیه و سلم نزد تعجب و حلیمی از شافعیه گفته که مکروه نیست تهلیل و تسبیح زیرا که
وجود نادر هم باراده خدا تعالی است پس صلوة نزد چیزی مستقذره یا مضحوک منه محل خطر است بلکه اگر مصلی اند که صلوة را عجب کرده ام و از ان
اجتناب کند کافر گردد و قونوی رحمه الله بران ایراد کرده که ذکر صلوة نزد مستقذر و مضحوک منه اگر بقصد استقذار صلوة و جعل آن مضحکه باشد
کفر خواهد بود و الا نه انتهی و این عاجز عفی الله عنه میگوید که از عدم استقذار اگرچه کافر نمیگردد لیکن تلفظ صلوة در محل استقذار و ضحک خالی از عدم
مبالات و تساهل در ادب الجناب مستطاب صلی الله علیه و سلم نیست پس احتراز اولی و انسب است والله اعلم و بیهقی از حنیفه جزم کرده که حرمت صلوة
مثل تسبیح و تکبیر نزد عمل حرام یا عرض سلعه یا فتح متاع و در صناع گفته که مکروه است آنچه صادر میشود از عوام که در اعراس و غیر آن برای اشتهار افعال
خود و نظر سوی آن صلوة میگویند و زیادت توقیر و احترام مد نظر ایشان نمی باشد بلکه بالعب و ضحک مقرون دارند انتهی

باب هشتم در بیان حکم صلوة بر غیر آنحضرت صلی الله علیه و سلم

و این باب مشتمل است بر دو ضمیمه

ضمیمه اول در حکم صلوة بر دیگر انبیا علی نبینا و علیهم الصلوة والسلام

در جواز صلوة بر دیگر انبیا خلاف نیست بیهقی بسند واهی از حدیث بریده آورده که فرمود صلی الله علیه و سلم لا تترکن فی التشهد الصلوة
علی و علی انبیاء الله یعنی ترک مکنید در تشهد صلوة بر من و بر همه انبیا و آورده است قاضی اسمعیل بسند ضعیف از حدیث ابی هریره رضی الله
عنه صلوا علی انبیاء الله فان الله بعثهم کما بعثنی درود گوئید بر پیغمبران خدا بدرستیکه خدا تعالی فرستاده است
ایشان را چنانچه فرستاده است مرا و آمده است بسند صحیح قول مجد الدین بغوی رحمه الله اذا صلیتم علی المرسلین فصلوا علی معهم فانا
من المرسلین چون درود گوئید بر پیغمبران پس درود گوئید بر من با ایشان که بدرستی من پیغمبرم از پیغمبران و در لفظیست اذا سلمتم علی
فسلموا علی المرسلین از ابن عباس رضی الله عنهما بصحت رسیده لا ینبغی الصلوة من احد علی احد الا علی النبی صلی
الله علیه و سلم سزاوار نیست درود از هیچ کس بر هیچ کس مگر بر نبی صلی الله علیه و سلم و در روایتی است از ابن عباس رضی الله عنهما ما اعلم
الصلوة ینبغی علی احد من احد الا علی النبی صلی الله علیه و سلم ولکن یدعی للمسلمین والمسلمات بالاستغفار
نمیدانم صلوة را که سزاوار باشد بر احدی از احدی مگر بر نبی صلی الله علیه و سلم ولیکن دعا کرده شود مر مسلمین و مسلمات را به طلب آمرزش و در روایتی
است از ابن عباس رضی الله عنهما لا تصلح الصلوة علی احد الا علی النبی صلی الله علیه و سلم لیاقت ندارد صلوة بر احد
مگر بر نبی صلی الله علیه و سلم و جائز نیست حمل این قول بر خلاف اولی یا کراهت یا حرمت و بیهقی و عبد الرزاق از سفیان ثوری رضی الله عنه روایت آورده اند
که مکروه است که درود فرستاده شود مگر بر نبی صلی الله علیه و سلم و از بعض شیوخ مالکیه منقول است که جائز نیست که درود فرستاده شود مگر بر محمد
صلی الله علیه و سلم و محکی است از امام مالک رضی الله عنه لا یصلی علی غیر نبینا من الانبیاء و اصحاب او این قول را تاویل کرده
گفته اند که معنیش این است که تعبد نمی کنیم بصلوة بر دیگر انبیا چنانچه تعبد میکنیم بصلوة بر وی صلی الله علیه و سلم و بعضی گفته اند که این قول

اگرچه امام مالک معروف نیست بلکه قول او این است اکره الصلوة علی غیر الانبیاء و لا ینبغی ان نتعدی ما امرنا
به مکروه دانستن صلوة بر غیر انبیا و سزاوار نیست که تجاوز کنیم از آنچه امر کرده شده ایم بدان و یحیی بن یحیی رضی الله عنه گفته که نیست خوف
در صلوة بر دیگر انبیا زیرا که صلوة دعاست و رحمت پس منع از آن محتاج است بنص یا اجماع این عام می سکوید که حدیث لا تترکن فی التشهد الصلوة
علی و علی الانبیاء و حدیث اذا صلیتم علی المرسلین و حدیث اذا سلمتم علی فسلموا علی المرسلین دلالت دارد بر فرستادن
صلوة بر دیگر انبیا به تبعیت وی صلی الله علیه و سلم نه باستقلال والله اعلم و اما در صلوة نیز خلاف است امام نووی رحمه الله ادعا کرده که
اجماع کرده اند کسانی که قول ایشان معتبر است بر جواز صلوة و استحباب آن بر سائر انبیا و ملائکه استقلالا انتهی و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب
در منضود گفته که صلوة بر ملائکه پس معروف نیست در آن نص مگر آنچه آمده است از طرق ضعیفه که گفت وی صلی الله علیه و سلم صلوا علی انبیاء الله
و رسله فان الله بعثهم کما بعثنی صلی الله علیهم و سلم تسلیما درود گوئید بر انبیاء خدا و رسولان او لیکن
خدای تعالی فرستاده است آنان را چنانچه فرستاده است مرا پس بر تقدیر ثبوت این مستحب است صلوة بر ملائکه نیز زیرا که وی تعالی مسمی کرده است
ملائکه را به رسل در کلام مجید قال تعالی جاعل الملائکة رسلا الآیة **مرصد دویم** در حکم صلوة بر غیر انبیا
علیهم الصلوة والسلام و در اینجا دو مبحث است **مبحث اول** در جواز عقلی استاد محقق تحریر زین
الدین احمد بن سیف الدین محمد صدالوری تقی سقی الله ثراه و جعل الجنة مثواه در رساله درر سنیه فی الصلوة علی خیر البریة استدلال
کرده است بر آن به سه وجه **اول** آنکه صلوة بمعنی دعا یا رحمت یا ثنا یا تعظیم بلیغ یا اعتنا یا مصلی بحال مصلی علیه است و این امور
در حق احدی از عقلا ممتنع نیست استقلالا در حق غیر انبیا علیهم الصلوة والسلام غایة الامر اینکه مختلف خواهد شد باختلاف احوال مصلی
علیهم **دویم** صحت اطلاق الفاظ بسبب تحقق مدلولات آن یا عدم صحت آن بسبب عدم تحقق مدلولات حقیقی لغوی است متعلق باحکام شرعیه نیست
سیوم ممتنع عقلی آنست که لازم آید از فرض وقوع آن محال عقلی و صلوة بر غیر انبیا لازم نیاید از فرض وقوع آن محال عقلی چنانچه
حلیمی رحمه الله گفته که مراد از صلوا علیه دعوا ربه بالصلوة علیه است و انکار کرده نمی شود بر عطف آل و ازواج و ذریت وی صلی
الله علیه و آله و سلم بر او زیرا که ممتنع نیست دعا در حق ایشان تعظیم چه تعظیم هر کس بحسب لیاقت اوست **مبحث دویم** در جواز
شرعی و آن بر دو نوع است تبعا و استقلالا اما تبعا پس خلاف نیست در آن هیچ کس را چنانچه در مواهب لدنیه گفته اما صلوة بر
غیر انبیا اگر بر سبیل تبعیت باشد پس جایز است اجماعا و در تفسیر بیضاوی آورده که جایز نیست بر غیر وی صلی الله علیه و سلم تبعا و در تفسیر مدارک
نوشته که اگر صلوة گفته شود بر غیر وی صلی الله علیه و سلم بر سبیل تبعیت فلا کلام فیه انتهی بلکه صلوة بر آل مندوب است زیرا که در حدیث وارد است
قولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و در صواعق محرقه گفته که در روایت حاکم در قول اصحاب یا رسول الله کیف الصلوة علیکم
اهل البیت فرمود قولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد الخ دلیلی است ظاهر بر اینکه امر به صلوة بر اهل بیت و بقیه آل وی
صلی الله علیه و سلم مراد است از این آیت و الا سوال نمی کردند از صلوة بر اهل بیت و آل عقب نزول آیت و آنحضرت صلی الله علیه و سلم جواب ایشان
بدانچه مذکور شد نمی داد پس این جواب دال است بر اینکه صلوة بر ایشان از جمله مامور به است و نیز آنحضرت صلی الله علیه و سلم قایم کرد ایشان

را در ان و بتمام ذات خود زیرا که قصد از صلوة تعظیم وی صلی الله علیه وآله وسلم است و از تعظیم اوست تعظیم اهل بیت و آل وی صلی الله
علیه وسلم و از ینجاست که چون داخل شد فاطمه زهرا و امیر المومنین علی و حسنین را رضی الله عنهم در کسا پس گفت اللهم انهم منی وانا
منهم فاجعل صلوتك ورحمتك ومغفرتك ورضوانك علی وعليهم یا الهی بدرستیکه ایشان از من اند ومن از ایشان
ام پس بکردان صلوة تو ورحمت تو ومغفرت تو ورضوان تو بر من وبر ایشان واما استقلالا پس مضطرب اند در ان اقوال علما امام احمد بن حنبل
رضی الله عنه وجماعتی جایز داشته اند مطلقا قاضی عیاض گفته که بر انند عامه اهل علم انتهی ودر استدلال ایشان بقول وی تعالی است هو الذی
یصلی علیکم وملائکته وقول وی تعالی اولئك علیهم صلوات من ربهم ورحمة وقول وی تعالی ان صلوتك سكن
لهم وبحدیث صحیح که بر آورده انرا بخاری ومسلم از عبد الله بن ابی اوفی که بود وی صلی الله علیه وسلم چون آوردی قومی صدقه را گفتی
اللهم صل علیهم پس آورد پدر من صدقه پس فرمود اللهم صل علی آل ابی اوفی وبحدیثیکه تصحیح کرده است آنرا ابن حبان که زنی
گفت پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم صلوة بر من وبر زوج من بگو پس صلوة فرستاد وی صلی الله علیه وسلم بر هر دو وبخبریکه مسلم است
ان الملائكة تقول لروح المؤمن صلی الله علیك وعلی جسدك بدرستیکه فرشتگان میگویند مر روح مومن را صلوة کوید الله تعالی
بر تو وبر جسد تو وبحدیثی مفصل که وی صلی الله علیه وسلم صلوة فرستاد بر هر واحد خلفای اربعه راشدین وبر عمرو بن العاص رضی الله عنهم
وموید آنست آنچه بصحت رسیده است از مالك از امام جعفر صادق از امام محمد باقر رضی الله عنهم که امیر المومنین علی نزد امیر المومنین عمر رضی
الله عنهما در حالیکه عمر در چادر پیچیده خفته بود ایستاد وگفت ما اقلت الغبراء ولا اظلت الخضراء احدا احب الی ان
القی الله بصحیفته من هذا المسجی صلی الله علیه برنداشت زمین هیچ کس را وسایه نکرد آسمان بر هیچ کس دوست تر
باشد نزد من بانکه ملاقات کنم خدای تعالی را با صحیفه اعمال او ازین چادر پیچیده صلی الله علیه سفیان رحمه الله که راوی این اثر است
گفته از امام محمد باقر رضی الله عنه پرسیده شد آیا نیست صلوة بر غیر انبیا نهی عنه جواب داد که بتحقیق شنیده ام وقرطبی وجماعتی گفته اند که
جائز نیست استقلالا واما تبعا پس جائز است وراجح وارد شده است آن بلفظ ملحق است بآن بر سبیل الطلاق وامام ابو حنیفه وجمعی گفته اند که
جائز است بتبعیت مطلقا نه بدون آن ارشد و دیانه وباستقلال جائز نیست کما قال الشیخ ابن حجر المکی لیکن در تتمه الفتاوی
از فتاوی ابی بکر محمد بن الفضل نقل کرده که مکروه است صلوة بر غیر نبی نزد ابی حنیفه ومحمد رحمهما الله ونزد ابی یوسف مکروه نیست وبر سبیل
تبع جائز است بالاتفاق وهمچنین است در نوادر هشام وبحر الفتاوی ونادر الفتاوی ونقل کرده در محیط سرخسی نوادر ابی یوسف
ودر خلاصة الفتاوی قول امام اعظم رضی الله عنه لا یصلی احد علی احد الا علی النبی صلی الله علیه وسلم درود نگوید احدی
بر احدی مگر بر نبی صلی الله علیه وسلم واین قول محتمل کراهت وعدم جواز هر دو است وشیخ ابن حجر مکی رحمه الله شاید بر عدم جواز حمل کرده والله اعلم
ونزد بعضی مکروه است استقلالا نه تبعا چنانچه نقل کرده شد از تتمة الفتاوی وغیره وان روایتی است از احمد بن حنبل رحمه الله نیز وآن مختار
کرده است آنرا ابن عیاض و در توضیح وغیره ونزد بعض شافعیه باستقلال حرام است ونزد بسیاری خلاف اولی است ونزد اکثری مکروه است لیکن کراهت
تنزیهه زیرا که شعار اهل بدعت است وممنوع هستیم از شعار آنها وصحیح همین قول است چنانچه امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته

اجمعین عز و جل

واورده که معتمد درین باب آنست که صلوة مخصوص شده است در لسان سلف بانبیا صلوات الله وسلامه علیهم چنانچه لفظ
مخصوص بخدا تعالی است پس چنانچه جایز نیست گفتن محمد عز و جل اگرچه عزیز و جلیل است جایز نیست گفتن ابوبکر یا علی صلی الله علیه اگرچه معنیش صحیح است قاضی اسمعیل روایت
کرده که عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه بعمال خود نوشته که قصاص قصاص احداث کرده اند صلوة بر خلفا و امرای خود مثل صلوة بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم انها را
امر کنید که ازین بدعت باز آیند و صلوة را مخصوص به پیغمبران صلی الله علیهم وسلم دارند و دعا برای عامه مسلمین کنند انتهی و مانعان جواب داده اند
از دلایل مجوزین بآنکه روایات و احادیث صدور صلوة از خدا تعالی و رسول اوست صلی الله علیه وسلم و شارع را میرسد که مخصوص
گرداند هر کرا خواهد بهرچه خواهد و دیگران را بدون اذن شارع جایز نیست و اذن ثابت نگردیده و اما قول او تعالی صل علیهم الخ
پس خصیصه آنحضرت صلی الله علیه وسلم است چنانچه شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله در کتاب انموذج اللبیب فی خصایص الحبیب ذکر کرده
و از ینجاست قول ابی الیمن بن عساکر رحمه الله که آنحضرت صلی الله علیه وسلم را میرسد که صلوة فرستد بر غیر او مطلقا زیرا که آن حق
و منصب اوست پس او را میرسد تصرف در آن کیف یشا بخلاف امت که ایشان را نمی رسد ایثار غیر او در منصب او صلی الله علیه وسلم لیکن
صاحب معتمد منازعت کرده است بآنکه دلیلی بر خصوصیت صلوة بوی صلی الله علیه وسلم یافته نمی شود و بیهقی محاکمه نموده و گفته
که قول بمنع مخصوص است بوقتیکه گردانیده شود صلوة را تعظیم و تحیت و قول بجواز مخصوص است بوقتیکه گردانیده شود دعا و تبرک
انتهی پس قول علی بن ابی طالب کرم الله وجهه در حق عمر بن الخطاب کرم الله وجههما از قبیل ثانی است و مختار بعض حنابله اینکه صلوة مشروع
است بر آل تبعا زیرا که در حدیث آمده مگوئید بر من صلوة بترا پرسیدند که صلوة بترا چیست فرمود که اللهم صل علی محمد
میگوئید و خاموش میشوید بگوئید اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و جایز است مستقلا از برای ملائکه و اهل طاعت جایز است
عموما بر شخص معین یا جماعت معینه کرده و اگر گفته شود بتحریم آن روا علی الخصوص چون گردانیده شود آن شعار برای او صلی الله علیه وسلم
نه برای کسیکه مساوی اوست یا دون او چنانچه روافض میکنند و جایز است احیانا چنانچه صلوة آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر
امراة و زوج او و صلوة علی رضی الله عنه بر عمر رضی الله عنه کما مر و ازینجا تقریب میل و جواب مانعین متفق شده ادله طرفین کما قال الشیخ
ابن حجر المکی رحمه الله و اما سلام پس امام نووی رحمه الله در اذکار خود از ابی محمد جوینی رحمه الله نقل کرده که در معنی صلوة است
پس استعمال کرده نشود در حق غایب و در حق غیر انبیا بر سبیل استقلال پس گفته نشود علی علیه السلام و برابر اند در آن احیا و اموات و اما
حاضر پس جایز است بالاتفاق خطاب شود بسلام علیک یا علیکم و السلام علیک یا علیکم و بعضی گفته اند که سلام مشروع
است در حق مومن بخلاف صلوة و بعضی گفته اند که سلام بمعنی تحیت جایز است در حق غایب نیز شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب
در منضود گفته که بعض علما تحقیق کرده اند که سلامیکه شامل است وجه مقصود از آن تحیت است مثل سلام بر ملاقات مردم یا زیارت
قبور و آن مستحب است و مستدعی جواب بر سبیل وجوب کفایت یا وجوب عین بنفسه در حاضر و برسول یا کتاب در غایب یا سلامیکه مقصود از آن
دعا و تسلیم خدا تعالی است بر معوله برابر است که بلفظ غیبت باشد یا حضور مختص است بوی صلی الله علیه وسلم مکرر نه باشارت کرده است
بدان تقی الدین سبکی رحمه الله در کتاب شفاء العوام و مذهب معروف قول جمهور علما مستحب است ترضی و ترحم یعنی رضی الله عنه

و رحمه الله گفتن بر صحابه و تابعین رضی الله عنه و کسانیکه بعد او شان اند از علما و عباد و سائر اخیار و بعض علما گفته اند که رضی الله عنه مخصوص است بصحابه رضی الله عنهم و رحمه الله بغیر صحابه قول اول صحیح است و دلائل آن بسیار کما قال الامام النووی رحمه الله فی الاذکار و اگر مذکور شود صحابی که پسر صحابی است چون ابن عمر و ابن عباس و ابن زبیر و ابن جعفر و اسامة بن زید پس رضی الله عنهما باید گفت کذا فی الاذکار **فائده** ذکر لقمان و مریم رضی الله عنهما که بقول جمهور علما نبوت آنان ثابت نیست پیش بعض علما مستحب است صلوة و سلام بتبعیت انبیاء زیرا که درجه ایشان از درجه کسیکه در حق او ترضی باید کرد مرتفع است بنص قرآن مجید و امام الحرمین گفته که ظاهر این است که اگر سلام گفته شود اندیشه نیست و امام نووی گفته راجح ترضی است زیرا که نبوت ایشان ثابت نشده است

باب سیوم در کیفیت صلوة

و این باب مشتمل است بر چهار امور **امر اول** در صیغهائی است که در احادیث شریفه وارد اند **منها** روایت کرده است مسلم و غیر او از طریق ابی مسعود انصاری بدری رضی الله عنهما که بیامد رسول خدا صلی الله علیه و سلم نزد ما در حالیکه بودیم در مجلس سعد بن عباده پس گفت بشیر بن سعد که امر کرده ما را خدای تعالی بفرستادن صلوة بر تو یا رسول الله پس چگونه صلوة گوئیم بر تو پس سکوت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم تا که آرزو کردیم که باز سوال نکردی پس گفت وی صلی الله علیه و سلم بگوئید **اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید** و سلام همچنان است که شما دانستید **تبصره** اختلاف است در آنکه مراد از قول او چگونه صلوة گوئیم چیست بعضی گفته اند که سوال از صفت صلوة است نه جنس آن زیرا که اصل آن معلوم بود بامر الهی پس سوال کردند از صفت آن که لائق باشد بنبی صلی الله علیه و سلم تا استعمال کنند آنرا و بعضی گفته اند که سوال از معنی آن است که بکدام لفظ ادا نموده شود زیرا که مورد لفظ صلوة است و آن احتمال دارد رحمت و دعا و تعظیم را پس سوال کردند که بکدام لفظ ادا نموده شود شیخ ابن حجر مکی گفته که اول ارجح است چنانچه گفته است باجی و غیره و جزم کرده است به آن قرطبی زیرا که لفظ کیف ظاهر است در صفت و اما جنس پس سوال از آن بلفظ ما است و سبب این سوال آن است که چون سلام در تشهد بلفظ مخصوص وارد شد فهمیدند که صلوة نیز بلفظ مخصوص وارد شده و قیاس نکردند زیرا که اطلاع بر نص آسان بود و هم الفاظ اذکار بقدر امکان ضرور است پس وارد شد امر بلفظ مخصوص موافق فهم آنها و امر بقیاس نکرد و قول او کما السلام گفت کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **منها** روایت کرده اند ترمذی و ابن خزیمه و حاکم و دارقطنی و بیهقی و ابن حبان رحمهم الله که مردی گفت یا رسول الله اما سلام بر تو تحقیق دانستیم آنرا پس چگونه درود گوئیم بر تو چون درود گوئیم بر تو در نماز ما صلی الله علیک پس خاموش گشت آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفت که چون صلوة گوئید پس بگوئید **اللهم** صل علی محمد النبی الامی و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد النبی الامی و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید **قوله امی** بضم همزه و تشدید میم منسوب است بام و نسبت بآن که نوشتن و خواندن مکتوب نمیداند گویا که بر اصل ولادت ام است یا مثل ام است زیرا که غالب در نساء عدم کتابت است و عدم کتابت یا صفت ذم است علی صیغه از ... نیست معجزه آنحضرت صلی الله علیه و سلم

ونوشتن وی صلی الله علیه وسلم قصه حدیبیه را [illegible]

علیه وسلم بحال آنها بالبنا [illegible] انس بن عمرو اغلب اهل روات وکتابت را [illegible]

بابنا بر دعوت و تصدیق بدان هکذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **منها** و در روایت آمده است گفتند یا رسول الله

ما آموخته ایم که بگوییم سلام بر تو و بگوییم صلوة بر تو پس تحقیق دانستیم که چگونه گوییم سلام بر تو پس چگونه گوییم صلوة بر تو فرمود بگویید

اللهم صل علی آل محمد کما صلیت علی آل ابراهیم اللهم بارک علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم

منها آمده است در روایت متفق علیه از طریق عبد الرحمن بن ابی لیلی رضی الله عنه که ملاقات کرد با من کعب بن عجره رضی الله عنه پس گفت آگاه

که هدیه میکنم مر ترا هدیه که بدرستی رسول خدا صلی الله علیه وسلم برآمد نزد ما پس گفتیم که یا رسول الله بتحقیق دانستیم که چگونه سلام گوییم بر تو پس چگونه درود

گوییم بر تو و در روایت حاکم است که چگونه است صلوة بر شما ای اهل بیت گفت وی صلی الله علیه وسلم بگویید **اللهم** صل علی محمد و علی

و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم

انک حمید مجید و در روایت بخاری نیز آمده است و علی آل ابراهیم در هر دو موضع بعد قول او علی ابراهیم **منها** برابر روایت بیهقی

که وی صلی الله علیه وسلم در نماز میگفت **اللهم** صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم و

بارک علی محمد وآل محمد کما بارکت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید **منها** در روایت ام سلمه

آمده است که هرگاه نازل شد آیه ان الله وملائکته یصلون الخ صحابه گفتند یا رسول الله این است سلام بر تو که دانستیم چگونگی

آنرا پس چگونه میفرمایی ما را که درود گوییم بر تو فرمود بگویید **اللهم** اجعل صلواتک علی محمد کما جعلتها علی

ابراهیم انک حمید مجید زیاده کرده اند ابن ابی شیبه و سعید بن منصور لفظ آل را در هر دو موضع یعنی بعد محمد و ابراهیم

علیهما الصلوة والسلام **منها** در روایت ام سلمه آمده است که بگویید **اللهم** صل علی محمد عبدک و رسولک

واهل بیته کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید **منها** در لفظ بخاری و غیر او از ابی سعید خدری رضی الله عنه آمده که

گفتیم یا رسول الله این است سلام بر تو که دانستیم آنرا پس چگونه درود گوییم بر تو گفت بگویید **اللهم** صل علی محمد عبدک

ورسولک واهل بیته کما صلیت علی ابراهیم بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم

و در روایتی زیاده کرده است وآل ابراهیم **منها** در روایتی متفق علیه آمده است بگویید **اللهم** صل علی محمد و علی

ازواجه وذریته کما صلیت علی آل ابراهیم وبارک علی محمد وازواجه وذریته کما بارکت

علی ابراهیم انک حمید مجید — احمد و غیر او زیاده کرده اند لفظ آل را در اخیر پس گفته علی آل ابراهیم و ابن ماجه زیاده

کرده است لفظ کما بارکت علی آل ابراهیم فی العالمین **منها** در روایتی موقوف آمده که بگویید **اللهم** اجعل

صلواتک ورحمتک وبرکاتک علی سید المرسلین وامام المتقین وخاتم النبیین محمد عبدک

ورسولک امام الخیر وقائد الخیر ورسول الرحمة اللهم ابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاولون

والاخرين اللهم صل على محمد وابلغه الوسيلة والدرجة الرفيعة من الجنة اللهم اجعل في المصطفين
محبته وفي المقربين مودته وفي الاعلين ذكره والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد كما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد
كما باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد **قوله** المصطفين بفتح فا يعني كسانيكه چيده شده اند از انبيا جنس ومراد از ايشان انبيا
اولى العزم اند يعني نوح وابراهيم وموسى وعيسى عليهم الصلوة والسلام وبعضي گفته اند كه بمعني پاك كرده شدگان از دنس است وگفته شده كه مراد ازان صحابه
وگفته شده كه مراد ازهمه امت است زيراكه درحق ايشان خير امة اخرجت للناس وارد است **قوله** المقربين از پيش سابقان كه وارد در شان ايشان است قوله السابقون
السابقون اولئك المقربون واز ملائكه خواص ايشان اشارت است بايشان قوله تعالى ولا الملائكة المقربون يعني حمله عرش وكروبيان كه گرد عرش اند مثل جبرئيل
وميكائيل ومدبران اجرام سماويه وگفته شده كه مقربين بفتح اند افضل جبرئيل وميكائيل وعزرائيل واسرافيل ورضوان ومالك وروح القدس وهي برين قول غير جبرئيل
است **قوله** اعلين بفتح لام يعني فرشتگان **قوله** ذكره ودر روايتي زياده شده است **منها** در روايتي غريب آمده بگويد **اللهم** صل على محمد
وعلى آل محمد وبارك على محمد كما صليت وباركت على آل ابراهيم انك حميد مجيد **منها** در روايتي آمده ليكن در سندش
اختلاف است براي آنكه گويد **اللهم** صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد وبارك
على محمد وعلى آل محمد كما باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد **منها** در روايتي واود آمده است **اللهم** صل
على محمد النبي الامي وازواجه امهات المومنين وذريته واهل بيته وذريته بالضم نسل انسان را گويند خواه باشد يا انثى واولاد بنات
داخل اند مذهبان بالاتفاق برقول ابن حاجب ليكن مذهب امام اعظم ودر روايتي از امام احمد رحمهما الله خلاف آن است اما
اولاد فاطمه زهرا رضي الله عنها پس بالاتفاق داخل اند در ذريت آنحضرت صلى الله عليه وسلم واين خصيصه ايشان است
ديگران را اين نسبت **منها** در روايت صحيحه آمده بگويد **اللهم** صل على محمد كما صليت على ابراهيم
انك حميد مجيد وبارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على آل ابراهيم انك حميد مجيد
منها آمده است از ابي هريره رضي الله عنه كه گفتند يا رسول الله چگونه درود گوئيم بر تو يعني در نماز فرمود بگوئيد **اللهم**
صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على ابراهيم وبارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت
على ابراهيم پس بر سلام گوئيد بر من برادر روايت كرده آنرا شافعي رضي الله عنه ليكن شيخ او دران ضعيف است ونزد بزار
وسراج اند واسنادش صحيح است بر شرط شيخين **منها** روايت مذكوره نزد طبراني از طريقي ديگر آمده كه بگويد
اللهم صل على محمد وبارك على محمد وعلى آل محمد كما صليت وباركت على ابراهيم وآل
ابراهيم في العالمين انك حميد مجيد وسلام همچنان است كه دانسته **منها** در روايتي ضعيف
آمده است بگوئيد **اللهم** اجعل صلواتك ورحمتك وبركاتك على محمد وعلى آل محمد كما جعلتها
على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد ودر روايتي زياده است وارحم محمدا وآل محمد كما

اللهم صليت و بارکت و ترحمت على ابراهيم و آل ابراهيم در سند من شخصی مجهول از مردی مبهم روایت کرده است منهیها در روایتی ضعیف آمده است اللهم
صل على محمد و على اهل بيته كما صليت على ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل علينا معهم اللهم بارك على محمد
و على اهل بيته كما باركت على آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم بارك علينا معهم صلوة الله و صلوات
المرسلين على محمد النبي الامي السلام عليكم و رحمة الله و بركاته و در روایتی ضعیف زیاده کرده است ابن ان وارحم محمدا
و آل محمد كما رحمت على ابراهيم انك حميد مجيد و در روایت امیر المؤمنین علی رضی الله عنه زیاده است اللهم و ترحم على محمد و على
آل محمد كما ترحمت على ابراهيم و على آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم و تحنن على محمد و على آل محمد كما تحننت على آل
على ابراهيم و على آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم و سلم على محمد و على آل محمد كما سلمت على ابراهيم و في
ابراهيم انك حميد مجيد شیخ ابن حجر مکی گفته که سندش بس ضعیف است زیرا که یکی از روات مجهول و دیگری متروک الحدیث است و امر او
دیگر هم هست لیکن همه غریب اند و در بعضی از آن آمده است تسلسل بشمار که وی صلی الله علیه و سلم شمار کرد این کلمات را پیش امیر المؤمنین علی
رضی الله عنه و فرمود که شمار کرد پیش من جبرئیل وی گفت که شمار کرد پیش من میکائیل وی گفت که شمار کرد پیش من اسرافیل وی گفت که شمار کرد
پیش من رب العالمین جل جلاله و سند آن خالی نیست از تهم بکذب یا وضع بلکه بعض محققان فقها و حفاظ از متاخرین گفته اند که سایر طرق که در آن
زیادت رحمت و تحنن است خالی نباشد از تهم بکذب و وضع کما قال الشیخ ابن حجر المکی منهیها بر آورده است بخاری در ادب مفرد
ابن جریر و عقیلی که گفت وی صلی الله علیه و سلم هر که خواند این درود را گواهی دهم برای او روز قیامت بشهادت و شفاعت کنم او را اللهم
صل على محمد و على آل محمد كما صليت على ابراهيم و آل ابراهيم و بارك على محمد و على آل محمد كما باركت على ابراهيم
و آل ابراهيم و ترحم على محمد و آل محمد كما ترحمت على ابراهيم و آل ابراهيم شیخ ابن حجر مکی رحمه الله این حدیث را از قول
بعض محققان که الحال گذشت استثنا کرده است و گفته که این حدیث حسن است و رجال او رجال صحیح اند مگر یکی که او را ابن حبان در ثقات
ذکر کرده است بر قاعده خود منهیها در روایتی ضعیفه آمده اللهم اجعل صلواتك و رحمتك و بركاتك على محمد و على آل محمد
كما جعلتها على ابراهيم و على آل ابراهيم انك حميد مجيد منهیها آمده است در روایتی که سند آن هالک است که گفت وی
صلی الله علیه و سلم مرکسی که گفت این درود و تحقیق می بینم فرشتگان را که بند کردند افق را یعنی در وقت خواندن این درود ملائکه چندان بکثرت جاضر
شدند که افق آسمان از نظر آمدن موقوف شد اللهم صل على محمد حتى لا تبقى صلوة اللهم بارك على محمد حتى لا تبقى
بركة اللهم سلم على محمد حتى لا يبقى سلام و ارحم محمدا حتى لا تبقى رحمة یعنی لا تبقى مما ثلث در مقدار است
مرهمه صلوات را که وی بجا بوجود آورده و بر انبیای دیگر و ملائکه و سایر اهل اختصاص خود فرستاده یعنی صلوتی بنسبت بر وی صلی الله علیه و سلم سوا
آنچه صلوة فرستاده بر غیر وی صلی الله علیه از اهل اختصاص خود زیاده از آن احتمال دارد که بر سبیل مبالغه باشد در کثرت اعطای رحمت و اعانت
نعمت چنانچه گفته میشود که پادشاه عطا کرد فلان را چیزی که باقی نماند نعمتی یعنی می نعمت افزود چه ست که باقی نماند و او را
شوق بسوی غیر آن نعمت و ضرورت حمل مثل این کلمات بر این وجوه تا لازم نیاید توهم تناقض بعض متعدد در آدعیة الحکما قال المهدی

الفاسی منها آمده است در روایتی بسندی حسن که هر که این درود گوید واجب شود برای وی شفاعت اللهم صل علی محمد وانزله
المقعد المقرب عندک یوم القیمة و در روایتی است عندک فی الجنة و مقعد مقرب بزرگ است و اولی احتمال دارد که مقام محمود باشد
زیرا که آن اظهر فضائل وی صلی الله علیه وسلم است که متمیز گردد بدان وی از دون وی و برتر است ثانیه احتمال دارد که وسیله باشد زیرا که آن ارفع درجات وی
صلی الله علیه وسلم است که ممتاز گردد بدان از جمیع اهل جنت منها در روایتی بسندی ضعیف آمده که هر که گوید جزی الله عنا محمدا
صلی الله علیه وسلم بما هو اهله در زحمت اندازد هفتاد فرشته را هزار روز برای نوشتن ثواب این کس یا برای استغفار او و راجع ضمیر
اهله احتمال دارد که راجع باشد بجناب تعالی یا بوی صلی الله علیه وسلم منها در روایتی آمده هر که گوید این صلوة خواهد دید مرا در خواب و هر که مرا در خواب
بیند ببیند مرا در روز قیامت و هر که مرا در قیامت ببیند برای او شفاعت کنم و هر کرا شفاعت کنم خواهد نوشید از حوض من و حرام گرداند
خدا تعالی جسد او را بر آتش و وی اینست اللهم صل علی روح محمد فی الارواح وعلی جسده فی الاجساد وعلی قبره فی القبور
حافظ سخاوی گفته که تا حال بر اصل این واقف نشدم منها روایت کرده است ابو داود در سنن خود و عبد بن حمید در مسند خود و غیر
ایشان که فرمود وی صلی الله علیه وسلم هر کرا خوش کند که پیموده شود ثواب به پیمانه وافی تر چون درود گوید بر ما که اهل بیت ایم پس بگوید اللهم
صل علی محمد النبی وازواجه امهات المومنین وذریته واهل بیته کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید
منها در روایتی آمده لیکن در سند آن یکی مجهول و دیگری مختلط است هر کرا خوش کند پیموده شدن ثواب تا آخر پس بگوید اللهم
اجعل صلواتک وبرکاتک علی محمد النبی الامی و در روایتی بسندی موقوف بر امیر المومنین علی رضی الله عنه آمده که هر کرا خوش
کند پیموده شدن ثواب به پیمانه وافی تر پس بخواند آیه کریمه سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین منها آمده است در روایتی از امیر المومنین علی کرم الله وجهه بسندی ضعیف و آنرا طرق دیگر
است که رجال آن رجال صحیح اند لیکن مرسل است زیرا که راوی آن از علی رضی الله عنه راندیده بسبب که وی رضی الله عنه تعلیم میکرد مردمانرا
صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم پس میگفت اللهم داحی المدحوات وباری المسموکات وجبار القلوب
علی فطرتها شقیها وسعیدها اجعل شرائف صلواتک ونوامی برکاتک ورأفة تحننک علی
عبدک ورسولک الخاتم لما سبق والفاتح لما اغلق والمعلن الحق بالحق والدامغ جیشات
الاباطیل کما حمل فاضطلع بامرک بطاعتک مستوفزا فی مرضاتک بغیر نکل عن
قدم ولا وهن فی عزم واعیا لوحیک حافظا لعهدک ماضیا فی نفاذ امرک
حتی اوری قبسا لقابس آلاء الله تصل باهله اسبابه به هدیت القلوب
بعد خوضات الفتن والاثم وابهج موضحات الاعلام ومنیرات الاسلام و
نائرات الاحکام فهو امینک المامون وخازن علمک المخزون وشهیدک یوم الدین وبعیثک نعمة
ورسولک بالحق رحمة اللهم افسح له مفسحا فی عدنک واجزه مضاعفات الخیر من فضلک مهنآت له

غیر مکدرات من فوز ثوابک المضنون وجزیل عطائک المعلول اللهم اعل علی بناء الناس بناءه واکرم مثواه
لدیک ونزله واتمم له نوره واجزه من ابتعاثک له مقبول الشهادة ومرضی المقالة ذا منطق عدل وخطة فصل
وحجة وبرهان عظیم صلی الله علیه وسلم ابوبکر بن ابی شیبه در روایتیکه دران شخصی مجهول است زیاده کرده آمین اللهم اجعلنا سامعین
مطیعین واولیاء مخلصین ورفقاء مصاحبین اللهم ابلغه منا السلام واردد علینا منه السلام **قوله** داحی المدحوات
داحی یعنی باسط مدحوات یعنی مبسوطات مراد ازان زمین هست قال تعالی والارض بعد ذلک دحاها یعنی گسترد زمین را زیرا که
اول آن شته بود ودر روایتی مدحیات آمده بهمان معنی **قوله** باری المسموکات باری در آخر بهمزه بمعنی پیدا کننده بدون مثال مسموکات
بمعنی مرفوعات یعنی آسمانها ودر روایتی بجای باری سامک آمده بمعنی بلند کننده **قوله** جبار القلوب علی فطراتها جبار بمعنی قهار فطرات
یعنی جبلت وطبیعت **قوله** لما اغلق بضم اول وکسر ثالث بر صیغه مبنی للمفعول **قوله** والدامغ یعنی هلاک کننده **قوله** جیشات الاباطیل
جمع جیشه وآن مره است از جاشن بمعنی فواره زد وبلند شد واباطیل جمع باطل **قوله** کما حمل بضم حای مهمله وکسر میم مشدده بر صیغه مبنی
للمفعول **قوله** فاضطلع بامرک اضطلع بضاد معجمه یعنی برخاست به امر تو بنا بر قوت او برآن **قوله** مستوفزا بصیغه اسم فاعل
بمعنی جاری شونده **قوله** لغیر نکل عن قدم نکل بر وزن طفل وجبل بمعنی جبن قدم یعنی اقدام **قوله** ولا وهن فی عزم وهن بضعف
ودر روایتی است وهی بیای مثناة تحتیه بمعنی لغزش **قوله** واعیا یعنی حافظ وضابط **قوله** نفاذ بفتح نون ودر آخر ذال معجمه بمعنی جاری
کردن امر ودر روایتی بجای فی علی است **قوله** وری از ایراء است بمعنی روشن کردن آتش **قوله** قبسا بفتحتین شعله آتش مناسب
صواب گفته که در ینجا مراد ازان اسلام وحق است **قوله** لقابس یعنی طلب کننده آتش وحاصل آن درینجا اینکه وی صلی الله علیه وسلم ظاهر کرد
نوری از حق برای طلب آن پس دران تشبیه سعی وی صلی الله علیه وسلم بر روشن کردن آتش در اظهار حق **قوله** آلاء الله بمد جمع الی
بکسر همزه یا فتح آن بتنوین یا بکسر همزه وسکون لام وتنوین یعنی نعمتها **قوله** هدیت بصیغه مبنی للفاعل ومبنی للمفعول **قوله** انهج یعنی تمام
کرد **قوله** موضحات بصیغه اسم فاعل یا اسم مفعول **قوله** نائرات جمع نائره بیای بعد الف از نور است **قوله** خزانک بصیغه مبالغه
ودر روایتی خازن بصیغه اسم فاعل آمده ودر روایتی خزائن بصیغه جمع خزینه **قوله** عدنک بفتح عین وسکون دال مهملتین مراد محل رحمت وبقای
است یا جنت عدن **قوله** اجزه بهمزه وصل وکسر زای **قوله** مهنات بضم میم وفتح ها ونون مشدده جمع مهناه بفتح همزه بمعنی
گوارا **قوله** من فوز بفاء وزای معجمه ظفر یافتن بمقصود **قوله** ثوابک المضنون اسم مفعول است از ضنن بضاد معجمه بمعنی بخل یعنی ثوابیکه
بسبب نفاست آن بخل کرده میشود ودر روایتی ثوابک المحلول آمده بمعنی مستوجب بفتح جیم ومستحق **قوله** جزیل یعنی عظیم **قوله** عطائک
المعلول اسم مفعول است از علل بفتحتین یعنی شرب دوم مقابل نهل است بفتحتین بمعنی شرب اول مراد درینجا عطا بعد از عطا است **قوله**
علی بناء الناس ودر روایتی ابناء البانین وارد است یعنی بنا کنندگان **قوله** نزله بفتحتین یا بضم اول وسکون ثانی چیزیکه مهیا کرده میشود
برای مهمان ودر روایتی ذلک است **قوله** من ابتعاثک بصیغه مصدر از باب افتعال ودر روایتی ابتعاثک بصیغه افتعال است شیخ
محمد مهدی فاسی ره در شرح دلائل الخیرات گفته که افتعال ابلغ است **قوله** ذا منطق عدل یعنی سخن معتدل مستقیم **قوله**

خط بقلم خای معجمه و فتح طای مهمله مشدد و بمعنی امر یا طریقه فصل یعنی قطع مراد از ان امر فاصل میان حق و باطل **منها** در شفاء الغریر علی القی رضی الله عنه آورده است ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما لبیک اللهم ربی وسعدیک صلوات الله البر الرحیم والملائکة المقربین والنبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وما سبح لک من شیء یا رب العالمین علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین وسید المرسلین وامام المتقین ورسول رب العالمین الشاهد البشیر الداعی الیک باذنک السراج المنیر علیه السلام حافظ سخاوی رحمة الله گفته واقف نشدم بر اصل این روایت **منها** در روایت آمده است که دینار نوری رحمه الله سوال کرد از انس بن مالک رضی الله که آیا شنیدی از حضرت صلی الله علیه وسلم کیفیت صلوة تامه گفت اری صلوة تامه این است **اللهم** صل علی محمد کما امرتنا ان نصلی علیه وصل علیه کما ینبغی ان یصلی علیه این روایت مخالف است مر روایت ابی سعید را که در شرف المصطفی بر آورده صلوة نگوئید در حین صلوة بتر گفتند که صلوة بتر چیست یا رسول الله گفت که میگوئید اللهم صل علی محمد و خاموش میشوید بلکه بگوئید اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که سند این روایت اولی ثابت است و حافظ سخاوی در حق روایت ثانیه گفته است که واقف نشدم بر اسناد آن **منها** بصحت رسیده که ابن عباس رضی الله عنهما در نماز میگفت **اللهم** تقبل شفاعة محمد الکبری وارفع درجته العلیا واعطه سؤله فی الاخرة والاولی کما اتیت ابراهیم وموسی **منها** در روایت ضعیفه آمده است که گفت وی صلی الله علیه وسلم اللهم انی اسالک یا الله یا رحمن یا رحیم یا جار المستجیرین یا امان الخائفین یا عماد من لا عماد له یا سند من لا سند له یا ذخر من لا ذخر له یا حرز الضعفاء یا کنز الفقراء یا عظیم الرجاء یا منقذ الهلکی یا منجی الغرقی یا محسن یا مجمل یا منعم یا متفضل یا عزیز یا جبار یا منیر انت الذی سجد لک سواد اللیل وضوء النهار وشعاع الشمس وخفیق الشجر ودوی الماء ونور القمر یا الله انت الله لا شریک لک اسالک ان تصلی علی محمد عبدک ورسولک

تبصره شیخ ابن حجر مکی رحمه گفته که این روایت مشتمل است بر وصف الهی به اوصافیکه وارد نشده است بان حدیث صحیح و نزد اهل سنت مشهور است که اسماء الهی توقیفی است و ثبوت آن بحدیث ضعیف صورت پذیر نیست پس جایز نیست که خوانده شود مثل این کلمات تا که وارد نشود در احادیث صحیحه **منها** آمده است در روایت موضوعه که هر که گوید **اللهم** صل علی محمد وعلی آل محمد فی الاولین والاخرین وفی الملاء الاعلی الی یوم الدین اگر دریاها مداد شوند و درختان اقلام و فرشتگان کاتبان هر آینه فانی گردد مداد و شکسته شود اقلام و نرسند فرشتگان ثواب آنرا **منها** در شفای ابن سبع و شرف المصطفی آورده که وی صلی الله علیه وسلم نشاند مردی را میان خود و میان ابی بکر رضی الله عنه پس صحابه عجب نمودند از ان زیرا که در میان وی صلی الله علیه وسلم و امیر المومنین ابی بکر صدیق رضی الله عنه کسی نمی نشست و وی صلی الله علیه وسلم بعد رفتن آن مرد فرمود که این مرد میگوید در صلوة خود **اللهم** صل علی محمد کما تحب وترضی له حافظ سخاوی رح گفته که واقف نشدم بر سند آن و بر تقدیر ثبوت اجلاس وی

صلی الله علیه وسلم مرا آمده را در آن مکان تألیف او بود با ترغیب حاضران در گفتن این درود کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمة الله علیه
در تحقیق آل وی صلی الله علیه وسلم اصل آن اهل بود بدلیل تصغیر آن بر اُهَیل بدل کردند ها را بهمزه و تسهیل نمودند و مشهور همین است و این است
مذهب سیبویه و محققان نحات و نزد بعضی اصل آن اَوَل بود از آل یؤول بمعنی رجع بدلیل تصغیر آن بر اُوَیل حکایت کرده است این را
کسائی و مختص است اضافت آن بسوی کسیکه معظم است مثل حملة القرآن آل الله و نخواهند گفت آل الاسکاف و اما اضافت آن بسوی
فرعون در قول وی تعالی آل فرعون پس بنا بر متصور شدن او است بصورت عظما و جایز است اضافت آن بسوی ضمیر بر قول اصح و استعمال
آن در غیر ذوی العقول جایز نیست و داخل میشود در آن مضاف الیه مگر بقرینه و مراد از آل وی صلی الله علیه وسلم نزد شافعی و جمهور علما
مؤمنان اقارب وی صلی الله علیه وسلم اند از بنی هاشم و بنی المطلب پسران عبد مناف زیرا که وی صلی الله علیه وسلم تقسیم کرده سهم ذوی القربی
یعنی خمس الخمس را در میان آنها و منع نمود آنها را از بنی اعمام آنها یعنی بنی نوفل و بنی عبد شمس با وصف سوال ایشان رواه البخاری و فرموده که
حلال نمیکنم برای شما ای اهل بیت از صدقات چیزی برای آنکه غساله دستهای مردم بدرستیکه مر شماراست خمس خمس آنچه غنیمت
رواه الطبرانی فی معجمه الکبیر و فرمود که این صدقات نیست مگر اوساخ مردم است بدرستیکه آن حلال نیست محمد و مر آل محمد را رواه مسلم و نزد بعضی بنی هاشم
فقط و اینست قول ابن قاسم و مالک و اکثر اصحاب او و نزد بعضی بنی المطلب فقط و اینست قول قوی در مذهب مالک و نزد بعضی ازواج و بنات و صهر وی
علی رضی الله عنه گفته است این را در فاسوس و بعضی آل وی صلی الله علیه وسلم ذریت فاطمه است خاصةً رضی الله عنهم و نزد بعضی ذریت عباس و جعفر و عقیل و حمزه
رضی الله عنهم و نزد بعضی جمیع قریش و نزد بعضی جمیع امت اجابت قول ابن عربی است و مایل است بسوی آن مالک و ما یلیق گفته که از مالک باین قول سبکی و شرح
منهاج بیضاوی نیز نسبت باو کرده و اختیار کرده است ازهری و امام نووی نیز در شرح مسلم از آنجا ترجیح داده لیکن قاضی حسین و غیر او مقید کرده به اتقیای
امت و مؤید آنست قول وی سبحانه اِنْ اَوْلِیَاؤُهٗ اِلَّا الْمُتَّقُوْنَ نیست دوستان او مگر متقیان ابو عبید روایت کرده از ابن عمر رض نقل کرده
که آل وی صلی الله علیه وسلم کیست که راجع است بسوی او بدین یا بمذهب یا بنسب **مورد دوم** در بعض صیغ که اکابر سلف و خلف رضی الله
عنهم انشا کرده اند **صیغه اللهم صل علی سیدنا محمد السابق للخلق نوره الرحمة للعالمین ظهوره عدد**
من مضی من خلقک و من بقی و من سعد منهم و من شقی صلوة تستغرق العد و تحیط بالحد صلوة
لا غایة لها و لا انتهاء و لا امد لها و لا انقضاء صلوة دائمة بدوامک و علی آله و صحبه کذلک
والحمد لله علی ذلک این صلوة از شیخ محی الدین معروف بجنید یمن رضی الله عنه است و گفته که هر که این را یکبار بخواند در بار شام
بحمد الله مستوجب رضای الهی و تواتر رحمت او و امان از عذاب او و دیگر بدیها و تسهیل مشکلات گردد سخاوی رحمه الله از بعض معتمدین شیوخ
خود نقل کرده که ثواب یکبار خواندن آن بمقابل ده هزار صلوة است و آن را قصه غریب است انتهی شیخ ابن حجر مکی رحمه الله و غیر او بیان قصه مذکوره
کرده اند که یکی از اولیا هر شب ده هزار درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرستاد یکبار بسبب مرضی از اتمام ده هزار عاجز گردید و تعب بسیار
کشید پس وی صلی الله علیه وسلم را در خواب دید که میفرماید ای فلان بگو این صلوة را یکبار تا مستغنی شوی از ده هزار پس بعد از آن کس سعید شد
و این درود یاد بوده قطب ربانی محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی قدس الله سره حزب خود را باین درود اختتام بخشیده است

صیغه اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک النبی الامی وعلی آله وصحبه وبارک وسلم این صلوة منسوب و داخل
مسبعات عشر که از اوراد مشهوره مبارکه است از زمان تابعین و تبع تابعین معمول مشایخ است صیغه اللهم لک الحمد بعدد
من حمدک ولک الحمد بعدد من لم یحمدک ولک الحمد کما تحب ان تحمد اللهم صل علی محمد
بعدد من صلی علیه وصل علی محمد بعدد من لم یصل علیه وصل علی محمد کما تحب ان ینبغی علیه این صلوة
طبرانی که یکی از اکابر محدثین است انشا کرده و گفته که این را در خواب آنحضرت صلی الله علیه وسلم عرض کردم وی صلی الله علیه وسلم در وقت
استماع این تبسم فرمود تا که نواجذ شریف ظاهر شد و از ثنایای وی نور ظاهر گردید صلی الله علیه وسلم صیغه اللهم صل علی محمد
وعلی آله واصحابه واولاده وازواجه وذریته واهل بیته واصهاره وانصاره واشیاعه
ومحبیه وامته وعلینا معهم اجمعین یا ارحم الراحمین این صلوة را در شفا از حسن بصری رضی الله عنه آورده و گفته
وی رضی الله عنه میگفت که هر که خواهد که بیاشامد بکاس اوفی از حوض مصطفی صلی الله علیه وسلم پس بخواند این صلوة صیغه
اللهم صل علی محمد فی الاولین وصل علی محمد فی الاخرین وصل علی محمد فی النبیین وصل علی محمد
فی المرسلین وصل علی محمد فی الملاء الاعلی الی یوم الدین اللهم اعط محمد الوسیلة والفضیلة
والشرف والدرجة الرفیعة وابعثه مقاما محمودا اللهم امنت بمحمد ولم اره فلا تحرمنی فی الحیوة
رویته وارزقنی صحبته وتوفنی علی ملته واسقنی من حوضه شربا مرئیا سائغا هنیئا لا
نظماء بعده ابدا انک علی کل شیء قدیر اللهم ابلغ روح محمد وآله منا تحیة وسلاما اللهم کما
امنت به ولم اره فلا تحرمنی فی الجنة رویته تلمسانی از نیشاپوری نقل کرده که سعید بن عطا رحمه الله گفته
که هر که این صلوة را سه بار وقت صبح و سه بار وقت شام بخواند منهدم شود بنای ذنوب او و محو کرده شود نقش خطایای او و مال
کرده شود بسیار و او مستجاب شود دعای او و داده شود آمال او و نصرت داده شود بر اعدا و موفق گردد باسباب خیر و رفیق شود مر
پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم در جنت اعلی و جزیری از سعید بن عطا از نقل کرده است صیغه اللهم صل علی محمد
وعلی آل محمد صلوة انت لها اهل وهو لها اهل وبارک وسلم شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله گفته که این
درود بحسن قبول رسیده است آورده اند که یکی از زائران که قبول درگاه نبوی بود با تحاف این صلوة اقامت داشت
چون خواست که از مدینه منوره زادها الله شرفا تحول کند در خواب آنحضرت را صلی الله علیه وسلم دید که میفرماید بار دیگر روز
دیگر بیش که این درود تو مارا خوش آمده است صیغه اللهم صل وسلم علی حبیبک وقریبک ونبیک
مظهر ربوبیتک ومثال حضرتک ومثال قدرتک روح القدس معطی الحیوة والفضیلة
بامرک ملکت العوالم مفیض نواطق النفوس ضیاء الظفر والمعالی سر وفیض نورک
شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در رسالهٔ جذب القلوب نوشته که بعض مشایخ گفته اند که این کلمات انشا کرده حضرت

محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه است صیغه اللهم صل علی محمد و علی آل محمد ما اختلف الملوان و تعاقب
العصران و تکرر الجدیدان و استقبل الفرقدان و بلغ روح محمد و ارواح اهل بیته منا التحیة و السلام
حسین کاشفی در تحفة الصلوة آورده که مردی نزد سلطان محمود سبکتگین آمد و گفت از مدتی میخواستم که پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم در خواب
بینم روشن بمساعدت سعادت بدین دولت مشرف شدم و عرض کردم که یا رسول الله هزار درم قرض دارم و بر ادای آن قادر نیستم می ترسم که اجل
در رسد و بار قرض برگردنم بماند آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که نزد سلطان محمود برو و هزار درم بگیر گفتم یا رسول الله شاید او از من باور نکند
و نشانی طلبد فرمود بگوید آن نشان که در اول شب که تکیه میکنی سی هزار درود و در آخر شب سی هزار درود بر من میفرستی چون سلطان محمود
این واقعه شنید بگریه درآمد و تصدیق وی کرد و قرض او ادا نمود و هزار دینار دیگر عطا فرمود چون ارکان دولت متعجب گشتند استفسار نمودند
و گفتند که اول شب با تو میباشیم نمی بینیم که تو بصلوة اشتغال یابی اگر کسی تمام روز و شب جهد نماید شصت هزار بار درود گفتن نتواند ترا
باندک فرصت چگونه این امر صورت می بندد گفت که از علما شنیده بودم که هر که این درود یکبار بگوید مقابل ده هزار است من در اول شب سه بار
و در آخر شب سه بار این درود میگویم و چنان میدانم که شصت هزار درود فرستادم پیغام سید انام که این درویش آورده دال است بر آنکه این گریه از نقاد
بود که سخن علما راست آمد و پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بر آن گواهی داد و شیخ عبد الحق دهلوی نیز این درود را در جذب القلوب آورده و در آن یک زیاده واضح
الغم ان بعد و استقبل الفرقدان صیغه اللهم صل علی سیدنا محمد و آل محمد صلوة تکون لک رضا و لحقه اداء
و اعطه الوسیلة و الفضیلة و الدرجة الرفیعة و ابعثه مقاما محمودا و اجزه عنا افضل ما جزیت
نبیا عن امته و صل علی جمیع اخوانه من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و علی جمیع
الاولیاء و المتقین و علی جمیع ملائکتک من اهل السموات و الارضین و علی جمیع عبادک الصالحین و علینا
معهم یا ارحم الراحمین شیخ عبد الحق دهلوی بعد از تحقیق الحق کرده است این لفظ علی سیدنا الشیخ محی الدین عبد القادر الامین و گفته که خواندن این صلوة بعد از صبح در کتب مشایخ
آمده است و در تحفة الترغیب این درود را باندک تغییر آورده و گفته که امام غزالی رضی الله عنه آنرا تحفه نامیده باید خواند و هر که آنرا هفت هزار بار بخواند جمیع حاجات او برآید
آنحضرت صلی الله علیه و سلم صیغه اللهم صل علی سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد صلوة تنجینا بها من جمیع
الاهوال و الآفات و تقضی لنا بها جمیع الحاجات و تطهرنا بها من جمیع السیئات و ترفعنا بها عندک
اعلی الدرجات و تبلغنا بها اقصی الغایات من جمیع الخیرات فی الحیوة و بعد الممات قصه این درود سابق
در باب ثمرات صلوة مذکور شده است صیغه اللهم صل علی سیدنا محمد النبی الامی الطاهر الزکی صلوة تحل بها
العقد و تفک بها الکرب صلوة تکون لک رضا و لحقه ادا و علی آله و صحبه و بارک و سلم شیخ عبد الحق
دهلوی رحمه الله بر حاشیه جذب القلوب نوشته است که خواندن این درود دل را روشن کند و سینه را گشاده گرداند و حاجات را مقضی
سازد و هموم و کروب را دفع نماید صیغه اللهم صل و سلم و بارک و کرم علی سیدنا و نبینا محمد عبدک و نبیک و رسولک
النبی الامی نبی الرحمة و شفیع الامة الذی ارسله رحمة للعالمین و علی آله و اصحابه و اولاده و ذریته

واهل بیته الطیبین الطاهرین وعلی ازواجه الطاهرات امهات المؤمنین افضل صلوة وازکی سلام
وانمی برکات عدد ما فی علمك وزنة ما فی علمك وملأ ما فی علمك ومداد کلماتك ومبلغ رضاك و
صل وسلم وبارك وکرم کذلك کله افضل صلوة وازکی سلام وانمی برکات وعلی جمیع الانبیاء و
المرسلین وعلی آله وازواجهم واصحابهم کل منهم والتابعین ودرینجا زیاده کرده است شیخ عبدالحق دهلوی رحمة الله در جذب
القلوب وعلی سیدنا الشیخ محی الدین عبد القادر الجیلانی المرسلین الامین وعلی کل ولی لله فی العالمین وسائر المؤمنین
من الاولین والاخرین عدد ما علم الله وملأ ما علم الله وزنة ما علم الله وارحمنا الهنا بحرمتهم اجمعین
واشفنا وعافنا من کل آفة وعاهة واعف عنا وعاملنا بلطفك الجمیل ولا تسلط علینا بذنوبنا من
لا یرحمنا برحمتك یا ارحم الراحمین آمین آمین آمین آمین ۔ از بعض صلحا نقل کرده که هر که مواظبت نماید برین صلوة نجات بخشد اورا
خدا تعالی از هر نازله و مکیده و از هر حادثه صیغه اللهم صل علی محمد النبی کما امرتنا ان نصلی علیه وصل علی محمد
النبی کما ینبغی ان یصلی علیه وصل علی محمد النبی بعدد من صلی علیه وصل علی محمد النبی بعدد من لم یصل
علیه وصل علی محمد النبی کما تحب ان یصلی علیه حصین کاشفی در تحفة الصلوة از ازهار الاحادیث از روایت انس رضی الله
عنه نقل کرده که یکی از صحابه از پیش روی صلی الله علیه وسلم گذشت آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که این مرد را هر روز آن قدر اعمال بمصعد
قبول میرسد که هیچ یکی را از امت من نخواهد بود گفتند که این کرامت بچه چیز یافت فرمود که جبرئیل با من همچنین گفته و چون استفسار کردم
چون جبرئیل بار دیگر نازل شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از وی پرسید گفت که هر روز ده بار این درود میخواند صیغه صلوات الله وملائکته
وانبیائه ورسله وجمیع خلقه علی محمد وعلی آله وعلیهم السلام ورحمة الله وبرکاته حصین کاشفی در تحفة الصلوة از
ریاض المذکرین از روایت امیر المومنین علی کرم الله وجهه نقل کرده که هر که هر روز سه بار و در روز جمعه صد بار این درود بگوید بدرستی که درود
فرستاده باشد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بعدد همه خلائق و در روز قیامت در زمره خواص آنحضرت صلی الله علیه وسلم مبعوث گردد و روی
صلی الله علیه بدست آن کس گرفته به بهشت در آید صیغه اللهم صل علی محمد ملأ السموات وملأ الارض وملأ العرش
العظیم این صلوة را شبلی علیه الرحمه بعد هر نماز پس از خواندن آیه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص
علیکم بالمومنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
میخواند بدین سبب روی صلی الله علیه وسلم در رؤیا بعض اولیا بر جبین او بوسه داد کما مر سابقا صیغه اللهم صل علی محمد وآله عدد ما خلقت
اللهم صل علی محمد وآله ملأ ما خلقت اللهم صل علی محمد وآله عدد کل شیء اللهم صل علی محمد وآله
ملأ کل شیء اللهم صل علی محمد وآله عدد ما احصاه کتابك اللهم صل علی محمد وآله ملأ ما احصاه کتابك
اللهم صل علی محمد وآله عدد ما احاط به علمك اللهم صل علی محمد وآله ملأ ما احاط به علمك حصین
کاشفی از فتوحات مکیه نقل کرده که سلطان ابراهیم ادهم رحمة الله علیه در حرم مسجد اقصا در قبة الملائکه با جماعتی از صالحین رحمهم الله ملاقی شد

مریکی یک کلمه از کلمات ثمانیه بوی آموختند و گفتند که ما را برکت این کلمات ترقی کلی هست در احوال و مواجید بسبب این بر ما غلبه میکند و فواید آن
بسیاست سلطان ابراهیم رحمه الله بقیة العمر بران مواظبت نمود **صیغه** اللهم صل علی سیدنا محمد مطلق عنان جواد
الایمان فی میدان الاحسان مرسلا مرشدا الی ریاض الکرم فی روض الجنان وعلی آل محمد وسلم حسین کاشفی
از شیخ سعد الدین حموی رحمه الله نقل کرده که هرکه باین نوع درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرستد بر اینه با ایمان از دنیا رود **صیغه** اللهم صل
علی سیدنا محمد مفرق فرق الکفر والطغیان ومشتت بغات جیوش القرین والشیطان وعلی آل محمد
وسلم حسین کاشفی از شیخ اکبر رضی الله عنه نقل کرده که خواندن این درود موجب امن از شر شیطان و دفع غلبه نفس و هوا است **صیغه** اللهم صل
علی سیدنا محمد حامی الفرق والفرقان وجامع الرزق ومنزله من سماء القرآن وعلی آل محمد وسلم حسین کاشفی
از شیخ اکبر رضی الله عنه نقل کرده که هر که این درود خواند هرگز بدست ظالمی مبتلا نشود و او را حق تعالی از احتیاج و تنگدستی نگاه دارد **صیغه**
اللهم صل علی محمد فی عرصات القیامة اللهم صل علی محمد حین تقوم الساعة والطامة اللهم صل علی محمد صلوة
مخلصة عن الملامة اللهم صل علی محمد صلوة مبلغة الی السلامة اللهم صل علی محمد صلوة فائضة علی اهل
الکرامة اللهم صل علی محمد فی کل حین و اوان اللهم صل علی محمد فی کل زمان ومکان اللهم صل علی محمد
بکل لسان وجنان اللهم صل علی محمد عند ظهور کل حکمة وبیان اللهم صل علی محمد حامل الکتاب العزیز وحامل
الفرقان اللهم صل علی محمد صلوة جامعة بین کن ومکان حسین کاشفی از شیخ سعد الدین رحمه الله نقل کرده که وی بظاهر دمشق
در غرفه بود وی صلی الله علیه وسلم آمده این یازده کلمه فرمود و باصلاح و انشاء آنحضرت صلی الله علیه وسلم کتابت کرده و در آخر آن من عنایت خود
زیادت نموده وصل علی جمیع اخوانه من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین اهل القبلة والایمان
والکتاب والمیزان یا حنان یا منان واغفر لامة نبیک وحبیبک محمد علیه الصلوة والسلام واسکنهم اعلی
الجنان واحسن الیهم یا ولی الاحسان وادخلهم برحمتک فی الرضا والرضوان والرحمة والغفران واعذهم
من الشیطان والنیران برحمتک یا ارحم الراحمین و گفته که خواندن این صلوة در وقت عرض حاجات موجب اجابت دعوات
و امن از مخافات است و اکثر بزرگان تجربه آن کرده اند **صیغه** اللهم صل علی محمد صلوة لاحقة بنوره اللهم صل علی
محمد صلوة مقرونة بذکره ومذکوره اللهم صل علی محمد صلوة جامعة بین معنی جهره و سره اللهم صل علی محمد صلوة محیطة بطور
صوره اللهم صل علی محمد صلوة منورة لقلوب اصحابه واصدقائه اللهم صل علی محمد صلوة شارحة منفردة فی مسطوره
وصل علی جمیع اخوانه من الانبیاء والاولیاء بعدد عبوره ومروره بین الماء وطهوره والنور وظهوره
والحق و اموره حسین کاشفی هم از شیخ سعد الدین نقل کرده که رهبان غرفه مذکوره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم در معامله این صلوات شنفته
خواص و فواید آن بسیار است **صیغه** اللهم صل علی محمد بعدد کل ذرة الف الف مرة حسین کاشفی گفته که یکی از خلفاء شیخ رکن الدین
علاء الدوله سمنانی رحمه الله آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب دید پرسید که چگونه درود گویم بر تو فرمود که این صلوة بگو **صیغه**

اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ فی اوّل کلامنا اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ فی وسط کلامنا اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ فی آخر کلامنا

حسین کاشفی آورده گفته که شیخ سعید الدین فرغانی در مناهج این صلوة را ایراد کرده و شیخ ابو العباس تبریزی گفته که هر که این را هر روز سه بار و هر شب سه بار بخواند گویا در تمام ساعات شبانروز صلوة فرستاده باشد **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله وسلّم عدد ما علمت اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله وسلّم زنة ما علمت اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله وسلّم ملأ ما علمت حسین کاشفی گفته که این صلوة از خصائص نبینا علیه الصلوة والسلام بعضی از اولیا این است سیدی او در مناهج فرغانی نیز مذکور و منافع آن نامحصور است **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی سیّدنا محمّدٍ وآله وصحبه وسلّم بعدد ما فی جمیع القرآن حرفًا حرفًا وبعدد کلّ حرفٍ الفًا الفًا حسین کاشفی از حافظ ابی الحسن علی بن محمود شاذلی نقل کرده که بموجب التماس او شیخ ابو عبد الله محمد تعلیم این صلوة مر او را کرد و گفت که بوقت اتمام وظیفه قرآن این صلوة خوانده باشد **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ بعدد کلّ داءٍ ودواءٍ حسین کاشفی از مولانا شمس الدین کیسی نقل کرده در ملک او وبائی عام بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در خواب دید واستعلام دعای برای امن از وبا نمود این صلوة تعلیم کرده فرمود که گفتن آن موجب امن از وبا است **صیغه** یا ربّ صلّ علی محمّدٍ بعدد ورق هذه الاشجار وصلّ علی محمّدٍ بعدد الورد والانوار وصلّ علی محمّدٍ بعدد قطرات الامطار وصلّ علی محمّدٍ بعدد رمل القفار وصلّ علی محمّدٍ بعدد دوابّ البراری والبحار حسین کاشفی از ذخیرة المذکورین آورده که یکی از صلحا راست در ایام بهار بصحرا رفت و سرسبزی اشجار وظهور انوار مشاهده نموده این کلمات گفت هاتفی آواز داد که این درود گوینده مع جمیع اخوان کرام کاتبین را چندین نوشتن ثواب این کلمات مستوجب جات بلند شد و هر چه کار ازین کرده بود آمرزیده شد **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی سیّدنا محمّدٍ افضل ما صلّیت علی احدٍ من خلقک صلوةً دائمةً ابدًا وامدًا باقیةً ببقائک تکون لک رضاءً ولحقّه اداءً صلوة مقبولة لدیک یا کریم ونعتنا علیه وعلی آله وصحبه بارک وسلّم این صلوة را شیخ عبد الحق دهلوی در کتاب جذب القلوب بحاشیه آن بلا نسبت بکسی ذکر کرده است و بعضی صیغه را که بعد ازین مذکور میشود بلا نسبت آورده **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ ملأ الدّنیا وملأ الآخرة وبارک علی محمّدٍ ملأ الدّنیا وملأ الآخرة وسلّم علی محمّدٍ ملأ الدّنیا وملأ الآخرة **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ وبارک وسلّم وعظّم وکرّم فی الدّنیا باعلاء دینه واظهار دعوته وانتظام ذکره وابقاء شریعته وفی الآخرة بقبول شفاعته فی امّته وتضعیف اجره وثوابه واظهار فضله علی الاوّلین والآخرین وتقدیمه علی کافّة الانبیاء والمرسلین فی شفاعته واعلاء درجته فی الجنّة وعلی آله واصحابه واتباعه اجمعین **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ معدن الجود والکرم ومنبع العلم والحکم وعلی آله وصحبه وسلّم **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ بعدد اوراق الاشجار وبعدد قطرات الامطار وبعدد دوابّ البراری والبحار وعلی آله وصحبه وسلّم **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ عدد کلّ ذرّةٍ الف الف مرّةٍ وعلی آله وصحبه وسلّم **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی سیّدنا محمّدٍ وعلی آل سیّدنا محمّدٍ النّبیّ الامّیّ الّذی ارسلته رحمةً للعالمین واصطفیته علی الخلائق اجمعین عدد ما فی علمک وملأ ما فی علمک وزنة ما فی علمک عدد خلقک عدد کلّ ذرّةٍ اضعافًا مضاعفةً فی ذلک الف مرّةٍ

فی القمرۃ فی کل نفس و لمحۃ و لحظۃ لم تزل یطرف بہا اہل السموات والارض وعلی آلہ وصحبہ وسلم **صیغہ**

اللہم صل علی محمد عبدک ورسولک السید الکامل الفاتح الخاتم نور کل الیمین ورسولک الصادق الامین

وآت سیدنا محمد الوسیلۃ والفضیلۃ والدرجۃ الرفیعۃ وابعثہ المقام المحمود الذی وعدتہ الشفیع المرتضی

ورسولک المجتبی اللہم صل علیہ وعلی آلہ کما صلیت علی ابراہیم وبارک علیہ وعلی آلہ کما بارکت علی ابراہیم فی العالمین

انک حمید مجید عدد خلقک ورضا نفسک وسلم تسلیما کثیرا کثیرا طیبا مبارکا برحمتک یا ارحم الراحمین

صیغہ اللہم صل علی محمد عدد کل ما خلقت وذرأت وبرأت وعدد کل قطرۃ قطرت من سمواتک

الی ارضک من حین خلقت الدنیا الی یوم القیمۃ کل یوم الف مرۃ وعلی آلہ وصحبہ وسلم اجمعین **صیغہ**

اللہم صل علی محمد وعلی آلہ وصحبہ وسلم عدد کل شیء وصل علی محمد وآلہ وصحبہ وسلم زنۃ کل شیء وصل علی

محمد وآلہ وصحبہ وسلم ملأ کل شیء **صیغہ** اللہم صل علی محمد وآلہ وصحبہ وسلم عدد خلقک ورضا نفسک وزنۃ عرشک ومداد کلماتک ومنتہی علمک

صیغہ صلی اللہ علی محمد وآلہ وسلم صلوۃ ہو اہلہا شیخ عبد الحق دہلوی رحمۃ اللہ نزد ابن دو نوع ہشتم بخواندن در صبح وشام واقع شدہ است **صیغہ** اللہم اجعل افضل

صلواتک ابدا وانمی برکاتک سرمدا وازکی تحیاتک فضلا وعددا علی اشرف الخلائق الانسانیۃ ومجمع الحقائق الایمانیۃ وطور التجلیات الاحسانیۃ

ومہبط الاسرار الرحمانیۃ وعروس المملکۃ الربانیۃ وامام الحضرۃ القدسیۃ وواسطۃ عقد النبیین ومقدم

جیش المرسلین وقائد رکب الانبیاء المکرمین وافضل الخلق اجمعین حامل لواء العز الاعلی ومالک ازمۃ

المجد الاسنی شاہد اسرار الازل مشاہد انوار السوابق الاول وترجمان لسان القدم ومنبع العلم والحلم

والحکم ومظہر سر الجود الجزئی والکلی وانسان عین الوجود العلوی والسفلی روح جسد الکونین وعین حیوۃ

الدارین المتحقق باعلی رتب العبودیۃ المتخلق باخلاق المقامات الاصطفائیۃ الخلیل الاعظم والحبیب الاکرم

سیدنا محمد بن عبد اللہ بن عبد المطلب وعلی آلہ وصحبہ اجمعین عدد معلوماتک ومداد کلماتک کلما ذکرک وذکرہ

الذاکرون وکلما غفل عن ذکرک وذکرہ الغافلون این صلوۃ از قطب ربانی محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی قدس اللہ سرہ

است و از حافظ محمد اسعد بن محمد سعید مکی انصاری خزرجی بخاری به نظام الدین احمد ابن عاصی رحمہم اللہ رسیدہ کہ خواندن این صلوۃ بعد صوم و تعظیم

و تطییب بزد خواب صفت بار روئیت جمال مصطفوی است صلی اللہ علیہ وسلم و این صلوۃ را صاحب تحفۃ الغریب باندک تفاوت نقل کردہ است

صیغہا صلوۃ کہ اولیا و علماء امت انشا نمودہ اند از حیطہ حصر بیرون و از دایرہ احصا افزون است بنا بر رعایت اختصار برین چند صیغہ اکتفا

کردہ شد و فی الحقیقۃ اگر شرف قبول میسر گردد یک صلوۃ کافیست

مورد سیوم در تعیین افضل کیفیات صلوۃ

کیفیات صلوۃ کہ در احادیث شریفہ وارد است بلا شک اتیان بان بحیثیت تلبس بلفظ شریف وی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم افضل از کیفیات

است لہذا بعضی علما گفتہ اند کہ افضل الصلوۃ آنست کہ بعد تشہد صحیح آمدہ بدلیل تعلیم وی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مر صحابہ را بعد سوال ایشان

چرا کہ حق تعالی نکند وی صلی اللہ علیہ وسلم برای ذات شریف خود مگر آنچہ افضل و اشرف است و از اینجاست تصویب امام نووی رحمہ اللہ در روضہ

اگر کسی حلف کند که افضل صلوات بو رسند بر آن کس شود مگر بدان کیفیت وسیکی و توجیه آن گفته که هر بدان صیغه صلوة گوید پس تحقیق صلوة گفته باشد
یقینا و بیقین داده شود و اول آنکه در احادیث در فرستادن صلوة موعود است هر که بغیر آن صیغه درود فرستد در اتیان صلوة مطلوبه شکست
زیرا که چون صحابه سوال کردند در جواب ایشان فرمود که بگوئید این چنین پس طلب فرمود از ایشان گفتن صلوة مخصوصه و در تعیین آن کیفیت علما را بازده
قول است **اول** گفته است امام شافعی رضی الله عنه که افضل آنست که بگوید در تشهد اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی
ابراهیم وآل ابراهیم وبارک علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید امام نووی
ره در شرح مهذب حکم باولویت آن کرده لیکن زیادت لفظ علی نزد آل ابراهیم در هر دو موضع بنا بر رود آن در احادیث صحیحه **دوم** اللهم صل
علی محمد وآل محمد کلما ذکره الذاکرون وکلما سهی عنه الغافلون امام رافعی از مروزی رحمهما الله نقل کرده که اگر کسی حلف کند
بفرستادن افضل صلوة پس برات نخواهد شد مگر باین صیغه و اخذ کرده است این را از اختیار کردن امام شافعی رضی الله عنه در خطبه رساله خود
این صیغه را لیکن بدل لفظ غفل سهی آورده **سوم** گفته است قاضی حسین غیر او که افضل صیغ اللهم صل علی محمد کما هو اهله
ومستحقه است و قریب باین است قول بعضی دیگر که افضل حمد و صلوة این است اللهم لک الحمد کما انت اهله فصل علی محمد کما انت
اهله وافعل بنا ما انت اهله فانک اهل التقوی والمغفرة **چهارم** بارزی گفته که ابلغ و افضل این است اللهم صل
علی محمد وعلی آل محمد افضل صلواتک عدد معلوماتک **پنجم** بعضی گفته اند که افضل این است اللهم صل علی سیدنا
محمد النبی الامی وعلی کل نبی وملک وولی عدد الشفع والوتر وعدد کلمات ربنا التامات المبارکات
ششم بعضی محققان گفته اند که ابلغ و افضل این است اللهم صل علی محمد عبدک ونبیک ورسولک النبی الامی وعلی آله
وازواجه وذریته وسلم عدد خلقک ورضی نفسک وزنة عرشک ومداد کلماتک **هفتم** بعض محققین گفته اند که این
کیفیت افضل است ماخوذ از حدیث صحیح تسبیح اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد وسلم عدد خلقک ورضی نفسک وزنة عرشک
ومداد کلماتک **هشتم** بعض علما گفته که افضل کیفیات این است اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد صلوة دائمة بدوامک
نهم بعضی گفته اند که افضل این است اللهم یارب محمد وآل محمد صل علی محمد وآل محمد واجز محمدا صلی الله علیه وسلم
ما هو اهله **دهم** نزد بعضی افضل این است اللهم صل علی محمد النبی وازواجه امهات المومنین وذریته واهل بیته
کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید زیرا که این کیفیت در حدیث من سره ان یکتال بالمکیال الاوفی آمده است
یازدهم ابن نخاس گفته که نزد من اشمل و اتم و افضل و اکثر از روی عدد صلوة از غیر این صیغه اللهم صل افضل صلواتک علی سیدنا
محمد وعلی آله وصحبه وسلم عدد معلوماتک ومداد کلماتک کلما ذکرک الذاکرون وغفل عن ذکرک الغافلون
دوازدهم امام نووی ره در شرح مهذب گفته سزاوار است که جمع کرده شود میان کیفیاتیکه در احادیث صحیحه وارد است پس بگوید
اللهم صل علی محمد النبی الامی وعلی آل محمد وازواجه وذریته کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم
وبارک علی محمد النبی الامی وعلی آل محمد وازواجه وذریته کما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم

فی العالمین انک حمید مجید و در اذکار خود زیاده کرده است لفظ عبدک و رسولک بعد صل علی محمد نقصه فتاوی خود ساقط کرده است لفظ النبی الامی بعد بارک محمد و بر ان اعتراض کرده است بایکه لفظ امهات المومنین بعد ازواجه و لفظ اهل بیته بعد ذریته و لفظ عبدک و رسولک بعد و بارک علی محمد و لفظ فی العالمین انک حمید مجید پیش از و بارک و لفظ و ترحم علی محمد الخ بعد انک حمید مجید اخیر و لفظ اصل علینا معهم بعد آن زیاده باید کرد زیرا که در روایت ابی داود و غیره این الفاظ وارد است **سیزدهم** گفته است شیخ محقق کمال الدین بن همام حنفی رحمه الله جمیع کیفیات وارده درین صیغه موجود اند اللهم صل افضل صلواتک علی سیدنا عبدک و نبیک و رسولک محمد و آله وسلم علیه تسلیما و زده شرفا و تکریما و انزله المنزل المقرب عندک یوم القیمة **چهاردهم** جمع کرده است بعض علما جمیع آنچه آمده است در احادیث درین صیغه اللهم صل و بارک و ترحم علی محمد عبدک و نبیک و رسولک النبی الامی سید المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین امام الخیر و قائد الخیر و رسول الرحمة و علی ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل بیته و الدوا صهاره و انصاره و اتباعه و اشیاعه و محبیه کما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید و صل و بارک و ترحم علینا معهم افضل صلواتک و ازکی برکاتک کلما ذکرک الذاکرون و غفل عن ذکرک الغافلون عدد الشفع و الوتر و عدد کلماتک التامات المبارکات و عدد خلقک و رضی نفسک و زنة عرشک و مداد کلماتک صلوة دائمة بدوامک اللهم ابعثه یوم القیمة مقاما محمودا یغبطه به الاولون و الاخرون و انزله المقعد المقرب عندک یوم القیمة و تقبل شفاعته الکبری و ارفع درجته العلیا و اعطه سوله فی الاخرة و الاولی کما آتیت ابراهیم و موسی اللهم اجعل فی المصطفین محبته و فی المقربین موده و فی الاعلین ذکره و اجزه عنا ما هو اهله خیر ما جزیت نبیا عن امته و اجز الانبیاء کلهم خیرا صلوة الله و صلوة المومنین علی النبی الامی السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و مغفرته و رضوانه اللهم ابلغه منا السلام و اردد علینا منه السلام و اتبعه من امته و ذریته ما تقر به عینه یا رب العالمین **پانزدهم** شیخ ابن حجر مکی ره گفته که احسن میل دارم که بخوانم از سائلها این است اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک النبی الامی و علی آل محمد و ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل بیته کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید و بارک علی محمد عبدک و رسولک النبی الامی و علی آل محمد و ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل بیته کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید و کما یلیق بعظیم شرفه و کماله و رضاک عنه و کما تحب و ترضی له عدد معلوماتک و مداد کلماتک و رضی نفسک و زنة عرشک افضل صلوة و اکملها و اتمها کلما ذکرک و ذکره الذاکرون و غفل عن ذکرک و ذکره الغافلون و سلم تسلیما کذلک و علینا معهم و گفته که این کیفیت ابلغ کیفیات مذکوره است بنا بر اشتمال آن بر اصح کیفیات با زیادتی بلیغه که متضمن است معانی جمیع الفاظ کیفیات مذکوره را

و در تحفة القلوب و جذب القلوب هم گفته اند که این کیفیت افضل و اشمل و ابلغ کیفیات است و اذرعی از شافعیه و ابن قیم از حنابله و ابن جوزی
گفته اند اولی آنست که هر صیغه که در حدیث وارد است علیحده در هر وقت از اوقات بخواند تا اتیان بجمیع آنچه ورود یافته کرده باشد
و تلفیق میان صیغ مستلزم احداث صیغه دیگر است که ثبوت مجموع آن در هیچ حدیثی ورود نیافته لیکن ابن اسعد نقل کرده است از جمعی از صحابه و من
بعدهم رضی الله عنهم که در فرستادن صلوة بر وی صلی الله علیه و سلم توقیف و تنصیص نیست بلکه هر کرا حق تعالی بیانی شافی و قوت تعبیر معانی
صحیحه بالفاظ فصیحه کرامت کند و بدان اظهار و ابانت عظم حرمت و کمال شرف نبوی صلی الله علیه و سلم نماید و بانشاء صلوات و تسلیمات
بلیغه مشرف گردد و از ممتثلان امر صلوا علیه و سلموا تسلیما شود چنانچه ابن مسعود رضی الله عنه گفته نیک کنید صلوة بر پیغمبر شما پس بدرستیکه شما نمی دانید
که شاید آن عرض کرده شود بر وی صلی الله علیه و سلم و بعضی از مفسران در تفسیر این آیه کریمه وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا گفته اند که مراد از ناس آنحضرت صلی الله
علیه و سلم است بطریق ذکر عام و اراده خاص و مراد از حسن قول صلوة بر وی صلی الله علیه و سلم است انتهی آری استعمال بصلوات ماثوره اگرچه از بعض صحابه
باشد افضل است زیراکه الوارد [illegible] الاجابة گفته اند و قول بعضی که نیل ثواب صلوة نیست مگر در اتیان بصلوة وارده
هم محمول است بکمال ثواب زیراکه در اتیان آن تلبس بالفاظ وی صلی الله علیه و سلم است **مورد چهارم** در وجه تخصیص تشبیه صلوة
بر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بصلوة بر ابراهیم و آل او صلی الله علی نبینا و علیهما و سلم چون در کلام الهی هیچ یکی را از انبیا علیهم السلام
نیامده است جمع میان رحمت و برکت مگر ابراهیم و آل او را علیهم السلام قال الله تعالی رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ ازین حیثیت مخصوص شد تشبیه باو علیه السلام و نیز ابراهیم افضل انبیاست بعد وی صلی الله علیه و سلم و نیز ابراهیم از آبای آنحضرت است صلی الله
علیهما و سلم پدر اقرب است از همه و نیز مشابهت پدر با پسر در فضائل مرغوب میباشد تا مشابهت بغیر و نیز موافقت دارد آنحضرت صلی الله علیه و سلم با ابراهیم
علیه السلام در ملت قال تعالی مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ و نیز در اجابت دعای ابراهیم است علیه السلام که گفت وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ
فِي الْآخِرِينَ و نیز آنحضرت صلی الله علیه و سلم مامور بود باقتدای ابراهیم علیه السلام و شیخ ابو محمد جرجاره گفته که سر در تشبیه با ابراهیم نه موسی
علیهما السلام آنست که موسی را تجلی بجلال بود کما قال تعالی وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا و خلیل را علیه السلام تجلی بجمال بود
زیراکه محبت و خلت از آثار تجلی بجمال است و بعضی علما مناقشه کرده اند زیراکه از مقررات است که مشبه دون مشبه به بود و درینجا
بعکس آنست زیراکه محمد صلی الله علیه و سلم افضل است از ابراهیم و آل او علیهم السلام و جواب آن میدهند بچند وجه اول آنکه این تشبیه
قبل از علم آنحضرت صلی الله علیه و سلم بود بافضلیت خود از ابراهیم علیه السلام بر او روایت کرده است مسلم از حدیث انس رضی الله عنه که
مردی آنحضرت را صلی الله علیه و سلم گفت يَا خَيْرَ الْبَرِيَّةِ آنحضرت فرمود ذَلِكَ إِبْرَاهِيمُ و بر این اعتراض کرده اند که این سخن اگر درست
بود پس وی صلی الله علیه و سلم بعد علم بافضلیت خود تغیر دادی کیفیت صلوة را **دوم** تشبیه برای تواضع است تا اظهار منزلت و وقع را
تعلیم امت است بتواضع که موجب اکتساب فضیلت و ثواب است ایراد کرده اند بر آن که مشروعیت تواضع جائی است که موهم خلاف واقع
نشود **سوم** تشبیه اصل صلوة است باصل صلوة نه تشبیه قدر آن بقدر آن یعنی چنانچه متقدم شده است صلوة بر
ابراهیم سوال صلوة میکنیم از تو بر محمد بطریق اولی چرا که آنچه ثابت است مر فاضل را اولی است بثبوت آن مر افضل را التشبیه

برای تشبیه است چنانچه در قول تعالی اِنّا اَوحَینا اِلَیکَ کَما اَوحَینا اِلی نُوحٍ و در قول تعالی اَحسِن کَما اَحسَنَ اللهُ اِلَیکَ و در قول تعالی
کُتِبَ عَلَیکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِن قَبلِکُم و امثال این بسیار است قرطبی ترجیح داده این را در فهم و امام نووی
نیز تحسین آن کرده است چهارم اینکه کاف در کما صلیت برای تعلیل است چنانچه در قول تعالی اذکروه کما هداکم ای لاجل هدایته
ایاکم یعنی یاد کنید خدا تعالی را بسبب هدایت کردن او شما را و همچنین است تقدیر صل علی محمد کما صلیت علی ابراهیم یعنی درود بر
محمد بسبب درود فرستادن تو بر ابراهیم پنجم اینکه تشبیه متعلق است بآل محمد فقط و عمرانی از شیخ ابی حامد نقل کرده که این جواب منصوص است از امام شافعی
رضی الله عنه و اعتراض کرده اند باینکه لازم آید مساوات آل وی صلی الله علیه وسلم با ابراهیم علیه السلام و مساوات غیر انبیا با انبیا محال است و دفع کرده شده
باینکه درینجا مطلوب است صلوة بر آل محمد صلی الله علیه وسلم مثل صلوة بر ابراهیم و آل او علیه السلام در اصل ثواب و تعظیم نه در کمال آن که مساوات
غیر نبی با نبی در آن محال است و ابن قیم زعم کرده است عدم صحت این قول از امام شافعی رضی الله عنه چرا که این ترکیب رکیک در غیر موضع است و از
فصاحت امام بعید و شیخ ابن حجر مکی ره در کتاب در منضود نفی رکاکت آن نموده زیرا که تقدیر کلام وَصَلِّ عَلی آلِ مُحَمَّدٍ کَما صَلَّیتَ
عَلی اِبراهِیمَ پس تشبیه متعلق است بجمله ثانیه و آن مخالف قاعده امام نیست چه نزد او جائز است رجوع متعلقات سوی جمیع جمل اما این توجیه
مذکور در روایاتی که در آن لفظ آل محمد نیست جاری نمیشود دلیل تمام است ششم تشبیه مجموع بمجموع است زیرا که انبیا از آل ابراهیم علیه السلام بسیار اند
پس اگر مقابله کرده شود آن ذوات کثیره را از ابراهیم و آل او علیه السلام با صفات کثیره آنحضرت صلی الله علیه وسلم ممکن است انتفاء تفاضل و قریب بدان
است قول ابی الیمن بن عساکر و ابن عبد السلام و حاصلش اینکه صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او مشابه است بصلوة بر ابراهیم علیه السلام
و آل او پس حاصل میشود مر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او را از آثار رضوان متعارف آنچه حاصل است مر ابراهیم علیه السلام و آل او را که اکثر انبیا
اند پس تقسیم کرده شود و جمله آن پس حاصل خواهد شد آل آنحضرت صلی الله علیه وسلم را آنچه حاصل است آل ابراهیم علیه السلام را زیرا که غیر انبیا مساوی
انبیا نمیشود انتهی چون متعارف مساوی شد صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او مجموعا و صلوة بر ابراهیم علیه السلام و آل او مجموعا
درست شد تشبیه و لازم نیامد افضلیت ابراهیم علیه السلام امام نووی و ابن قیم رحمهما الله تحسین کرده اند این توجیه را اگرچه در روایتی که در آن لفظ آل
محمد نیست این توجیه هم جاری نمیشود والله اعلم هفتم در اینجا تشبیه است میان عطیه الهی مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که قبل از دعا حاصل نبود
زیرا که دعا متعلق نمیشود مگر بمعدوم و میان عطیه الهی مر ابراهیم علیه السلام را که حاصل بود لیکن آنچه آنحضرت را صلی الله علیه وسلم قبل از دعا حاصل است
داخل نشد در تشبیه و آنچه بعد دعا حاصل شد در آن فضل مر ابراهیم را است علیه السلام و تشبیه را بعید فضل کافی است که او را حاصل بود و آنحضرت را
بعد دعا حاصل شد و مشکل آنست که تشبیه عطیه حاصله آنحضرت صلی الله علیه وسلم بعطیه حاصله ابراهیم علیه السلام باشد و آن خود در اینجا نیست
هشتم تشبیه باعتبار صلوة نیست که حاصل میشود آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و آل او را از هر فرد امت تقی الدین سبکی و پسر او رحمهما الله
بیان تحقیق کرده اند باینکه صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعوتیست مستجاب و آنچه طلب میکند هر فرد غیر آنست که طلب کند دیگری و الا لازم آید
حاصل بغیر بارکه بنده دعا کند بصلوة بصیغه مذکوره حاصل شود از خدا تعالی آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و آل او را صلوتی که مماثل
صلوة بر ابراهیم علیه السلام و آل او است پس مجموع حاصل شود آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و آل او را اضعاف آنچه حاصل ابراهیم

علیه السلام و آل او را که تشبیه راجع است بمصلی حاصلش اینکه الهی عطا کنی مرا بر صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او ثوابی مثل ثوابیکه
درود فرستد بر ابراهیم و آل او لیکن بعد تکلف این چه ظاهر است **دهم** تشبیه مخصوص به اعلی نیست بلکه گاهی به ادون هم میشود مانند قول حق تعالی مثل
نوره کمشکوٰة وجه واقع است نور مشکاة را از نور حق تعالی لکن چون مقصود ظهور و وضوح نزد سامع بود درست شد تشبیه نور حق تعالی بمشکاة
و درینجا نیز همچنان است که هر گاه تعظیم ابراهیم علیه السلام و آل او مشهور بود نزد همه عرب درست شد طلب مثل آن برای آنحضرت صلی الله علیه وسلم
و موید آن است ذکر لفظ فی العالمین بعد ذکر آل ابراهیم فقط نه بعد ذکر آل محمد صلی الله علیه وسلم چنانچه در روایت مسلم و غیر او وارد است حاصلش
اینکه الهی چنانچه ظاهر کرده صلوة بر ابراهیم و آل او علیه السلام در عالمین ظاهر کن صلوة را بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او پس تشبیه از باب الحاق
غیر مشتهر بمشتهر است نه از باب الحاق ناقص بکامل **یازدهم** آنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم از آل ابراهیم علیه السلام است پس گویا که امر کرد ما را بفرستادن
صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او خصوصا بقدر صلوة ما بر وی صلی الله علیه وسلم با ابراهیم علیه السلام و آل او عموما پس صلوة بر ابراهیم
و آل او که آنحضرت صلی الله علیه وسلم داخل ایشان است اقوی است از صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او فقط پس حاصل شد از صلوات
مر آل محمد را صلی الله علیه وسلم آنچه لایق بایشان است و آنچه باقی ماند کل حاصل است مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و آن ازید و افضل
است از آنچه مر غیر او را است قطعی **دوازدهم** مراد از اللهم صل علی محمد و آل محمد الخ آنست که الهی بگردانی از اتباع
صلی الله علیه وسلم کسیکه در امر دین بمرتبه علیا رسد چنانچه صلوة فرستادی بر ابراهیم علیه السلام به پیدا کردن انبیا علیهم الصلوة والسلام
در آل او و صلوة فرستی بر آل محمد صلی الله علیه وسلم بعطای محدثیت و اجتهاد در دین مر اوشان را چنانچه صلوة فرستادی بر آل ابراهیم
علیه السلام بعطای نبوت که تشریع و وحی مر ایشان را لیکن اتباع آنحضرت صلی الله علیه وسلم مشابه انبیا علیهم السلام اند در تشریع دین و احکام آن چنانچه در حدیث
وارد است علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل این توجیهات را شیخ ابن حجر مکی در کتاب در منضود آورده و صاحب مطالع المسرات بعد ذکر بعض
بذکر بعضی از آن شده **سیزدهم** وجه شبه این است که هر واحد از صلوتین افضل است از صلوة بر سابقین پس صلوة بر سید المرسلین صلی
الله علیه وسلم افضل است از صلوة بر سابقین و از ایشان است ابراهیم علیه السلام چنانچه صلوة بر ابراهیم علیه السلام افضل است از صلوة
بر جمیع انبیاء سابقه علیهم السلام این وجه را ملا جلال الدین دوانی رح از قدوة الاصفیا سید عبد الرحمن صفی قدس سره در رساله
خود نقل کرده و تحسین آن نموده و گفته که بالمشافهه از شیخ شنیده ام و از ایراد بلزوم افضلیت صلوة بر آل محمد از صلوة بر آل
ابراهیم علیهما الصلوة والسلام جواب داده که تفضیل مجموع بر مجموع است و نیز جایز است تفضیل مفضول ببعض وجوه چه فضل جزئی منافی
فضل کلی نمیشود پس ممکن است تفضیل صلوة بر آل محمد صلی الله علیه وسلم بر صلوة بر آل ابراهیم علیه السلام باعتبار بعض وجوه چنانچه
در حدیث آمده ان لله عبادا لیسوا بانبیاء ویغبطهم الانبیاء بدرستی مر خدای تعالی را بندگانند که نیستند پیغمبران
و حال آنکه آرزوی آنها میکنند پیغمبران و از ایراد باینکه وجه شبه اقوی باشد در مشبه به و آن خود درین توجیه مفقود است جواب
داده که صلوة بر ابراهیم و آل او علیه السلام مشهور و متعارف است بین الامم پس قوت از روی شهرت کافی است و از ایراد
باینکه در اول امر این جواب کافی است احتیاج بچندین تکلفات نیست جواب داده که در صورت اکتفا باین در اول وهله افضلیت صلوة بر آنحضرت

صلی الله علیه وسلم بر صلوة بر ابراهیم علیه السلام از عبارت جواب معلوم نمیشود لهذا مرتکب چنین تکلفات شدیم این حاصل تمام رساله ملا جلال دوانی
رحمه الله

باب دهم در فواید متفرقه

فائده در جواز دعا برحمت برای آنحضرت صلی الله علیه وسلم خلاف است ابن
عبد البر منع کرده زیرا که در ان ایهام نقص و قصور است و در نص قرآن مجید صَلُّوا وَسَلِّمُوا وکذلک در حدیث من صلی وارد شده نه من ترحم یا من دعا
و جمعی از علما روا میکنند بوروده آن در احادیث صحیحه اصح آن حدیث تشهد است اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
و بتقریر آنحضرت صلی الله علیه وسلم مر اعرابی را که در حضور وی صلی الله علیه وسلم گفت اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي وَارْحَمْ مُحَمَّدًا و بقول وی صلی الله علیه وسلم اللهم
اِنِّي اَسْاَلُكَ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ اَللّٰهُمَّ اَرْجُو رَحْمَتَكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيثُ و بقول امام شافعی رض در خطبه رساله خود صلی الله
علیه وسلم ورحم وکرم و جمعی گفته اند که ممنوع است افراد آن از صلوة یا سلام پس گفته نشود تنها علی النبی رحمة الله زیرا که در ان ترک ماموره
وخلاف ادب بنابر استلزام آن تسویه میان وی صلی الله علیه وسلم و افراد امت و اما جواز بر سبیل تبعیت صلوة و سلام پس وجه المنابت خطابات
است و اکثر شیا جائز اند تبعا نه استقلالا و تقریر وی صلی الله علیه بنابر تالیف اعرابی بوده یا بنابر مسامحت زیرا که وی صلی الله علیه وسلم با کسی مراعات نرمی
نخود را انتقام نفرموده قاضی عیاض این قول را در کمال از جمهور نقل کرده و قرطبی گفته که همان است قول صحیح و صاحب مطالع المسرات نقل کرده که
حق همان است و امام غزالی ره نیز جزم کرده است بعدم جواز آن بانفراد بدلیل قول وی تعالی لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ
بعضا و ممکن است که حمل کرده شود بر ان قول ابن عبد البر و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که ظاهر قول اعرابی و تقریر وی صلی الله علیه وسلم را بر او
دلیل جواز است بدون انضمام صلوة یا سلام و قول بعدم جواز محمول است بر نفی جواز مستوی الطرفین پس صادق آید بانکه مکروه است یا خلاف
اولی است و اما لفظ ترحم پس امام نووی و ابن عربی و غیر اینها رحمهم الله گفته اند که زیادت آن در صلوة بدعت و لا اصل است و جمعی از متاخرین
که جامع اند میان حدیث و فقه نصرت اینها کرده میگویند که احتجاج بعض شافعیه و حنفیه و مالکیه بزیادت آن با حادیثیکه در ان این لفظ
آمده صحیح نیست زیرا که همه روایات که در ان لفظ ترحم است واهی است و سند آن خالی از کذاب یا متهم بکذب و وضع نیست و عمل بحدیث ضعیف
در فضائل اعمال مبنی بر عدم اشتداد ضعف است چنانچه سبکی رحمه الله ذکر کرده و صیدلانی از ائمه شافعیه در انکار زیادت رحمت مبالغه نموده
و گفته که بعض مردم زیاده میکنند وارحم محمدا کما ترحمت یا رحمت علی ابراهیم و حالانکه آن غیر وارد و غیر صحیح است زیرا که
گفته نمیشود رحمت علیه بلکه میگویند رحمته یعنی متعدی بعلی نمیشود بلکه متعدی بنفسه میگردد و اما ترحم پس آن بمعنی تکلف و تصنع است
و اطلاق آن در حق وی تعالی غیر مستحسن مخفی نماند که قول صیدلانی بعدم صحت ترحمت علیه مسلم است در رحمت علیه غیر مسلم زیرا که صغانی
از بعض متعدد بن ائمه لغت نقل کرده که ترحمت علیه لحن و خطا است و صواب رحمت علیه است بتشدید حا و اما رحمت علیه بکسر حای مخففه
پس صاحب قاموس گفته که منقول نیست از مشاهیر ائمه لغت و بر تقدیر صحت نقل در غایت شذوذ و ضعف است و ابن یوسف شارح وجیز از
جوهری نقل کرده که رحمت علیه میگویند انتهی بتسلیم رحمت متضمن معنی صلوة است پس صحیح شد تعدیه بعلی و اما قول وی که ترحم
مشعر بتکلف است منتقض میشود بلفظ متکبر و متفضل که در شرع اطلاق آن در حق وی تعالی آمده است اگر کسی گوید که وی صلی الله
علیه وسلم غنی نیست از رحمت بنص قرآن مجید وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ پس چه احتیاج است بسوی دعا

رحمت بگویم که بودن وی صلی الله علیه وسلم رحمت برای خلق از جمله رحمتهای الهی است و مر وی تعالی را رحمتهای دیگر است بر آنحضرت صلی الله علیه
وسلم که طلب کرده میشود بدعا بجهت حصول نظائر آن کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **فائده** در زیادت لفظ
سیدنا پیش از نام شریف آنحضرت صلی الله علیه وسلم خلاف است مجد الدین لغوی رحمه الله گفته که ظاهر ترک آنست بنابر اقتصار بر آنچه وارد
شده است در حدیث صحیح و گفته یاد دارم که شیخ عز الدین بن عبد السلام بنا کرده است بر اینکه امتثال امر افضل است یا سلوک طریق
ادب پس بر تقدیر اخیر مستحب است انتهی و شیخ ابن حجر مکی ره نیز مایل باستحباب شده و گفته که سلوک طریق ادب اولی است از امتثال
زیرا که چون امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه در حالت امامت چون آنحضرت را صلی الله علیه وسلم دید متاخر گردید از مکان خود
و آن حضرت صلی الله علیه وسلم امر کرد بثبوت در مکان او پس امتثال امر نکرد و چون وی صلی الله علیه وسلم بعد از فراغ نماز پرسید عرض کرد
که بنابر ادب امتثال امر ننمودم و گفت ماکان ینبغی لابن ابی قحافة ان یتقدم بین یدی رسول الله صلی
الله علیه وسلم یعنی نیست سزاوار مر پسر ابی قحافه را که متقدم شود پیش رسول خدا صلی الله علیه وسلم و در ینجا دلیل قوی است بر اینکه
سلوک طریق ادب اولی است از امتثال امر و از ابن مسعود رضی الله عنه باسناد موقوف بصحت رسیده که نیک کنید صلوة بر پیغمبر شما و ذکر
کرده است در آن کیفیتی که در آن لفظ سید المرسلین است و آن شامل است نماز و خارج آنرا و بعض محشیان حاوی گفته که
زیادت سیدنا مبطل نماز است شیخ ابن حجر مکی ره گفته که این غلط واضح است و احتجاج بعض با تعین خارج صلوة
بحدیث انکار وی صلی الله علیه وسلم بر کسیکه گفت انت سیدنا بیموقع است زیرا که انکار برای افراط در مدح است
با وصفیکه بعد آن ذکر کرد و شیخ محقق جلال الدین محلی ره گفته که ادب با کسیکه مذکور شود مطلوب است در شرع بذکر لفظ
سید چنانچه در حدیث صحیحین آمده قوموا الی سیدکم یعنی سیدکم ابن معاذ و سیادت او بعلم و دین بود پس قول
مصلی اللهم صل علی سیدنا محمد اتیان مامور به و زیادت اخبار بامر واقعی است انتهی و صحت سید
است قول وی صلی الله علیه وسلم انا سید ولد آدم من سرور اولاد آدم ام اما ابن تیمیه که فتوی بترک آن
داده است پس جماعه از شافعیه و حنفیه بر وی رد و تشنیع نموده اند و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که او لایق آنست
فایده فتوی داده است ابن عبد السلام ره باینکه اولی در صلوة اقتصار بر کسانیست که در احادیث مذکور اند از آل
و ازواج و ذریت و اهل بیت نه اصحاب شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته این ظاهر است نسبت بصلوة تشهد اما در صلوة
خارج صلوة پس اولی است ذکر اصحاب در آن زیرا که هرگاه مطلوب شد صلوة بر همه آل و در آنهاست غیر صحابی
نیز پس طلب آن برای صحابه اولی است بلکه قنوت حکم باستحباب آن کرده کما مر سابقا **فائده** بعضی گفته
اند که در نماز تعیین لفظ صلوة که در حدیث وارد است واجب است و مذهب عدم تعیین است پس کفایت خواهد کرد اللهم
صل علی محمد و همچنین صلی الله علی محمد بر قول اصح زیرا که در خبر زیادت تاکید است بخلاف الصلوة علی
رسول الله که بالاتفاق کافی نیست زیرا که خالی است از اسناد صلوة بسوی حق تعالی پس اگر نشد آن و معنی وارد

وازینجاست قول نیساپوری رحمه الله که کافی نیست گفتن صَلَّیْتُ عَلَی مُحَمَّدٍ زیراکه مرتبه عبد قاصر است ازان بلکه سوال کند
از خدا تعالی برای فرستادن صلوة بر وی صلی الله علیه وسلم و جایز است ابدال لفظ محمد به النبی و رسول الله نه بلفظ احمد و نه بضمیر
کو مرجع متقدم شود و نه بلفظ الرَّسُوْل چنانچه بیهقی و عبادی از امام شافعی نقل کرده اند و اما خارج نماز پس بعضی
گفته اند که اتیان صلوة بصیغه طلب یعنی اللهم صل وسلم افضل است چنانچه در تشهد جمیع و بکر جواب داده اند
محدثین اتفاق دارند بر اتیان آن در وقت تحدیث بصیغه خبر یعنی صلی الله علیه وسلم زیراکه نزد قراءت کتب حدیث مجمع میشوند
عوام پس در صیغه طلب خوف وهم آنها است که صلوة از خدا تعالی تا حال بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم یافته نشده و حالا
طلب آن میکنند و در صیغه خبر با وصف تضمن آن معنی طلب را این وهم نیست و تاکید در صیغه خبر زیاده است از صیغه طلب کما مر
آنفا **فائده** قراءت قرآن افضل است یا صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم جزری رد جواب داده است که صلوة بر وی صلی الله
علیه وسلم در مواطنیکه نص بدان وارد شده افضل است و غیر آن قایم نشود در مقام آن و اما در غیر المواطن پس قراءة قرآن
افضل و سید عبد القادر عیدروس جواب داده که مرید یکه از وانام و اوراد زیاده شده اند پس کثرت صلوة اولی است
در حق او برای تطهیر قلب که محل اخلاص است تا مستعد قبول انوار شود و هر که در سلک ابرار منتظم باشد پس قراءت قرآن افضل است
مر او را تا رفع حجاب و تضاعف انوار شود مروی است از امیر المومنین علی رضی الله عنه که اگر بدستی نبودی آنست من بذکر خدا مشغول
تقرب بوی تعالی نمی جستم مگر صلوة بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه شنیده ام رسول خدا را صلی الله علیه وسلم که میفرمود گفت
جبرئیل ای محمد بدرستیکه خدا تعالی میگوید هر که درود گوید بر تو ده بار مستحق امن شود از سخط من روایت کرده است آنرا التقی بن
مخلد و از طریق او ابن بشکوال لیکن در سندان مرد نیست غیر مسمی **فائده** ظاهر کلام بعض حنابله وجوب زیاده لفظ بارک
علی محمد است در صلوة و ابن حزم گفته که واجب است اگرچه در عمر یکبار و بعضی گفته اند که ظاهر آنست که هیچ یکی از علما غیر آنها قایل
نیستند باین و برکت بمعنی نمو یا زیادت خیر و کرامت است و بعضی گفته اند که بمعنی تطهیر از عیب است و بعضی گفته اند که بمعنی استمرار و دوام
تطهیر است **فائده** خلاف است درینکه اگر کسی درود فرستد بصیغه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ اَلْفَ مَرَّةٍ و عدد کذا و مثل آن
آیا حاصل میشود مر او را ثواب موافق آن عدد پس ابن حجر گفته که حاصل میشود ثواب اکثر از یکبار نه موافق عدد مذکور و بعضی
گفته اند که حاصل میشود او را ثواب موافق عدد مذکور حقیقة و بعضی گفته اند که عدد لغو است و شیخ زروق در بعض کتب خود گفته که قول
متوسط اولی بکرم او تعالی است و قول اخیر ظاهر است در اعتبار و نیز گفته شده که این مختلف است باختلاف احوال و اشخاص پس کسیکه
مانع است او را عجز نیست مانند کسیکه مانع است او را شغل و کسیکه مانع است او را شغل نیست مانند کسیکه اختیار کرده است آنرا از
غفلت و شیخ ابن حجر مکی روایت آورده که ابو الفرج عیدروس ابی المطرف سوال کرد از کیفیت صلوتیکه درین حدیث وارد شده مَنْ صَلّٰی
عَلَیَّ فِیْ یَوْمٍ خَمْسِیْنَ مَرَّةً صَافَحْتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ رواه ابن بشکوال پس گفت ابو المطرف بگوید اللهم صل علی
محمد خمسین مرة پس حاصل خواهد شد او را ثواب پنجاه بار انشاء الله تعالی و اگر پنجاه بار تکرار آن کند پس بهتر است انتهی

و مروی است که وی صلی الله علیه وسلم چون در آمد نزد بعض از ازواج مطهره در حالیکه تسبیح میخواندند و شمار میکردند به سنگریزه ها پس گفت که تحقیق گفتم کلمه که مقابل شد همه آنرا اگر تو گفتی سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهٖ عَدَدَ خَلْقِهٖ الحدیث پس این حدیث نص است در اینکه هر که بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ اَلْفَ مَرَّةٍ بِاَعْدَادِ خَلْقِکَ نوشته شود مر او را باین لفظ واحد شمار صلوة با موافق مخلوقات **فائده** صاحب تحفه فاکهیه گفته سزاوار است که مصلی مستحضر وارد حسن خَلق و خُلق آنحضرت صلی الله علیه وسلم از آنچه مذکور است در کتب شمائل و اگر زیارت قبر شریف کرده است و داخل مسجد نبوی صلی الله علیه وسلم شده پس خیال کند پس خیال کند که ایستاده است مقابل روی شریف وی صلی الله علیه وسلم لحاظ کند که مستجمع خصال حمیده است و بنام شریف تلذذ و کیف دل که این امور مثمر ثمرات جمیله و نتایج جزیله خواهد بود ان شاء الله تعالی الحمد علی المنه که مسوده این رساله بشب چهار شنبه هفتم ماه مبارک ربیع الاول سنه ۱۲۰۴ یکهزار و دو صد و چهار از هجرت نبی مختار صلی الله علیه وسلم باختتام انجامید و در اوایل محرم سنه مذکوره مسوده آغاز کرده بودم و آن در عرصه بیست و شش روز بانجام رسید

وصلی الله علی سیدنا محمد النبی الامی وعلی
آله و ازواجه و ذریته و اهل بیته و
اصحابه و انصاره بعدد کل
حرف کتب الف الف مرة وسلم
تسلیما کثیرا

تمام شد

رباعی تاریخ از جانب سید عبد اللطیف لطف

چون حله طبع یافت با حسن شیوع	این نسخه خوب بهر ارباب خضوع
تاریخ بگفت دل ز روی بهجت	اسناد درود گشته نیکو مطبوع
	۷۰ ۱۲

صحت نامه کتاب بسائم الازهار فی الصلوة علی سید الابرار

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۸	۹	دعو	محو	۱۴	۵	زر	در	۳۴	۱۱	غغو	غغفیر
۴	۱۱	ترکیه	تزکیه	+	+	اختیا،	اختیار	+	۱۲	عماطر	علما کمر
۸	۱۵	تفسیر ابن سلمی زاید است	تفسیر	+	۶	ازاتکفی	ازاتکفی هم	+	۱۴	باد	یاد
[illegible]	۵	رسمه	رحمه	+	۱۷	الاف	الاف	۳۴	۱	کذنته	گذشته
۵	۲۰	فرفظ	بلفظ	۱۴	۳	سلم	سلم است	+	۱۱	دیگراکه	زیراکه
۵	۲	غنیه	تنبیه	۱۲	۴	زبین	زمین	۳۶	۸	که هرکه	وازبعض صلحا نقل کرده که هرکه
۵	۲	ران	برآن	+	۲۴	سوم	روز	+	۱۴	این دروا	این درود را
۶	۵	صیتر	صیتر	۱۷	۵	لبسغین	بسبعین	+	۱۶	علی کما	علی محمد کما
۶	۱۹	بدلیل شریف	بدلیل حدیث شریف	+	۱۲	حلبه	حلیه	۳۷	۳	بعد	وبعد
۷	۸	منع	منع است	+	۱۴	النور	النور	+	۱۱	بن اهدل	بن احمد اهدل
۷	۲۰	قرطبی	قرطبی مفسر	۱۹	۲۱	المشروع	المشرع	+	۱۷	اراب	ارباب
۸	۱۴	اقوال	قول	+	۲۳	رر	در	+	۱۶	اوشان	ازوشان
۹	۶	برغم	برغم	۲	۲۱	یابد	باید	+	۲۵	غابت	غایب
۱۰	۱۰	متحل	محتمل	۲۶	۲۹	ابوبکر	ابوبکیر	۳۹	۲	حضرت	حضرت را
۹	۱۱	کراهت	بکراهت	+	۲۱	کیم	کریم	۳۹	۱۱	پسر	پستر
۹	۴	اوس	اوس بن اوس	۲۵	۳	مهی	محی	۴۲	۵	عربی	بن عربی
۹	۱۷	الفاط	الفاظ	۲۷	۲۴	حوایج	من حوایج	۴۳	۱	سیر	سبز
۹	۲۵	بن اوفی	بن ابی اوفی	۲۶	۴	یدیه	هدیه	+	۱۹	کُتب	کِتب
۱۰	۲	عمرکه	عمیرکه	+	۱۷	راین	واین	۴۵	۱۸	بروز	بروزن
+	+	متقد	منقد	۲۶	۱۹	صخراز	صخراز	۴۶	۱۶	سخت کنه	سخت که کنه
+	۱۷	نزدیکترن	نزدیکترین	۲۹	۱۷	ثلاثون	ثلاثة	۴۶	۱۹	تفهیم	تفهیم
۱۲	۱۶	چون	یعنی چون	۳۰	۷	تندم	آمدم	۴۸	۴	ینلجا	ینلجا
+	۱۹	کوینذ	کوینده	+	+	اوراه	وارود	+	۱۰	کنت	کمت

صفحه	سطر	غلط	صحیح								
				۹۲	۳	سنی	ابو نعیم سنی بن الخشن	۶۲	۱۳	لول	قول
۵۱	۱۰	گشت	گشت	+	۱۳	رد حمار	کفش حمار	+	۱۵	منقیین	متقیین
۵۲	۲	وار	آواز	۹۰	۲	نشود	یا فقط نشود بوی آن بس بود	+	۱۶	اکاره	اکابر
۵۴	۹	اذکر	اذکر	+	۴	این سبب	ابن مسیب	+	۲۱	کروه	گروه
۵۵	۲	اذکر	اذکر	۹۲	۱	مص	مومن	۹۱	۱	دخل	داخل است
+	۱۶	که رها	که مرا رها	+	۲	بذزدی	بدزدی	+	۱۴	کما	وکما
۵۷	۴	روی	روی وی	۹۶	۱۶	دهروز	در هر روز	+	۱۷	نفرت	ونفرت
				۹۶	۱۰	که	گفته که				
+	۱۹	براینکه	به اوبکه	۹۸	۱۳	واعروی	واخروی	۱۰۱	۱۹	باعلاء	باعلاء
۵۸	۷	روایت کرده	روایت کرده است	۹۶	۲	نیت تهلیل	نیت حج یا که کرده نیت تهلیل	۱۰۲	۲۰	واعلاء	واعلاء
۵۹	۶	وجوب	جواب	۹۷	۵	نیز	صلوة بر ملائکه نیز	۱۰۴	۲۴	لهذا	ولهذا
+	۱۲	رضی الله	رضی الله عنه	+	۹	این	ابن روایت	۱۰۵	۱	نقط	نقط دور
۶۰	۳	شعر شد	شعر است	+	۱۱	نخریر	تحریر	۱۰۶	۶	مه	بر
+	۱۱	قیس	قیس	+	۲۰	است	است صلوة	+	۷	و	در
۶۱	۲۵	بشنوند	بشنوند	۹۸	۶	ان	وصلی علیهم ان	+	۹	الهی	انتهی
۶۲	۳	رب است	سنت است	+	۹	خدرا	خدا را	+	۹	اشتغال	اشتغال
۶۴	۱۵	محمد	علی محمد	۹۹	۱۵	باجاعتی	با جماعتی	۱۰۷	۱۲	بدر	و پدر
								۱۰۸	۲	نیقدر	اینقدر
+	۲۴	بسید	بسیده	۹۰	۱	عنه	عنهم	۱۰۹	۸	نوری	نوروی
۶۸	۶	فرمود	فرود	+	۲۰	تحقیق	لیس تحقیق	۱۰۹	۹	ستبا	اشیا
۶۹	۲۱	ذیراو	زیر سراو	+	۲۵	سا	سا عدم	+	+	علیه	علیه وسلم
۷۰	۹	ازتهد	از تهجد	۹۱	۲	حمد	احمد	۱۱۰	۴	براینکه	این رابرآنکه
۷۱	۸	شد	ملیشد	۹۲	۱	ازبی	ازالی	+	۱۰	ها	عنها
+	۵	بوعب	ویرغب	+	۲۱	وسطع	وسراج	+	۱۰۱	فراط	افراط
+	۶	الاعظم الاعظم	الاعظم الاعظم	+	۲۳	طرانی	طبری	۱۱۱	۱۳	کو	که
+	۲۴	ابن عدی	وابن عدی	+	۲۴	انتشد	والتشدد	+	۱۹	خذم	خزم
۷۴	۲۰	ارد بیلی	اردبیلی		۱۰	رحمک	رحمک	۱۱۲	۶	[illegible]	سلم و سلم
[illegible]	۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]				[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]				[illegible]